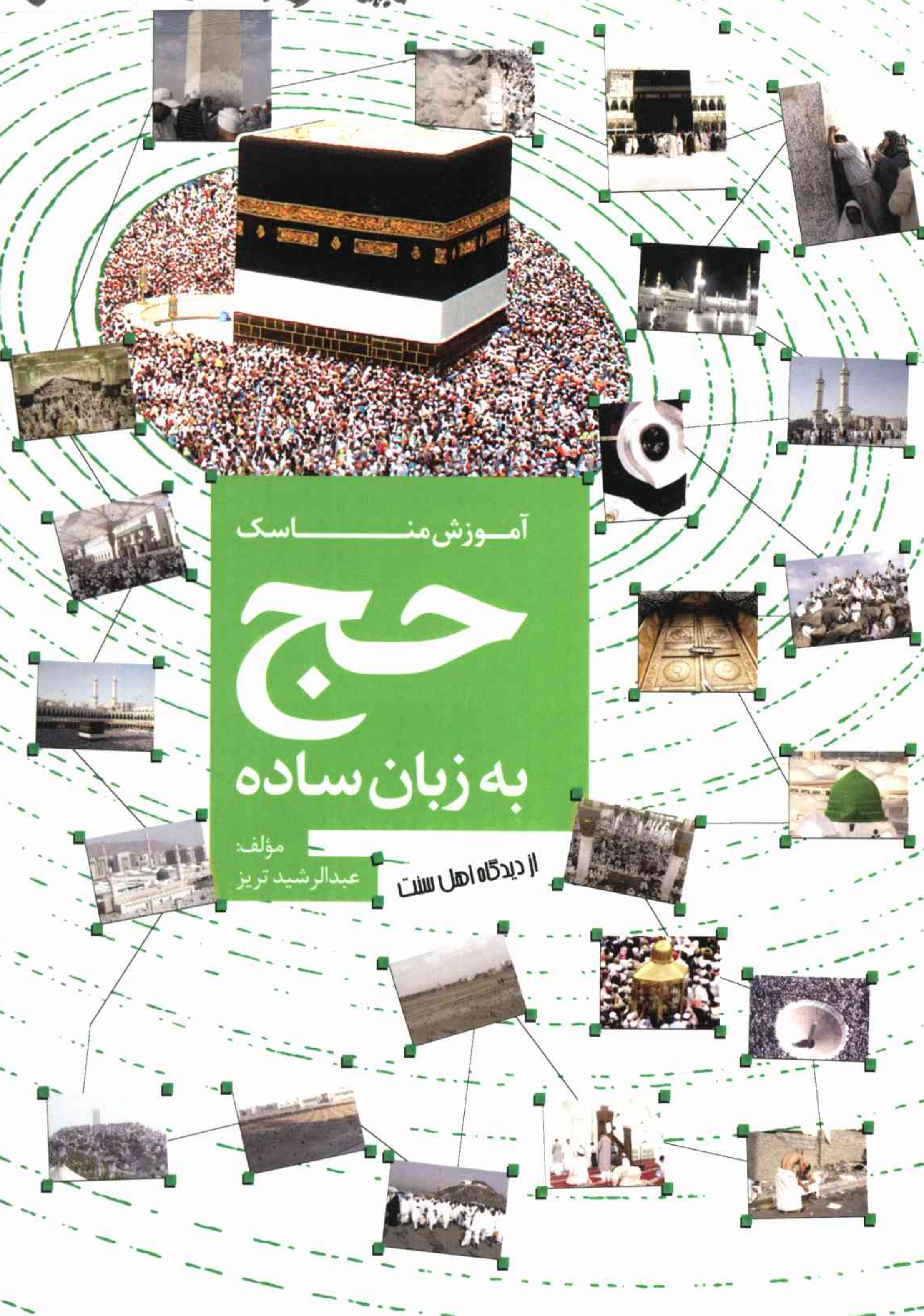


آموزش مناسک

حج
به زبان ساده

از دیدگاه اهل سنت

مؤلف:
عبدالرشید تریز

بسم الله الرحمن الرحیم

حج به زبان ساده

تریز، عبدالرشید، ۱۳۴۷
آموزش مناسک حج به زبان ساده / مولف عبدالرشید تریز.
تهران: احسان، ۱۳۹۲
۳۰۴ص. ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۷۷۲-۹
وضعیت فهرست: فیپا
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: حج - راهنمای آموزشی
BP ۱۸۸/۸/ت۴۴آ۸ ۱۳۸۹
۲۹۷/۳۵۷
کتابخانه ملی ایران: ۲۱۴۹۵۵۲

آموزش مناسک حج به زبان ساده

مؤلف : عبدالرشید تریز
ناشر : نشر احسان
تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ـ ۱۳۹۲
چاپ : چاپخانه مهارت
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹-۷۷۲-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

نشر احسان

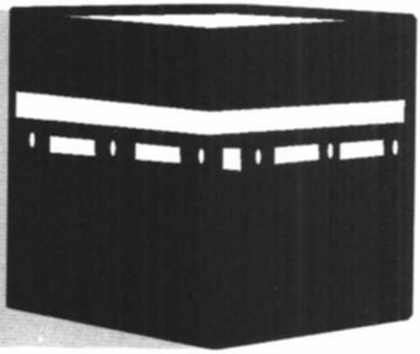
تهران: خیابان انقلاب ـ روبروی درب اصلی دانشگاه تهران
مجتمع فروزنده ـ واحد ۶۰۴
۶۶۹۵۴۴۰۴

آموزش مناسک

حج به زبان ساده

از دیدگاه اهل سنت

مؤلف:
عبدالرشید تریز



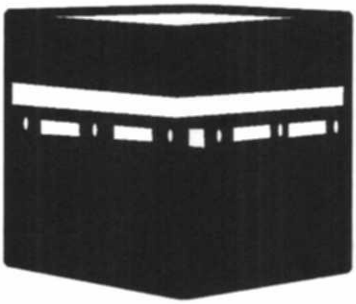


فهرست

باب سوم

بخش اول

بخش دوم



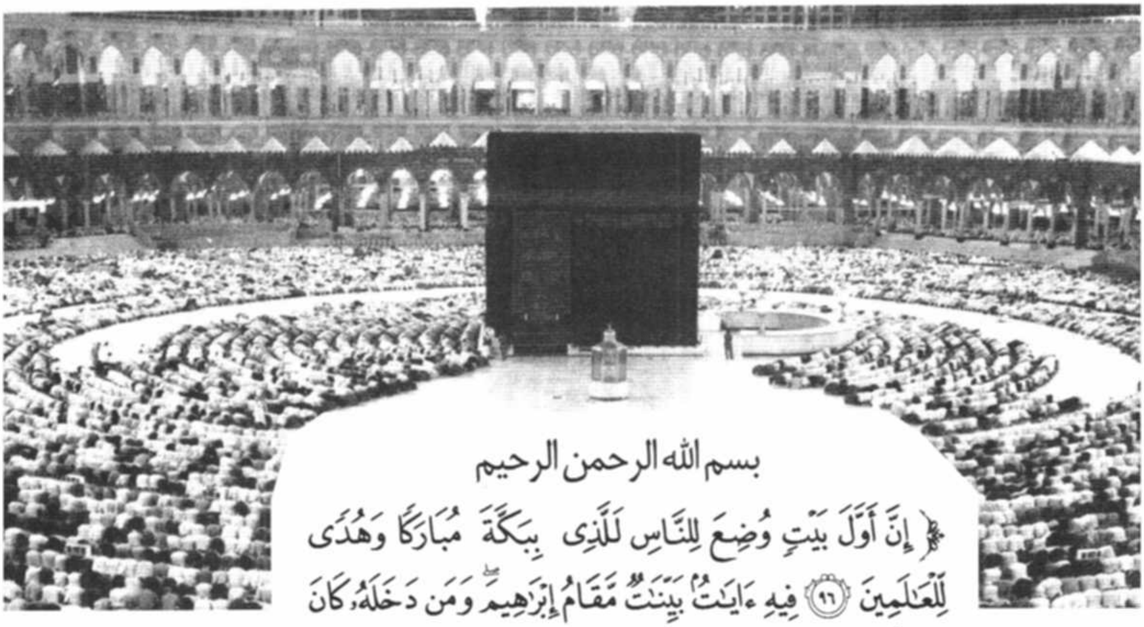
لبیک اللَّهمِّ لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک
إنَّ الحمد و النعمة لک و الملک، لا شریک لک



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا ۗ فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (بقره: ۲۰۱-۲۰۰)

«پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را مانند یادکردن شما پدران خویش را، بلکه بیشتر (خدا را یاد کنبد). پس از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست آنان را در آخرت هیچ نصیب. و گروهی هستند که می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی بده و از عذاب آتش ما را دور نگه دار (یعنی از خیر و خوبیهای دنیا و آخرت ما را بهره‌مند بگردان).»



بسم الله الرحمن الرحیم

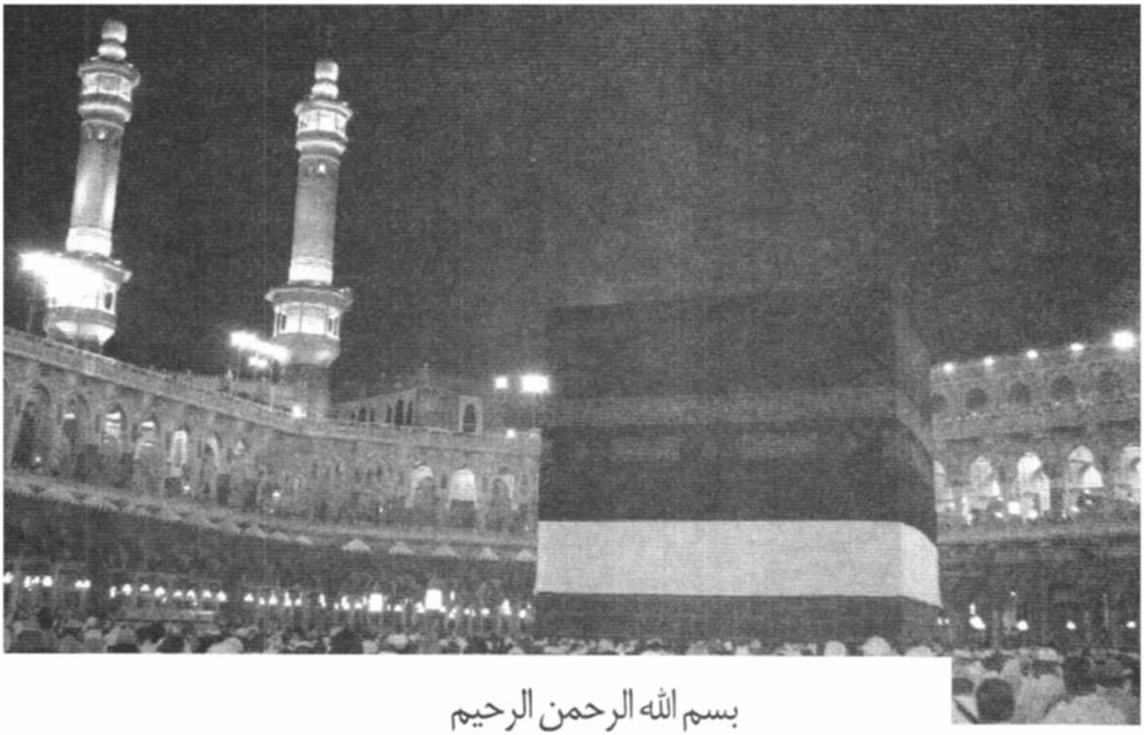
﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى
لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ
ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن
كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٧﴾﴾ (آل عمران: ٩٧-٩٦)

«قطعاً نخستین خانه‌ای که برای مردم بنیانگذاری شده، خانه ایست که در مکه قرار دارد با برکت و مایه‌ی هدایت جهانیان است در آن نشانه‌های روشنی است (من جمله) مقام ابراهیم و هر کس که وارد آن شود در امان است و خداوند حج خانه‌ی کعبه را بر کسانی از مردم که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند واجب گردانده است و هر کسی که کفر ورزد پس خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.»

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴾ البقرة: ١٩٦

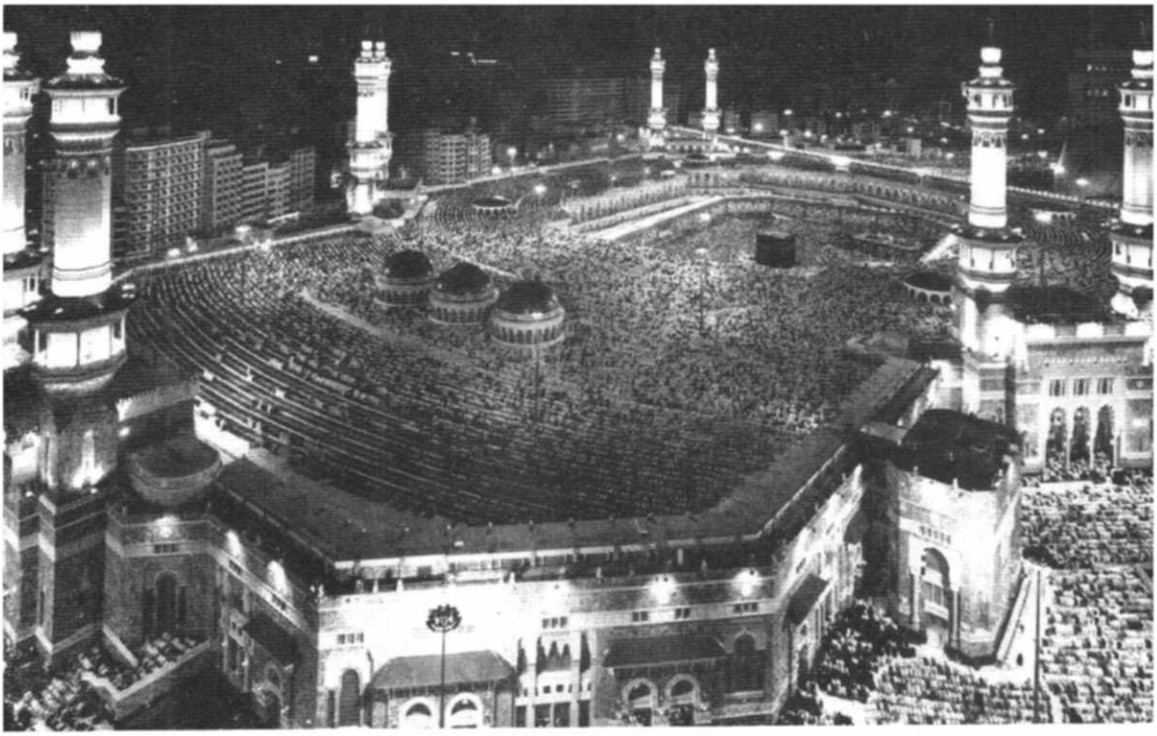
«و حج و عمره را (فقط برای رضای) خدا به پایان برسانید و اگر چنانچه (از انجام و اتمام حج و عمره) بازداشته شدید، هر آنچه که از هدی (قربانی) میسر است ذبح نمایید و سرهایتان را نتراشید تا هنگامیکه هدی (قربانی) به جایگاهش برسد پس هر آنکس که از شما بیمار شد و یا آزاری در سر داشت (و بخاطر آن ناچار شود که سرش را بتراشد) پس باید که فدیه‌ای بدهد از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی و هنگامیکه امنیت و آسایش یافتند و هرکسی که پس از عمره قصد حج نماید بر اوست (که به شکرانه‌ی این نعمت) هرآنچه میسر است قربانی کند و کسیکه قربانی نیافت سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز وقتیکه برگشتید این ده روز کاملی است این (حج برای کسی که خانواده‌ی او اهل (ساکن) مسجدالحرام نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خداوند کیفر دهنده‌ای سخت است.»



بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ اَلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ اَلْحَجَّ فَلاَ رَفَثَ وَلاَ فُسُوقَ وَلاَ جِدَالَ فِي اَلْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ اَلزَّادِ اَلتَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي اَلْأَلْبَابِ ﴾ (بقره: ۱۹۷)

«حج در ماه‌های معینی است (یعنی در ماه‌های معینی انجام می گیرد) پس هر کس در این ماه‌ها حج را برخود فرض گرداند (یعنی احرام حج بست بداند) که آمیزش (کلیه مسائل جنسی) و گناه و نافرمانی و جدال (درگیری با سایرین) در حج جایز نیست و هرآنچه که از کارهای خیر انجام می‌دهید خداوند به آنها آگاه است (و آنها را می‌داند) و توشه برگیرید قطعاً که بهترین توشه تقوی و پرهیزگاری است و از خداوند بترسید ای خردمندان.»



قال النبی ﷺ:

(العُمرَةُ الی العُمرَةِ کَفّارةٌ لِما بَینَهُما وَالحَجُّ المَبرُورُ لَیسَ لَهُ جَزاءٌ الّا الجَنَةَ) (بخاری/ ۱۷۷۳ / مسلم / ۱۳۴۹)

«از عمره تا عمره‌ی دیگر کفاره گناهانی است که میان آن دو انجام شده است و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد.»

پیشگفتار

اَلحَمدُلله الذی هَدَانا لِهَذا وَ مَا کُنّا لِنَهتَدِی لَولا أن هَدَانَاالله

اسلام از سوی دانشمندان و متفکران اسلامی گذشته و معاصر، به سه بخش تقسیم و طبقه‌بندی شده است:

۱. عقاید:

این بخش، اصول و مبانی اعتقادی دین را شامل می‌شود. اصول و مبانیی که از آنها به فصل الاصول و اصول‌الدین تعبیر می گردد، که شامل شش قسمت اساسی است.

۱. ایمان به خدا؛

۲. ایمان به فرشتگان؛

۳. ایمان به پیامبران؛

۴. ایمان به کتاب‌های آسمانی؛

۵. ایمان به سرنوشت انسان و جهان؛

۶. ایمان به روز رستاخیز (= آخرت).

هر کدام از موضوعات ششگانه‌ی فوق در ذیل خود دارای مباحث، جزئیات و فروعات فراوانی می‌باشد که در نوع خود مهم و درخور توجه و مستلزم اعتقاد و ایمان بدانهاست و هر فرد مسلمان می‌بایست در حد ضرورت بدانها علم و آگاهی پیدا کند. تمامی مباحثی که به یکی و یا همه‌ی موارد ششگانه‌ی یاد شده ارتباط داشته باشد داخل در این بخش خواهد بود.

۲. اخلاق :

در این بخش، اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی دین جای دارد و مورد توجه و عنایت صاحبان، متولیان و علمای اخلاق قرار می گیرد. اصول و مبانیی که از آنها به صفات قلب که اصول و مبانی تزکیه و اصلاح نفس می‌باشند نیز نام برده شده است. در این مبحث از مفاهیم و معانی مهمی چون: اخلاص، انابت، ایثار، صدق، ورع، صبر، زهد، مروت، احسان، تعاون، ضبط نفس و... سخن می‌رود. معنویت و مفاهیمی که اساس تزکیه و تربیت دینی قرار دارد و همه‌ی صفات و خصایص دیگر اخلاقی و تربیتی بر آنها استوار است و اهمیت، ماندگاری و اثرگذاری خود را از آنها الهام می گیرد.

۳. احکام :

این بخش، احکام علمی دین را شامل می گردد. ارکان اساسی این بخش که زیربنای سایر اعمال قرار می گیرند عبارتند از :

۱. شهادت دادن به یگانگی خداوند؛

۲. اقامه‌ی نماز؛

۳. پرداخت زکات، البته این برای کسانی است که صاحب مال، ثروت و دارایی‌اند و ثروت آنان به حد نصاب زکات رسیده باشد؛

۴. روزه‌ی ماه رمضان؛

۵. حج بیت‌الله - البته این برای کسانی است که توانایی مالی دارند و علاوه بر زاد خانه، زاد راه را نیز داشته باشند.

و در بعضی روایات «جهاد» نیز جزو ارکان اسلام ذکر شده است.

***

مجموعه‌ی همه‌ی اینها که در بالا ذکر گردید اسلام را به عنوان یک نظام، برنامه و روش

زندگی کامل و جامع شکل می‌دهد. بخش‌های سه گانه‌ی فوق چنان بهم پیوسته، مربوط و در تاثیر و تاثر با همدیگراند که به هیچ صورتی نمی‌شود وجود یکی را بدون وجود دیگری تصور کرد و یا یکی را بدون دیگری به پای داشت و ماندگار کرد. حذف، تعطیلی و کنار گذاشتن یکی به حذف، تعطیلی و کنار گذاشتن دیگری خواهد انجامید. ماندگاری و بقای هر کدام به ماندگاری و بقای دیگری رابطه‌ی قطعی و لایتخلف دارد. بنابر این هیچ کدام از اینها را نمی‌توان به تنهایی مد نظر قرار داد و از غیر از آنها چشم پوشید و اینگونه تلقی کرد که هر کدام از بخش‌های فوق بدون وجود بخش‌های دیگر کماکان هویت، اصالت و تأثیرگذاری وحیانی / آسمانی خویش را حفظ خواهد کرد. سید قطب شهید(رح) در کتاب «ما چه می‌گوییم» در این باره سخن فصل الخطابی دارد. می‌گوید:

«ایدئولوژی اسلام یک ایدئولوژی تجزیه‌ناپذیر است. یا باید همه‌ی اصول آن را به کار برد یا باید دم از اسلام نزد»

این یک واقعیت مسلم و تردیدناپذیر است. که قرآن در بسیاری از آیات و سنت پیامبر اکرم ﷺ در بسیاری از روایات بدان اشاره و حتی تصریح دارد. بنابراین بخش عقاید بدون دو بخش اخلاق و احکام و بخش‌های عقاید و اخلاق بدون بخش احکام و بالعکس هرگز اسلام کامل گفته نخواهد شد پس اسلام یعنی: مجموعه‌ی عقاید، اخلاق و احکام و لاغیر. همانگونه که اگر شخصی به عقاید پایبند باشد ولی به بخش‌های اخلاق و احکام پایبندی نداشته باشد و یا به بخش‌های عقاید و اخلاق معتقد و ملتزم گردد ولی احکام را کنار بگذارد و بالعکس هرگز مسلمان کامل گفته نخواهد شد. پس مسلمان واقعی یعنی کسی که به مجموع عقاید، اخلاق و احکام معتقد و ملتزم باشد.

اسلام یعنی مجموعه‌ی بخش‌های سه گانه و مسلمان یعنی کسی که به همه‌ی بخش‌های سه گانه‌ی یاد شده ایمان و عقیده داشته و بدانها پایبندی و التزام داشته باشد و تمام بخش‌های عقاید، اخلاق و احکام را در زندگی خویش بنحو شایسته و بایسته‌ای - آنگونه که اسلام می‌گوید - عملی و اجرایی کند. بخش‌هایی از اسلام را نگاهداشتن و اجرا کردن و بدان پایبند بودن و از بخش‌هایی از آن چشم پوشیدن و به تعطیلی کشاندن هرگز اسلام گفته نخواهد شد. کاری که امروز بسیاری از مسلمان نماها تبلیغ و تلقین می‌کند.

❋ ❋ ❋

درباره‌ی کتاب

در بخش سوم؛ به ارکان اساسی اسلام اشاره شد که یکی از آنها عبارت بود از «حج بیت‌الله‌الحرام».

موضوع حج؛ یکی از مهم‌ترین موضوعات فقه اسلامی در طول تاریخ بوده و دانشمندان، فقیهان و عالمان دین در گذر تاریخ بلند اسلامی، به آن و در بحث پرداختن به احکام آن عنایت جدی و طاقت فرسایی داشته‌اند. حج یکی از باشکوه‌ترین و پرشوکت‌ترین مراسم و آیین‌های دینی در اسلام می‌باشد. مسلمانان - البته کسانی که توانگراند - باید به عنوان یک فریضه در عمر یکبار در این آیین باشکوه شرکت نموده و حضور بهم رسانند و عظمت اسلام را در آیینه‌ی این آیین بزرگ و جهانی به چشم سر ببینند و با حس گرهای وجود خود حس و لمس کنند و از آثار و برکات بی‌حد و حصر آن در حد توان خود و به میزان و مقدار لیاقت و کفایتی که قبل از سفر در روح و روان و ظاهر و باطن خویش مهیا دیده‌اند بهره‌مند گردند.

کتابی که در برابر دیدگان شما «زائر گرامی» قرار دارد و بخواست خدا عزم و اراده نموده‌ای تا با تمام وجود خود با آمادگی روحی، روانی و قلبی کامل آن را راهنمای سفر حج خویش قرار دهی تا از آموزش‌های گام به گام آن، بهره وافر ببری و از علوم و معارف آن که در نوع خود - بدلیل سبک نگارش و شیوه‌ی طرح و ارائه‌ی زیبا و روان مسائل - در بین سایر کتاب‌های حج بدیع می‌نماید بهره‌برگیری؛ محصول تجارب و اندوخته‌های گرانسنگی است که مؤلف محترم کتاب در طی سالیان متمادی و در خلل سفرهای متعدد حج لحظه به لحظه در اثناء انجام اعمال و مناسک و با تجربه‌ی مستقیم سختی‌ها و مشقت‌هایی که با جان خود لمس کرده به دست آورده است. بنابراین کتاب حاضر محصول تراوش‌های تجربی‌ای است که مؤلف کتاب در کنار مطالعه‌ی منابع مهم در زمینه‌ی حج، حاصل نموده است که هم اکنون به حول و قوه‌ی الهی برشته‌ی تحریر درآمده و در دسترس شما زائر گرامی قرار دارد.

همانگونه که اشاره کردم این کتاب با سایر کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش یافته‌اند کاملا ممتاز و متمایز می‌باشد. اگر به کتاب‌های حجی که در دسترس عموم قرار دارد اندک نگاهی بیفکنید خواهید دید که همواره آنها بر اساس نگارشی کاملا فقهی و همراه با انبوهی از احکام، اصطلاحات و واژگان فقهی تحریر یافته‌اند که برای بیشتر زائران گرامی

فراگیری آنها در ایام بسیار محدود حج که خود همراه با دنیایی از مشقّت، نگرانی و اضطراب می‌باشد دشوار و سخت است.

واقع امر این است که کتاب‌های حجی که تاکنون تالیف شده‌اند در کتابخانه‌ها و بدور از حال و هوای حج و بدون کسب تجارب سنگین چندین ساله به رشته تحریر در آمده و هم اینکه بیشتر آنها صبغه‌ی کاملا فقهی دارند و برای زائران که اغلب از میان عموم مردم‌اند و از تعلیمات و سواد دینی کاملا بدوراند و هیچ گونه آگاهی قبلی و پیشینی نسبت به حج و احکام آن ندارند خواندنشان برای بیشتر آنها خیلی اضطراب آور و نگران کننده‌اند و طرفه آنکه حتی این گونه کتاب‌ها برای خود مترجمان و مؤلفانشان نیز احیانا دردسرساز بوده و آنان را دچار سردرگمی می‌نمایند.

طبیعی است که مؤلف محترم کتاب، خود از کسانی است که در این سال‌های متمادی از نزدیک با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده و بر این معضلات و مشکلات در ایام حج اشراف کامل دارد و مشکل آفرینی بسیاری از کتاب‌های حج را نیز نیک می‌داند و حتی خود نیز به کرات با این نوع مشکلات در ایام حج مواجه شده است. بر این اساس ایشان در این اواخر احساس نیازی که کرده بود عزم را جزم می کند تا در زمینه‌ی حج کتابی بنگارش درآورد تا ضمن این که مسائل و احکام حج را به نیکی و درستی بیان کند؛ اولا؛ کتاب به زبان ساده و روان نگاشته شود، ثانیا در بیان مطالب از روش فقهی و بکارگیری اصطلاحات سنگین فقهی پرهیز گردد تا زائران گرامی بتوانند بدور از هرگونه دغدغه، اضطراب و نگرانی، اعمال و مناسک حج را بخوبی انجام بدهند و با خاطری آسوده و در حالی که سرشار از شادی و شادمانی‌اند از خانه‌ی خدا به خانه‌ی خویش باز گردند.

ویژگی دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد دانستنی‌های لازم و مفیدی است که هر زائر بیت‌الله‌الحرام اشتیاق زائدالوصفی به دانستن آنها دارد و می‌خواهد از آنها آگاهی و اطلاع مختصر و مفیدی پیدا کند.

این دانستنیها عبارتند از:

۱. دانستنیهای مکرمه‌ی مکرمه؛

۲. دانستنیهای مدینه‌ی منوره.

اینها مطالب و موضوعاتی است که بیشتر کتاب‌های حج بدون اینکه اشاره‌ای بدانها داشته باشند از آنها عبور کرده‌اند. اما مؤلف محترم کتاب کوشیده تا در این زمینه نیز

مطالبی را به طور اختصار و درخور نیاز که آگاهی و اطلاع از آنها سودمند واقع گردد بر کتاب بیفزاید که الحق توانسته در این قسمت هم بخوبی حق مطلب را ادا کند. در پایان از خداوند منان مسألت دارم تا این اثر گرانقدر و محترم را برای مؤلف گرامی توشه و سرمایه‌ای برای آخرت قرار دهد و مسلمانان را از سودمندی‌های آن بهره‌مند سازد.

و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه و من تبعهم باحسان الی یوم‌الدین اجمعین.

محمد انور بزرگزاده - ایرانشهر
بهار سال / ۹۱

مقدمه

(الحمدلله نحمده و نستعینه، نستغفره و نؤمن به و نتوکل علیه و نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا، من یهدی الله فلا مضل له و من یضلل فلا هادی له و اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریک له فی الوهیته و ربوبیته و اسمائه و صفاته و اشهد ان محمداً عبده و رسوله، ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون و صلی الله علیه و علی آله و اصحابه اجمعین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین)

زندگی یک جاده‌ی یک‌طرفه‌ی بی‌بازگشت است که هیچ احدی چه قدرتمندان، چه ثروتمندان و چه دانشمندان، هیچگاه قادر نخواهند بود که نه تنها یک مرحله از آن چون کودکی، نوجوانی و جوانی حتی یک لحظه‌ی آن را دو بار تکرار و تجربه کنند، تنها راهی که وجود دارد، راه پیش رو و آینده است و بس! که آدمی شتابان و بی‌توقف باید بدانسو حرکت کند هرچند که خودش هم خواهان نباشد ولی باز مجبور است که به جلو بتازد حتی اگر کسی خود را از حرکت، تلاش و فعالیت متوقف سازد ولی گذر عمر و زمان او متوقف نمی‌شود و به حکم جبری سیر و حرکت زمان به پیش رانده می‌شود. و تا آنجا که مقدر است می‌رود.

با همه‌ی این تفاصیل آدمی قادر و مخیّر است که مطابق با خواست، و سلیقه‌ی خویش در کیفیت آن دخل و تصرف کند و از آن بهره ببرد و یا هیچ استفاده‌ای نبرد.

بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که بایستی از این فرصت داده شده‌ی طلایی به شایسته‌ترین وجه استفاده برد به گونه‌ای که پس از دیروز امروزمان شادتر و طلایی‌تر شود.

باید از زندگی و لحظه لحظه‌ی آن بهترین بهره‌ها را برد و نباید چنان کرد که بخاطر از دست دادن زمان بی‌بازگشت دست حسرت بر سر نهاد و آه از نهاد برآورد که آن موقع هیچ سودی را در بر نخواهد داشت.

آه! چه اسفناک است و دردناک، لحظاتی که از گنجینه‌ی عمر و از سرمایه‌ی حیات ما کاسته می‌شوند بی‌آنکه ما از آن ساعات بهره‌ای شایسته و بایسته برده باشیم.

آری برادر! این لحظات و ساعات عمر ما هستند که رایگان از دست می‌روند و ما چه جاهلانه و چه غافلانه به نظاره ایستاده‌ایم، بی‌آنکه اندکی بیندیشیم و برای استفاده‌ی بهینه از آنها برنامه‌ریزی کنیم؛ برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده یکی از ویژگیهای مؤمن است. باور نداری به زندگی گهربار رسول الله ﷺ آن اَبَر پیامبر هستی و به‌ویژه هنگام هجرتش نظری بیفکن تا شاید خواب غفلت را از دیدگانت بزداید و موجب گردد تا چاره‌ی واقعه قبل از وقوع کنی و برای باقیمانده‌ی عمرت برنامه‌ریزی نمایی.

آنگاه که گنجیه‌ی عمر ما به لحظات پایان نزدیک می‌شود تازه متوجه می‌شویم که چه چیز گرانبها و باارزشی را از دست داده‌ایم و می‌بینیم که کار از کار گذشته است. و کاری جز حسرت و اندوه از دست ما برنمی‌آید «چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی».

برای آنکه بیشتر باور کنی و به یقین برسی به قرآن و آیاتی که از بازماندگان راه ثواب و عبادت حکایت می‌کنند نظر کن.

ناامید نشو، هنوز فرصت هست، الله جل جلاله بقدری مهربان است و رحیم و بخشنده که در وهم و خیال من و تو نمی‌گنجد. حتی از خودمان نسبت به خودمان مهربانتر است.

بنگر که چه فرصتهایی را به من و شما عطا کرده است. هرچند که از نظر فیزیکی و عملی امکان بازگشت به گذشته و بازیافت گذشته ممکن نیست ولی الله تبارک و تعالی با فضل بیکرانش و رحمت بی‌پایانش فرصتهایی را در اختیار ما قرار داده که در واقع در حکم بازگشت به گذشته و بازیافت گذشته است. یکی از آن فرصتها حج است که با بجاآوردن صحیح و درست آن‌چنان گذشته‌ات پاک می‌شود و منزه که تصورش را نکنی، اگر آن را درست بجا آوری چونان کودکی پاک، معصوم و بیگناه که تازه دیده به جهان گشوده به آغوش خانواده بازخواهی گشت.

بنگر که الله جل جلاله از زبان پیامبرش چه به من و شما می‌گوید: (من حجّ فلم یرفث و لم یفسق، رجع کیوم ولدته امّه).

کسیکه حج بجا بیاورد و مرتکب گناه و فجور نگردد همچون روزی که از مادر متولد شده است پاک و بی‌گناه بازمی‌گردد.

آنگاه که با نیتی خالص و مالی حلال و با علم و شناختی کافی حج بیت الله را بجا آوردی، لطف الله عزوجل شامل حالت می‌شود و زنگار گناه از نامه‌ی اعمالت می‌زداید، چنانکه گویی عمری دوباره یافته‌ای و دیگر بار فرصت پیدا نموده‌ای که جبران مافات کنی و زندگی دوباره‌سازی.

الله جل جلاله در حج چنان قدرتی نهاده است که همچون ماده‌ای سفید کننده و شوینده‌ای بسیار قوی تمام لکه‌های ننگین گناه را از پرونده اعمالت بشوید و پاک کند و سفیدی را دوباره به پرونده‌ات ارزانی بدارد، به شرط آنکه تو قدر حج را بدانی! و بدانی که به کجا می‌روی و چرا می‌روی؟

رسول مکرم اسلام اَبَر پیامبر تاریخ بشریت در روایتی گرانسنگ چنین فرمودند: (الحَجُّ یَهدِمُ مَا کَان قَبلَهُ).

حج گناهان پیشین را نابود می کند، سبحان الله چه مژده‌ای!؟ چه فرصتی برای آنانکه قدر بشناسند و اهمیت بدهند و غرق در زندگی مادی نگردند.

همانطور که حج زنگار گناه را از صفحه‌ی اعمال می‌زداید، همچون کوره‌ای سوزان پرده‌های ریا را کنار می‌زند و آدمی همچون مسی زراندود یا طلایی ناب در کوره‌ی آن گداخته می‌شود و عیار واقعیش برای دیگران نمایان می گردد.

چه بسیارند کسانی که ماسک‌های گوناگون به چهره دارند و در ورای این ماسک‌ها از سادگی و پاک‌دلی مردم سوءاستفاده کرده و به چپاول و غارتگری مشغول هستند. بی‌آنکه مردم اندکی به آنان شک کنند و یا در مورد پاکیشان تردیدی بخود راه دهند اما همین آدمیان روبه صفت و ریاکار چون به حج می‌روند درحالیکه نیّت درستی ندارند و مالی حلال و پاک همراهشان نیست همچون همیشه ماسک تظاهر و ریا را بر چهره می‌زنند، غافل از اینکه در این میدان، ماسک به کار نمی‌آید و چه زود کنار می‌رود و چهره‌ی حقیقی آنان برای مردم عریان آشکار می‌گردد.

از این رهگذر است که چه بسیار کسانی که از این سو با ماسکی آراسته و زیبا به حج می‌روند و وقت بازگشت بدون ماسک بازمی‌گردند و دیگران انگشت به دهان متعجب می‌مانند که این بنده‌ی خدا پیش از آنکه به حج رود خیلی بهتر بود. آدم صالحی بود اما بعد از بازگشت از این سفر پربار و ارزشمند با وضعی بدتر بازگشته است.

نه برادر! او بدتر نشده است، بلکه او همان هست که بوده اما با این تفاوت که قبلا

وی را با فلان ماسک زیبایی که بصورت زده بود مشاهده می‌کردند اما امروز دیگر آن ماسک در کوره‌ی گدازان حج از بین رفته و چهره‌ی حقیقی و ماهیت واقعی او نمایان شده است و مردم چنین می‌پندارند که او بعد از بازگشت از این سفر اینچنین بازگشته‌است.

بگذار مثالی ساده ذکر کنم تا حقیقت امر بهتر نمایان شود، نمی‌دانید تجارت و داد و ستد کالایی که سود فراوان دارد، هر گاه که به شکست بینجامد، ضرر و زیانش به همان میزان سنگین و کمرشکن خواهد بود. پس برادر! به هوش باش!

نکته‌ی دیگری که حائز اهمیت است اینکه یکی از بنیادی‌ترین نیازها و امیال آدمی، میل به جاودانگی است، هر گاه حج به درستی انجام پذیرد، آدمی به این مقصود خویش نایل می‌آید. چون رسول مکرم اسلام فرمودند: (الحج المبرور لیس له جزاء الاّ الجنة)

حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد و در بهشت است که این خواست آدمی به واقعیت می‌پیوندد.

به هر تقدیر پیرامون حج و عمره کتابهای متعدد و فراوانی به رشته تحریر درآمده است که اغلب بسیار مفصل و طولانی و مملو از فروعات، جزئیات و فرضیات بیشمارند، که زائران از آنها بهره‌ی چندانی نمی‌برند چون خیلی مفصلند.

و از آنجاییکه زائران از حج و اعمال آن اطلاع و آگاهی چندانی ندارند اکثر آنان قبل از سفر و چه در خلال سفر همواره در حال اضطراب و استرس به سر می‌برند، این نگرانی از یک سو ناشی از عدم آگاهی آنان از فضیلت و احکام حج است و از دیگر سو ناشی از بیم و هراسی است که در دل دارند که مبادا دچار اشتباه شوند و با کوچکترین اشتباهی باید جریمه مالی شوند و علاوه بر جریمه‌ی مالی این احتمال وجود دارد که حجشان فاسد گردد.

و از یک طرف سخت هراسان هستند که مبادا در حین انجام اعمال حج خدای ناکرده جان به جان آفرین تسلیم کنند.

زائر گرامی! ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که کلیه‌ی نگرانی‌های شما را برطرف کنیم، در این کتاب سعی کرده‌ایم که از ذکر مسایل غیرضروری جداً پرهیز کنیم و کوشش ما بر آن بوده که به اکثر سؤالات شما پاسخ داده شود و با مطالعه‌ی این کتاب نه تنها از مسال مربوط به حج بلکه اگر تمایل داشته باشید مسایل متعلق به حرمین شریفین را نیز به نیکی و درستی خواهید آموخت.

این کتاب خیلی ساده و روان و بدون دشواری و پیچیدگی به نگارش در آمده است.

زائر عزیز! من به شما اطمینان می‌دهم که با مطالعه و عمل کردن به دستورالعملهای آن بدون کوچکترین خطر و نگرانی بخواست خدا و بی‌آنکه دچار مشکلی شوی و یا آسیبی ببینی و یا خدای ناکرده در حج تو خللی وارد شود و یا دمی (جریمه‌ای) بر تو واجب گردد، حج خویش را به پایان خواهی رساند.

در یک تقسیم‌بندی کلی کتاب را به سه باب و هر باب را به بخشها و فصلهایی تقسیم‌بندی کردیم تا دست‌رسی به مطالب آن آسانتر باشد.

باب اول: دانستنیهای مکه‌ی مکرمه و حج

در این باب بحث را از خودسازی قبل از سفر حج، نگاهی به کشور عربستان سعودی و میقات آغاز نموده‌ایم و در ادامه به مباحثی چون حِلّ، حرم، مقام ابراهیم، شاذَروان، عرفات، مزدلفه، آب زمزم، آب زمزم در آزمایشگاه‌های معاصر، بیان علت نامگذاری و فضایل ویژه‌ای که پیرامونشان وارد شده تا آغاز مناسک و اعمال حج پرداخته‌ایم که ان شاءالله در نوع خود مسایلی تازه و جدید بوده و مورد نیاز هر کسی که قصد زیارت حرمین شریفین را دارد.

باب دوم: نگاهی اجمالی به اعمال حج

در این باب اعمال حج را به صورت روان و گام به گام به گونه‌ای که گویی معلمی همراه زائر است و در هر مکان و زمان لازم، عمل ویژه‌ی آن زمان و مکان را به وی یادآوری می کند بی‌آنکه بگوید که این فرض است و یا واجب است و یا سنّت.

همچنین در این باب مباحثی چون: حج مبرور چیست؟حج اکبر چیست؟ و آیا تکرار حج و عمره افضل است یا انفاق بر فقراء؟ آیا کثرت طواف در مکه مکرمه افضل است یا تکرار عمره؟ و فضیلت روزه و صدقات در حرمین شریفین و... کاملا مورد بحث قرار داده و مستند بدان‌ها پاسخ گفته‌ایم که طرح این مباحث هم در اینگونه کتابها ـ ان شاء الله ـ در نوع خود بدیع و تازه است.

باب سوم: دانستنیهای مدینه‌ی منوره

در این باب دانستیهای مدینه منوره از قبیل بقیع و علت نامگذاری و فضایل پیرامون آن، ریاض الجنة، روضة النبی مسجد قبا، کیفیت عرض سلام و... مستند بیان داشته‌ایم.

در کل هر سه باب کتاب شامل دوازده بخش می‌باشند و هر بخش متناسب با مباحث طرح‌شده در آن به چند فصل تقسیم شده است.

سعی ما در این کتاب بر آن بوده که ضروریات را ذکر نماییم و از ذکر فروعات، فرضیات، جزئیات و یا حتی جنایات[۱] پرهیز نموده‌ایم چون فرض ما بر این استوار است که ان شاءالله زائر با رعایت دستورالعملهای آن نیازی به مبحث جنایات پیدا نخواهد کرد.

و شیوه اصلی طرح مباحث به صورت بسیارساده و روان بوده بگونه‌ای که نه آنقدر مفصل باشند که موجب ملال گردند و نه آنقدر مختصر که فهم مطلب را دشوار سازند و همچنین در پایان بخشها و فصلها صفحه‌ای را به یک پیام ساده که پنداشته‌ایم برای زائر مفید هست اختصاص داده‌ایم.

خلاصه سعی بر آن داشته‌ایم که کتاب معلمی باشد که با زبان شما سخن می گوید و به سؤالات و ابهامات شما پاسخهای مستند و مدلل را با زبانی ساده و عام فهم ارائه می‌دهد.

هر حسن و خوبی که در این کتاب یافت شود از لطف و احسان الله تبارک و تعالی است و هر گونه عیب و نقصی باشد از جانب حقیر می‌باشد؛ و از صاحب‌نظران می خواهم که بنده را مطلع سازند.

در پایان از کلیه‌ی عزیزانی که در نگارش و تألیف آن به هر نحوی ما را یاری رسانده‌اند به ویژه برادر ارجمند، دانشمند فرزانه جناب مولانا محمدانور بزرگزاده (حفظه الله) صمیمانه تشکر می کنم و از الله تبارک و تعالی عاجزانه می‌خواهم آنگونه که بر تألیف و تکمیل آن بر حقیر منّت نهاده و توفیق عطا کرده، آن را برای امت اسلامی مفید قرار دهد و جامه قبول بپوشاند و باعث نجات حقیر در روز قیامت گردد. آمین

(و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین و صلی الله علی محمد و آله و اصحابه اجمعین)

عبدالرشیدتریز
مدرس حوزه علمیه حقانیه ایرانشهر
۸۸/۴/۱۰

---

۱. در مباحث حج؛ هرگاه کسی مرتکب اشتباهی شود و بر او جریمه مالی واجب گردد از آن به جنایت تعبیر می‌شود.

صحبتی با زائر (حاجی)

ای که داده ذوالجلالت مال و زر
صحّت و پست و مقام وکرّوفر

هان مده عُمر گرامی را
هدر سوی بیت‌الله رحمن کن سفر

چون ندانی کی دهند بانگ رحیل
زود برو سوی حرم همچون خلیل

نیت خود صاف گردان با خدا
قرض مردم را زِ مالت کن جدا

قومیت بگذار و بر تن کُن کفن
لب فرو بند از جدال و از سخن

فحش و دشنام و جدال و قیل و قال
شاخص دوری ز عقل است، نی کمال

صبر کن بر مشکلات این سفر
تا خدایت وارهاند از سقر

چون که سختی آیدت بیداد مکن
اجر خود را ضایع و بر باد مکن

بردبار باش بر اَذای مؤمنان
خدمت حُجّاجِ کن چون خادمان

گفت پیغمبر که خادم سرور است
سیدالقوم است، ز هر کس بهتر است

تو مرو بهر تجارت سوی سوق
چون که بازار هست جای رقص و بوق

تحفه و عطر و لباس رنگرنگ
تهیه کن وقتی که رفتی در فرنگ!

سرزمین مکّه جای توبه است
جای گریه، جای عجز و لابه است

کسب کن اینجا رضای کردگار
توبه کن، گریان شو لیل و نهار

وقت خود صرف نماز و ذکر کن
در کمالِ حق تعالی فکر کن

بیت حقّ شمع است و تو پروانه باش
همچو مستان عاشق و دیوانه باش

دور زن لبیک گویان یاد دوست
بهترین لحظات عمرت ذکر اوست

تا توانی با تضرّع کن دعا وه چقدر دارد دعا آنجا صفا
در حرم با سوز دل قرآن بخوان سوره‌ی یاسین و یا رحمن بخوان
ای که فردا می‌شوی یک مشت خاک کن دعا و هی بخوان قرآن پاک
می‌رود اینجا دعایت مستقیم چون که در بیت خدا هستی مقیم
هر چه خواهی می‌دهند نقداً ترا باز نباشد فرصتی بعداً ترا
توبه کردی بازمگرد سوی گناه تا نسازد حج تو شیطان تباه
زندگی کن همچون نیکان قدیم تا روی در جنّت ربّ رحیم
سعی کن خود را بسازی از درون نفس و شیطان را بکن خوار و زبون
چون که بازگشتی ز حج همچون گُلی در عبادت‌ها بکوش و شو وَلی
زندگی را از اساسش کن عوض صیقلی ده روح و جانت از مرض
دور کن کبر و حسد و کینه را پاک کن از غلّ و غش این سینه را
چون خر عیسی میا از مکّه باز تا توانی دین خود آنجا بساز
تو مشو روباهِ مکّارِ محلّ تو مخور اموال مردم با دغل
تو مرو سوی گُنه ای بوالهوس هر چه کردی قبل حجّت بوده بس!
حج را دانید کوره ای مِهان آشکارا می‌کند راز نهان

گر که شخصی قبل حج بوده پلید او نکرد توبه، نشد پاک و حمید
این سفر شد یک تجارت یا خرید خبث او در بازگشت گردد مزید
ور که بوده قبل حج یک ساده دل او نرفته در مسیر خاک و گِل
بعد حج او می‌شود روشن ضمیر کاروانِ مؤمنان را او امیر
حاجی جان؛ این زندگی چندروزه‌است شکل او زیبا چو نقش کوزه است
می‌شود بر باد به یک افتادنی آب آن ریزد، نمی‌ماند نَمی
باد در غبغب مکن همچون خروس تو مشو غَرّه به مثل نو عروس
هر کجا تعریف مکن از حج خود تو مکاه با خودستایی اَرج خود
گر به حج رفتی به فضل ذوالکرم آله‌ی فخری مکن بیتُ الحَرَم
تو عبادت کرده‌ای مثل نماز پس نباشد هیچ به تعریفی نیاز

در مجالس هی ز حجّت یاد مکن | رفته‌ای مکّه چو توپی باد مکن!
حج خود را بر رُخ مردم مَکَش | بر ریاکاری چرا داری عطش؟!
حاجی آن است کو نمی‌گوید دروغ | دین او همچون چراغی پر فروغ
با قسم هرگز نمی‌گوید سخن | جای جنس نو نمی‌آرد کُهن
قولِ او با فعل او هسمان بُوَد | ظاهرش با باطنش یکسان بُوَد
آنچه بود شرط بلاغ ما گفته‌ایم | عفو نمایند گر خطایی رفته‌ایم
خواهشِ حافظ به‌این کارم گُماشت | او که عمرش را به کار خیر گذاشت
ساده کرد احکام حج حافظ تریز | ای خدا رحمات خود بر او بریز
رنج برد حافظ در این کارش بسی | او نداشت چشم طمع از هیچ کسی
کن کتابش مایه‌ی خیر عمیم | تو قدیری (تو علیمی)، ای رحیم
ای خداوندا به فضل آن رسول | حج جمله بندگانت را کن قبول
«دامنی» شرمنده‌ی درگاه شد | مایه‌اش یک حسرت و صد آه شد
«ناصر» است بر لطف تو امیدوار | کن نصیبش حجِ مقبول باربار
آن دمی کو را بری از این جهان | جز به عفو تو ندارد هیچ گُمان

شاعر معاصر مولانا
عبدالناصر دامنی
(حفظه الله)

باب اول

دانستنیهای مکه‌ی مکرمه و حجّ

بخش اول

خودسازی قبل از سفر حج

برای موفقیت در انجام هر کاری پیش‌شرطها و مقدماتی وجود دارد که پرداختن به آنها قبل از هر اقدامی لازم و ضروری است هرچقدر آن مقدمات کاملتر، دقیقتر و صحیحتر انجام شوند، درصد موفقیت به همان میزان بالاتر رفته و افزایش می‌یابد.

مثلا وزنه‌برداری را در نظر بگیرید که قصد دارد در یکی از مسابقات جهانی شرکت نماید، و دوست دارد که مدال کسب کند و پیروز میدان شود. بنابراین و برای نیل به این مقصود، رژیم غذایی خاصی را دنبال می‌کند، دستورات مربیان را مو به مو اجرا می‌نماید و سعی می‌کند تا رسیدن لحظه‌ی موعود، مرتب به تمرین و وزنه زدن مشغول باشد، تا بتواند شاهد پیروزی را در آغوش بکشد.

حج نیز مسابقه‌ای است که به مراتب از مسابقات دیگر مهمتر و شرایط پیروزی در آن دشوارتر است، اگر چنانچه فردی بدون شرایط و آمادگی لازم در این مسابقه‌ی میلیونی شرکت کند، احتمال برنده شدنش بسیار اندک خواهد بود که به همین خاطر گفته‌اند (ما اکثر الضجیج و اقلّ الحجیج).

بنابراین برادر عزیز! زائر بزرگوار: اینک که توفیق یارت شده و از میان میلیون‌ها مسلمان عاشق، فرصت شرفیابی به آستان ملکوتی حضرت حق را یافته‌ای، سعی کن، خویشتن را چنان نمایی که لیاقت بار یافتن بارگاه حضرتش را بیابی. از هم اکنون که آهنگ شرکت در این مسابقه را نموده‌ای رژیم بگیر، امّا نه فقط رژیم غذایی، بلکه حتی از بسیاری از مباحات پرهیز کن، از حرام خویشتن را دور نگاهدار، دروغ نگو، فریبکاری و کلاهبرداری نکن، گرد مردم آزاری مگرد، چشمانت را درویش کن، بر زبانت قفل بزن تا بیهوده نگوید و غیبت نکند و بهتان نزند، و...

اگر حقی بر گردن داری آن را ادا کن، بدهی‌های خود را بپرداز، به ذکر، تلاوت و عبادت مشغول باش و حضور در نماز جماعت را غنیمت شمار.

مواظب باش تا شیطان با ذره‌ای ریا همه‌ی تلاشت را بر باد ندهد، تا به جرم دوپینگ از شرکت در مسابقه بازت ندارند و قلم بطلان به آمالت نکشند که در آنصورت "خسرت فی الدنیا و الآخرة."

و از همه مهمتر حق شریک زندگیت، همسفر عمرت، همسرت را رعایت کن و خدماتش را پاس دار.

سعی کن با تمامی وجود خویشتن را از گناه بازداری و دایم در حال ذکر و تلاوت باشی و استغفار فراوان بر زبان جاری سازی که این خود امانی است از هلاکتی (وَ مَا کَانَ الله مُعَذِّبَهُم وَ هُم یَستَغفِرُونَ).

صدقه‌ی فراوان بده و به وسوسه‌ی شیطان گوش مده، که صدقه دافع بلاست و چه بلایی بزرگتر از ردشدن در مسابقه‌ی حج و رانده‌شدن از بارگاه حق و دست خالی برگشتن از این سفر مبارک، که دست‌یافتن به جایزه‌اش نه تنها رویای هر مسلمان که رؤیای هر خداپرستی است، مگر آن جایزه چیست که اینهمه آدم با هزینه‌ی خویش برای دستیابی به آن، رنج سفر بر خویش هموار ساخته و برایش بی‌تابی می‌کنند؟!

جایزه‌ی باارزشی که هیچ چیزی با آن برابری نمی‌کند (الحَجُّ المَبرُورُ لَیسَ لَهُ جَزَاءٌ الّا الجَنَّة)

پاداش حج مبرور بهشت است، پس حقیقتاً دست یافتن به آن سعادتی است بسیار بزرگ، بهر تقدیر دست یافتن به آن چندان ارزان هم نیست، سعی کن حلالترین مال خود را همراه بری که این خود یکی از مهمترین امتیازات برنده‌شدن در این مسابقه است.

زائر عزیز! کینه‌ها را از سینه بیرون ریز، روح گذشت، ایثار و عفو را در خود پرورش ده.

اینک که قصد داری در شهر مصطفی قدم گذاری، مصطفی‌وار عمل کن، او را از شهر و دیارش، از زادگاهش بیرون کردند و آنگاه که مقتدارانه و پیروزمندانه مکه را فتح کرد و بازگشت سخنی از انتقام به زبان نراند، گله‌ای نکرد، روترش ننمود و به شکرانه‌ی این نعمت گفت: بروید که شما آزادید، تو نیز بر کوتاهی‌های برادران، خویشاوندان و همکارانت قلم عفو بکش، از خطایشان درگذر تا از خطاهایت درگذرند، عفو کن و ببخش تا تو را ببخشند، رحم کن بر زمینیان تا آنکه در آسمان است بر تو رحم آورد.

کینه به دل مگیر، چون اگر مسلمان بیشتر از سه روز با برادر مسلمانش قهر باشد اگر بمیرد جهنمی خواهد بود تو چگونه می‌توانی با دلی مالامال از کینه و عداوت در آنجا حضور یابی؟! دلت باید مالامال از عشق، محبت و امید به رحمت پروردگار باشد.

هرچند که حق با تو باشد ولی از آن بگذر که حضرت حق، حق تو را در بهشت دهد و از خطاهایت درگذرد اینک که تو را دعوت کرده‌اند. مطالعه فراوان کن تا بدانی که کیستی؟ و به کجا می‌روی؟ چرا می‌روی؟... به ویژه در زمینه‌ی تقوی، حج و عمره، مکه و مدینه و بخصوص در مورد زندگی رسول الله اَبَر پیامبر عالم و اصحاب وی اَبَر مسلمانان تاریخ اسلام. باز بخاطر داشته باش که خلوص نیت یکی از مهمترین اسباب پیروزی است و ریا یکی از اساسی‌ترین رموز شکست و ناکامی (اعاذ ناالله منها).

و دشمن (= شیطان) سعی در نابودی اعمال صالح ما دارد، به هوش باش هرچقدر عمل باارزشتر باشد بر دشمن بیشتر سنگین می‌گذرد، و دشمن حاضر نمی‌شود که تو پیروز میدان شوی و با دست پر برگردی، و جایزه‌ای را بدست آوری که او برای همیشه از آن محروم شده = بهشت. پس او با تمام ترفندها و لطایف الحیل سعی خواهد کرد عمل را از درون نابود سازد و تو را از اجرش محروم، به گونه‌ای بسیار زیرکانه که تو متوجه حبط شدن عملت نگردی.

زائر عزیز! با تمامی وجود سعی کن با آب توبه و استغفار زنگار گناه از جسم و جانت بزدایی تا روح و روانت توانایی دریافت تجلیّات و انوار الهی را بیابد.

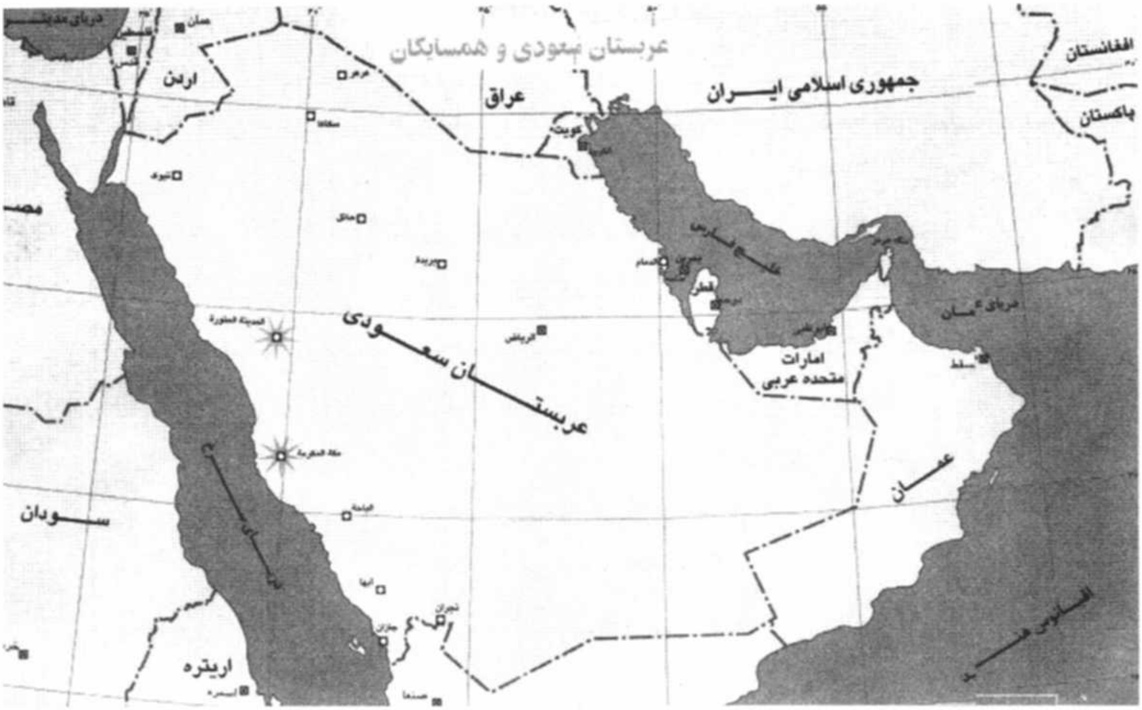
چون در این صورت است که خواهی توانست بهترین بهره را از این سفر معنوی برگیری.

هرگز خویشتن را بی‌نیاز از پند و اندرز و راهنمایی‌های دیگران مپندار (که اینگونه پندارها سخت خطرناکند) چون بی‌نیاز مطلق خداست «الله الصمد» و جز او همه فقیرند و نیازمند (يَا أَيُّهَا النَّاسُ انتُمُ الفُقَرَاءُ الىَ اللهِ واللهُ هُوَ الغَنِيُّ الحَمِيدُ).

سعی کن بهترین زاد (= توشه‌ی) راهت تقوی باشد (وَ تَزَوَّدُوا فَانَّ خَيرَ الزَّاد التَّقوَى)... تلاش کن که بهترین همسفرت علم، دانش و آگاهی نسبت به حج، حرمین شریفین و سیره‌ی رسول الله و اصحاب بزرگوارش و تاریخ اسلام باشد.

نگاهی به کشور عربستان سعودی

عربستان سعودی از شمال به اردن و عراق و از جنوب به یمن و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی و خلیج فارس و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود و با همسایگان خود دارای ۴۵۳۲ کیلومتر مرز زمینی است :



که با عراق ۸۰۸ کیلومتر؛ اردن ۷۴۲ کیلومتر؛ کویت ۲۲۲ کیلومتر؛ عمان ۶۷۶ کیلومتر؛ قطر ۴۰ کیلومتر؛ امارات عربی متحده ۵۸۶ کیلومتر؛ و با یمن ۱/۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک دارد.[۲]

پایتخت و شهرهای مهم آن

پایتخت عربستان سعودی، شهر «ریاض» است و با آن که بیش از چند دهه از انتخاب آن به‌عنوان پایتخت نمی‌گذرد، توسعه‌ی چشمگیری یافته است.

پس از ریاض، مهمترین شهر سیاسی و پایتخت سابق این کشور؛ شهر «جدّه» است که هنوز نیز اهمیت خود را حفظ نموده و همه‌ی وزارتخانه‌ها در آن شعبه دارند و مقامات سیاسی چند ماه از سال را در آن اقامت می‌گزینند.

پس از جدّه شهر «طائف»، به دلیل آب و هوایی خوش در اوج گرمای تابستان، که پذیرای مقامات سیاسی و محل تشکیل هیئت / دولت می‌باشد، از اهمیت سیاسی برخوردار است.

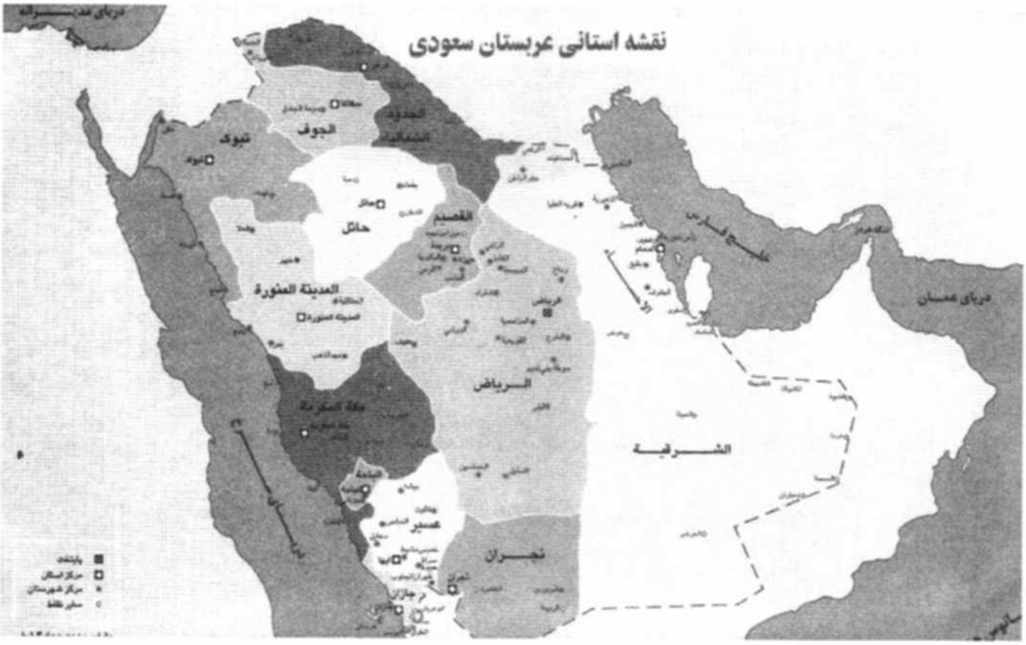
شهرهای دیگر این کشور نیز از جهت مذهبی، صنعتی، تجاری و کشاورزی دارای اهمیت می‌باشند.

شهرهای مهم مذهبی عربستان

مهمترین شهر مذهبی این کشور «مکه‌ی مکرمه» است که به علت وجود مسجدالحرام

۲. شناخت عربستان ص ۹۱ از علی محمدی آشنایی، نشر مشهد، چاپ دوم ۲۸.

و برگزاری مناسک حج در آن از قداست خاصی برخوردار می‌باشد، پس از آن شهر «مدینه‌ی منوره» به دلیل وجود مسجد و حرم نبوی که آرامگاه رسول الله ﷺ در کنار



وی ابوبکر صدیق رضی الله عنه حضرت عمر فاروق رضی الله عنه قبرستان بقیع (که بیش از ده هزار نفر از اصحاب رسول الله در آنجا آرمیده‌اند) دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است.

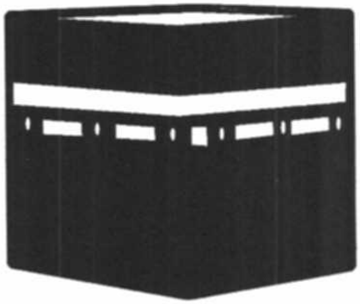
این دو شهر، افزون بر اهمیت مذهبی، به دلیل شکل‌گیری تاریخ اسلام در آنها، از اهمیت تاریخی نیز برخوردار می‌باشند.[۳]

جمعیت عربستان

برابر آخرین سرشماری اداره‌ی آمار وزارت برنامه‌ریزی، در نیمه‌ی اول سال ۲۰۰۰ میلادی = ۱۴۲۱ ﻫ.ق جمعیت عربستان ۲۰/۸۰۰/۰۰۰ نفر گزارش شده است که در این میان، تعداد افراد بومی ۱۵/۵۸۰/۰۰۰ نفر و افراد خارجی مقیم این کشور ۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند.[۴]

---

۳. شناخت عربستان ص ۵۲.
۴. همان ص ۷۲.



زائر گرامی!

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

بخش دوم

میقات

کلمه‌ی میقات از ریشه‌ی وقت است که به زمان و مکان وقوع فعل اطلاق می‌گردد. میقات یعنی میعادگاه پروردگار.

کلمه‌ی میقات در قرآن کریم در آیات متعددی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

(و لمّا جاءَ موسی لمیقاتنا) (انّ یوم الفصل کان میقاتاً)

جمع میقات، مواقیت است (یَسئَلُونَکَ عَنِ الأَهَّلة قُل هِیَ مَوَاقِیتُ لِلنَّاسِ وَالحَج)

میقات در اصطلاح حج عبارت است از: مکان‌هایی که زائر بیت الله الحرام بدون احرام اجازه عبور از آنها را ندارد.

میقات بر دو نوع است :

الف) میقات زمانی : که شامل شوال، ذوالقعده و ده روز اول ذیحجه می‌باشد که بستن احرام حج پس از ورود به میقات زمانی آغاز می‌گردد و بعد از پایان میقات زمانی به اتمام می‌رسد. و به این میقات زمانی ماه‌های حج یا اشهر حج نیز اطلاق می‌گردد. پیش از این ماه‌ها بستن احرام (حج) مکروه تحریمی می‌باشد.[۵]

---

۵. زبدةالمناسک ص ۱۳.

ب) میقات مکانی : مکانهایی هستند که رسول الله‌ﷺ برای زائران بیت‌الحرام در جهت‌های مختلف مکه‌ی مکرمه تعیین کرده‌اند[۶] که زائران از آن مکانها به بعد بدون احرام اجازه‌ی ورود به سرزمین مقدس وحی را ندارند.

۱ ـ ذوالحلیفه (ابیار علی) میقات اهل مدینه‌ی منوره و ساکنان آن سمت و جهت می‌باشد.

۲ ـ جُحفه میقات اهل شام، مصر، اهل مغرب و ساکنان آن سمت چون اهل اسپانیا، روم و ... می‌باشد؛ و رابغ که امروزه زائران از آن‌جا محرم می‌شوند به محاذات آن قرار دارد.

۳ ـ یَلَمْلَم یا یرمرم، میقات اهل یمن و اهل هند و ساکنان آن سمت و جهت می‌باشد.

۴ ـ ذات عِرق میقات اهل عراق، فارس، خراسان مشرق و ساکنان آن سمت می‌باشد.

۵ ـ قرن المنازل میقات ساکنان نجد یمن و نجد حجاز می‌باشد و فاصله‌ی تقریبی مواقیت مذکور تا مکه‌ی مکرمه به شرح زیر است :

۱ ـ ذوالحلیفه تا مکه ۴۱۰ کیلومتر؛ ۲ ـ جحفه تا مکه ۱۸۷ کیلومتر؛

۳ ـ یلملم تا مکه ۱۳۰ کیلومتر؛ ۴ ـ ذات عرق تا مکه ۹۰ کیلومتر؛ ۵ ـ قرن المنازل تا مکه‌ی مکرمه ۸۰ کیلومتر می‌باشد.[۷]

حِلّ

فاصله‌ی میان میقات تا حَرَم را حلّ می‌نامند و ساکنان این منطقه را اهل حلّ می‌گویند که این افراد برای ادای حج و عمره از منازل خویش مُحرِم می‌شوند.[۸]

حَرَم

اطراف و جوانب مکه‌ی مکرمه را (تا محدوده‌ی معینی) حَرَم گویند که خداوند متعال بخاطر حرمت بیت‌الله الحرام آنجا را نیز از این امتیاز برخوردار نموده است.[۹]

الله تبارک و تعالی بخاطر تعظیم و بزرگداشت بیت الله الحرام آنرا حرم قرار داده و آنجا

---

۶. تاریخ مکة المکرمة قدیماً و حدیثاً ص ۴۲.

۷. مصدر فوق ص ۶۲.

۸. تاریخ المکة المکرمة قدیماً و حدیثاً ص ۴۲.

۹. تهذیب الاسماء واللغات ۸۷/۳.

را مکان امن اعلام نموده است. حتی برای پرندگان، درختان و (حیوانات)!؟

حدود حرم همانند دائره‌ای بر اطراف مکه‌ی مکرمه می‌باشد که برخی از جوانب آن از دیگر جوانب به مکه‌ی مکرمه نزدیکتر است.

اولین کسی که حدود حرم را علامتگذاری کرد حضرت ابراهیم خلیل عليه السلام بود که حضرت جبرائیل عليه السلام آنها را به وی نشان می‌داد و او علامت‌گذاری می‌کرد. این علامتها در جای خود باقی بودند تا اینکه در سال فتح مکه توسط «تمیم بن اسد خزاعی» به دستور رسول الله ﷺ تجدید شدند و در زمان سیدنا حضرت عمر ابن خطاب رضي الله عنه که ایشان چهار نفر از قریش را فرستاد و آنها را تجدید نمودند.

و هم‌اکنون بر شاهراههایی که به مکه‌ی مکرمه می‌رسند در مکانهای ویژه (حدود) حَرَم علامتها و تابلوهایی نصب شده است:

۱ ـ در راه جدّه از غرب (حدود حرم) در مکان «شُمَیْسی» (حدیبیه) می‌باشد و ۲۲ (=بیست و دو) کیلومتر از مکه فاصله دارد.

۲ ـ در جنوب (در مکانی بنام) «اَضاءَةُ لِبْن» در راه یمن که از تهامه می‌آید می‌باشد و دوازده ۱۲ کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.

۳ ـ در شرق کناره‌های وادی غربی «عُرنه» می‌باشد و پانزده ۱۵ کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.

۴ ـ شمال‌شرقی از راه جعرانه نزدیک روستای «شرائع المجاهدین» می‌باشد و ۱۶ (= شانزده) کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.

۵ ـ در شمال حدّ آن «تنعیم» است و ۷ هفت کیلومتر فاصله دارد.[۱۰]

حکم حرم

در محدوده‌ی حرم تعرض به هیچ‌کس و هیچ‌چیز جایز نیست حتی شکارکردن و یا شکستن شاخه‌ی درختی، برابر است که محرم باشیم یا نباشیم.

---

۱۰. تاریخ المکة المکرمة قدیماً و حدیثاً ص ۲۱-۱۱.

مسجدالحرام

﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ ﴾ (اسرا: ۱)

مسجدالحرام مسجدی است که خانه‌ی کعبه در آن قرار دارد و در شهر مقدس مکه‌ی مکرمه واقع است.

رسول الله ﷺ فرمودند: (صَلَاةٌ فی مَسجدی هَذَا أَفضَلُ من أَلف صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ الَّا المَسجِدَ الحَرَام، وَ صَلاَةٌ فِی المَسجِدِ الحَرَامِ أَفضَلُ مِن مِائَةِ الَفِ صَلَاةٍ)[۱۱]

«یک نماز در این مسجد من (مسجد نبوی) برتر از هزار نماز در دیگر مساجد است مگر مسجدالحرام، و یک نماز در مسجدالحرام برتر از یکصد هزار نماز ـ در سایر مساجد می‌باشد ـ» مسجدالحرام اولین مسجدی است که بر روی کره‌ی خاکی بنا شده است.

(عَن ابی ذَرّ قَالَ: سَأَلتُ رَسُولَ الله عَن أَوَّل مَسجد وُضِعَ فِي الأَرض؛ قَالَ: المَسجدُ الحَرَامُ، قُلتُ: ثُمَّ اَیُّ؟ قَالَ المَسجدُ الاَقصَی قُلتُ کَم بَینَهُمَا؟ قَالَ: اربَعُونَ عَاماً، ثُمَّ الاَرضُ لَکَ مَسجدٌ فَحَیثُمَا أَدرَکَتکَ الصَّلوةُ فَصَلِّ)[۱۲]

حضرت ابوذر روایت می‌کند که از رسول الله ﷺ از اولین مسجدی که در روی زمین بنا شده است پرسیدم. فرمودند: مسجدالحرام. گفتم: بعد از آن کدام است؟ فرمودند: مسجدالاقصی.

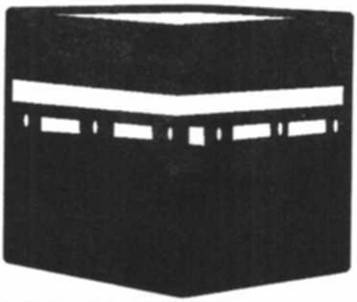
گفتم: فاصله‌ی ـ میان ساخت آندو چقدر بوده است. فرمودند: چهل سال، سپس تمام زمین برای تو مسجد است هر کجا که وقت نماز رسید نماز بخوان.

(لاَتُشدُّالرِّحَالُ الَّا الیَ ثَلاَثَةِ مَساجِدَ المَسجِدِالحَرام، وَ مَسجِدِی هَذَا وَ المَسجِدِ أَلاقصیَ) متفق علیه

---

۱۱. اخرجه احمد ۷۹۳ ـ ۲۴۳/۳.

۱۲. مسلم ۰۲۵.



زائر عزیز!

قبل از سفر موارد زیر را تهیه کن و در سفر همراه داشته باش :

۱ ـ حوله؛

۲ ـ ناخن گیر؛

۳ ـ مسواک و خمیر دندان؛

۴ ـ قیچی کوچک؛

۵ ـ شانه؛

۶ ـ ماشین تراش همراه با تیغ؛

۷ ـ اگر عینکی هستی بند عینک؛

۸ ـ خواهران، لوازم ضروری که در ایام قاعدگی بدان‌ها نیاز پیدا می کنند.

۹ ـ مقداری از داروهایی که مصرف می‌کنید.

۱۰ ـ برادران، دمپایی احرام و لباس احرام

مـطاف

گرداگرد بیت الله شریف را که زائران در آنجا به طواف می‌پردازند و هیچ بنایی بجز مقام ابراهیم وجود ندارد، مطاف می‌گویند و هیچ لحظه‌ای در شبانه‌روز نیست که مطاف از خیل طواف‌کنندگان خالی باشد.

هم‌اکنون مطاف با سنگ مرمر سرد که در برابر نورخورشید مقاوم هستند (و گرم نمی‌شوند) پوشانده شده و برای طواف‌کنندگان امکان طواف در گرمای بسیار شدید به صورت پابرهنه امکان‌پذیر می‌باشد و در کلیه‌ی جهت‌های آن ـ برای رفاه حال طواف‌کنندگان ـ آب زمزم خنک و گوارا مهیا می‌باشد.

وجه تسمیه / علت نامگذاری

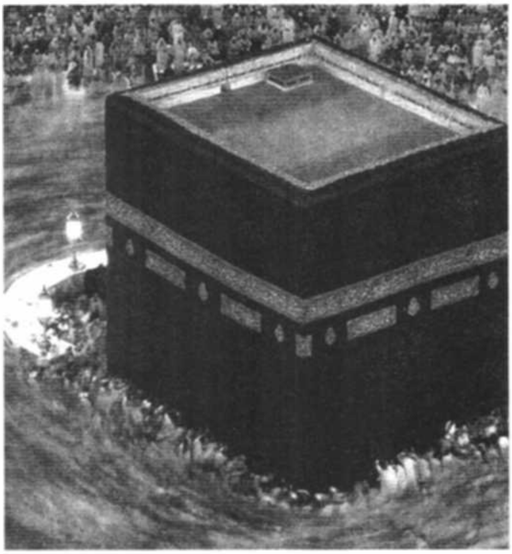
مطاف اسم مکان از طاف یطوف است یعنی مکان طواف‌کردن و دورزدن، و چون حجاج زائر در آن مکان به دور خانه‌ی کعبه می‌گردند، دور می‌زنند و طواف می‌کنند مطاف نامیده شده است.

طواف

(و طهّر بیتی للطائفین والعاکفین و الرّکع السجود)

طواف عبارت است از دورزدن و گشتن حول بیت الله الحرام که هر طواف دارای هفت دور می‌باشد و هر دور از حجرالاسود شروع شده و مجدداً در همانجا به پایان می‌رسد. و هر دور کامل یک «شَوط» نامیده می‌شود.

طواف قریب به ۴۰۰۰ / چهار هزار سال قبل که حضرت ابراهیم علیه‌السلام خانه‌ی کعبه را



بنیاد نهاد شروع و آغاز شده است و تا روزی که خداوند وارث زمین گردد همچنان ادامه خواهد داشت و هرگز ـ منقطع نمی‌گردد ـ و پایان نمی‌یابد.[13]

می‌توان گفت که طواف همانند نمازی است که هفت رکعت دارد و تا هفت رکعت آن بجا آورده نشوند کامل نمی‌گردد.

وجه تسمیه / علت نامگذاری

ابوالهیثم می‌گوید: الطَائِفُ الخَادِمُ الَّذِی یَخدِمُکَ بِرِفقٍ.

طواف‌کننده به خدمتگزاری که به نرمی و ملایمت خدمت تو را می‌کند انجام می‌دهد گفته می‌شود.[14]

و چون طواف‌کنندگان در آنجا به نرمی به طواف، عبادت، تلاوت و دعا می‌پردازند و در واقع خدمت مولای خویش را بجا می‌آورند به همین خاطر این عمل طواف نامیده شده است.

فضایل طواف

(عن ابن عباس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مَن طَافَ بِالبَیتِ خَمسِینَ مَرَّةً خَرَجَ مِن ذُنُوبِهِ کَیَومِ وَلَدَتهُ اُمُّهُ)[15].

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که پنجاه مرتبه طواف نماید از گناهانش بیرون می‌آید همچون روزی که از مادر متولد شده است.

---

۱۳. معجم المناسک ص ۳۶۱.

۱۴. تهذیب الاسماء واللغات ص ۰۸۱/۳.

۱۵. تحفة‌الاحوذی ۸۹۲/۳.

مراد پنجاه طواف هست که هر طواف هفت شوط (= دور) می‌باشد و لازم نیست که این پنجاه طواف را پشت سر هم انجام دهد بلکه کافی است در طول عمرش پنجاه طواف را بجا آورده باشد.[۱۶]

برای برتری و فضیلت طواف همین بس که خداوند متعال به حضرت ابراهیم(ع) اعلام می‌دارد که ﴿وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾(بقره: ۱۲۵) بیت مرا (بیت‌الله) را برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنند.»

طواف کنندگان را بر سایرین مقدم می‌دارد و این خود دلیل بر فضیلت طواف است و از طرفی همه‌ی عبادت‌های دیگر را می‌توان در هر کجا انجام داد اما طواف را جز در مکه و آن هم در کنار بیت‌الله جای دیگری نمی‌توان انجام داد.

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: قال رسول‌الله ﷺ: «يَنزلُ عَلَى هَذَاالبَيت كُلَّ يوم وَلَيلَة عِشرُونَ وَ مِئَة رَحمَة سِتُّونَ مِنهَا لِلطَّائِفِينَ بِالبَيتِ وَ أَربَعُونَ لِلعَاكِفِينَ حَولَ البَيتِ وَ عِشرُونَ لِلنَّاظِرِينَ إِلىَ البَيتِ»[۱۷]

رسول‌الله ﷺ فرمودند: «در هر شبانه روز ۱۲۰ یکصد و بیست رحمت بر بیت‌الله نازل می‌شود که ۶۰ شصت رحمت مختص طواف کنندگان و چهل ۴۰ رحمت متعلق به مجاوران (و در روایتی و نمازگزاران) و بیست ۲۰ رحمت متعلق به کسانی است که به بیت‌الله نگاه می‌کنند.»

عن ابن عمر رضی الله عنه قال: سَمِعتُ رَسُولَ‌اللهِ ﷺ يَقُولُ: مَن طَافَ بِهذَاالبَيت اسبُوعاً فَاحصَاهُ كَانَ كَعِتقِ رَقَبَةٍ وَ سَمِعتُهُ يَقُولُ: لَا يَضَعُ قَدَماً وَ لَا يَرفَعُ أُخرَى الَّاحَطَّ اللهُ عَنهُ خَطِيئَةً وَ كَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً».[۱۸]

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند: شنیدم که رسول‌الله ﷺ فرمودند: کسی که یک طواف (= هفت شوط) بیت‌الله را انجام دهد ثواب آن برابر با آزاد کردن یک برده است و به هنگام طواف هر قدمی را که بر می‌دارد یک گناه از نامه‌ی اعمالش پاک می‌شود و هر قدمی را که می‌گذارد یک ثواب در نامه‌ی اعمال او ثبت می‌شود.

---

۱۶. همان.

۱۷. القری لقاصدام القری ص ۵۲۳ اخرجها ابوذر و الازرقیّ.

۱۸. سنن الترمذی حدیث شماره ۹۵۹.

در مورد فضیلت طواف روایات بیشماری وجود دارد ولی از آنجایی که قصد ما بر اختصار است به ذکر موارد فوق اکتفا کردیم خلاصه: زائر گرامی! تا می‌توانی در مکه‌ی مکرمه طواف بیت‌الله را بجا آور و فرصت غنیمت شمار.

غافل مبـــــاش ار عاقلی   دریاب اگر صاحب دلی
باشد که نتوان یافتن   دیگر چنیـن ایـــام را
قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند   بس خجالت کزین حاصل اوقات بریم.

آداب طواف

رسول مکرم اسلام ﷺ فرمودند: «طواف دور بیت الله همچون نماز است با این تفاوت که در نماز اجازه‌ی صحبت کردن نیست و در طواف اجازه‌ی صحبت کردن است پس کسی که در طواف صحبت می‌کند جز سخن نیک نگوید.»[۱۹]

شایسته است که طواف کننده با تمامی وجود متوجه الله تبارک و تعالی باشد و با حضور قلب خیر دنیا و آخرت را از او بطلبد.[۲۰]

رَمَـل[۲۱]

رَمَل عبارت است: از اینکه زائر در طواف یعنی سه دور اول آن همچون پهلوانان و مردان جنگی قهرمانانه قدم برمی‌دارد (شتابان راه می‌رود) که نشان از قدرت و شوکت وی دارد.

اما اینک می‌خواهیم بدانیم سرآغاز رَمَل کجا بوده و چگونه پدید آمده است؟

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ و اصحاب وی به مکه‌ی مکرمه آمدند، مشرکان گفتند: گروهی آمده‌اند که تب یثرب (= مدینه‌ی منوره) ایشان را ضعیف و ناتوان کرده است. پیامبر اکرم ﷺ به یاران خویش گفت که در سه دور نخستین طواف رَمَل کنند و میان دو رکن یعنی رکن یمانی و رکن حجرالاسود بطور عادی راه بروند و آن حضرت ﷺ را چیزی مانع نشد که امر کند در همه شوطها رمل کنند مگر شفقت[۲۲] و مهربانی (بر آنان و بر امت).

اضطباع

زائر عزیز! بدانکه اضطباع عبارت است از اینکه: پیش از آنکه طواف آغاز نمایی حوله‌ی

۱۹. ترمذی شماره ۶۹ باب ماجاء فی الکلام فی الطواف.
۲۰. تاریخ مکه قدیما و حدیثا ص ۱۷.
۲۱. ط رمل: بشتافت و متوسط دوید و جنبانید هر دو دوش را فرهنگ جامع ۷۲۲ از احمد سیّاح
۲۲. بخاری حدیث شماره ۲۰۶۱.

احرام را روی دوش (شانه‌های) خود قراردهی و سپس یک گوشه‌ی آن را بر روی شانه‌ی چپ بنهس و گوشه‌ی دیگر آن را از زیر بغل دست راست خارج کنی و دوباره بر روی شانه‌ی چپ بیندازی، به گونه‌ای که دست راست تو همراه با شانه‌ی راست زیر حوله‌ی احرام قرار نگیرد.

لازم به یادآوری است که اضطباع ویژه‌ی مردان هست و آن هم در طوافی انجام می‌گیرد که بعد از آن سعی صفا و مروه باشد اضطباع در هر هفت شوط ضروری است.[۲۳]



آغاز تلبیه (لبیک)

(لَبَّیکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ، انَّ الحَمدَ والنَّعمَةَ لَکَ وَالمُلکَ لَا شَرِیکَ لَکَ)

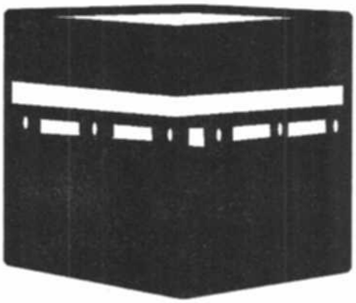
گویند آنگاه که الله تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر کرد که برای مردم ندا در دهد و آنان را به سوی حج فراخواند او بر روی سنگ مقام و در پاره‌ای از روایات بر روی کوه صدا زد و مردم را به سوی حج فراخواند و به هر سمتی که صدا می‌زد جواب «لبیک لبیک» می‌شنید، و لبیک از اینجا آغاز شد.

و گروهی را نظر بر آن است که پس از آنکه خانه‌ی کعبه بعد از طوفان نوح غرق شد و الله تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم دستور داد که پاره ابری را دنبال کند ـ تا او را مکان خانه‌ی کعبه بنمایاند ـ و هرگاه حضرت ابراهیم صدا زده می‌شد. در جواب می‌گفت: لبیک، لبیک.[۲۴]

---

۲۳. تحفة‌الاحوذی ۲۹۲/۳.

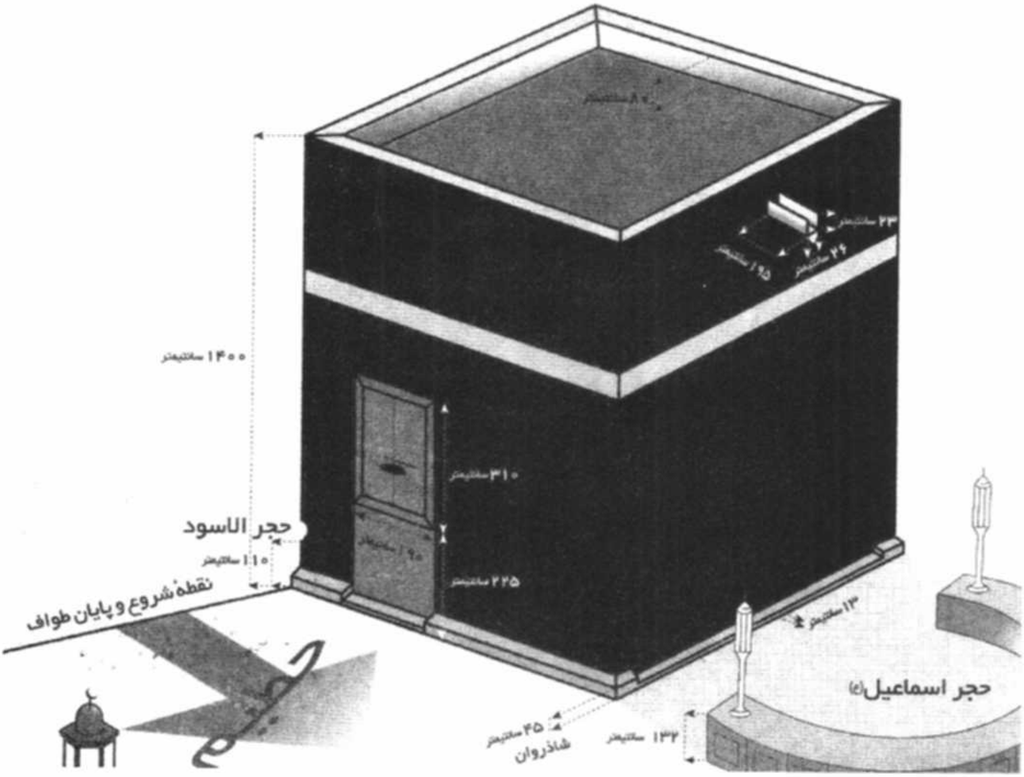
۲۴. القری القاصدام القری ص ۶۷۱.



زائر عزیز!

همیشه سعی کن خونسرد باشی
و گذشت داشته باش
و از لغزش‌های مردم در گذری.

ابعاد کعبه شریفه و محدوده مطاف



حطیم[۲۵] (= حِجْر)

حطیم یک دیوار نیم دایره‌ای شکل است که مابین رکن عراقی و رکن شامی قرار دارد. که در واقع قسمت داخلی آن را حطیم یا حجر اسماعیل(علیه السلام) گویند. و میزاب رحمت هم در آن قرار دارد.[۲۶]

علت نامگذاری:

الف) هنگامیکه قریش خانه‌ی کعبه را بازسازی نمودند این قسمت از بیت الله را کاستند و بخاطر عدم کفاف هزینه آن را از بیت الله خارج کردند به همین خاطر آن را حطیم گویند. حُطم من البیت ای کُسِرَ منه[۲۷].

ب) در زمان جاهلیت هنگامی که اعراب برای طواف می‌آمدند لباسهای خود را آنجا

---

۲۵. بعضی فاصله‌ی میان حجرالاسود و مقام ابراهیم(علیه السلام) و زمزم را حطیم نامند ولی قول راجح آن است که ذکر شد. شفاء الغرام ۱/۳۷۴.

۲۶. تهذیب الاسماء و اللغات ۷۷/۳.

۲۷. تاریخ مکهٔ المکرمهٔ قدیماً و حدیثاً ص ۶۴ ـ تاریخ المکهٔ المکرّمهٔ ص ۵۰، معجم المناسک ص

می‌انداختند تا به مرور زمان تکه‌تکه می‌شدند و به همین خاطر آنجا را حطیم گویند.[۲۸]

ج) امام نووی گوید: بخاطر ازدحام بسیار زیاد مردم که بخاطر دعاکردن در آنجا صورت می‌گیرد، آنجا را حطیم نامگذار کردند گویا که بخاطر ازدحام مردم همدیگر را درهم می‌شکنند.[۲۹]

د) گویند که حضرت ابراهیم‌ؑ در قسمت آخر آن یعنی چسبیده به دیوار حطیم ـ سایه‌بانی را برای حضرت هاجر و حضرت اسماعیل درست کرد، و به همین خاطر آن را حجر اسماعیل گویند.[۳۰]

فضایل:

۱ ـ زیر میزاب و داخل حطیم دعا اجابت می‌گردد ـ از سلف صالح چنین روایت شده است.[۳۱]

۲ ـ ام المؤمنین عایشه‌ؓ روایت می‌کند که دوست داشتم داخل بیت الله شریف نماز بخوانم، لیکن رسول مکرم اسلام دستم را گرفت و مرا وارد حجر نمود و فرمودند: اگر می‌خواهی داخل بیت الله بروی در اینجا نماز بخوان که آن بخشی از بیت الله است.[۳۲]

۳ ـ حضرت عبدالله بن عباس‌ؓ فرمودند: در مصلی اخیار نماز بگذارید و از نوشیدنی ابرار بنوشید. گفته شد مصلی اخیار کجاست؟ فرمود: زیر میزاب. گفته شد شراب ابرار چیست؟ فرمود: آب زمزم.

تذکر :۱ لازم به یادآوری است که فاصله‌ی میان دیوار حطیم و دیوار بیت الله هشت متر و چهل و شش ۸/۴۶ سانتیمتر است که فقط مقدار سه متر از آن که در جهت بیت الله قرار دارد جزء بیت الله می‌باشد.[۳۳]

طول دیوار ازبیرون	مقدار ورودی مقابل	مقدار ورودی سمت ملتزم	بخش موجودبیت الله درحطیم	فاصله میان دیوارحطیم و دیوار بیت	فاصله میان دو ورودی	عرض دیوار	ارتفاع دیوار حطیم
۲۱/۵۷م	۲/۲۳م	۲/۲۹م	۳م	۸ /۴۶	۸/۴۶م	۱/۵۵م	۱/۳۲م

۲۸. معجم ص ۶۹.
۲۹. تهذیب الاسماء واللغات ص ۱۸/۳.
۳۰. تاریخ مکةالمکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۶۴.
۳۱. همان مصدر ۹۴.
۳۲. ترمذی ۶۷۸.
۳۳. تاریخ مکةالمکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۹۴.

تذکر :۲ عبور طواف‌کننده میان حطیم و بیت‌الله جایز نیست چون خداوند فرمودند:

﴿ ثُمَّ لْيَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُواْ بِٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ ﴾ (حج: ۲۹)

پس باید طواف کاملا بر بیت عتیق انجام گیرد درصورتیکه مقدار سه متر آن داخل حطیم قرار دارد، بنابراین باید طواف‌کنندگان پشت حطیم طواف کنند.[۳۴]

اگر چنانچه کسی میان بیت‌الله و حطیم طواف نمود طواف وی درست نیست باید آن را اعاده نماید.

تذکر :۳ قبلا گذشت که قریش بخاطر کسر بودجه این بخش از بیت‌الله را از آن خارج کردند. و هنگامیکه رسول مکرم اسلام مکه‌ی مکرمه را فتح نمودند دوست داشتند که مجدداً خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمایند و آن قسمت باقیمانده را داخل آن بگردانند امّا بنابه دلایلی این کار را انجام ندادند، به روایت زیر توجه نمائید :

«ام‌المؤمنین عایشه‌ؓ گفت: از رسول‌الله درباره‌ی دیوار گرد (نزدیک کعبه) سؤال کردم، آیا آن از کعبه بوده است؟ فرمودند: آری، گفتم چرا آن را داخل خانه‌ی کعبه نکردند؟ فرمود: هزینه و مخارج ساخت آن نزد قومت کم آمد (ـ و به همین خاطر نتوانستند آن را داخل بیت بگردانند و از کعبه خارج ماند ـ) گفتم: پس چرا دروازه‌ی آن از سطح زمین بلند است؟ فرمودند: «قوم تو آن را بدان سبب انجام دادند که هرکسی را که بخواهند که داخل خانه شود بگذارند و هرکس را که نخواهند نگذارند و اگر قوم تو به عهد جاهلیت نزدیک نمی‌بودند و نمی‌ترسیدم که این کار بر دلهای آنان دشوار آید، در آن صورت زمین داخل دیوار را (ـ که از بیت خارج مانده) در بنای خانه‌ی کعبه وارد می‌نمودم و دروازه‌اش را هم سطح زمین قرار می‌دادم.»[۳۵]

تذکر :۴ البته در زمان خلافت عبدالله‌بن زبیرؓ خانه‌ی کعبه مطابق خواست رسول‌الله درست کرده شد ولی بعد از او در زمان حکمرانی عبدالملک‌بن مروان مجدداً تخریب‌شده به شکل سابقش که شکل کنونی باشد درست شد.

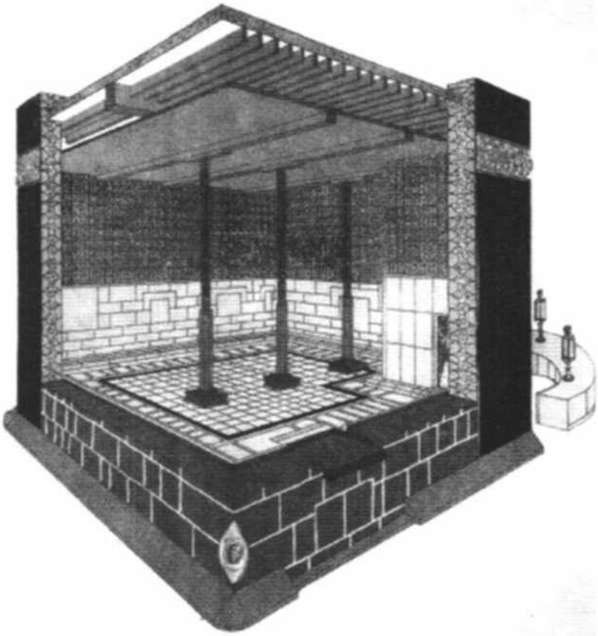
بعدها عبدالملک از کرده‌ی خویش پشیمان شد و گفت اگر این حدیث را قبلا شنیده بودم هرگز به چنین کاری اقدام نمی‌کردم.[۳۶] و در زمان خلافت بنی‌عباس

---

۳۴. تاریخ مکه المکرمه ص ۰۵.

۳۵. صحیح البخاری حدیث شماره ۴۸۵۱.

۳۶. صحیح مسلم حدیث شماره ۳۳۳۱ فتح الباری ۰۵۳/۳.



هارون‌الرشید‌رضی‌الله‌عنه از امام مالک‌رضی‌الله‌عنه پرسید که به خاطر حدیث فوق‌الذکر، چگونه است که خانه‌ی کعبه را تخریب و سپس براساس آن روایت درست کند؟ امام مالک فرمودند: خانه‌ی کعبه را بازیچه‌ی دست پادشاهان قرار مده که هر کس به دلخواهش آن را تخریب و سپس درست کند که در آن صورت هیبت آن از دل مردم بیرون می‌رود، و هارون‌الرشید پذیرفت، و خانه‌ی کعبه بر حالت خویش تا به امروز باقی ماند.[۳۷]

میزاب رحمت

ناودانی است که بر بام خانه‌ی کعبه بالای حطیم قرار دارد تا هنگام شستشوی سقف (پشت‌بام) و هنگام بارندگی، آب به پایین بریزد.

نخستین بار قریش هنگامی که خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمودند (و عمر مبارک رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آن زمان ۳۵ سال بود) و بر آن سقف زدند، ناودان را گذاشتند[۳۸].

بعد از قریش عبدالله‌بن‌زبیر‌رضی‌الله‌عنه نیز که در زمان خلافتش خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمود، میزاب را قرار داد و همچون قریش مصب (محل ریزش آب) آن را در حجراسماعیل گذاشت.

---

۳۷ . فتح‌الباری ۱۵۳/۳ و تاریخ مکه‌المکرمه قدیما و حدیثا ص ۹۴ و بعضی گویند که مهدی و بعضی‌گویند منصور از امام مالک پرسید فتح‌الباری ۱۵۳/۳.

۳۸ . تاریخ مکه المکرمة قدیماً و حدیثاً ص ۹۴.

میزاب (ناودان) موجود که در خانه‌ی کعبه قرار دارد براساس و مقیاس میزان توسط سلطان عبدالمجیدخان ـ عثمانی ـ در قسطنطنیه ساخته شده در سال ۱۲۷۳ ه.ق به بیت‌الله هدیه شده است توسط خادم حرمین شریفین ملک فهدبن عبدالعزیز آل سعود ساخته شده و نصب گردیده است.[۳۹]

سایر مشخصات میزاب رحمت

عرض آن	ارتفاع آن	مقداری که ازدیوار بیرون است	مقداری که داخل دیواراست	طول کامل آن
۲۶cسم	۲۳cسم	۱/c۹۵م	۵۸ سم	۲/۵۳م

فضایل

(عن‌ابن عباس قَالَ صَلُّوا فی مُصَلَّی الاَخیَارِ وَاشرَبُوا مِن شَراب الاَبرَار، قیل لابن عَبَّاس: مَا مُصَلَّی الاَخیَارِ؟ قَالَ: تَحتَ اَلمیزَابِ، قِیلَ وَ مَا شَرَابُ الاَبرارِ؟ قَالَ: مَاءُ زَمزَم)[۴۰]

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: در مصلای اخیار نماز بخوانید و از نوشیدنی ابرار بنوشید، پرسیده شده مصلای اخیار کجاست؟ فرمودند: زیر میزاب رحمت، به ابن‌عباس گفته شد: نوشیدنی ابرار چیست؟ فرمود: آب زمزم.

تذکر: از عطاء روایت شده که فرمود: کسیکه زیر میزاب رحمت بایستد و دعا کند دعایش اجابت کرده می‌شود و از گناهانش بیرون می‌آید همچون روزی که از مادر متولد شده است. این گفته ضعیف است و قابل استدلال نمی‌باشد. چون از امور غیبی است و نه رسول‌الله ﷺ آن را بیان داشته است و نه احدی از صحابه‌ی کرام رضوان‌الله علیهم اجمعین.[۴۱]

مقام ابراهیم علیه السلام

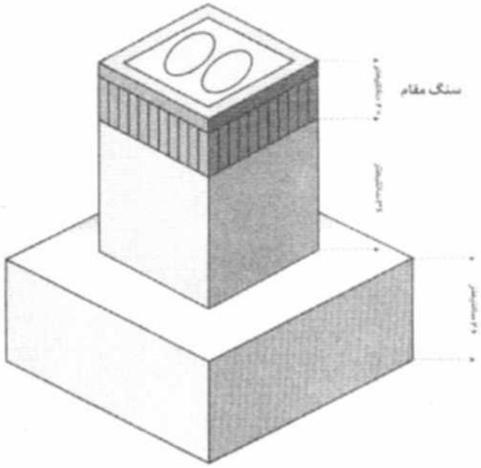
(وَاتَّخذُوا مِن مَقَام اِبرَاهیَم مُصَلَّی)

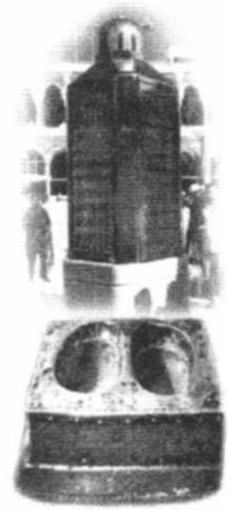
---

۳۹. مکه المکرمة قدیما و حدیثا ص ۰۵ بعضی گویند در سال ۶۷۲۱ توسط سلطان عبدالمجیدخان نصب گردیده است. لبیک اللهم لبیک ص ۰۳۱.

۴۰. لبیک اللهم لبیک ص ۰۳۱ تاریخ مکة المکرمه ص ۲۵. سنده جید و موقوف علی ابن عباس رواها الازرقی لاتراقی.

۴۱. تاریخ مکه المکرمه ص ۲۵.





(فِیهِ آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ اِبراهِیمَ)

(عن ابن عباس رضی الله عنه قال: اَنزَلَ اللهُ الرّکنَ وَ المَقَامَ مَعَ آدَم لَیلَةُ نَزَلَ)[۴۲]

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه روایت می کند که خداوند متعال رکن ـ سنگ حجرالاسود ـ و مقام ابراهیم را به همراه حضرت آدم وقتیکه فرود آمد نازل نمود.

مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام بنای خانه‌ی کعبه روی آن می‌ایستاد و هرگاه دیوارهای خانه کعبه بالا می‌رفت سنگ مقام ابراهیم نیز موازی دیوار بالا می‌رفت.[۴۳]

و از آنجائیکه این عمل حضرت ابراهیم مورد قبول و رضای الهی بود الله تبارک و تعالی اثر قدمهای آنحضرت را برای تذکره و یادبود وی برای مؤمنان از فرزندانش و درس عبرتی برای آنها و سایرین قرار داد.

از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به بعد مقام چسبیده به بیت‌الله بود تا آنکه حضرت عمر رضی الله عنه مشاهده نمودند که برقرار گذاشتن مقام در جای اصیلش موجب ضیق و دشواری بر طواف‌کنندگان یا نمازگذاران می‌شود، آنرا در مکان ـ فعلی ـ قرار داد و مؤخر نمود تا این مشکل برطرف شود.

حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که مقام ابراهیم در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم و در زمان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه به بیت‌الله چسبیده بود، سپس حضرت عمر رضی الله عنه آنرا مؤخر نمود و هیچ احدی از صحابه‌ی کرام رضی‌الله عنهم اجمعین عمل حضرت عمر رضی الله عنه انکار

---

۴۲ . تهذیب الاسماء واللغات ۷۷/۳.

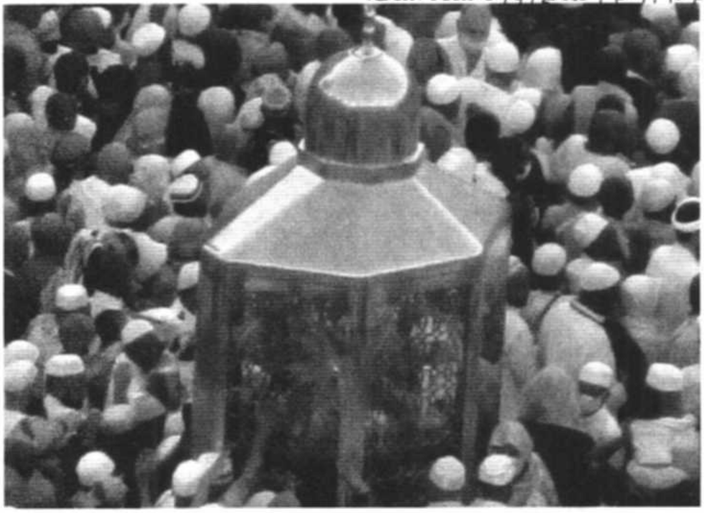
۴۳ . تاذیخ المکة المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۱۷.

ننمودند و نه کسانی که بعد از او آمدند، بنابراین ـ امت تا به امروز ـ بر این عمل اجماع نمودند.[44]

﴿ وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ١٢٥ ﴾ (بقره: ١٢٥)

در سه مورد نظر من با حکم الله تبارک و تعالی موافق بوده است یکی اینکه گفتم: یا رسول‌الله! ایکاش مقام ابراهیم را مصلی قرار می‌دادیم، آیه فوق نازل شد ـ و به این امر دستور داد.

تذکر: لمس‌کردن و بوسیدن مقام ابراهیم سنت نیست بلکه سنت فقط در لمس‌کردن و بوسیدن حجرالاسود و لمس‌کردن رکن یمانی وارد شده است.



اما متأسفانه گروهی از حجاج و زائرین محترم به اینکار اقدام می‌نمایند که صحیح نیست، عملی صحیح است که مطابق با سنت باشد.

حضرت عبدالله بن زبیر گروهی را دید که مقام ابراهیم را لمس می‌کنند فرمودند: شما به لمس‌کردن آن دستور داده نشده‌اید. بلکه شما به خواندن نماز نزد آن مأمور هستید.[45]

شاذَرْوان[46]

شاذَروان بنای برجسته‌ی کوهان مانندی است که در پایین دیوارهای خانه کعبه و متصل به مطاف بجز در جهت حطیم می‌باشد.

ارتفاع آن از سطح مطاف ۱۳ سانتیمتر و عرض آن ۴۵ سانتیمتر است که زائران بر روی

---

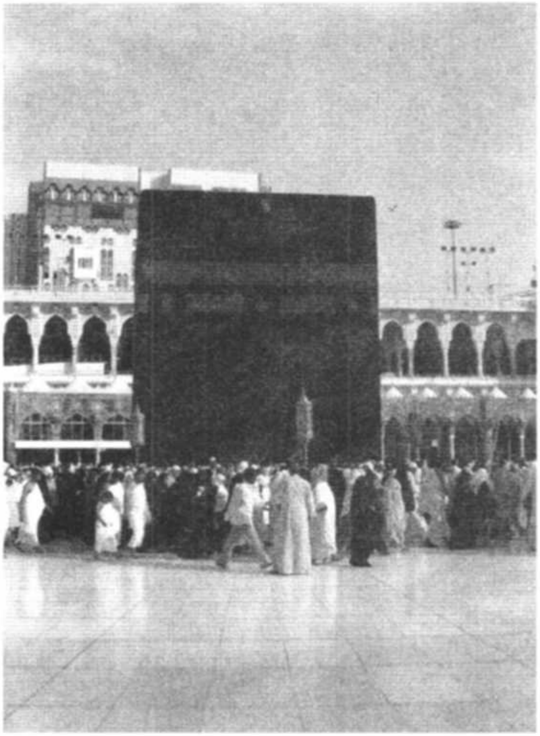
۴۴. تاریخ المکه المکرمة قدیماً و حدیثاً ص ۹۴ ـ شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۳۹۳/۱ مصنفعبدالرزاق.

۴۵. اخبار مکه از فاکهانی شماره ۴۰۰۱.

۴۶. تلفظ صحیح کلمه به فتح ذال و سکون را یعنی شاذَروان می‌باشد. تهذیب الاسماء ۲۶۱/۳.

آ ن می‌ایستند و در بارگاه الله تبارک و تعالی تضرع و زاری می‌نمایند و شکم، سینه و دستهای خود را به بیت‌الله الحرام می‌چسبانند.

اصل شاذروان از اصل دیوار کعبه‌ی معظمه هنگامیکه براساس بنای قواعد ابراهیم علیه‌السلام بود می‌باشد و قریش از عرض اساس دیوار از روی زمین آن را کم کردند.



و گفته شده که حضرت عبدالله‌بن زبیر رضی‌الله‌عنه برای حمایت دیوارهای خانه‌ی کعبه از نفوذ و سرایت آب و بستن پرده کعبه مشرفه در حلقه‌های ثابت شاذروان را درست کرده است.

شاذروان دارای ۵۵ (پنجاه و پنج) حلقه مسی برای بستن پرده خانه کعبه می‌باشد که بر آن نصب شده‌اند.[۴۷]

پرده‌ی خانه‌ی کعبه در گذر زمان

حرمت و مقام والای خانه‌ی کعبه بر کسی پوشیده نیست و امروزه همه مشاهده می‌کنند که خانه‌ی کعبه با پرده‌ای سیاه‌رنگ و بسیار نفیس پوشیده شده و همه ساله این پرده تعویض وتجدید می‌شود.

گویند نخستین کسیکه پرده بر خانه‌ی کعبه پوشیده پادشاهی از اهل یمن که به «تُبَّع» شهرت داشت و نام اصلی وی ابوکَرِب تِبان اسعدبن یُکی کَرِب بن زید بود.

از آنجا که لشکر فراوان داشت به تُبَع شهرت یافت و ممالک بسیار در تصرف خود داشت، هنگامیکه از فتوحات مشرق زمین برمی‌گشت در مدینه‌ی منوره به دعوت علمای یهودی، از آتش‌پرستی دست برداشت و به آیین یهود درآمد و تعدادی از علمای یهود را با خود همراه نمود.

وقتیکه به نزدیک مکه رسیدند تعدادی از مردم قبیله‌ی هذیل به او گفتند که در مکه

---

۴۷ . تاریخ المکه المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۱۵.

خانه‌ای است و گنجهای بسیار در آن نهان، و او را تشویق می‌کردند به برگرفتن گنجهای خانه‌ی کعبه و قصد آنان هلاک وی بود.

او پیش از آنکه اقدامی کند با علمای یهود مشورت نمود و آنان او را از این کار بازداشتند و گفتند که هرکس قصد ویرانی این خانه کند خود نابود می‌شود و او بسیاری از قبیله هذیل را از دم تیغ گذراند و با راهنمایی علمای یهود، با احترام و احرام وارد مکه شد و مناسک بجای آورد و قربانیهای فراوان داد و خانه‌ی کعبه را با بردهای یمانی پوشاند.[۴۸]

این جریان در حوالی سال ۲۳۰ پیش از هجرت رسول الله ﷺ اتفاق افتاده است از آن پس تا مدتها جانشینان تبع یکی پس از دیگری جامه‌ی کعبه مکرمه را با چرم و قباطی می‌پوشاندند.[۴۹]

تاریخ‌نگاران پس از تبع حمیری و جانشینان وی در این باره که چه کسی پوشاندن جامه‌ی کعبه را برعهده داشت مطلبی را ذکر نکرده‌اند اما قدر مسلم این استکه پس از تبع هیچگاه خانه‌ی کعبه بدون جامه نبوده است.

در دوران جاهلیت قریش با همیاری یکدیگر بر کعبه جامه می‌پوشاندند. در روزگار «قصی‌بن کلاب» برنامه‌ای تدوین گردید که براساس آن هر قبیله‌ای، مبلغی به اندازه‌ی توان خود می‌پرداخت، این وضع تا مدتها ادامه داشت تا آنکه «ابوربیعه بن مغیره بن عبدالله بن مخزوم» به درجه‌ی بالایی از توانگری رسید، و به قریش گفت: «من خود به تنهایی یک سال جامه‌ی کعبه را برعهده می‌گیرم و سال دیگر شما همگی آن را بپوشانید.»[۵۰]

و همچنین روایاتی موجود است که «خالدبن جعفربن کلاب» نخستین کسی است که خانه‌ی کعبه را با پارچه‌های ابریشمین نقش دار آراست[۵۱] و همچنین منقول است که «نتیله دختر حبابن» یعنی مادر عباس‌بن عبدالمطلب نخستین کسی است که خانه‌ی کعبه را با دیبا پوشاند.

به هر تقدیر اعراب جاهلی برای خانه‌ی کعبه و پوشش آن ارزش فراوانی قائل بودند و سعی می‌کردند هیچگاه خانه‌ی کعبه بدون پوشش نباشد تا آنکه زمان اسلام فرارسید، و در زمان اسلام نیز به این مهم پرداخته شد و رسول‌الله ﷺ و ابوبکر صدیق و عمر فاروق

---

۴۸ . سیره‌ی ابن اسحاق ۸۳/۱.

۴۹ . الرحلة الحجازیة ص ۴۳۱ به نقل از کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۶۸.

۵۰ . کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۸۸.

۵۱ و ۳. مصدر فوق ص ۹۸ شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۲۳۲/۱.

و عثمان(رضی‌الله‌عنهم)[۵۲] و در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و تمام حکومتهای اسلامی به این

مسئله توجه ویژه‌ای مبذول داشتند.

در زمانهای مختلف با رنگهای گوناگون به خانه‌ی کعبه پرده‌هایی پوشانده می‌شد در زمان خلافت ناصر عباسی[۵۳] با پرده‌ی سیاه پوشانده شد و به گفته‌ی «فاسی» تا حال (یعنی زمان نگارش کتابش = شفاءالغرام» همچنان ادامه دارد.[۵۴]

پس از زوال حکومت عباسیان حکام مصر بیشتر از سایرین به پرده‌ی خانه‌ی کعبه اهتمام می‌ورزیدند تا آنکه در سال ۹۲۳ ه.ق سلطان «سلیم اول عثمانی» با گسترش نفوذش بر مصر خود را «خادم المحرمین الشریفین» نامید و نسبت به پرده‌ی خانه‌ی کعبه اهتمام ورزید. و این روند تا زمان آل‌سعود همچنان ادامه داشت.

ساخت جامه‌ی خانه‌ی کعبه در عربستان سعودی

در سال ۱۳۴۵ هجری قمری ملک عبدالعزیز آل‌سعود(ره) در ذی حجه‌ی این سال فرمان داد تا جامه خانه‌ی کعبه آماده شود، طی چند روز جامه‌ی خانه‌ی کعبه آماده گردید.

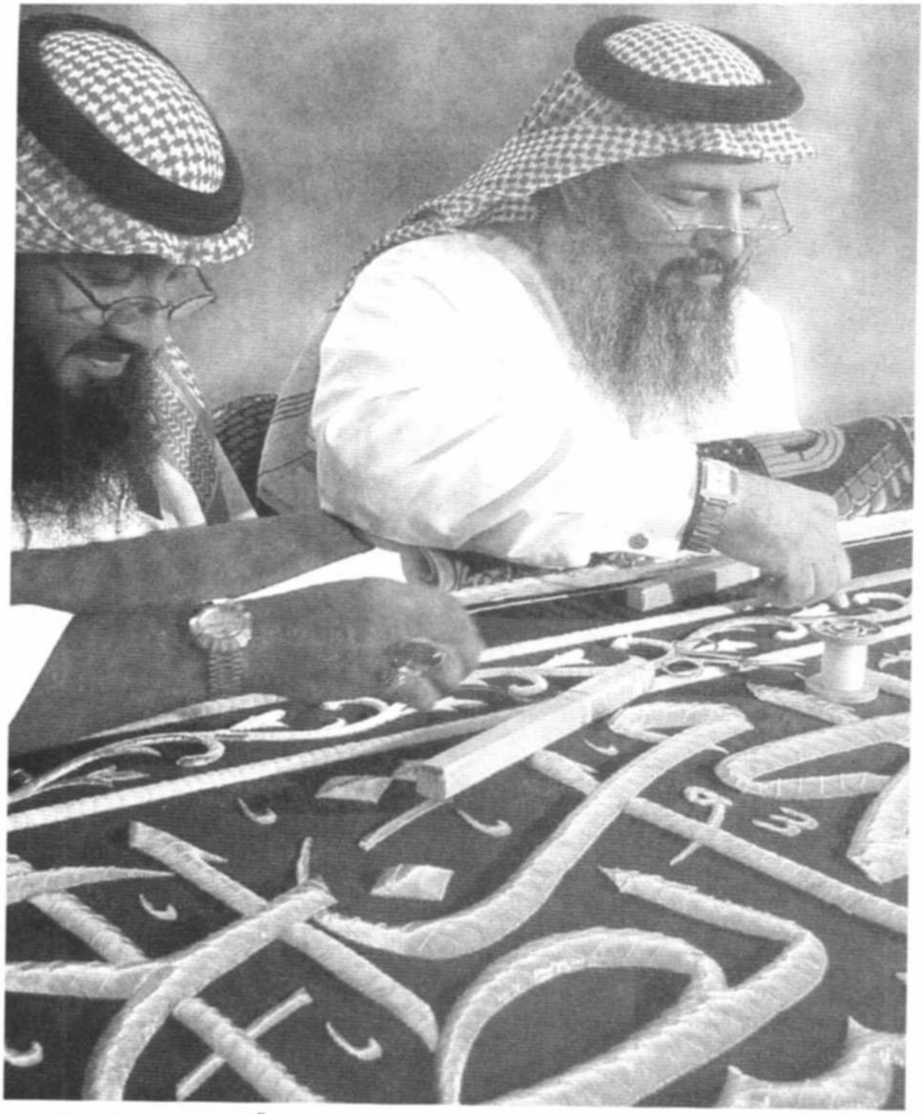
در محرم سال ۱۳۴۶ ه.ق ملک عبدالعزیز «ره» فرمانی مبنی بر تأسیس کارگاه ویژه‌ای برای ساخت جامه کعبه صادر کرد و وزیر دارایی وقت شیخ عبدالله السلیمان کارگاهی را در منطقه «اجیاد» در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر آغاز کرد و پس از شش ماه، کار ساختمان به پایان رسید و وسایل و امکانات رنگ‌رزی و بافندگی همزمان فراهم شد. و کارگران ماهری توسط شیخ اسماعیل غزنوی از هند آورده شدند و ساخت جامه‌ی کعبه آغاز گردید و پس از مدتی بسیاری از جوانان مکه ساخت آن را فراگرفتند و این روند همچنان ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۵۸ .ق یادداشت تفاهمی میان دولت عربستان و مصر به امضا رسید و دیگر بار ارسال جامه‌ی خانه‌ی کعبه توسط مصر از سر گرفته شد تا آنکه در سال ۱۳۸۱ .ق روابط مصر و عربستان تیره شد و در سال ۱۳۸۲ .ق باز کارگاه اجیاد بازگشایی شد و این کارگاه تا سال ۱۳۹۷ .ق به فعالیت خود ادامه داد تا آنکه در

---

۵۲. شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۳۲/۱.

۵۳. الناصر لدین الله عباسی ۳۷۵-۲۲۶ ه.ق کعبه و جامه‌ی آن ص ۶۲۱.

۵۴. مصدر فوق ص ۴۳۲/۱.



این سال کارگاه جدید در منطقه «ام الجود» در مکه‌ی مکرمه آغاز بکار نمود که تاکنون همچنان به ساخت آن ادامه می‌دهد.

جامه‌ی خانه‌ی کعبه در این کارگاه از مرغوبترین ابریشم‌های طبیعی که از ایتالیا وارد کرده می‌شود با دقت و متانت کامل بافته می‌شود.[۵۵]

جامه‌ی کعبه در هشتم ذیحجه‌ی هر سال توسط کارگاه به مکه فرستاده شده و در اختیار پرده‌داران خانه کعبه یعنی خاندان «شیبان» تسلیم می‌گردد.[۵۶]

و در روز نهم (روز عرفه) پرده‌ی پیشین برداشته می‌شود (که برداشتن پرده پیشین

---

۵۵ . هزینه‌ی ساخت جامه‌ی خانه‌ی کعبه در این کارگاه برابر با ۶/۰۰۰/۰۰۰ شش میلیون ریال سعودی‌است (که معادل پانزده میلیارد ریال ایران می‌باشد) جامه‌ی کعبه ص ۱۷۲.

۵۶ . مصدر فوق ص ۰۷۲.

برای نخستین بار توسط خلیفه‌ی دوم سید ناعمربن الخطاب‌ﷺ انجام شد)[57] و پرده‌ی جدید جایگزین آن می گردد.[58]

پرده‌ی قدیمی قبلا درمیان خاندان «شیبی» تقسیم می‌شد و آنان هرگونه که می‌خواستند در آن دخل و تصرف می‌کردند تا آنکه در سال ۱۳۷۸ ه .ق دولت عربستان سعودی فروش جامه‌ی کعبه را ممنوع اعلام کرد و در عوض، مبلغی را سالیانه در اختیار شیبیان قرار می‌دهد.[59]

شستشوی درون خانه‌ی کعبه

نخستین بار شستشوی درون خانه‌ی کعبه در فتح مکه توسط رسول اللهﷺ انجام شد. و از آن پس ادامه داشت که هر ساله دو یا چند بار در سال درون آن را شستشو می‌دادند. اما اکنون سالی دوبار، یک مرتبه در مراسم حج و دیگری در ماه شعبان انجام می‌پذیرد.[60]

عطرآگین‌کردن کعبه

حضرت معاویه بن ابی‌سفیانؓ نخستین شخصی است که کعبه را با خلوق (نوعی خوشبویی) و عود خوشبو نمود که این کار برای اولین بار و به صورت منظم از دوران اموی به یادگار مانده است.[61]

مشخصات خانه‌ی کعبه

درمیان دورکن	میان رکن یمانی و حطیم	طول آن ازناحیه حطیم	طول آن ازجهت ملتزم	ارتفاع خانه کعبه
۱۱ /۵۲	۱۲ /۱۱	۱۱/c۲۸م	۱۲/c۸۴م	۱۴م

---

۵۷. مصدر فوق ص ۱۷۲.
۵۸. مصدر فوق ص ۳۸۲.
۵۹. تاریخ القویم ۸۲۲/۴ به نقل از مصدر فوق.
۶۰. کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۵۷۲.
۶۱. مصدر فوق ص ۷۷۲ شفاءالغرام ۱۴۲/۱.

بانیان خانه‌ی کعبه در طول تاریخ

از روایات چنین برمی‌آید که در گذر زمان خانه‌ی کعبه ۱۲ مرتبه تجدید بنا شده است که برخی از این روایات قطعی و برخی دیگر ظنی هستند:

۱- اولین بانیان آن ملائک

۲ ـ حضرت آدم(علیه السلام)؛

۳ ـ حضرت شیث(علیه السلام)؛

۴ ـ حضرت ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام)؛

۵ ـ عمالقه؛

۶ ـ جرهم؛

۷ ـ قصی بن کلاب (از اجداد رسول الله(صلی الله علیه و آله))؛

۸ ـ قریش؛

۹ ـ عبدلله بن زبیر در سال ۶۵ .ق؛

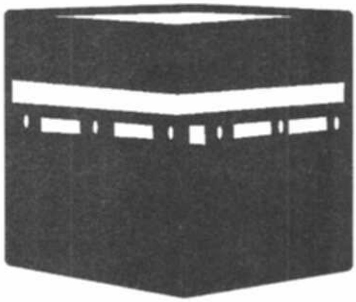
۱۰ ـ حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۷۴ .ق؛

۱۱ ـ سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ .ق؛

۱۲ ـ ملک فهد بن عبدالعزیز ۱۴۱۷ .ق[۶۲] (ترمیم شده است)؛

---

۶۲. تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً.



زائر گرامی!

همیشه کارت شناسایی و کارت هتل را همراه داشته باش.

ارکان بیت‌الله

به هر زاویه از زوایای چهارگانه‌ی بیت‌الله‌الحرام رکن می‌گویند که عبارتند از :

۱ ـ رکن حجرالاسود؛ ۲ ـ رکن یمانی؛ ۳ ـ رکن عراقی؛ ۴ ـ رکن شامی؛

رکن حجرالاسود

رکنی را گویند که حجرالاسود در آن قرار دارد و برای نخستین بار حضرت ابراهیم خلیل‌علیه‌السلام آنرا در آن‌جا قرار داد و حضرت محمدﷺ آخرین پیامبری بود که با داوری شگفت‌انگیز خویش آنرا گذاشت و با درایت خویش از بروز جنگی خونین جلوگیری نمود.

حجرالاسود در رکن شرقی بیت‌الله الحرام واقع شده است و بنا به گفته‌ی ازرقی ارتفاع آن از زمین دو زراع و ۱۳ زراع می‌باشد.[۶۳]

حجرالاسود یعنی سنگ سیاه، رسول‌اللهﷺ درباره آن فرمودند: (الحَجَرُالأَسوَدُ مِن حِجَارةِ الجَنَّة) رواه الطبری فی معجم الکبیر «حجرالاسود از سنگهای بهشت است.»

رسول‌الله ﷺدر روایت دیگری فرمودند: (نَزَلَ الحَجَرُالاَسوَدُ مِنَ الجَنَّة وَ هُوَ اَشَدُّ بَیَاضاً مِنَ اللَّبَن فَسَوَّدَتهُ خَطَایَا بَنِی آدَمَ) رواه الترمذی «حجرالاسود از بهشت نازل شده و از شیر سفیدتر بود پس گناهان بنی‌آدم آن را سیاه نمود.[۶۴] »

حضرت عبدالله‌بن عباس‌رضی‌الله‌عنه می‌گوید: «خداوند متعال رکن یمانی و حجرالاسود را به همراه حضرت آدم از بهشت فروفرستاد.»[۶۵]

درباره‌ی فضایل حجرالاسود و ترغیب بر استلام و بوسیدن آن احادیث بیشماری وارد

---

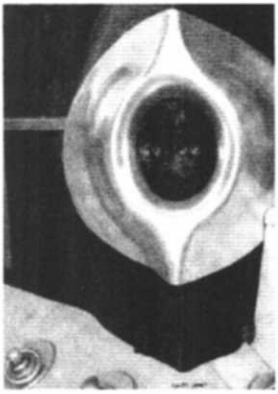
۶۳ . تهذیب الاسماء واللغات ۷۷/۳.

۶۴ . ابن ظهیره می‌گوید: «وقتیکه گناهان بر سنگ تأثیر می‌گذارند پس تأثیر آنها بردلها به مراتب بیشتراست پس باید با تمامی وجود از آنها اجتناب نمود» تاریخ المکه المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۳۴.

۶۵ . تهذیب الاسماء واللغات ۷۷/۳.

شده است و برایش همین فضیلت کافی است که دست مبارک حضرت رسول اکرمﷺ آن را لمس نموده و لبهای مبارکش بر روی آن قرار گرفته‌اند و آن را بوسیده‌اند.[۶۶]

حضرت عبدالله‌بن عباس‌رضی‌الله‌عنه از رسول مکرم اسلام روایت می‌کند که آن حضرتﷺ فرمودند: «قسم به خداوند، که الله تبارک و تعالی آن را (حجرالاسود) در روز قیامت قطعاً برخواهد انگیخت درحالیکه دارای دو چشم که با آنها می‌بیند و زبانی که با آن سخن می‌گوید می‌باشد و به نفع کسانیکه آن را به حق استلام نموده‌اند شهادت و گواهی خواهد داد.»[۶۷]



حجرالاسود در آزمایشگاه های معاصر

حجرالاسود سنگی بهشتی است که بخاطر جذب گناهان بنی‌آدم سفیدی و روشنایی خود را از دست داده و به سیاهی تبدیل شده است و ما براساس دستورات دین مبین اسلام و سنت رسول مکرم اسلام آن را استلام می‌نماییم و آن را می‌بوسیم ورنه خود حجرالاسود بنفس ذاته سنگی بیش نیست آنگونه که سیدنا حضرت عمررضی‌الله‌عنه فرمودند : (عن عابس بن ربیعه عن عمرانه جاءَ اِلیَ الحَجَر فَقَبَّلَهُ فقالَ: انیِّ أَعلَمُ أَنَّکَ حَجَرٌ لَا تَنفَعُ وَ لَا تَضُرّ وَ لَولَا أَنِّی رَأیتُ رَسول اللهﷺ یُقَبِّلُکَ ما قَبَّلتُکَ)[۶۸]

«من قطعاً می‌دانم که تو یک سنگ هستی نه می‌توانی نفعی برسانی و نه می‌توانی به کسی ضرری برسانی، اگر رسول مکرم اسلام را نمی‌دیدم که تو را می‌بوسد، من تو را نمی‌بوسیدم.»

مجاهد گوید: «هنگامی که عبدالله‌بن زبیررضی‌الله‌عنه خانه‌ی کعبه را تخریب و سپس تعمیر

---

۶۶. تاریخ المکة المکرمه ص ۳۵.

۶۷. ترمذی ۱۶۹ به نقل از

۶۸. صحیح البخاری ۶۷۴/۱ صحیح المسلم ۷۶/۴.

نمود به حجرالاسود نگاه کردم، مشاهده نمودم آن قسمت از آن که در داخل دیوار بیت‌الله الحرام قرار دارد همچنان سفید است.»[۶۹]

(گویند) بعضی از دانشمندان سنگریزه‌ای از حجرالاسود را تجزیه نموده تا مواد سازنده‌ی آن را آزمایش نمایند با یک حقیقت عجیب روبرو شده‌اند و آن اینکه این سنگ با هیچ سنگی از سنگهای زمینی شباهت ندارد.

سبحان‌الله این حقیقتی است که رسول الله پیش از ۱۴۰۰ سال آن را اعلام داشته که این سنگ از بهشت آورده شده است! بیندیشند آنانکه اندکی تردید دارند.[۷۰]

فضایل حجرالاسود

۱ ـ سنگی است که از بهشت نازل شده و همچون شیر سفید بوده است.

۲ ـ توسط جبرائیل عليه السلام به حضرت ابراهیم عليه السلام داده شده تا در آنجا نصب گردد گویند هنگامیکه حضرت ابراهیم با اسماعیل بیت‌الله را درست می‌کردند، به جای حجرالاسود رسیدند، حضرت ابراهیم به اسماعیل گفت برای این مکان سنگی را پیداکن، و حضرت اسماعیل برای پیداکردن سنگ رفت و سنگی پیدا کرد وقتیکه برگشت دید که حجرالاسود را حضرت ابراهیم در جایش قرار داده است. از او پرسید پدرم چه کسی این سنگ را برایت آورد؟

فرمودند: حضرت جبرائیل[۷۱].

۳ ـ رسول مکرم اسلام پس از حضرت ابراهیم با دستان مبارک خود آن را در مکانش نصب نمود.

۴ ـ رسول مکرم اسلام آن را لمس نموده و بوسیده است و پس از وی خلفای راشدین افضل الامه بعد النبی صلی الله علیه و سلم نیز چنین کرده‌اند.

۵ ـ آغاز و پایان طواف از حجرالاسود است.

۶ ـ نزد آن دعاء قبول می‌شود.

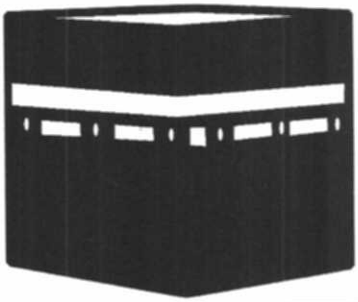
۷ ـ و در روز قیامت به نفع کسانیکه به حق، آن را استلام نموده‌اند شهادت و گواهی می‌دهد.

---

۶۹. تاریخ مکة‌المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۳۴.

۷۰. وصف الکعبة المشرفة و تاریخها ص ۱۳.

۷۱. تفسیر ابن‌کثیر ۸۵۲/۱ بنقل از تاریخ مکة المکرمه ص ۴۵.



زائر عزیز!

وقت گرانبهای خود را برای گشت و گذار و پرسه زدن در بازار، عکسبرداری و یا فیلمبرداری ضایع مگردان

رکن یمانی

زاویه‌ای از زوایای چهارگانه خانه‌ی کعبه است که با رکن حجرالاسود موازی است و در جهت یمن قرار دارد، و این رکن ـ همچون رکن حجرالاسود ـ بر قواعد و بنای ساخته‌شده‌ی حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام قرار دارد.[۷۲]

علت نامگذاری: گویند مردی از یمن آن را درست کرده واسم او ابیّ‌بن سالم بوده است و چنین سروده:

لنا الرکن الیمانی من البیت الحرام　　　وراثةً بقیة ما ابقی ابیّ بن سالم[۷۳]

استلام رکن یمانی در اولین شوط ـ و در صورت امکان در تمام شوطها ـ سنت است، اگر چنانچه امکان استلام با دست نباشد یعنی نتواند با دست آن را لمس کند اشاره‌کردن به سوی آن و یا لمس آن با عصا و غیره جایز نیست.[۷۴]

فضایل رکن یمانی

حضرت عبدالله‌بن عباس‌رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول مکرم اسلام بجز از رکن یمانی و

۷۲. تاریخ مکةالمکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۱۵.

۷۳. الروض الانف به نقل از شفاءالغرام ۹۲۳/۱.

۷۴. معجم‌المناسک ص ۸۳۱.

رکن حجرالاسود رکنهای دیگر را استلام نمی‌نمودند.[۷۵]

قال‌ابن عمرﷺ سمعت رسول‌اللهﷺ یقول: (اِنّ مَسَّهُمَا (ای الرکن و حجرالاسود) کَفَّارةالخَطَایَا)[۷۶]

حضرت عبداللّه‌بن عمرﷺ روایت می‌کند که شنیدم رسول‌الله فرمودند: لمس‌کردن رکن یمانی و حجرالاسود کفاره‌ی گناهان می‌باشند.

از جمله فضایل رکن یمانی این است که این رکن از مواضع اجابت و پذیرش دعاست.

مجاهد «ره» می‌گفت: غیرممکن است کسی که دستش را بر روی رکن یمانی بگذارد و آنگاه دعا کند و دعایش استجابت نشود.

حکایت

ابن‌ظهیره از شعبی روایت می‌کند که گفت: چیز عجیبی را مشاهده نمودم من و عبداللّه‌بن زبیرﷺ و برادرش مصعب‌بن زبیرﷺ و عبدالملک بن مروانﷺ در کنار بیت‌الله حضور داشتیم. بعد از آنکه از گفتگوهایمان فارغ شدیم، گفتند هرکدام بلند شود و در کنار رکن یمانی دعا کند و آرزویی را که دارد از خداوند بطلبد که او بخشنده است و دعایش را اجابت می‌نماید.

سپس به عبداللّه‌بن زبیرﷺ گفتند شما اولین مولودی هستی که بعد از هجرت مهاجرین در شهر مدینه منوره ـ بدنیا آمدی، پس ابتدا شما برخیزید و خواسته‌ی خود را مطرح نمائید. آنگاه او برخاست و رکن یمانی را با دست گرفت و گفت: پروردگارا! تو عظیم هستی و از تو کارهای بزرگ درخواست کرده می‌شود و امید می‌رود که آنها را برآورده‌سازی.

از تو می‌خواهم قبل از آنه مرا بمیرانی حکمرانی حجاز را به من عطا فرما تا بر من به خلافت سلام کرده شود و برگشت و نشست.

سپس برادرش مصعب‌بن زبیرﷺ برخاست و رکن یمانی را گرفت و گفت: پروردگارا! تو پروردگار همه هستی و بازگشت همه به سوی توست با قدرتی که داری از تو می‌خواهم که مرا از دنیا نبری تا آنکه حکمرانی عراق را نصیب من گردانی و سکینه‌بنت حسین‌بن علی را به عقد نکاح من درآوری، برگشت و نشست.

---

۷۵. ترمذی ۹۵۹.

۷۶. ترمذی ۹۵۹.

سپس عبدالملک‌بن مروان بپاخاست و رکن یمانی را گرفت و گفت: ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمین! زمین سرسبز بعد از خشکی، به آنچه که بندگان فرمانبردارت از تو می‌خواهند از تو می‌خواهم و به حرمت جلالت و قدرتت و به حقی که به همه خلایق داری از تو می‌خواهم که قبل از مرگ حکمرانی شرق و غرب ـ امپراطوری اسلامی ـ را به من عطا فرمایی به گونه‌ای که هرکسی با من مخالفت نماید سرش نزد من آورده شود سپس آمد و نشست.

پس از او عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه برخاست و رکن یمانی را گرفت و گفت: پروردگارا! ای رحمن! ای رحیم! با آن رحمتت که بر خشمت سبقت گرفته و با آن قدرتی که بر تمام مخلوقات داری از تو می‌خواهم مادامی که بهشت را بر من واجب نگردانده‌ای مرا از دنیامبر...

در طول زندگی خودم مشاهده نمودم که به همه آنها هر آنچه را که از خداوند خواسته بودند عطا فرمود، و همه به آرزوهایشان رسیدند.

شاید کسی گوید که موارد سه‌گانه‌ی فوق در این دنیا قابل درک و رویت بودند و همه‌ی آنها را مشاهده نمودند اما دلیل بر بهشتی بودن عبدالله‌بن عمر چیست؟

در جواب گوید: دو دلیل بر بهشتی بودن وی وجود دارد که عبارتند از:

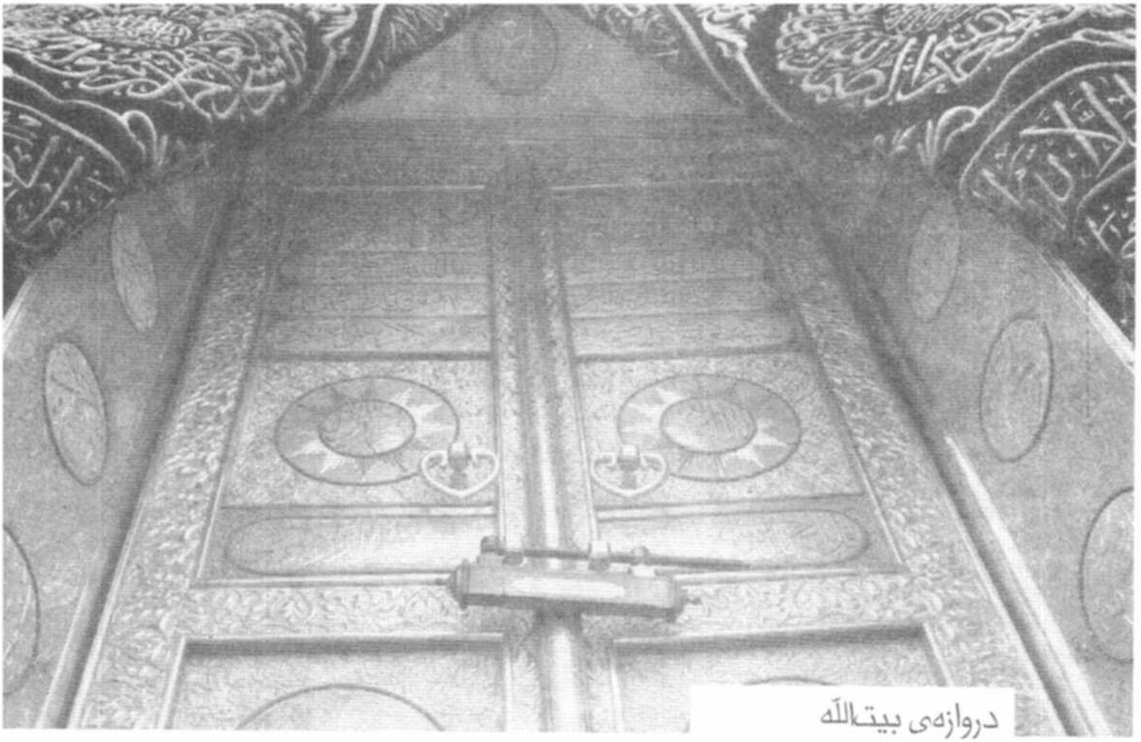
الف) عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه آخر عمری بینایی‌اش را از دست داد و رسول مکرم اسلام وعده داده‌اند که هرکسی به این مشکل مبتلا شود و صبر نماید خداوند در مقابل آن بهشت را به وی خواهد بخشید.

ب) وقتی که مشاهده می‌شود همه‌ی آنها به آرزوهایشان که دنیوی بودند نایل آمدند پس نتیجه می‌گیریم که عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه که در زهد و تقوی و پایبندی بر دین و سنت همتایی ندارد قطعاً آرزویش را خداوند برآورده خواهد نمود.[۷۷]

بنابراین در این مکان دعا قبول می‌شود، زایرین بزرگوار می‌توانند در مواقع خلوت بدانجا روند و خواسته‌هایشان از خالق و مالک خود بطلبند که او بخشنده‌ای است که هرگز از فقر نمی‌ترسد. و از بخشش دریغ نمی‌نماید کافی است با شیوه‌ی درست و با تمامی وجود دعا کنیم، اگر دعا کردیم و مشاهده نمودیم که دعایمان قبول نشد قطعاً بدانیم که عیب کار از ماست.

---

۷۷. لبیک اللهم لبیک ص ۶۸۱.



دروازه‌ی بیت‌الله

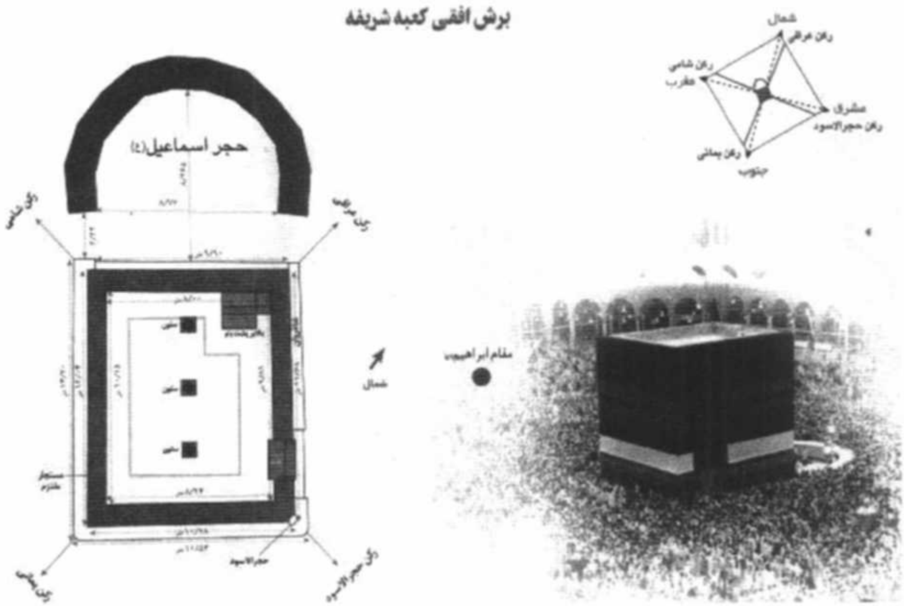
هنگامیکه حضرت ابراهیم خلیل‌ؑ خانه‌ی کعبه را بنا نمود، برای آن، دو در چسبیده به زمین قرار داد - یکی در جهت شرق و دیگری در جهت غرب - که مردم از دروازه‌ی شرقی وارد می‌شدند و از دروازه‌ی غربی بیرون می‌رفتند و این دو دروازه بی‌آنکه دری داشته باشند همیشه به روی زائران باز بودند.

تا آنکه ملک اسعد تُبّع سوم یکی از پادشاهان یمن برای آنها دروازه‌هایی گذاشت که باز و بسته می‌شدند.

وقتیکه قریش خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمودند دروازه‌ی غربی را مسدود نموده و دروازه‌ی شرقی را که ملصق به زمین بود از زمین بلندتر کردند آنگونه که قبلا در روایتی گذشت که رسول مکرم اسلام‌ﷺ فرمودند: آنان اینکار را کردند تا هرکس را که دوست داشته باشند اجازه‌ی ورود به بیت‌الله بدهند و هرکس را که نخواستند از ورود به آن ممانعت نمایند. یعنی پیش از آن ورود به بیت‌الله عمومی بود و اینها آن را اختصاصی و تشریفاتی کردند. و پیامبر اکرم‌ﷺ اظهار علاقه کردند که ایکاش خانه‌ی کعبه را بر بنای حضرت ابراهیم‌ؑ درست می‌کردند و برایش دو در ملصق به زمین قرار می‌دادند امّا چون اکثر قریش و اهل مکه تازه مسلمان شده بودند از انجام آن صرف‌نظر نمودند. و حضرت عبدالله‌بن زبیر‌ؓ در زمان خلافت خویش خواست رسول‌اللهﷺ را عملی ساخت که بعداً در زمان بنی‌امیه مجدداً خانه‌ی کعبه به شکل سابقش - بنای قریش -

برگردانده شد.

در گذر زمان دروازه‌ی بیت‌الله معمولا تجدیدبنا می‌شد تا آنکه در زمان آل‌سعود در سال ١٣٩٩ ه.ق ملک خالدبن عبدالعزیزبرای ساخت آن از طلای خالص دستوری صادر نمود و طی یک سال دروازه‌ی فعلی با دویست و هشتاد (٢٨٠ کیلوگرم) طلا برای درب خارج و دری که در داخل قرار دارد و به «باب‌التوبه» مشهور است ساخته و بر چارچوبی از چوب تیک[٧٨] نصب شد.



عرض آن	طول باب‌التوبه	ارتفاع آن از مطاف	عمق آن	عرض آن	طول دروازه‌ی خانه‌ی کعبه
٧٠ c	٢/c٣٠م	٢/C٢٥م	٥٠ c	٢/c٩٠م	٣/c١٠م

باب التوبه

در سمت راست کسیکه وارد بیت‌الله می‌شود راه‌پله‌ای است که به سقف بیت‌الله منتهی می‌شود و دارای دری است که آن را «باب‌التوبه» گویند و دارای قفل و پرده می‌باشد.[٧٩]

المُستجار

در مباحث پیشین ذکر نمودیم که خانه‌ی کعبه براساس بنای حضرت ابراهیم علیه‌السلام دارای

---

٧٨. هرچه در فرهنگ لغتها گشتم توضیحی در مورد «تیک» که یک کلمه عربی است نیافتم.
٧٩. تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ٧٥ و ٦۵.

دو در بود، یکی در فعلی و دیگری به موازات آن در جهت غرب، که مسدود شده است.

حال مستجار میان رکن یمانی و در بسته شده محاذی در خانه‌ی کعبه به مقدار چهار ذراع می‌باشد که این مکان را «مستجار من الذنوب» نامند.[۸۰]

حضرت معاویه‌رضی‌الله‌عنه فرمودند: «کسیکه پشت خانه‌ی کعبه ـ یعنی در این مکان (=مستجار) بایستد و دعا کند، دعایش اجابت کرده می‌شود و همچون روزی که از مادر متولد شده گناهانش آمرزیده خواهند شد.»

چنین سخنی را حضرت معاویه حتماً از رسول الله شنیده و بیان داشته است.[۸۱]

گروهی از بزرگان سلف در این مکان می‌ایستادند و دعا می‌کردند از آن جمله عمربن عبدالعزیز و قاسم‌بن محمد (رحمهما الله)[۸۲].

فضایل

محل اجابت دعاست، آنگونه که قبلا بیان داشته شد.

ملتزم

میان رکن حجرالاسود و دروازه‌ی بیت‌الله شریف را ملتزم گویند.

مجاهد گوید: میان رکن حجرالاسود و دروازه‌ی شریف ملتزم است[۸۳] و به آن «المدَّعا» و «المُتعوَّذ» نیز گویند.[۸۴]

علت نامگذاری

از آن‌جایی که مردم آن‌جا را برای دعاکردن لازم می‌گیرند، ملتزم نامیده شده است.[۸۵]

فضایل

عن ابن عباس‌رضی‌الله‌عنه (قال: سمعت رسول الله یقول: الملتزم موضع یستجاب فیه الدعاء و

---

۸۰. شفاءالقرام باخبار البلدالحرام ۴۷۳/۱.

۸۱. مصدر فوق ص ۴۷۳/۱.

۸۲. مصدر فوق و القری لقاصدام القری ص ۸۱۳.

۸۳. تاریخ مکةالمکرمه ص ۸۶ ـ القری لقاصدام القری ص ۵۱۳.

۸۴. شفاءالغرام باخبار البلدالحرام ۳۷۳/۱ ـ القِری لقاصدام القری ص ۵۱۳.

۸۵. تهذیب الاسماء واللغات ۳۳۳/۳.

ما دعا عبدّلله تعالی فیه الّا استجاب له ۷)

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه فرمود شنیدم که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم می‌گوید: ملتزم مکانی است که دعا در آن اجابت می‌شود، هر بنده‌ای که در آن از الله تبارک و تعالی بخواهد، خواسته‌ی او را اجابت می‌کند.

عمروبن شعیب از پدرش، از جدش روایت می‌کند که گفت :

همراه عبدالله طواف کردم، پس هنگامیکه به پشت خانه‌ی کعبه رسید، گفتم از خداوند پناهندگی نمی‌طلبی، گفت: از آتش جهنم به الله تبارک و تعالی پناه می‌برم، سپس حرکت کرد تا آنکه حجرالاسود را استلام نمود، پس از آن میان رکن حجرالاسود و دروازه‌ی بیت‌الله = در ملتزم ایستاد، و سینه، صورت و دستهایش را کاملا بازکرد و بر خانه‌ی کعبه گذاشت و گفت: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که اینچنین می‌کند.»[۸۶]

امام شافعی و مجاهد می‌گویند: «مستحب است که بعد از طواف وداع در ملتزم بایستد و دعا کند.»[۸۷]

بسیاری از صحابه‌ی کرام رضوان‌الله علیهم اجمعین آنجا را لازم می‌گرفتند و در آنجا دعا می‌کردند.

طارق‌بن عبدالرحمن گفت: همراه علی‌بن الحسین (زین‌العابدین) طواف کردم، هنگامیکه از طوافش فارغ شد، شال روی دوش خود رها کرد، تا آنکه بدنش آشکار گشت، سپس آن را میان رکن حجرالاسود و دروازه = ملتزم چسباند[۸۸] .

عن عبدالرحمن بن صفوان قال: (رَاَیتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه وسلم بَینَ‌الحَجَرِ وَالبَابِ وَاضِعاً وَجهَهُ عَلی‌البَیتِ)[۸۹] رواه احمد

عن ابن عمر رضی الله عنهما (أَنه کَانَ یُلزِقُ صَدرَهُ و وَجهَهُ بِالمُلتَزَمِ)، اخرجه الدار قطنی.

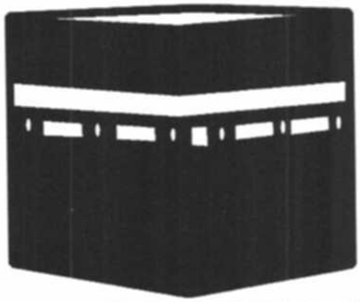
---

۸۶ . ابوداود شماره ۹۹۸۱.

۸۷ . تاریخ مکةالمکرمه ص ۸۶ القری لقاصدام القری ص ۵۱۳.

۸۸ . مصدر فوق ص ۸۶.

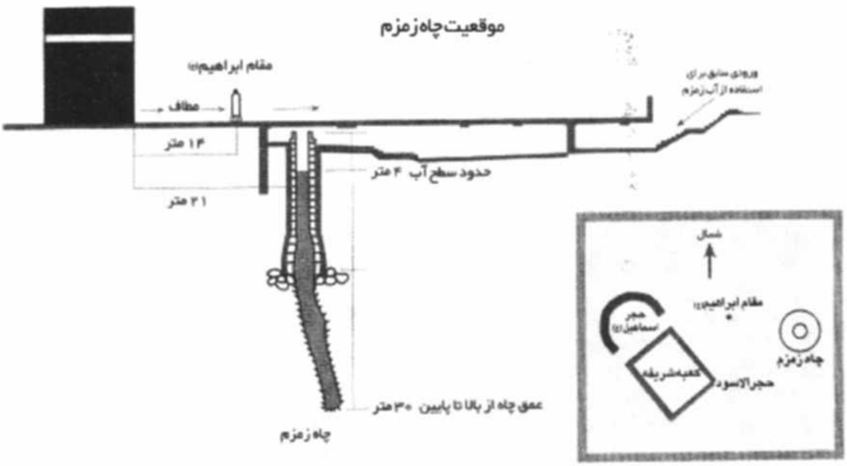
۸۹ و ۵. القری لقاصد ام القری ص ۴۱۳.



زائر گرامی!

به هنگام سوارشدن اتوبوس و یا آسانسور و... رعایت حال سالمندان وزنان رابنما.

بخش سوم



چاه زمزم

چاه زمزم در جهت شرق خانه‌ی کعبه به محاذات ملتزم و به فاصله‌ی ۲۱ متری خانه‌ی کعبه قرار دارد.

واقعه‌ی پدیدآمدن چاه زمزم برای عموم مسلمانان معلوم و مشهور است، اما با همه‌ی این تفاصیل نظری گذرا به این واقعه خواهیم افکند.

آنگاه که حضرت ابراهیم(علیه السلام) به دستور الله عزوجل همسر و تنها فرزندش را در وادی لم‌یزرع مکه مکرمه تنها رها کرد و رفت، و هنگامیکه آب و آذوقه‌ی حضرت هاجر(علیها السلام) به پایان رسید، و تنها فرزندش اسماعیل(علیه السلام) احساس تشنگی نمود، هاجر دوان‌دوان خود را بر بلندای کوه صفا رساند و به دوردستها نظر انداخت تا شاید آبی یا فریادرسی را بیابد امّا خبری نبود. از بلندای کوه صفا به زیر آمد و در مسعی دوان‌دوان خود را بر بلندای کوه «مروه» رساند تا در این‌سو نیز نظری بیاندازد اما در این سمت هم خبری نبود، او سراسیمه و نگران تا هفت مرتبه این عمل را تکرار کرد و فاصله‌ی میان صفا و مروه را هفت بار طی نمود.

او به حکم بشربودن سخت مضطرب و نگران بود. اما الله تبارک و تعالی به فریادش رسید و فرشته‌ای (جبرئیل) را فرستاد و او در کنار حضرت اسماعیل(علیه السلام) بال یا قدمش را بر زمین زد و چشمه‌ی جوشان زمزم فوران کرد. هاجر نومیدانه باز به سوی فرزندش نظر انداخت با اتفاقی بس عجیب و شگفت‌انگیز مواجه شد، او در کنار اسماعیل(علیه السلام) آب دید.

اندکی با خود اندیشید، خواب است یا بیدار، رویاست یا واقعیت، شتابان خود را به

اسماعیل(ع) رساند و یقین یافت که نه واقعیت است رؤیا نیست، تخیل و توهم نیست.

او خوشحال و با عجله کنار آب حوضچه‌ای از خاک درست کرد و مشکیزه خویش را پرآب نمود.

رسول الله(ص) فرمودند: (لَو تَرَکَت زَمزَمَ اَو قَالَ لَو لَم تَغرِف مِنَ المآءِ لَکَانَت زَمزَمُ عَیناً مَعیناً)

آنگاه فرشته به وی گفت نگران نباشید، هلاک نخواهید شد در این مکان «بیت‌الله» وجود دارد و این پسربچه با پدرش آن را بنا خواهند کرد.[۹۰]

(از آن پس آب زمزم بر روی زمین همچون چشمه‌ای می‌جوشید ـ و ظاهر بود و اهل مکه از آن استفاده می‌نمودند تا آنکه جُرهُم ساکنان آنجا به خانه‌ی کعبه و حرم بی‌توجهی و بی‌حرمتی نمودند، مکان آن ناپدید شد و بر اثر گذر زمان به گونه‌ای شد که شناخته نمی‌شد)[۹۱].

بعضی گویند هنگامیکه جرهم آنجا را ترک کردند چاه را دفن نمودند به هر تقدیر روزگار به همین منوال گذشت تا آنکه «سقایة و رفادة» (آب‌دادن و میهمان‌نوازی)، بیت‌الله به عبدالمطلب[۹۲] جدّ رسول‌الله(ص) رسید.

عبدالمطلب پس از دیدن خوابهای متعدد موفق به حفر مجدد زمزم شد و پس از کشمکشهای فراوان با قریش که ذکر آنها در این مقال مختصر نمی‌گنجد، موفق شد که سرپرستی چاه زمزم را به‌عهده بگیرد.[۹۳]

آب زمزم

آب زمزم دارای نامهای متعددی است و نامهای متعدد و فراوان یک شیء بر اهمیت و عظمت آن دلالت می‌کند. و در اهمیت و عظمت آب زمزم احدی را تردید نیست.

معروفترین نام آن «آب زمزم» است بگونه‌ای که این نام بصورت عَلَم برای آن درآمده و سایر اسمها را تحت‌الشعاع خویش قرار داده است.

علت نامگذاری

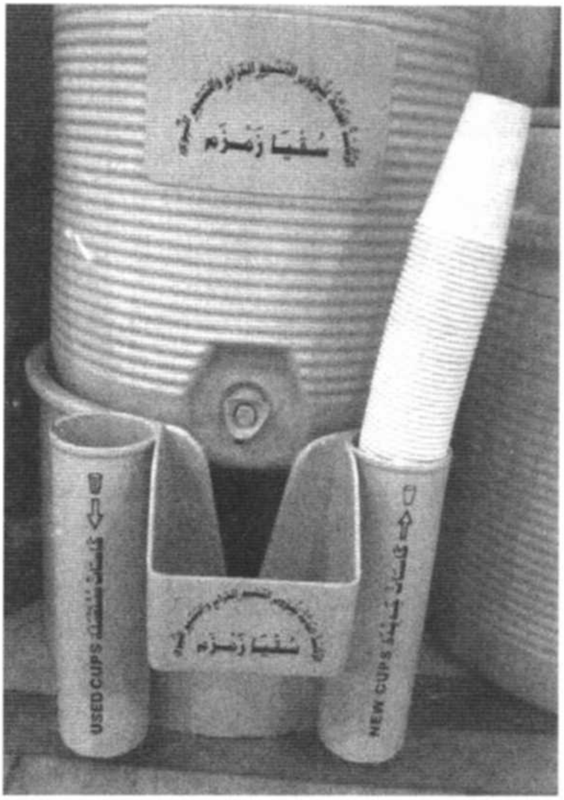
درباره‌ی علت نامگذاری آب زمزم به زمزم علل فراوان و متعددی ذکر شده است که در

۹۰. تاریخ مکه المکرمه ص ۷۵.

۹۱. شفاءالغرام باخبار البلدالحرام ۷۴/۱.

۹۲. تلفظ صحیح آن عبدالمطّلب، تشدید بر روی «ط» قرار دارد نه «لام».

۹۳. سیره ابن کثیرا، تاریخ مکه المکرمه ص ۹۵.



اینجا به ذکر چند مورد بسنده می‌نماییم:

الف) بخاطر کثرت آبش زمزم نامیده شده زیرا که زمزمه نزد عرب بر کثرت و وفور اطلاق می‌گردد.

ب) بعضی گویند چون اطراف آن با خاک بسته شده تا همه جا را فرا نگیرد و به همین خاطر زمزم نامیده شد.[۹۴]

ج) و گفته شده که بخاطر کلام و زمزمه‌ی حضرت جبرائیل زمزم نامیده شده است.[۹۵]

ناپدیدشدن چاه زمزم

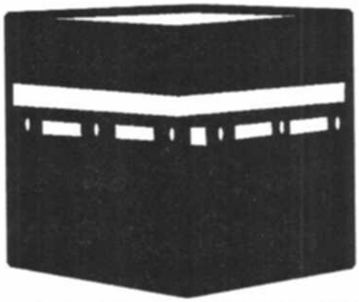
گویند پس از آنکه حضرت اسماعیل‌ؑ از دنیا رفت، مسئولیت و ریاست خانه‌ی کعبه به دست قبیله‌ی «جُرهُم» افتاد و پس از گذشت مدت زمانی، آنان ظلم و ستم آغاز کرده ـ و از موقعیت خود سوءاستفاده نمودند ـ تا آنجا که بنوبکربن عبدمناف بن کنانه از نسل حضرت اسماعیل با همراهی قبیله‌ی خزاعه با جرهم نبرد نمودند و چون قبیله‌ی جرهم ـ وضعیت خود را بسیار ضعیف مشاهده کرد و احساس نمود که شکست می‌خورد ـ مجبور شدند که مکه‌ی مکرمه را ترک کنند. بنابراین درِ چاه زمزم را پوشاندند و آن را ناپدید کردند و رئیس آنان «عمروبن حارث بن مضاض» اینکار را انجام داد و سایرین او را کمک کردند تا آنکه در زمان عبدالمطلب جد رسول‌الله و توسط وی چاه زمزم مجدداً یافته شد.[۹۶]

---

۹۴. تاریخ مکةالمکرمه ص ۹۵ ـ تهذیب الاسماءواللغات ۱۳۱/۳ ـ شفاءالغرام ۹۷۴/۱.

۹۵. تهذیب‌السماء واللغات ۱۳۱/۳.

۹۶. سیره‌ی ابن اسحاق ۶۱۱/۱ ـ شفاءالغرام ۰۷۴/۱.



زائر عزیز!

از نگه داشتن غذا داخل اتاق پرهیز کن

فضایل آب زمزم

دربارەی فضیلت آب زمزم احادیث و آثار بیشماری وارد شده است که ذکر همەی آنها خود مستلزم کتاب و یا رسالهای مستقل است اما به برخی از آنها اشاره میشود.

مهمترین چیزی که فضیلت و برتری آب زمزم را بر سایر آبها اثبات مینماید این است که حضرت جبرائیلعلیه‌السلام (چهار مرتبه) قلب مبارک رسول‌اللهﷺ را با آن شستشو داده است. اگر چنانچه آبی بهتر از زمزم در کرەی خاکی وجود میداشت قلب مبارک آن حضرتﷺ با آن غسل داده میشد.[۹۷]

و به همین خاطر بسیاری از علماء آن را برتر از آب حوض کوثر که در روز قیامت توسط رسول‌اللهﷺ به مسلمانان راستین داده میشود برتر دانستهاند.[۹۸]

چاه زمزم تنها چاهی است که پس از گذشت هزاران سال از عمر آن همچنان باقی است و آبش فوران مینماید[۹۹] و تا قیامت هم برقرار خواهد بود.

عن ابن عباسرضی‌الله‌عنه قال: (قَالَ: رَسُوْلُ‌اللهﷺ خَیرُ مَاءٍ عَلَی وَجه الاَرضِ مَاءُ زَمزَمَ، فِیهِ طَعَامُ الطُّعم وَ شِفَاءُ السُّقم)[۱۰۰]

رسول‌اللهﷺ فرمودند: «بهترین آبی که بر روی زمین وجود دارد آب زمزم هست. «هم غذاست و هم شفای بیماری»

عن جابررضی‌الله‌عنه بن عبداللهرضی‌الله‌عنه (قال: سَمِعتُ رَسُولَ‌اللهﷺ یَقُولُ: «ماءُ زَمزَمِ لِمَا شُرِبَ لَهُ»

---

۹۷. تاریخ مکةالمکرمه ص ۰۶.

۹۸. شفاءالغرام باخبار البلدالحرام ۱/۸۴۰.

۹۹. تاریخ مکه المکرمهٔ قیدماً و حدیثاً ص ۹۷.

۱۰۰. صحیح ابن حبان و معج الطبرانی.

اخرجه احمدوابن ماجه

رسول‌الله ﷺ فرمودند: «آب زمزم برای آن چیزی است که بخاطر آن نوشیده می‌شود، یعنی آدمی هنگام نوشیدن آن هر نیتی داشته باشد الله تبارک و تعالی در آب زمزم این نیرو را قرار داده است که مطابق با نیت نوشنده عمل نماید.»

البته ناگفته نماند که این امر به ایمان و خلوص نیت و رابطه‌ی انسان با پروردگارش بستگی دارد او هرچه بیشتر به خداوند ایمان داشته باشد و بیشتر به او رجوع نماید خداوند زودتر مشکلش را رفع می‌نماید (انی مع ظن عبدی بی).

بسیاری از علماء اسلامی آن را به نیتهای مختلف نوشیده‌اند والحمدلله نیتهای همه‌ی آنان برآورده شده است.

لازم به یادآوری است، کسیکه قصد دارد با نوشیدن زمزم نیتش برآورده شود لازم است که تا سیر بنوشد و به نوشیدن یک‌دو جرعه بسنده ننماید چون در روایات لفظ «تضلع» آمده است و تضلع در لغت یعنی بقدری بنوشد که پهلوهای او از سیراب‌شدن برآمده بنمایند[۱۰۱].

نوشیدن زمزم حدّ فاصل ایمان و نفاق

عن ابن عباس رضی الله عنه عن النبی ﷺ (اَنَّ التَّضَلُّعَ مِن مَاءِ زَمزَمَ عَلاَمَةٌ مَابَینَنَا وَبَینَ المُنَافِقِینَ)[۱۰۲]

«رسول‌الله ﷺ فرمودند: «کاملا سیر نوشیدن از آب زمزم نشانه‌ای است میان ما و منافقین.»

چون ما از آن تا سیر می‌نوشیم ولی منافقین تا سیر از آن نمی‌نوشند.

تذکر: بسیاری از عزیزان که به حج یا عمره تشریف می‌برند اغلب از آبهای معدنی استفاده می‌نمایند. سعی شود در آن سرزمین مقدس از آب زمزم بنوشند، هرکسی قادر است یک یا دو بطری با خود برده و آنها را از آب زمزم پر نماید زمانیکه در هتل است از آنها بنوشد و در حرم که الحمدلله در هر زاویه‌ای آب زمزم (خنک و غیرخنک) فراوان است.

حالانکه همین زائران بزرگوار وقتیکه برمی‌گردند به دوستان و آشنایان اندکی از آب زمزمه می‌دهند که یک جرعه بیشتر نیست. و خود در آن مکان مقدس و در کنار زمزم

۱۰۱. فرهنگ لاروس ۹۸۵/۱.

۱۰۲. ابن ماجه. الدارقطنی ۸۸۲/۲ القری لقاصد ام‌القری ص ۵۸۴.

بی‌تفاوتند و آب غیر معدنی به اصطلاح بهداشتی می‌نوشند. چه آبی بهداشتی‌تر از زمزم وجود دارد؟

آداب نوشیدن آب زمزم

عن ابن عباس رضی الله عنه (قال: سَقَيتُ رَسُولَ‌الله مِن زَمزَمَ، فَشَرِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ)[۱۰۳]

حضرت عبدالله ابن عباس گفت: از آب زمزم به رسول‌الله ﷺ دادم و آن حضرت ﷺ نوشید درحالیکه ایستاده بود. ایستاده نوشیدن مختص آب زمزم است و غیرزمزم را نباید ایستاده نوشید بلکه باید نشست.

و آداب نوشیدن آب زمزم عبارتند از :

۱ ـ رو به قبله باشد.[۱۰۴]

۲ ـ آب زمزم را با دست راست بگیرد.

۳ ـ ایستاده نوشیدن آن مستحب است. نشسته هم اشکال ندارد.[۱۰۵]

۴ ـ قبل از نوشیدن «بسم‌الله» بگوید.

۵ ـ و با سه نَفَس بنوشد یعنی درست است.

۶ ـ سیر از آب بنوشد.

۷ ـ بعد از نوشیدن دعا کند که در این هنگام دعا قبول می‌شود.[۱۰۶]

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه هنگام نوشیدن زمزم معمولا این دعا را می‌خواندند (اللّهُمَّ اِنّی أسأَلُکَ عِلماًنافِعاً وَ رزقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِن کُلِّ دَاءٍ)[۱۰۷]

«پروردگارا! از تو علمی نافع و مفید و رزقی فراوان و شفاء از هر بیماری مسئلت دارم.»

البته هر دعای خیر دیگری که دوست دارد می‌تواند دعا کند و تنها به این دعا اکتفا ننماید.

---

۱۰۳ . صحیح البخاری ۶۸۴/۱ حدیث شماره ۷۳۶۱.

۱۰۴ . شفاءالغرام ۸۸۴/۱ و القری ص ۵۸۴.

۱۰۵ . عن عمروبن شعیب عن ابیه عن جده قال: رایت رسول‌الله ۶ بشرب قائماً و قاعداً ـ ترمذی ۷۶۲/۴ باب ما جاء فی الرخصهٔ فی الشرب قائماً.

۱۰۶ . تاریخ مکه المکرمهٔ قدیماً و حدیثاً ص ۹۷.

۱۰۷ . رواه الحاکم بنقل از شفاءالغرام ۸۸۴/۱ ـ سنن الدار قطنی ۸۸۲/۲ ـ ص ۰۸.

حمل آب زمزم

(عن عائشة رضي الله عنها أنها حَمَلَت من مَاء زَمزَمَ فی القَوارِیر وَ قَالَت: حَمَلَهُ رَسُولُ الله صلی الله علیه وسلم فِی الاَداوِی وَ القِرَب وَ کَانَ یَصبُّ عَلیَ المَرضَی وَ یَسقِیهِم)[۱۰۸]

«ام‌المؤمنین عایشه رضي الله عنها آب زمزم را در شیشه‌ها ـ با خود ـ حمل می کردند (و می‌بردند) و فرمودند : رسول‌الله آن را در مشکیزه ومشکها حمل می‌نمودند و ـ آن را ـ بر روی مریضها می‌پاشیدند و به آنان می‌نوشاندند.»

(عن هشام بن عروة عن ابیه عن عائشة رضي الله عنها: أنهاکانت تحمل من ماء زمزم و تخبر ان رسول‌الله صلی الله علیه وسلم کان یحمله)[۱۰۹]

در جواز حمل آب زمزم تردید وجود ندارد اما متأسفانه بسیاری از عزیزان زائر برخلاف مقررات سازمان حج و زیارت و یا قوانین هواپیمایی سعی می کنند که چندین لیتر آب زمزم با خود حمل نمایند و بیاورند و این کار مشکلات عدیده‌ای را در پی دارد. نمی‌توان آنقدر آب زمزم آورد که تمام مردم آبادی و شهر را از آن نوشاند.

بعضاً سازمان هواپیمایی اعلام می‌دارد که هر نفر می‌تواند ده لیتر آب زمزم با خود همراه داشته باشد و اجازه ندارد که درمیان بارها آب قرار دهد. مع‌الاسف بسیاری از عزیزان زائر تصور می کنند، نشانه‌ی قبول‌شدن حج وی و یا حاجی‌شدنش آن است که یک بشکه یا تانکر آب زمزم با خود بیاورد، غافل از مشکلات بعدی.

مشاهده می‌شود که چندین ده یا بلیت لیتری آب با خود دارند و یا بعضی برخلاف توصیه‌ها که بعضاً ایمنی پرواز را به مخاطره می‌اندازد، در میان بارها آب میگذارند و موجبات ناراحتی خود و دیگران را فراهم می‌نمایند. نتیجه این کار این می‌شود که بعضاً پرواز مجبور است آب عزیزان را بیاورد و بارها را در آن‌جا رها کند و یا بالعکس که در هر دو صورت داد و فریاد حاجیان که خود باعث و بانی این کار شده‌اند بلند می‌شود.

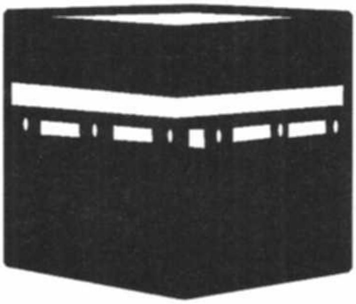
بنابراین توصیه می‌شود که عزیزان به همان مقداری که اعلام شده اکتفا نمایند و از دستورات سرپیچی ننمایند.

اگر ده لیتر آب با خود آوردید به هر تعدادی که رسید بدهید و بعد از آن عذرخواهی کنید و همه می‌دانند که نمی‌توان برای همه بازدیدکنندگان آب زمزم آورد.

---

۱۰۸ . مستدرک.

۱۰۹ . سخن الترمذی ۵۹۲/۳.



زائر گرامی

هر روز استحمام کن.



آب زمزم و میکروب

مهندس سامی عنقاوی (مدیر و رئیس مرکز تحقیقات و پژوهشهای حج) می‌گوید: «آب زمزم را ـ بارها ـ مورد آزمایش قرار دادیم، بعد از انجام آزمایشات متعدد در هیچ موردی از این آزمایشات در آب زمزم هیچگونه میکروب و یا ویروسی مشاهده نکردیم، حتی یک میکروب در آن یافت نشد، و اگر چنانچه کسی میکروبی در آن مشاهده نماید، به یقین بداند که از آب زمزم نیست بلکه از ظرف و یا لوله و یا وسیله‌ی دیگری است که به وسیله‌ی آن وارد آب زمزم شده است.

آب زمزم پاک، صاف و زلال است و با تمام آبهای دنیا متفاوت است. و دانشمندان پاکستانی از مدتها پیش این واقعیت را به اثبات رسانده‌اند.[۱۱۰]

نتایج تحقیقات یک دانشمند ژاپنی در مورد آب زمزم

نتایج تحققات نانو تکنولوژی یک دانشمند ژاپنی نشان می‌دهد که اگر یک قطره از آب زمزم با هزار قطره آب معمولی افزوده شود، آن هزار قطره آب معمولی خواص آب زمزم را پیدا می‌کنند (یعنی آنها از آب زمزم متأثر می‌شوند و دنباله‌رو آن می‌گردند نه اینکه آب زمزم از آنها متأثر شود هرچند که آنها به مراتب بیشتر از آب زمزم هستند.»

دکتر «ماساروایموتو» از محققان ژاپنی افزوده است که در تحقیقات و مطالعات علمی خود بر آب زمزم با استفاده از فناوری نانو نتواسته است هیچ‌یک از خواص آب زمزم را تغییر دهد. دکتر ایموتو گفته است آب زمزم منحصربفرد و از آبهای دیگر متمایز است،

---

۱۱۰. موسوعةالاعجازالعلمی فی القرآن الکریم والسنةالمطهرة ص ۹۴۷.

این محقق ژاپنی اظهار داشته است همه‌ی مطالعات و تحقیقات در آزمایشگاه‌ها نتوانسته هیچ‌یک از خواص این آب را تغییر دهد و تاکنون نتوانسته‌ایم علت آنرا تشخیص دهیم.

وی در پایان افزوده است آب زمزم یک آب معمولی نیست گفتنی است که دکتر ایموتو بنیانگذار نظریه‌ی «تبلور ذرّات آب» است.[۱۱۱]

سرگذشت لیلی مغربی

بیماری که به سرطان سینه مبتلا و از اهل مغرب بود لیلی نام داشت و سرگذشت خویش را چنین بیان می‌دارد: گرفتار سرطان سینه شدم به بلژیک رفتم، پزشکان چاره آن دیدند که من شیمی‌درمانی نمایم و سینه‌ام را قطع کنند من نپذیرفتم و به شهر خود بازگشتم پس از مدتی ورم سینه‌ام بیشتر شد و دانه‌هایی نمایان گشت و رنگم به زردی گرایید و به شدت از وزنم کاسته شد، مجدداً نزد پزشکان مراجعه کردم آنان مرا کاملا ناامید کردند و گفتند تنها راه چاره آن است که برگردی به شهرت و در آنجا به انتظار مرگ بنشینی که بیشتر از سه ماه زنده نخواهی ماند. چون سرطان به ریه‌هایت هم سرایت کرده است. در این فضای ناامیدی و ماتم‌زده خداوند متعال به دلم انداخت که برای زیارت حرمین شریفین بروم. به مکه مکرمه آمدم و پس از ادای عمره تقریباً در مسجد معتکف شدم، تلاوت می‌کردم، نماز می‌خواندم، دعا می‌کردم و مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و امید داشتم که الله تبارک و تعالی مرا شفا خواهد داد، پس از مدتی احساس کردم که ورم سینه‌ام برطرف شد و دانه‌ها یکی پس از دیگری ناپدید شدند، دیری نگذشت که حالم کاملا بهبود یافت. نزد پزشکان برگشتم و دوباره آزمایش دادم، پزشکان در بُهت و حیرت در کمال ناباوری اعلام کردند که هیچ اثری از بیماری نیست.[۱۱۲]

این اعجاز آب زمزم است که رسول مکرم اسلام هزار و چهارصد پیش فرمودند «آب زمزم شفای بیماری است.»

دکتر فاروق عنتر می‌گوید:

سنگی در حالب (میزنای) من گیر کرده بود و راه چاره آن بود که عمل کنم ولی من عمل را به تأخیر می‌انداختم. به مکه مکرمه آمده و عمره بجا آوردم و مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و از الله عزوجل میخواستم که مرا بدون عمل جراحی شفا دهد و این سنگ

---

۱۱۱. مجله‌ی ندای اسلام شماره پیاپی ۲۳/۳۳ ص ۰۷.

۱۱۲. موسوعةالاعجاز العلمی فی القرآن الکریم والسنة المطرة ص ۲۵۷ تاریخ مکه المکرمه ص ۴۶.

را دفع نماید.

پس از مدتی ـ روزی ـ احساس ادرار کردم به دستشویی رفتم دیدم که سنگ دفع شد. خدا را سپاس گفتم و جریان را به پزشکان اطلاع دادم که باعث حیرت و تعجب آنان شد.[۱۱۳]

گفتگوی نویسنده با یک بیماری که سرطان خون داشت و با نوشیدن آب زمزم بهبود یافت

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با تشخیص هری‌سل لوکومیا (سرطان خون) بستری شدم و پس از یک هفته در بیمارستان آپادانا تهران طحال مرا برداشتند و قریب به شش ماه بعد عازم لندن شدم؛ در بیمارستان «لندن کلینیک» پزشک معالجم بنام دکتر «والدر» پس از مشورت با سه پزشک فوق‌تخصص خون آمپول اینترفرون را تجویز نمودند که روزانه یک آمپول به بنده تزریق می‌شد. خدا می‌داند که پس از تزریق آمپول چه رعشه‌ای به بدنم دست میداد و چه رنجی را متحمل می‌شدم و نزدیک دو ماه و نیم در لندن ماندم و سپس به ایران بازگشتم بعد از شش ماه مجدداً به لندن بازگشتم و تشخیص همان بود و تجویز نیز همان، خلاصه هفت بار به لندن رفت و آمد نمودم و نتیجه‌ای نگرفتم.

سرانجام در سال ۱۳۸۳ عازم مکه مکرمه شدم و در آنجا مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و از صدق دل و با سوز و گداز به درگاه آن بی‌نیاز دست به دعا برمی‌داشتم و دعا می‌کردم.

من که مرتب مجبور بودم آمپول تزریق کنم، پس از چند روز ماندن در مکه مکرمه و نوشیدن آب زمزم، آمپولها را کنار گذاشتم و دیگر جهت آزمایش خونم به آزمایشگاه نرفتم احساس کردم که حالم خیلی بهتر شده است نه از آن درد و رنج خبری بود و نه از مشکلات بیماری.

با همه‌ی این تفاصیل مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و دعا می‌کردم الحمدلله، الله تبارک و تعالی مرا شفا داد و تاکنون یعنی ۸۸/۴/۲۱ هیچ مشکلی ندارم و سالم‌تر از قبل می‌باشم.

تذکر: در این که آب زمزم باعث شفای بسیاری از بیماری‌هاست تردیدی وجود ندارد چون این مطلب، گفته‌ی رسول‌الله ﷺ است (خیرما یرعلی وجه‌الارض ماءَ زمزم حبه طعام الطعم و شفاء السقم) و نیک می‌دانیم که فرموده‌های آن حضرت ﷺ از طرف یکتای بی‌همتا می‌باشند (و ما ینطق عن الهوی) و موارد فوق‌الذکر از بیشمار وقایعی هستند که حقیقتا اتفاق افتاده‌اند. حال امکان دارد برای برخی این سؤال پیش آید که مثلا من

۱۱۳ . موسوعةالاعجاز العلمی ص ۱۵۷.

فلان مریضی را داشتم و آب زمزم هم نوشیدم اما هیچ گونه بهبودی حاصل نشد پس...

باید دانست که شفابخش بودن آب زمزم که سبب شفای یک بیمار می‌شود اولا: به مشیّت الهی و خواست الله تبارک و تعالی بستگی دارد اگر خداوند بخواهد به او شفا می‌دهد و آب زمزم را سبب شفای او می‌گرداند. آنگونه که بسیاری از داروهای مدرن و پیشرفته شیمیایی برای بسیاری از بیماری‌ها درست شده‌اند و در اغلب موارد باعث بهبودی بیماران می‌شوند ولی گاهی از اوقات مشاهده می‌گردد که برای بسیاری از بیماران چنین اتفاقی نمی‌افتد و آنان بهبود نمی‌یابند. چون خواست و مشیّت الهی در این نبوده است و از دیرباز گفته‌اند: «از قضا سِکنجبین صفرا افزود/ روغن بادام سردی می‌نمود».

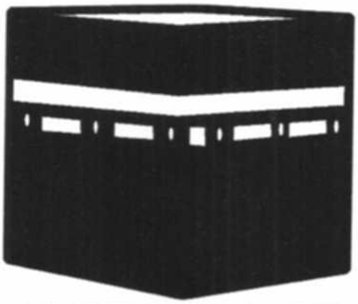
ثانیاً: نیّت و اعتقاد فرد بیمار هم حائز اهمیت است یعنی فردی که آب زمزم می‌نوشد بایستی با عزمی راسخ و اعتقادی جازم آن را بنوشد و خالصانه و صادقانه نیت کند که خداوند او را شفا خواهد داد. (انّی مع ظن عبدی بی) و یقین داشته باشد که شفا دهنده الله تبارک و تعالی است و اوست که خاصیت شفابخش بودن را در بسیاری از گیاهان، داروها و آب زمزم قرار داده است و هیچ دارویی مستقلا شفابخش نبوده و خود قادر به شفا دادن نیست حتی آب زمزم.

ثالثاً: هنگام نوشیدن بر الله تبارک و تعالی توکل نماید و عزم را بر این جزم کند که ان‌شاءالله، الله تبارک و تعالی آب زمزم را برایش سبب خیر و شفا خواهد نمود.

رابعاً: قبل و بعد از نوشیدن آب زمزم مجدّانه و مصرانه دعا کند و از خداوند بخواهد که آب زمزم را سبب شفای بیماری او قرار دهد.

خامساً: آب زمزم را به کرّات و مرّات و همیشه هم تا سیر سیر بنوشد چون در روایت آمده «یتضلّع» یعنی خیلی زیاد بنوشد.

سادساً: با همه‌ی این تفاصیل اگر باز هم مشاهده نمود که بیماریش بهبودی نیافت، بداند که نقصی در کار او بوده نه در آب زمزم و نه در روایات آنگونه که در داستان فرد بیمار و عسل نوشیدنش مشهور است.



زائر گرامی!

هرگز خود را برتـــر از دیگران مپنـــدار، چون همـــــه از یک پدر و مـــادر آفریده شده‌اید.

بخش چهارم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ ۞ إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ ﴾(بقره: ۱۵۸)

«هر آئینه صفا و مروه از نشانه‌های خدا است؛ پس هر که حجّ خانه کند یا عمره به‌جا آورد، پس بزه نیست بر وی در آن که طواف کند درمیان آن دو و هر که نیکی به‌جا آورد، پس خدا شکر پذیری داناست.»

کوه صفا

(انّ الصفا و المروة من شعائرالله)

صفا به معنی سنگ صاف نرم است و کوه صفا کوه کوچکی است در جنوب شرقی خانه‌ی کعبه که مسافت آن تا خانه‌ی کعبه یکصد و سی متر می‌باشد و یکی از قلّه‌های کوه «ابوقُبیس» و مبدأ سعی است یعنی سعی از کوه صفا آغاز می‌گردد چون رسول مکرم اسلامﷺ فرمودند: (ابدآ بِمَا بَدَأَ الله) «و نام آن در قرآن ذکر شده است.»[۱۱۴]

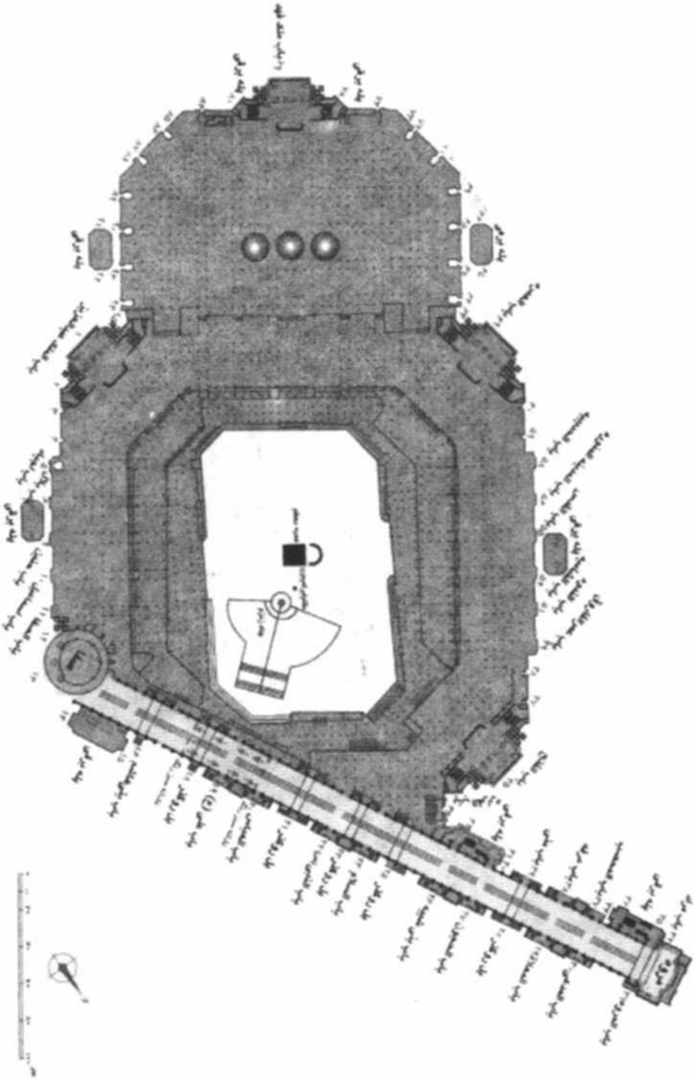
حکم آن :

۱ ـ سعی از آنجا آغاز می‌گردد.

۲ ـ در اثنای سعی بر روی آن دعا کرده می‌شود.

---

۱۱۴ . معجم المناسک ص ۷۵۱، تهذیب الاسماء واللغات ۱۷۱/۳، تاریخ مکه المکرمة قدیماً و حدیثاً.



مسجدالحرام

کوه صفا و حوادث

کوه صفا شاهد حوادث بیشماری بوده است که ذکر همه‌ی آنها در این مقال مختصر نمی‌گنجد و در این‌جا فقط به ذکر چند مورد اکتفا می‌نمائیم.

الف) حضرت هاجر عليها السلام پس از اتمام آب و غذایش برای یافتن آب بر بلندای کوه صفا رفت تا هم بتواند فرزندش را رصد کند و هم نگاهی به دوردستها بیندازد تا شاید سراغی از آب بگیرد.

ب) خروج دابةالارض

یکی از نشانه‌های کبرای قیامت خروج حیوانی عجیب است که با آدمیان سخن می گوید، در قرآن کریم چنین آمده است: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ

﴿تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾﴾ (نمل: ۸۲)

«چون متحقق شود وعده‌ی عذاب بر ایشان، بیرون آوریم برایشان جانوری از زمین که سخن گوید به ایشان به سبب آنکه مردمان به آیات ما یقین نمی‌آورند.»

رسول‌اللهﷺ فرمودند: (بَادِروا بِالأَعمالِ الصَّالِحَةِ قَبلَ طُلُوعِ الشَّمسِ مِن مَغرِبِهَا وَالدَّجَّالِ والدابة)

«به انجام دادن اعمال صالح بشتابید پیش از آنکه خورشید از مغرب طلوع کند و دجال و دابه خروج نمایند.»

در اینکه دابۀالارض از کجا خارج می‌شود، اختلاف‌نظر وجود دارد:

الف) گروهی گویند از کوه صفا در مکه‌ی مکرمه.

ب) گروهی را نظر بر این است که از کوه ابوقبیس در مکه‌ی مکرمه.

ج) گروهی گویند که از بزرگترین و مکرمترین مسجد[۱۱۵].

اما در کل هر سه قول نزدیک به‌هم می‌باشند زیرا که کوه صفا در پایه کوه ابوقبیس واقع شده و آن در کنار بزرگترین مسجد یعنی مسجدالحرام قرار دارد.[۱۱۶]

ج) انشقاق القمر

از حضرت عبدالله بن عباسؓ روایت است که ماه در شب چهاردهم ـ به فرمان نبی مکرم اسلام و خواست قریش ـ به دو نیم تقسیم شد نیمی از آن بر کوه صفا بود و نیمی دیگر بر کوه مروه.[۱۱۷]

د) عفو عمومی

هنگامیکه رسول‌اللهﷺ مکه را فتح نمود بر کوه صفا ایستاد و اعلام داشت: هر کسیکه وارد منزل ابوسفیانؓ شود در امان است، هرکسی که اسلحه‌اش را بیرون نیاورد در امان است و هرکسی (در خانه بماند) در خانه‌اش را ببندد در امان است.[۱۱۸]

---

۱۱۵ . تفسیر طبری ۴۱/۰۲ بنقل از تاریخ مکۀالمکرمۀ قدیماً و حدیثاً ص ۲۸.

۱۱۶ . تاریخ مکه‌المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۲۸، تفسیر روح المعانی ۳۲/۰۲، مختصر ابن کثیر از هانی‌جمعه ۱۳۸/۲.

۱۱۷ . شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۱۲۵/۱.

۱۱۸ . صحیح مسلم الجهاد ۰۸۷۱.

دعای کوه صفا

(عن جابرﷺ ان رسول‌اللهﷺ کَانَ اِذَا وَقَفَ عَلیَ الصَّفَا کَبَّرَ ثَلاَثاً ثُمَّ یَقُوْل: لَا اِلهَ اِلّا الله وَحدَهُ لاَشَریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَ هُوَ عَلیَ کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ، یَصنَعُ ذَلِکَ ثَلاثَ مَرّاتٍ وَ یَدعُو)[۱۱۹]

«حضرت جابرﷺ روایت می‌کند که هرگاه بر کوه صفا می‌ایستاد سه مرتبه «الله اکبر» می‌گفت و سپس می‌گفت: (لا اِلَهَ اِلّا الله وَحدَهُ لاَشرِیکَ لَهُ لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَ هُوَ عَلیَ کُلِّ شَیءٍ قَدَیرٌ) تا سه مرتبه و از آن پس دعا می‌کرد.»

در روایت صحیح مسلم آمده بعد از آن بگوید: (لا اله الا الله وحده، انجزو عده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده) حضرت عمرﷺ بر کوه صفا رو به قبله می‌ایستاد و هفت مرتبه تکبیر می‌گفت و درمیان هر دو تکبیر ثنا و ستایش خداوند را بیان می‌فرمود و بر رسول مکرم اسلام درود می‌فرستاد و سپس دعا می‌کرد[۱۲۰].

حضرت عبدالله بن عمروﷺ بر کوه صفا این دعا را می‌گفت: (اللّهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ «ادعُونی استَجب لَکُم» وَ اِنَّکَ لاتُخلِفُ المِیعَادَ وَ انّی اَسأَلُکَ کَمَا هَدَیتَنِی لِلاِسلاَمِ لاَتَنزِعهُ مِنّی حَتّی تَتَوَفّانیِ وَ اَنَا مُسلِمٌ)[۱۲۱]

«پروردگارا! تو گفته‌ای از من بخواهید اجابت می‌کنم و قطعاً تو وعده خلافی نمی‌کنی قطعاً از تو می‌خواهم آنگونه که مرا به اسلام هدایت کرده‌ای، آن را از من نگیر تا آنگاه که وجود مرا از دنیا ببری در حالیکه من مسلمان هستم.»

تذکر :۱ البته دعا و مکث بر کوه صفا و مروه سنت است و در صورت ازدحام شدید می‌توان آن را ترک کرد و یا خیلی بصورت مختصر و گذرا دعا کرد.

تذکر :۲ می‌توان هر دعای دیگری را به هر زبانی هم که باشد از خداوند متعال خواست.

تذکر :۳ سعی شود در حرمین شریفین از دعاهایی که در آنها گناه است و یا قطع رحم وجد دارد پرهیز کرد.

کوه مروه

مروه - یکی از کوههای مسعی - کوه کوچکی است از سنگ «مرو» (و مرو به سنگ

---

۱۱۹ . رواه النسایی بنقل از القری لقاصدام القری ص ۶۶۳.

۱۲۰ . القری ص ۶۶۳.

۱۲۱ . مالک مصدر فوق.

سفید سخت که با آن آتش روشن می‌کنند گفته می‌شود) مروه در جهت شمال‌شرقی بیت‌الله و تقریباً به فاصله‌ی ۳۰۰ (سیصد) متری رکن خانه‌ی کعبه واقع شده و همچون کوه صفا یکی از مشاعر (شعائر) حج است.[۱۲۲]

علت نامگذاری: چون سنگ این کوه از نوع سنگ «مرو» است و آن نوعی است که تکه‌تکه می‌شود و اطرافش باریک می‌گردد به همین خاطر آن را مروه نامیدند.[۱۲۳]

حکم آن

۱ ـ سعی نزد آن پایان می‌پذیرد. ۲ ـ در هر دور از سعی بر بلندای آن دعا کرده می‌شود.

دعای کوه مروه

همان دعایی که قبلا برای کوه صفا ذکر شد، عین آن دعا بر کوه مروه نیز خوانده می‌شود.

تاریخچه‌ی صفا و مروه

الف) حضرت ابراهیم﷣ به دستور پروردگار همسرش هاجر﷣ و تنها فرزندش اسماعیل﷣ را در وادی لم‌یزرع مکه بی‌کس و تنها رها کرد و رفت، پس از آنکه آب و آذوقه حضرت هاجر به اتمام رسید، او ناچار شد تا آبی جستجو نماید تا از تشنگی تلف نشوند، بدین منظور بر بالای کوه صفا رفت تا از یک سو بتواند فرزند دلبندش را زیر نظر داشته باشد تا مبادا حیوانی به او آسیب نرساند و از دیگر سو به دوردستها نظر کند تا شاید آبی بیابد از بلندای صفا به هر سو نگریست چیزی ندید، از بلندای آن به زیر آمد و وقتیکه به پایین رسید دوان‌دوان حرکت کرد و خود را به بالای کوه مروه رساند خلاصه این عمل را هفت بار تکرار کرد و در نهایت زمزم را وقتیکه خداوند زیر پای حضرت اسماعیل﷣ جاری ساخته بود مشاهده نمود و خدا را سپاس گفت.

این عمل حضرت هاجر﷣ بقدری پسندیده بود که الله تبارک و تعالی آن را تا قیامت جاودانه نمود و به سایرین امر کرد که به تأسی از او کارش را تکرار کنند، تا شاید همچون هاجر﷣ و اسماعیل﷣ ایمانی راسخ نسبت به خالق خویش پیدا کنند و در راستای

---

۱۲۲. معجم المناسک ص ۷۵۱ ـ تاریخ مکه المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۲۸.

۱۲۳. تفسیر قرطبی ۳۴۱/۲.

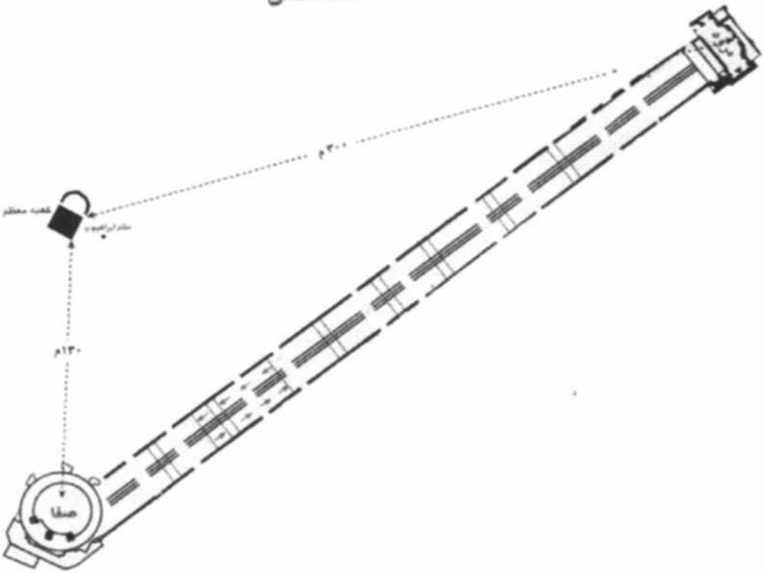
اجرای دستورات الله تبارک و تعالی از همه‌چیز خویش بگذرند.

ب) اهل کتاب چنین می‌پندارند که: دو نفر به نام‌های «اساف» و «نائله» در خانه‌ی کعبه مرتکب عمل زنا شدند و خداوند متعال آندو را تبدیل به سنگ نمود، اساف را بر روی کوه صفا و نائله را بر روی کوه مروه قرار دادند تا برای سایر مردم درس عبرتی باشند.

به مرور زمان این دو مورد پرستش واقع شدند و برایشان ذبح می‌کردند و مردم زمان جاهلیت میان کوه صفا و مروه سعی می‌کردند درحالیکه این بتها (انسانهای سنگ‌شده) بر روی آنها بودند.

پس از اسلام آندو نابود کرده شدند و بسیاری از مسلمانان از سعی میان صفا و مروه به خاطر اعمال مردم زمان جاهلیت کراهت داشتند تا آنکه آیه‌ی (انَّ الصَّفَا وَالمَروة مِن شَعَائِرِ الله) نازل شد.[۱۲۴]

نقشه مسعیٰ



سعی و مسعی

هفت بار طی کردن مسافت میان کوه صفا و مروه را سعی نامند، سعی در لغت به معنی دویدن است.[۱۲۵]

مسعی: مساحت و مسافت میان کوه صفا و مروه را مسعی نامند و به معنی جای سعی کردن است.

---

۱۲۴ . القری لقاصد ام‌القری ص ۲۶۳ ـ شفاءالعزام، تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۵۸.

۱۲۵ . و معانی متعدد دیگری هم دارد.

مسافت مسعی از اول دیواری که در منتهای کوه صفا قرار دارد و تا آخر دیواری که در انتهای مروه واقع است ۳۹۴/۵ متر می‌باشد و عرض مسعی ۲۰ متر است با این حساب مساحت مسعی در یک طبقه ۷۸۹۰ مترمربع می‌باشد.[۱۲۶]

لازم به یادآوری است که این محاسبه و مساحت مربوط به زمان قبل از توسعه‌ی مسعی توسط ملک عبدالله می‌باشد.

حکم آن: سعی در مناسک حج و عمره می‌باشد که بعد از طواف، انجام می‌پذیرد (البته در طوافهای نفلی سعی در کار نیست)

ام‌المؤمنین عایشهٔ رضی الله عنها فرمودند: (قَد سَنَّ رَسُولُ‌اللهِ الطَّوافَ بَینَهُمَا، فَلَیسَ لأحَدٍ أَن یَترُکَ الطَّوافَ بَینهُمَا)[۱۲۷]

«رسول‌الله ﷺ سعی میان صفا و مروه را مسنون نمودند و هیچ احدی حق ندارد آن را ترک کند.»

دعای میان صفا و مروه هنگام سعی

(عن ام سلمهٔ رضی الله عنها قالت: کان رسول‌الله ﷺ یَقُولُ فی سَعیه: رَبِّ اغفِروارحَم وَاهدنيِ السَّبِیلَ الاَقومَ و فی روایهٔاخری (رَبِّ اغفِروَ ارحَم اَنَّکَ انتَ الاَعَزُّ الاکرَمُ)[۱۲۸]

«پروردگارا (مرا) بیامرز و رحم کن و به استوارترین راه هدایتم کن و در روایت دیگری دعا چنین وارد شده است: ربّ اغفر و ارحم انک انت الاعزّ الأکرم

پروردگارا مرا بیامرز و بر من رحم نما قطعاً که تو عزیزترین و گرامی‌ترین هستی.»

مقبره مَعلّی[۱۲۹]

در مکه‌ی مکرمه و در منطقه «حَجون» واقع است و در آن تعداد زیادی از صحابه‌ی کرام به خاک سپرده شده‌اند و قبر هیچ احدی از آنان بطور قطعی و یقینی شناخته شده نیست. حتی قبری که گفته می‌شود قبر حضرت خدیجه کبری است هیچ اثری که قابل

---

۱۲۶ . تاریخ مکهٔ‌المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۶۸.

۱۲۷ . صحیح البخاری ۸۸۴/۱ حدیث شماره ۳۴۶۱.

۱۲۸ . القری لقاصدام القری ص ۸۶۳.

۱۲۹ . بفتح المیم واللام ضدالمسفله واشتهر بین العامه بضم المیم و تشدید اللام المفتوحه و له وجه فی‌القواعد العربیة ـ ارشادالساری ص ۱۵۵.

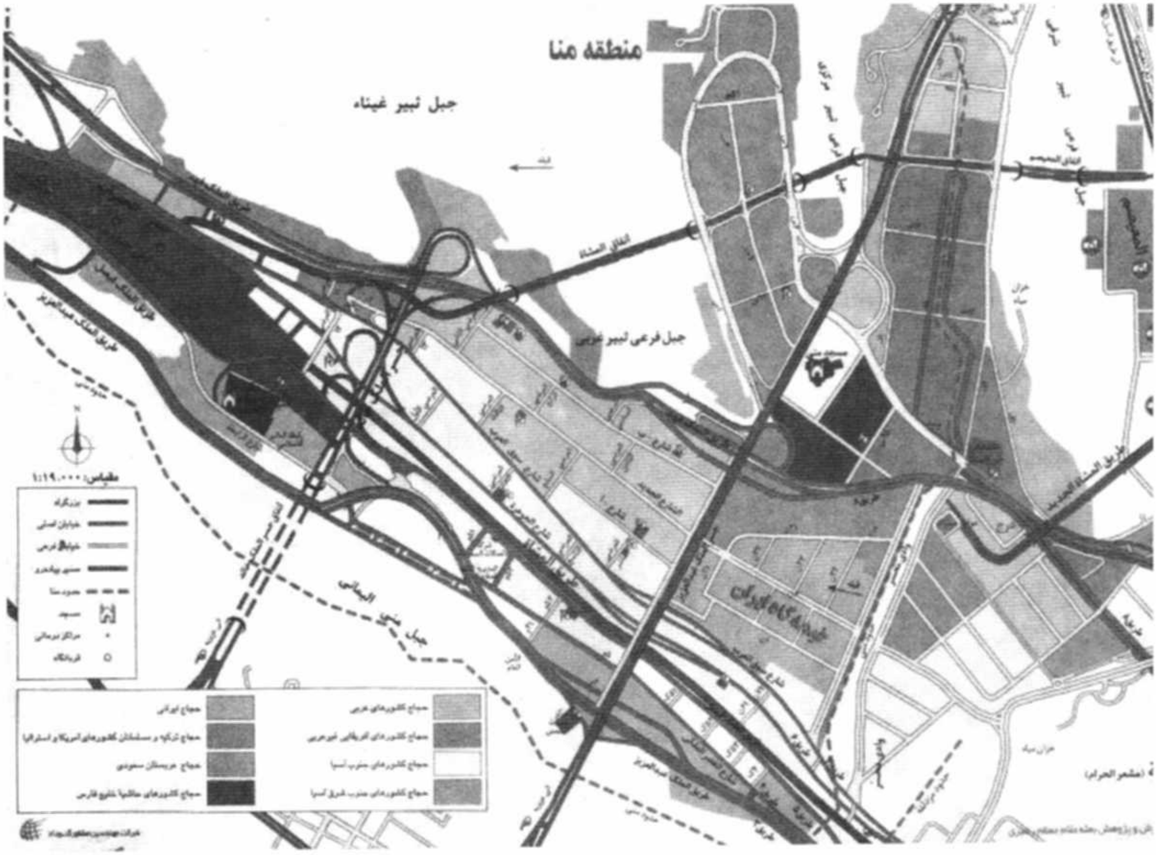
اعتماد باشد وجود ندارد.[۱۳۰]

و حتی قبرهایی که منسوب به عبدالله‌بن عمرو و عبدالله‌بن زبیر رضی الله عنهما هستند صحیح نیستند، بلکه فقط از روی حدس و گمان گفته شده‌اند.[۱۳۱]

---

۱۳۰ . شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۵۳۵/۱ ـ ارشاد الساری ص ۱۵۵.

۱۳۱ . ارشادالساری ص ۱۵۵.



مِنی

مکانی است واقع در میان مکه‌ی مکرمه و مزدلفه که در هفت کیلومتری شمال‌شرقی مسجدالحرام قرار دارد و از راه تونل فاصله‌ی آن چهار کیلومتر می‌باشد.[۱۳۲]

حکم آن

حجاج بیت‌الله الحرام به هنگام بجاآوردن مناسک حج شبهای روز نهم، یازدهم و دوازدهم و تأخیرکنندگان، شب سیزدهم را هم در آنجا سپری می‌نمایند.[۱۳۳]

---

۱۳۲ . تاریخ مکه‌المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۳۰۱ تهذیب الاسماء ۳۳۳/۳.

۱۳۳ . تاریخ مکه‌المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۳۰۱ تهذیب الاسماء ۳۳۳/۳.

علت نامگذاری

درباره‌ی نامگذاری آن به منی اقوال متعددی بیان شده که به ذکر برخی از آنها بسنده می‌نماییم:

الف) گویند وقتیکه حضرت جبرائیل با حضرت آدم علیه السلام به اینجا رسیدند حضرت جبرائیل علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام گفت: چه تمنایی داری؟! حضرت آدم علیه السلام گفت: تمنای بهشت.

و از آنجایی که منی اصل و ریشه‌ی کلمه‌ی تمناست به همین خاطر این وادی را منی نام نهادند.[۱۳۴]

ب) گروهی را نظر بر این است که منی ریشه‌ی کلمه‌ی «امناء» که به معنی ریختن خون می‌باشد، هست.

و از آنجاییکه در موسم حج در این مکان گوسنفدهای شکر (دم هدی) ذبح کرده می‌شوند و خون آنها ریخته می‌شود، منی نام نهاده شده است.[۱۳۵]

ج) گفته شده بخاطر تجمع و اجتماع انسانها، منی نامگذاری شده است زیرا که عربها هر مکانی را که در آن مردم جمع شوند منی می‌گویند.[۱۳۶]

د) گویند چون الله تبارک و تعالی بر ابراهیم خلیل علیه السلام منّت گذاشت و در مقابل حضرت اسماعیل گوسنفدی را به او اعطا نمود، منی نامیده شد.[۱۳۷]

ویژگیها و فضایل منی

۱ ـ یکی از ویژگیهای منی این استکه به مقدار زائران و آمارشان وسعت پیدا می‌کند، هرچند که از نظر ظاهر بسیار محدود به نظر می‌آید اما به لطف پروردگار هرچقدر زائر در آنجا جمع شوند به همان میزان توسعه می‌یابد.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: (اِنَّ مِنَی لَتَّسَع بِاهلِهِ کَمَا یَتَّسعُ الرَّحِمُ لِلوَلَدِ) قطعاً منی برای اهلش (زائران) وسعت پیدا می‌کند همانطور که رحم (زن) برای بچه

---

۱۳۴. جامع الفنون فی اصطلاحات الفنون (دستورالعلماء) ۴۵۳/۳، معجم المناسک ۸۱۲ القری ص ۱۴۵.

۱۳۵ . شفاءالغرام ۱۹۵/۱ ـ الفقه الاسلامی وادلته ۴۰۲/۳ ـ تهذیب‌الاسماء و؟؟؟ ۳۳۳/۳.

۱۳۶ . تاریخ مکةالمکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۳۰۱ ـ شفای الغرام ۲۹۵/۱ ـ القری ص ۸۷۳.

۱۳۷ . شفاءالغرام ۱۹۵/۱.

وسعت پیدا می‌کند.[138]

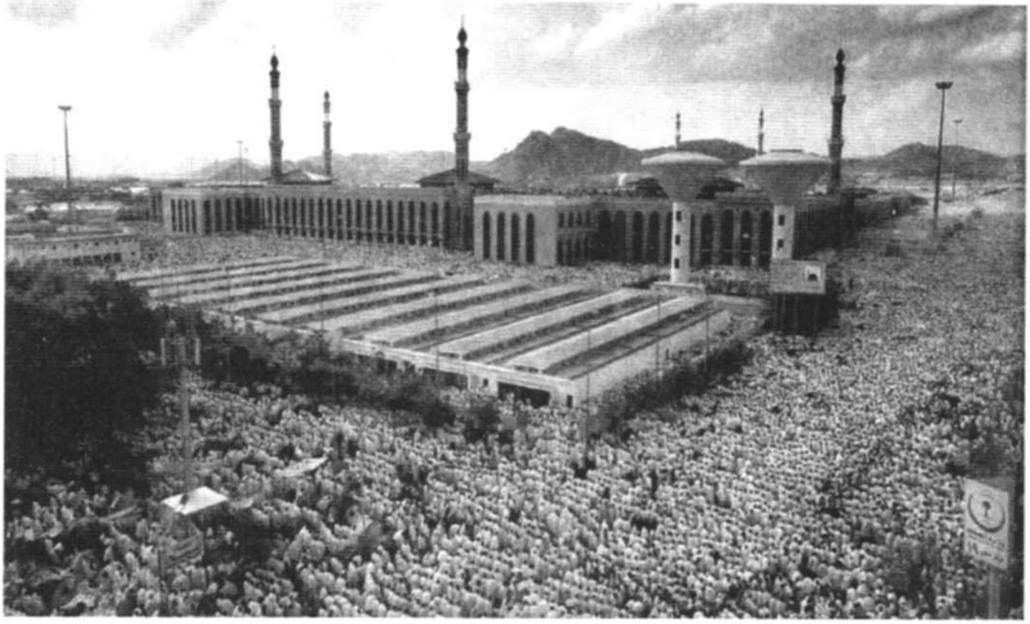
۲ ـ زَغَن (پرنده‌ای است) در ایام تشریق در منی گوشت‌ها را نمی‌رباید.

۳ ـ در منی مگس در غذا نمی‌افتد.

۴ ـ در موسم حج پشه‌ها در آنجا به حداقل می‌رسند.

۵ ـ از همه مهمتر اینکه خداوند بجای حضرت اسماعیل گوسفندی را به حضرت ابراهیم علیه‌السلام عطا نمود.[139]

۶ ـ سنگهای مقبول در جمرات توسط ملائک بالا برده می‌شوند.[140]



۷ ـ و یکی از فضایل آن وجود مسجد خیف در آن است.[141]

مسجد خَیف

مسجدی است در منی که از مسیل بلندتر است و در پایه‌ی کوه جنوبی نزدیک جمره‌ی صغری قرار دارد.[142]

---

۱۳۸ . شفاءالغرام ۷۹۵/۱ القری ص ۱۴۵.

۱۳۹ . شفاءالغرام ۱/ ۷۹۵

۱۴۰ . مصدر فوق ۶۹۵/۱

۱۴۱ . تاریخ مکةالمکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۹۹.

۱۴۲ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۴۰۱ شفاءالغرام ۰۰۵/۱.

این مسجد از فضایل بیشماری برخوردار است از جمله اینکه رسول الله ﷺ در آن نماز خوانده‌اند و بیش از هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده است.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه فرموده است: (لَو كُنتُ مِن اَهلِ مَكَّة مَا جَاءَت عَلىّ جُمُعَةٌ اِلَّا صَلَّيتُ فِيهِ)[۱۴۳]

اگر از اهل مکه می‌بودم هیچ جمعه‌ای بر من نمی‌گذشت مگر اینکه در مسجد خیف نماز می‌خواندم.

حکم آن

نماز خواندن در آن سنت است.

علت نامگذاری

چون از مسیل بلندتر و در پایه کوه قرار دارد به خَیف نامگذاری شده است.[۱۴۴]

جمرات

مکانهای معروفی در منی هستند که بنام جمره‌ی اولی (صغری)، جمره‌ی وسطی و جمره‌ی عقبه نامیده می‌شوند، جمره‌ی عقبه داخل در منی نیست بلکه مرز میان مکه‌ی مکرمه و منی در جهت غربی مکه می‌باشد.[۱۴۵]

علت نامگذاری

جمرات جمع جمرهٔ است و جمره به سنگ کوچک (سنگریزه) گفته می‌شود و از مناسک حج زدن سنگ به این مکانهاست و این دستور خداوند و سنت حضرت ابراهیم علیه السلام است به همین خاطر این مکانها را جمرات می‌گویند[۱۴۶] چون در آنجا به ستونهایی که نماد شیطان محسوب می‌شوند زده سنگ می‌شود.

ابن الکلبی می‌گوید: «به این خاطر «جمار»[۱۴۷] نامیده شده که حضرت آدم شیطان را

---

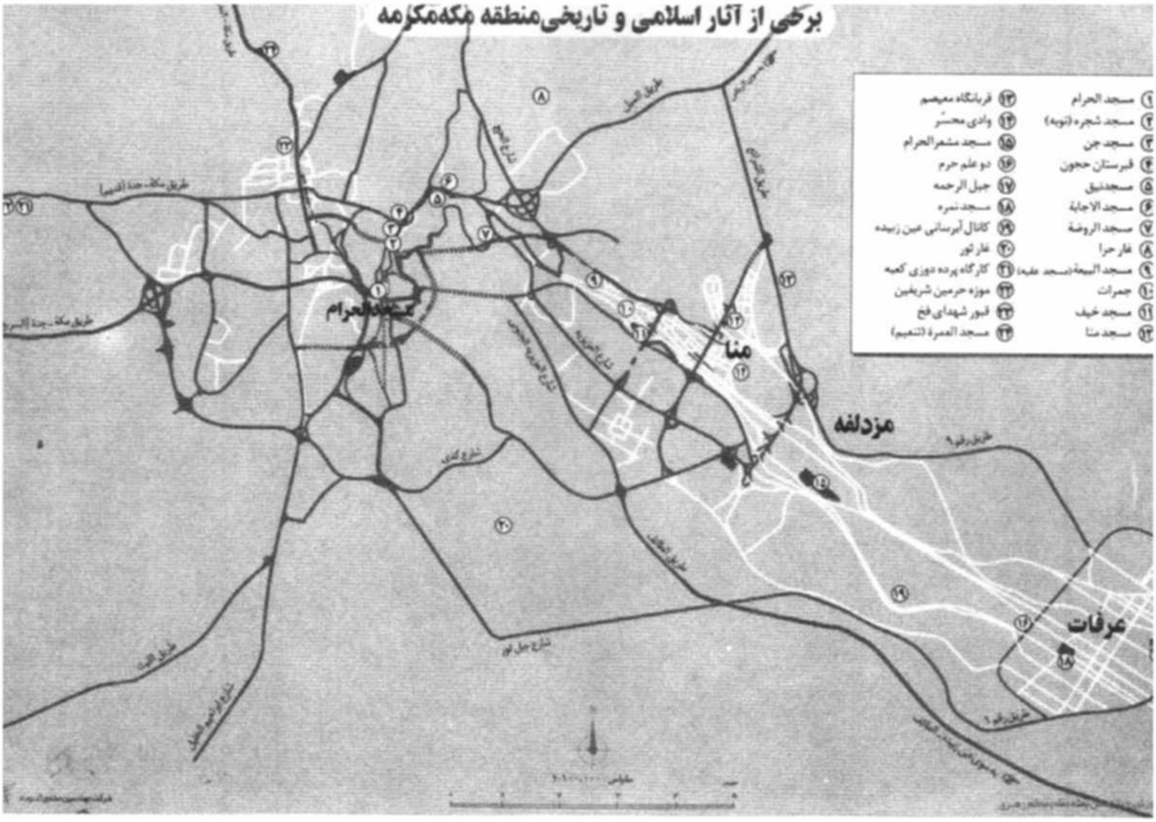
۱۴۳ . مجمع الزوائد ۹۷۲/۳ و حسنه الشیخ الالبانی فی المناسک بنقل از تاریخ مکه مکرمه ص ۸۹/،شفاءالغرام ۱۰۵/۱.

۱۴۴ . معجم المناسک ص ۳۲۲.

۱۴۵ . تهذیب الاسماء واللغات ۵۵/۳.

۱۴۶ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۹۰۱.

۱۴۷ . اجمار: در رفتن شتاب‌کردن. لاروس ص ۳۵.



می‌زد و شیطان از پیش او سریع می‌گریخت و اِجمار به معنی اسراع (سریع رفتن) است.[۱۴۸]

تاریخچه جمرات

۱ ـ حضرت عبدالله‌بن عباس روایت می‌کند: آنگاه که حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام برای ادای مناسک[۱۴۹] به همراه حضرت جبرائیل‌علیه‌السلام بیرون رفت، در مکان جمره‌ی اولی شیطان بر او نمایان شد ـ راه را بر او سدّ نمود ـ و خواست که او را از انجام مأموریتش بازدارد ـ حضرت ابراهیم هفت عدد سنگ بر او زد تا آنکه شیطان از سر راهش کنار رفت، سپس در مکان جمره‌ی وسطی باز نمایان شده این بار نیز ابراهیم خلیل‌علیه‌السلام با هفت عدد سنگ او را از سر راه خود کنار زد، بازهم در مکان جمره‌ی عقبه شیطان نمایان شد و خواست که او را از انجام مأموریتش بازدارد ولی بازهم حضرت ابراهیم هفت عدد سنگ به او زد و او را از سر راهش کنار زد.[۱۵۰]

و این عمل ابراهیم خلیل‌علیه‌السلام تا قیامت تا روزی که حجی انجام می‌گیرد تکرار می‌شود

---

۱۴۸ . القری ص ۱۳۵.

۱۴۹ . برای ذبح فرزندش القری ص ۹۲۵.

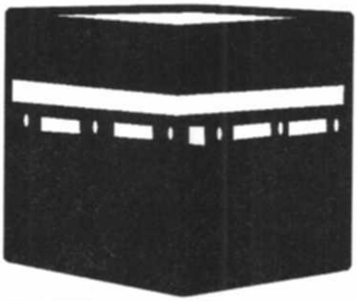
۱۵۰ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۰۱۱. القری لقاصد ام القری ص ۹۲۵.

تا مردم با تأسی جستن به حضرت ابراهیم، ابراهیم‌وار شیطان را کنار زنند و به هنگام اجرای دستورات خداوند اسیر او نگردند.

۲ ـ رسول‌اللهﷺ در حجة‌الوداع در روز دهم درمیان جمرات سخنرانی نمودند[۱۵۱] و فرمودند: «ای مردم! امروز کدام روز است؟ گفتند: روزی از روزهای حرام است (یعنی جنگ و خونریزی در آن حرام می‌باشد) این کدام شهر است؟ گفتند شهر حرام (یعنی مکه مکرمه) فرمودند: این کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام (ذیحجه) آنگاه فرمودند: «قطعاً خونهای شما، مالهای شما و آبروهای شما بر شما (یکدیگر) حرام است همانند حرمت همین روز شما در همین شهر و در همین ماه و چندین مرتبه آن را تکرار فرمودند. سپس سر خویش را بلند کرده و فرمود: پروردگارا! آیا ابلاغ کردم (آیا دین تو را به مردم رساندم،) آیا ابلاغ کردم؟ ابن‌عباس گفت: قسم به آن ذاتی که نَفَس (روح) من در دست اوست که این فرمایشات رسول اللهﷺ وصیتی برای امت اوست که فرمود: باید حاضران (مجلس این سخن مرا) به غائبان برسانند بعد از من به کفر برنگردید که بعضی از شما گردنهای بعضی دیگر را بزند.»[۱۵۲]

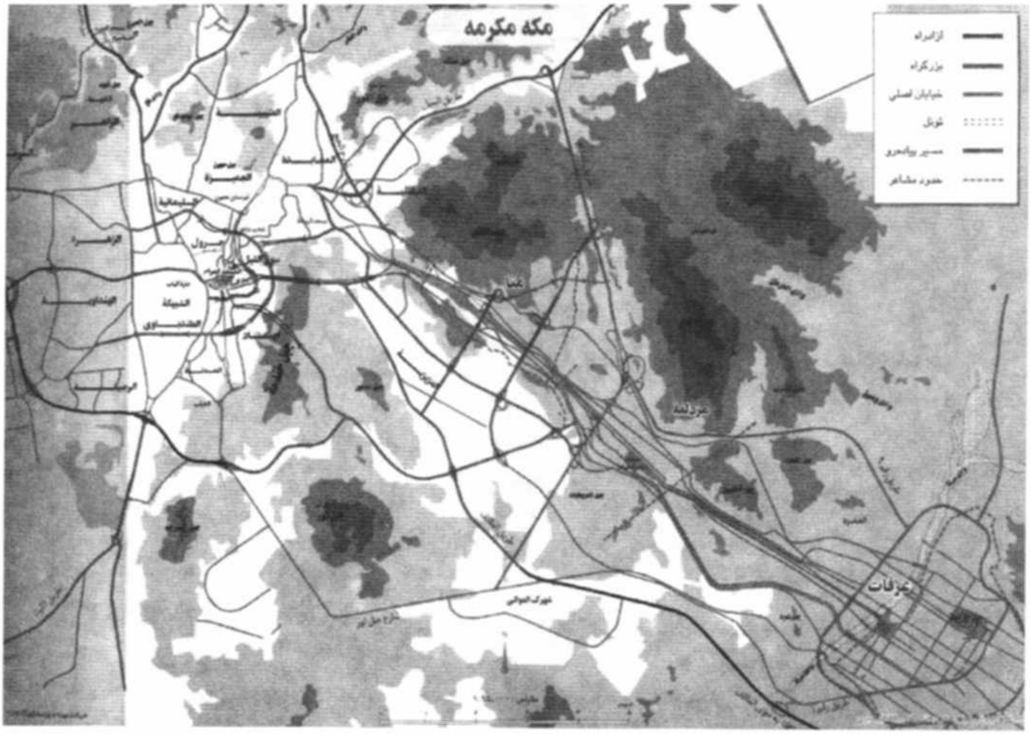
۱۵۱ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثا ص ۰۱۱.

۱۵۲ . بخاری حدیث شماره ۹۳۷۱.



زائر عزیز!

از بداخلاقی، تندخویی، عیب‌جویی با تمامی وجود دوری کن



اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ ۚ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ﴾ (بقره: ۱۹۸)

«نیست شما را گناهی در آنکه طلب کنید در موسم حج، روزی از پروردگار خویش، پس آنگاه که بازگردید از عرفات، پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام و یاد کنید خدارا به شکر آن که راه نموده است شما را، و قطعاً پیش از این، از گمراهان بودید.»

عرفات[۱۵۳]

(فَاذَا أَفَضتُم من عَرَفاتٍ فَاذکُرُوا اللهَ عِندَالمَشعَرِالحَرَامِ و اذکُرُوهُ کَمَا هَدَاکُم وَ ان کُنتُم

---

۱۵۳ . عرفات یک میدان است وعلت ذکر آن به صورت جمع بدینخاطر است که گویا هر جزیی یه گوشه‌ای از آن عرفه است. تهذیب الاسما واللغات ۷۳۲/۳ شفاءالغرام ۸۶۵/۱.

مِن قَبلِه لَمِنَ الضّالِينَ)

«صحرایی است خارج از حدود حرم که در قسمت جنوب‌شرقی مسجدالحرام واقع است و از خیابان مسجدالحرام ۲۲ کیلومتر فاصله دارد.»

و مساحت اجمالی آن ۱۰/۴ کیلومتر می‌باشد که در کلیه‌ی زوایای آن تابلوهای بزرگ نصب شده است[۱۵۴] تا حجاج به هنگام وقوف در آن دچار مشکل نشوند و خدای ناکرده خارج از حدود عرفات وقوف ننمایند.

حکم آن

وقوف در عرفات اساسی‌ترین رکن حج می‌باشد که همه زائران موظف هستند که از ظهر (بعد از زوال روز نهم تا فجر روز دهم) لحظه‌ای در آنجا وقوف نمایند در غیراینصورت حجشان از دست خواهد رفت چون رسول‌الله ﷺ فرمودند: «الحَجُّ عَرَفَةٌ»[۱۵۵] حج عرفه است.

تذکر: تمام میدان عرفات موقف است یعنی حجاج می‌توانند در آنجا وقوف (= توقف) نمایند الّا «وادی عُرَنه»[۱۵۶] که در آنجا توقف جایز نیست[۱۵۷] چون خارج از عرفات و در حِلّ داخل است واز مشعر هم نیست ـ در واقع حد فاصل میان ـ حِلّ و حرم است».

علت نامگذاری

الف) گویند حضرت آدم علیه السلام و حضرت حوا علیها السلام در این مکان همدیگر را شناختند[۱۵۸].

ب) گویند حضرت ابراهیم علیه السلام مسایل و مناسک حج را از حضرت جبرائیل علیه السلام فراگرفت و حضرت جبرائیل در این مکان از حضرت ابراهیم سؤال کرد اَعرفت؟ آیا مسایل حج را شناختی به همین خاطر عرفات نام گرفت.[۱۵۹]

ج) یا به خاطر اینکه مردم در روز عرفه در این مکان مقدس به گناهان خویش در بارگاه الله تبارک و تعالی اعتراف می‌کنند ـ و از او آمرزش می‌طلبند ـ عرفات نامیده می‌شود.[۱۶۰]

د) علامه نووی «ره» علاوه از علل فوق، علت دیگری را نیز ذکر کرده است و آن اینکه،

---

۱۵۴. تاریخ مکه المکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۵۱۱.

۱۵۵. ابوداود ۹۴۹۱ ترمذی ۷۳۲/۳ حدیث شماره ۹۸۸.

۱۵۶. صحیح آن «عَرَنه» است و عُرُنَه، عُرْنَه نیز خوانده می‌شود ـ شفاءالغرام ۰۷۵/۱.

۱۵۷. شفاءالغرام ۸۶۵/۱ ـ تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۰۲۱ ـ القری ص ۵۸۳.

۱۵۸. تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۵۱۱ ـ شفاءالغرام ۸۶۵/۱ ـ القری ص ۵۸۳.

۱۵۹. القری ص ۹۲۵ و ص ۵۸۳.

۱۶۰. تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۵۱۱ ـ القری ص ۵۸۳.

چون در عرفات کوههای زیادی وجود دارد عرفات نامیده شده است. زیرا که ـ در زبان عربی ـ هر چیزی که بلند و برجسته باشد «عَرف» نامیده می‌شود مانند: عرف الدیک(تاج خروس) یا عُرف الفرس (یال اسب) و ...[۱۶۱]

فضایل عرفات

۱ ـ می‌توان گفت نخستین و بارزترین فضیلت عرفات این است که اساسیترین رکن حج می‌باشد که اگر چنانچه وقوف عرفات در زمان معینش از کسی فوت شود، حج او از دست می‌رود و قضای حج بر وی لازم می‌گردد.

۲ ـ نزول آیه‌ی ﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ٱلۡيَوۡمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِۚ ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ فِي مَخۡمَصَةٍ غَيۡرَ مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٣﴾ (مائده: ۳)
در حجة الوداع، در این صحرا بر رسول‌الله ﷺ دیگر فضیلتی از فضایل آن محسوب می‌شود، زیرا که الله تبارک و تعالی در آن وادی مقدس آیه‌ی تکمیل‌شدن دین را بر رسول‌الله ﷺ نازل فرمود و از آن پس هیچ حکمی مبنی بر حلال و حرام بودن نازل نشد.

طارق‌بن شهاب روایت می‌کند «که مردی از یهود نزد خلیفه‌ی دوم حضرت عمربن الخطاب رضی الله عنه آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! آیه‌ای در کتاب شماست و شما آن را تلاوت می‌کنید، اگر آن آیه بر ما یهودیان نازل می‌شد، ما آن روز را عید قرار می‌دادیم!

خلیفه‌ی دوم حضرت عمر را پرسید کدام آیه؟

گفت: آیه‌ی (ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ...)

حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: آن روز و آن مکانی را که این آیه نازل شده نیک می‌دانیم و ارج می‌نهیم، آیه در روز جمعه (سرور ایام هفته و روز تعطیل ما مسلمانان است) و در مکان عرفات (که حجاج همه‌ساله در آن روز جمع می‌شوند، و همه‌ی مسلمانان عالم از راه تلویزیون و ماهواره اخبار و احوال آن روز را دنبال می‌کنند ـ و آن روز را روزه می‌گیرند) نازل شده است، پس هم به روزی که نازل شده ارزش و هم در مکانی که نازل شده ارج می‌نهیم.»[۱۶۲]

---

۱۶۱ . تهذیب الاسماء واللغات ۷۳۲/۳.

۱۶۲ . تاریخ مکةالمکرمه ص ۱۰۱.

فضیلت روز عرفه

۱ ـ و از فضایل روز عرفه که در واقع به فضایل میدان عرفات هم وابسته است اینکه روزه‌ی روز عرفه موجب آمرزیده‌شدن گناهان یک‌سال قبل از آن و یک سال بعد از آن می‌شود.

حضرت ابوقتاده‌ﷺ روایت می‌کند که مردی از رسول‌اللهﷺ درباره‌ی روزه‌ی روز عرفه پرسید، آنحضرتﷺ فرمودند: «از خداوند عزوجل امید دارم که گناهان یک سال قبل و یک سال بعد از آن‌را بخاطر روزه‌گرفتن آن بیامرزد.»[۱۶۳]

۲ ـ حضرت ام‌المؤمنین عایشه‌ﷺ روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ فرمودند: «هیچ روزی نیست که الله عزوجل در آن بیشتر از روز عرفه بندگان را از آتش جهنم آزاد نماید، همانا الله عزوجل بر ملائک مباهات می‌کند (بخاطر وجود و تضرع بندگان در میدان عرفات) و از آنان می‌پرسد اینها چه می‌خواهند؟!»[۱۶۴]

۳ ـ رسول‌اللهﷺ فرمودند: «شیطان در هیچ روزی ذلیلتر، پستتر، حقیرتر و خشمگینتر از روز عرفه دیده نشده است و این بخاطر نزول رحمت‌الله عزوجل بر بندگان و عفو و گذشت‌کردن او از گناهان بزرگ بندگان است.»[۱۶۵]

کراهیت روزه در میدان عرفات

روزه گرفتن در روز عرفه و در میدان عرفات مکروه است.

(عن ابی هریره‌ﷺ قال: نَهی رَسُولُ‌اللهﷺ عَن صَومِ یومِ عَرَفَة بِعَرَفاتٍ)[۱۶۶]

«حضرت ابوهریره‌ﷺ فرمودند: رسول‌اللهﷺ از روزه روز عرفه در میدان عرفات نهی نمودند.»

از عبدالله بن عمرﷺ روایت است که فرمود: همراه رسول‌اللهﷺ حج کردم او روز عرفه را در عرفات روزه نگرفت با ابوبکرﷺ او نیز روزه نگرفت، با عمرﷺ او نیز روزه نگرفت با عثمانﷺ او نیز روزه نگرفت، اما من ـ در عرفات روز عرفه ـ را روزه نمی‌گیرم و به آن دستور هم نمی‌دهم و از آن نهی هم نمی‌کنم.»[۱۶۷]

---

۱۶۳ . صحیح مسلم/ ۲۶۱۱ ـ ترمذی ۹۴۷.

۱۶۴ . صحیح مسلم ۸۴۳۱ ابن ماجه ۴۱۰۳، نسایی ۳۰۰۳.

۱۶۵ . رواه مالک ۲۲۴/۱.

۱۶۶ . رواه احمد فی المسند فی القری ص ۳۰۴ ـ تحفةالاخود ۳۷۱/۳.

۱۶۷ . ترمذی ۰۵۷/۳.

روزه نگرفتن روز عرفه در عرفات برای زائران مستحب است تا بر دعا و تضرع و زاری در آن روز قدرت داشته باشند.

حضرت عطاء«ره» فرمود: کسیکه روز عرفه را در عرفات بخاطر توانا بودن بر دعا روزه نگیرد، خداوند متعال به او همانند فرد روزه‌دار ثواب روزه را به او عطاء خواهد کرد.[۱۶۸]

(عن عمربن خطاب رضی الله عنه انه نهی عن صوم یوم عرفهٔ فی الحج و کان یقول: یوم اجتهاد و عبادهٔ و دعا)[۱۶۹] اخرجه سعیدبن منصور

حضرت عمر رضی الله عنه از روزه‌ی روز عرفه در حج نهی کردند و می‌فرمودند که این روز روز تلاش و عبادت و دعاست.[۱۷۰]

جبل الرحمة = کوه رحمت[۱۷۱]

کوهی است تشکیل‌شده از سنگهای بزرگ و سخت که در جهت شرق عرفات و میان راه‌های شماره ۷ و ۸ قرار دارد و در بلندای آن ستونی سفید رنگ به ارتفاع هشت متر و عرض ۱/c۸۰ جهت راهنمای حجاج قرار دارد.[۱۷۲]

و در قسمت پایین آن قبلا مسجد صخرات (مسجدی که شتر رسول‌الله (قصواء) در بعد از ظهر روز عرفه در آنجا توقف نمود و آنحضرت سوار بر آن بودند، و بعدها در آنجا مسجدی ساخته شده و بعداً بنا به دلایلی تخریب شده و آیه‌ی (اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ....) در این مکان نازل شده است.»[۱۷۳]

در مورد جبل رحمت و بالا رفتن آن هیچ فضیلتی وارد نشده است هرچند که عوام الناس عادت دارند بر بالای آن بروند و یا بعضی می‌پندارند که حتماً وقوف باید در بلندای آن صورت گیرد[۱۷۴] سعی شود از انجام کارهایی که از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش ثابت نشده است پرهیز گردد.

---

۱۶۸ . تحفةالاحوزی ۳۷۱/۳.

۱۶۹ . القری ص ۵۰۴.

۱۷۰ . یحیی‌بن سعید انصاری گفت: روزه گرفتن روز عرفه باری حجاج روایت است ـ تحفةالاحوده ذی۳۷۱/۳.

۱۷۱ . و عربها معمولاً آن را «اِلال» بر وزن «قِبال» می‌نامند القری ص ۶۸۳.

۱۷۲ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۹۱۱.

۱۷۳ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۸۱۱.

۱۷۴ . القری لقاصدام القری ص ۶۸۳ و ۷۸ شفاءالغرام ۵۶۵/۱.



زائر گرامی!

از دعای خیـــــــر برای خودت، فرزندانت و امت اسلامی غافل مشو.

مزدلفه

﴿ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ ۚ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ﴾ (بقره: ۱۹۸)

«وادی و صحرایی است که میان منی و میدان عرفات واقع شده است و مساحت تقریبی آن ۱۲۲۵ کیلومتر می‌باشد.»[۱۷۵]

حکم آن

مبیت (ماندن شب روز دهم) در آنجا واجب است.[۱۷۶]

علت نامگذاری

قبل از پرداختن به علت نامگذاری آن به مزدلفه، اشاره به این نکته ضروری است که به آن «جمع» و «مشعرالحرام» نیز می‌گویند و بعضی را نظر بر این است که مشعرالحرام بخشی از میدان مزدلفه است.[۱۷۷]

---

۱۷۵ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۳۱۱.

۱۷۶ . تاریخ مکهٔ ص ۵۳۱.

۱۷۷ . تاریخ مکه ص ۲۰۱.

۱ ـ بخاطر اینکه مردم در آنجا اتراق می‌کنند، مزدلفه نامیده شده است.

۲ ـ بعضی گویند چون مردم به صورت دسته‌جمعی و گروهی از آنجا بیرون می‌روند مزدلفه نامیده شده است.

۳ ـ بخاطر نزدیک بودنش به منی مزدلفه نامیده شده است.

۴ ـ چون حضرت آدم‌ﷺ و حضرت حوا در آنجا جمع شدند به آن جمع یا مزدلفه گویند.

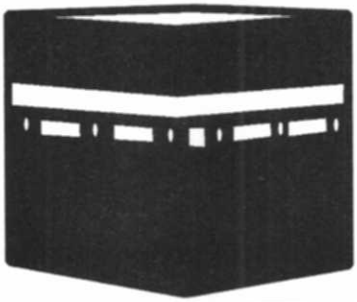
۵ ـ چون حجاج بیت‌الله الحرام در آن مکان جمع می‌شوند آنجا را مزدلفه نامیده‌اند.[۱۷۸]

قصد ما در ذکر موارد مذکور استیعاب نیست چون اماکن بیشمار دیگری هستند که دارای فضایل می‌باشند اما از آنجائیکه زائران بیت‌الله الحرام با آنها سروکاری ندارند از ذکر آنها صرف‌نظر نموده و فقط به ذکر مواردی که حجاج بیت‌الله الحرام با آنها به نحوی ارتباط دارند و علم و آگاهی به آنها به زائران جهت هرچه بهتر انجام‌دادن مناسک کمک خواهد نمود ذکر کردیم. و آنهم به صورت مختصر و گذرا، زیرا که اطناب و ذکر تفصیلی موجب ملال و خستگی می‌گردد. بنابراین سعی بر آن داشتیم که موارد را نه آنقدر مختصر ذکر کنیم که زائر سر درنیاورد و نه آنقدر طولانی و مفصل که او را دچار سردرد آورد.

اگر چنانچه به آنچه که مقصود ما بوده است رسیدیم بفضل پروردگار است و اگر چنانچه ضعفی و کاستی در کار هست که قطعاً هم هست از ناحیه ما بوده است.

---

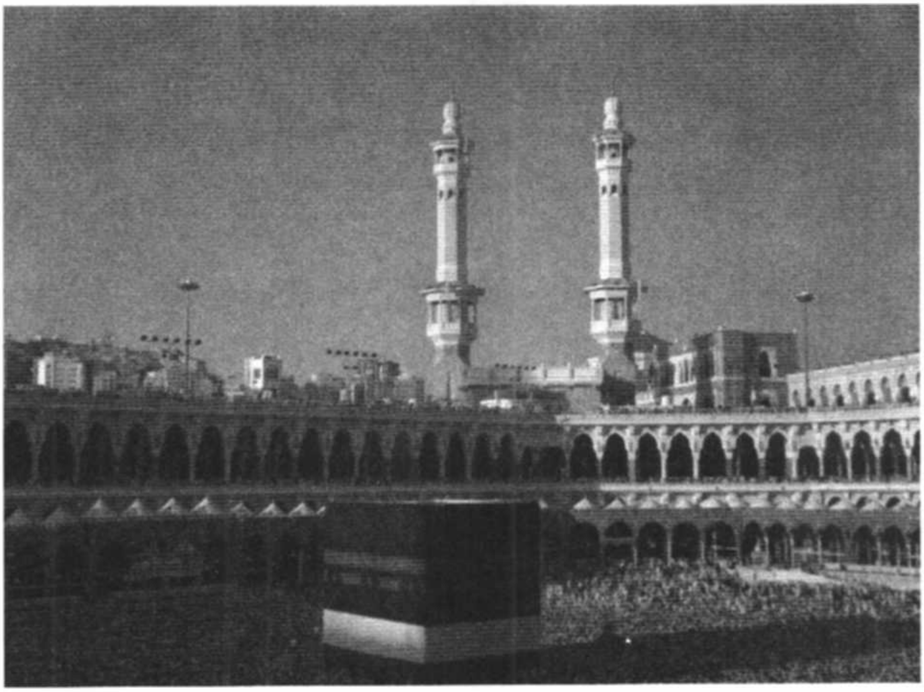
۱۷۸ . تاریخ مکه قدیماً و حدیثاً ص ۳۱۱.



زائر گرامی!

حتماً چندنسخه قرآن مجید خریداری کن وآنها را وقف مسجدالحرام و مسجدالنبی بگردان چون تا وقتی که آنها تلاوت می‌شوند برای تو ثواب فراوان ذخیره خواهد شد.

بخش پنجم



فضایل مکه مکرمه (زادها الله شرفاً)

﴿ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ ﴾ (آل عمران/۹۶)

مکه‌ی مکرمه مقدسترین مکان در کره‌ی زمین و محبوبترین شهر نزد خالق متعال می‌باشد که یگانه قبله‌گاه عالم، در آن قرار دارد.

مکه‌ی مکرمه مهبط جبرائیل، مولد خاتم پیامبران، مرکز حج میلیونها مسلمان است. شهری که حراست و پاسداری از آن را الله تبارک و تعالی خود برعهده گرفته است و هرکسی که سوءقصدی به آن نماید هلاک شده و نابود می‌گردد.

حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه فرمودند: اگر هفتاد گناه در خارج از حرم انجام دهم نزد من محبوبتر است تا اینکه یک گناه در مکه‌ی مکرمه انجام دهم.[۱۷۹]

شهری است که در آن اراده گناه هم گناه است. در هیچ گوشه‌ای از عالم الله تبارک و تعالی بر اراده‌ی گناه کسی را مجازات نمی‌کند مگر در شهر مکه که خود اعلام داشته...

﴿ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾ ﴾ (حج/ ۲۵)

حضرت عبدالله‌بن مسعود رضی الله عنه فرمود: (لَوأَنَّ رَجُلاً هَمَّ بِقَتلِ مُؤمِن عِندَالبَيتِ وَ هُوَ بِعَدَن اَذَاقَهُ اللهُ فِي الدُّنيَا العَذَابَ الاَلِيمَ).[۱۸۰]

---

۱۷۹ . شفاءالغرام ۱۴۱/۱ ـ مصنف عبدالرزاق ۸۲/۵.

۱۸۰ . اخرجه احمد ۱۵۴/۱ و ۸۲۴ القری لقاصد ام القری ص ۹۵۶.

«اگر کسی در کنار خانه‌ی کعبه (شهر مکه) قصد کند کسی را بقتل برساند و آن فرد در عَدَن باشد الله تبارک به قصدکننده عذاب دردناک خواهد چشاند.»

مکه‌ی مکرمه شهری است که یک عبادت در آن برابر با صد هزار در جاهای دیگر است.

حسن بصری فرمود: روزه‌ی یک روز در مکه برابر با صد هزار روز و صدقه دادن یک درهم در مکه برابر با صدهزار درهم در جاهای دیگر می‌باشد و همچنین هر حسنه‌ای در آن برابر با یکصد هزار حسنه در جاهای دیگر می‌باشد.[۱۸۱] (وَ اذ جَعَلنَا البَیتَ مَثَابَة لِلنَّاسِ وَ اَمناً)

البته برای حصول این اجر و ثواب لازم است که آدمی عملش خالصاً لله باشد و کاملا مطابق با دستورات دین و سنت رسول‌الله باشد.

همانطور که یک حسنه در مکه برابر با صد هزار در جاهای دیگر می‌باشد یک گناه هم در آنشهر برابر با صد هزار گناه در جاهای دیگر می‌باشد.

(سئل احمدبن حنبل ره: هل تکتب السیئة اکثر من واحدةٍ؟ قال: لا، الّا بمکه لتعظیم البلد)[۱۸۲]

از امام احمدبن حنبل(ره) پرسیده شد آیا گناه بیشتر از یکی در نامه‌ی اعمال آدمی ثبت می‌گردد، فرمودند: خیر، مگر در شهر مکه‌ی مکرمه و آنهم بخاطر عظمت شهر مکه مکرمه.

خلاصه شهر مکه‌ی مکرمه مرکز ثقل عالم و رمز بقای هستی است و حرم امن الهی است حتی که حیوانات در آن هم در امنیت کامل به سر می‌برند.

مکه‌ی مکرمه محبوبترین شهر نزد رسول‌الله ﷺ بود. آنگاه که قریش قصد جان آنحضرت نمودند و الله تبارک و تعالی به وی اجازه‌ی هجرت داد، بر بلندای تپه‌ای که (حَزْواره) نام داشت ایستاد و چنین گفت: (وَاللهِ انَّکَ لَخیرُ ارضِ‌اللهِ، وَأحَبُّ اَرضِ الله الِیَ الله، وَ لولَا أنّی اُخرِجتُ مِنکَ مَا خَرَجتُ)[۱۸۳]

بخدا سوگند که تو بهترین زمینِ الله تبارک و تعالی هستی و محبوبترین (قطعه‌ی) زمین نزد الله تبارک و تعالی می‌باشی، اگر چنانچه من از تو بیرون کرده نمی‌شدم ـ هرگز با میل خود ـ از آن بیرون نمی‌رفتم.

---

۱۸۱ . فضایل مکه از حسن بصری ص ۱۲.

۱۸۲ . القری لقاصدام القری ص ۹۵۶.

۱۸۳ . ترمذی ۹۷۶/۵ رقم ۵۲۹۳ نسایی.

مکه‌ی مکرمه مرکز تلقی و تجمع انوار ربانی و فیوضات الهی و همچنین مرکز تلاقی اشعه‌ی جهانی است و این حقیقتی است که توسط دانشمندان آمریکایی به اثبات رسیده است.[۱۸۴]

از این رهگذر است که هرکس وارد آنجا شود دلباخته‌ی آن می‌گردد و نمی‌تواند از آنجا دل بکند، و دوست دارد که به کرات و مرات و همه‌ساله بدانجا سفر نماید.

هرچه بیشتر بدانجا سفر نماید دیوانه‌تر و عاشق‌تر می‌شود و از عشق و علاقه‌اش به آن سرزمین مقدس اندکی نمی‌کاهد (اللّهُمَّ ارزُقنا زِیارة بَیتِکَ الحَرَامَ طِیلَة حَیاتِنا کِراراً وَ مِراراً، آمِین یا ربَّ العَالمِیَن)

مکانهای اجابت دعا در مکه‌ی مکرمه

از حسن بصری «ره» روایت شده است که در پانزده جا در مکه‌ی مکرمه دعا اجابت می‌شود که عبارتند از :

۱ ـ حین طواف؛ ۲ ـ کنار ملتزم؛ ۳ ـ زیر میزاب رحمت؛ ۴ ـ در میدان عرفات؛ ۵ ـ در مزدلفه؛ ۶ ـ در منی؛ ۷ ـ کنار جمرات؛ ۸ ـ در مسعی (میان صفا و مروه)؛ ۹ ـ پشت مقام ابراهیم؛ ۱۰ ـ در داخل خانه‌ی کعبه؛ ۱۱ ـ کنار زمزم؛ ۱۲ و ۱۳ ـ کوه صفا و مروه؛ ۱۴ ـ کنار حجرالاسود؛ ۱۵ ـ کنار مستجار[۱۸۵] .

و رکن یمانی نیز از دیگر جاهایی است که دعا در آن مستجاب می‌شود.[۱۸۶]

---

۱۸۴ . وصف الکعبة و تاریخها ص ۹۲.

۱۸۵ . القری لقاصدام القری ص ۷۱۳ و ۸۱۳.

۱۸۶ . شفاءالغرام ۸۲۳/۱ .



فضیلت روزه در مکه‌ی مکرّمه

(عن ابن عباس قال: قَالَ رَسُوُل اللهﷺ مَن أَدرَکَ شَهرَ رَمَضَانَ بمَکَّة فَصَامَهُ، وَ قَامَ مِنهُ مَا تَیَسَّرَ لَهُ، کُتِبَ لَهُ مِائة الف شَهرِ رَمَضَانَ، فِیما سَواهُ، وَکَتَبَ الله لَهُ بکُلِّ یوم وَ لَیلَةٍ عِتقَ رَقَبَةٍ وَ بِکُلِّ یوم حُملَانَ فَرسٍ فِی سَبِیلِ‌الله وَ فِی کُلِّ یوم حَسَنَةً وَ فی کُلِّ لَیلَةٍ حَسنةً)[187]

حضرت عبدالله‌بن عباس روایت می‌کند که رسول‌الله فرمودند: «کسیکه در ماه مبارک رمضان در مکه‌ی مکرمه باشد و آن را روزه بگیرد و آن‌چه که برایش میسر است قیام نماید (و حقش را اداء کند و شب زنده‌داری نماید) برای او یکصد هزار رمضان که در جاهای دیگر روزه بگیرد، نوشته می‌شود یعنی ثواب آن برابر با یکصد هزار رمضان در جاهای دیگر است و خداوند در هر شبانه‌روز برایش ثوابت آزادی یک برده را به او عطا می‌کند و به ازای هر روز ثواب یک اسب که با بارش هدیه داده شود به او عطا می‌کند و به ازای هر روز یک حسنه و به ازای هر شب یک حسنه به او پاداش می‌دهد.

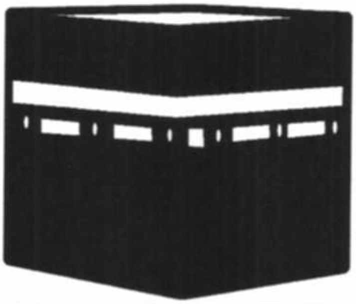
(عن الحسن البصری قال: صَومُ یَوم بِمَکَّة بِمِئَة اَلفِ وَ صَدَقَة دِرهَم بِمِئَة الفِ وَکُلُّ حَسَنَةٍ بِمِئَة الفِ حَسَنَةِ)[188]

«حسن بصری فرمود: روزه‌ی یک روز در مکه برابر با صد هزار روز و صدقه‌ی یک درهم در مکه برابر با یکصدهزار درهم و هریک نیکی در مقابل یکصد هزار نیکی می‌باشد.»

---

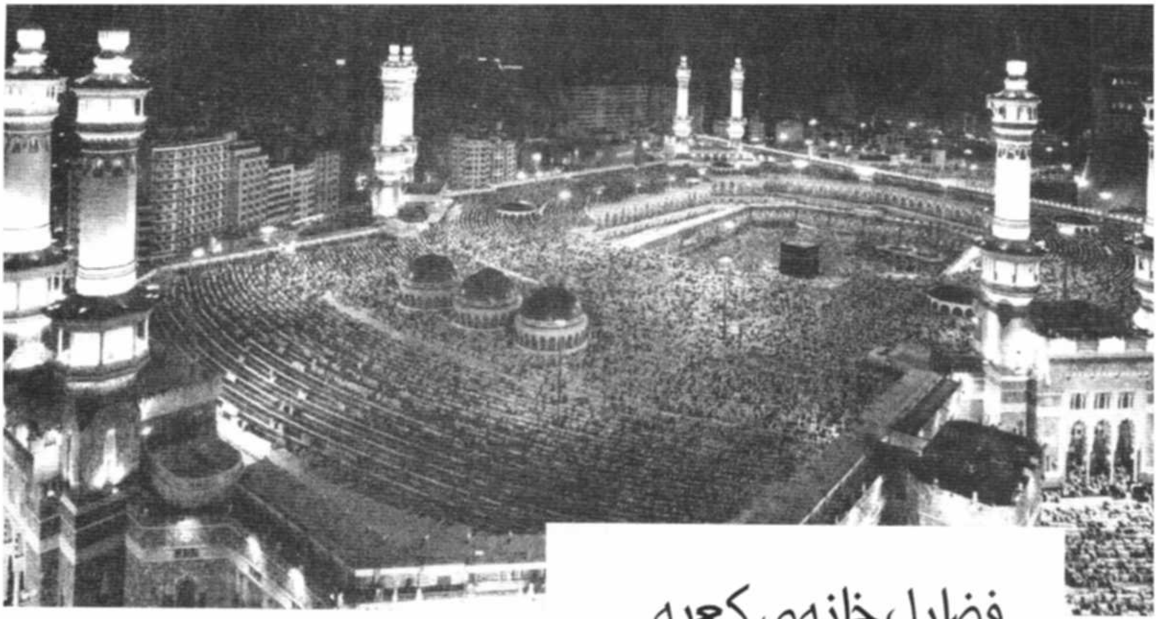
۱۸۷ . رواه ابن ماجه.

۱۸۸ . القری ص ۸۵۶.



زائر عزیز!

از تلاوت قرآن، ذکر الله تبارک وتعالی
و درود بر رسول الله ﷺ غافل مباش.



فضایل خانه‌ی کعبه

﴿ ۞ جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَۚ ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٩٧ ﴾ (مائده: ۹۷)

خداوند کعبه(یعنی) بیت الحرام، و ماههای حرام، و قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن(به کار دنیوی و اخروی) مردم قرار داده است. این بدان خاطر است که بدانید که خداوند مطّلع از هر آن چیزی است که در آسمانها و زمین است، و بدانید که خداوند همه چیز را می‌داند.

خانه‌ی کعبه نخستین خانه‌ای است که در این کره‌ی خاکی برای پرستش خالق یکتا بناشده و قدمتی بس دیرینه و طولانی دارد و قداستی بیش از حدّ. تا آنجا که الله تبارک و تعالی وجود و بقای آن را در کره‌ی خاکی رمز بقا و وجود کره‌ی زمین معرفی کرده

عطاء می‌گوید: مراد از «قیاماً للناس» این است که اگر یک سال آنرا ترک کنند و به زیارتش نروند، هلاک کرده می‌شوند و به آنان فرصتی داده نخواهد شد.»[۱۸۹]

خداوند اعلام کرده است که هرکس در حرم و حریم کعبه وارد شود در امان است (و من دخله کان آمناً).

نظرکردن به خانه‌ی کعبه عبادت است واگر آدمی بنشیند و فقط به خانه‌ی کعبه نگاه کند خداوند متعال برایش ثواب ثبت می‌نماید و این فضیلت در هیچ جای دیگر

---

۱۸۹ . وصف الکعبة و تایخها ص ۰۲.

ثابت نیست.

(عن جعفربن محمد عن ابیه عن جده عن النبیﷺ النَّظَرُ اِلیَ البَیتِ الحَرَامِ عِبَادَةٌ)[190]

جعفربن محمد‌رضی‌الله‌عنه از پدرش، از جدش از رسول‌اللهﷺ روایت می‌کند که نظرکردن به خانه‌ی کعبه عبادت است.

حضرت عبدالله‌بن عباس‌رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ فرمودند: (اِنَّ للهِ عَزَّوَجَلَّ فی کُلِّ لَیلَةٍ وَ یوم مِائة وَ عشرونَ رَحمَةً ینزِلُ عَلیَ أَهلِ هَذَاالبَیتِ، فَستُّونَ لِلطَّائفینَ وَ اربَعُونَ لِلمُصَلِّینَ وَعِشرُونَ لِلنَّاظِرِینَ)[191]

الله تبارک و تعالی در شبانه روز ۱۲۰ رحمت بر این خانه نازل می‌فرماید که ۶۰ رحمت از آن متعلق به طواف‌کنندگان است و ۴۰ رحمت متعلق به نمازگذاران و ۲۰ رحمت به آنانکه به بیت‌الله نظر می‌کنند اختصاص دارد.

تخریب خانه‌ی کعبه در آخرالزمان

آنگاه که جهان به پایان خود نزدیک می‌شود تمام علایم خیر و نیکی یکی بعد از دیگری از کره‌ی خاکی رخت برمی‌بندند حتی بعد از ظهور و ویرانگری یاجوج و ماجوج خانه‌ی کعبه عبادت کرده می‌شود.[192]

اما رفته‌رفته کفر فراگیر می‌شود و گروهی قصد آن می‌کنند که خانه‌ی کعبه را ویران نمایند، خداوند متعال آنان را نابود می‌سازد. (عن عایشه‌رضی‌الله‌عنها قالت: قال النبیﷺ یغزو الکعبۀ جیش خسف بهم)[193]

اما باز کفر فراگیرتر می‌شود و حرمتها و حریمها از بین می‌روند، آرام‌آرام بساط علم از کره‌ی زمین برچیده می‌شود و قرآن کریم نیز از زمین رفع شده و به آسمانها برده می‌شود، هیچ حرف و کلمه‌ای از آن باقی نمی‌ماند.

در چنین محیطی که کفر عالم را فراگرفته و حتی کلمه‌گویی بر زمین باقی نمانده است، خانه‌ی کعبه که مظهر و نماد بقای عالم است، باقی نمی‌ماند و خداوند تخریب‌کنندگان آن را از بین نمی‌برد چون دیگر حرمتی نمانده، کلمه‌گویی نیست، دیگر دنیا به آخر

---

۱۹۰ . القری لقاصدام القری ص ۱۴۳.

۱۹۱ . رواه الطبرانی فی الاوسط ـ شفاءالغرام باخبار البلد الحرام ۴۱۳/۱ القری لقاصدام القری ص ۵۲۳.

۱۹۲ . بخاری مع الفتح ۷۵۳/۳.

۱۹۳ . بخاری مع الفتح ۱۶۳/۳.

رسیده و قیامت باید آغاز گردد. رسول‌الله ﷺ فرمودند: (**یخرّب الکعبة ذوالسویقتین من الحبشة**)[۱۹۴]

مردی با ساقهایی باریک (و کمانی شکل) از اهل حبشه خانه‌ی کعبه را ویران **نموده و** تخریب می‌کند و در روایات دیگری هست که دیگر تعمیر نمی‌شود.

و در روایتی از حضرت علی رضی الله عنه چنین آمده است: (**استَکثِروا مِنَ الطَّوَاف بِهَذَاالبَیتِ مَا** **اسَتَطَعتُم مِن قَبلِ أَن یُحَالَ بَینَکُم وَ بَینَهُ، فَکَأَنِّی أَنظُرُ الیهِ، اصعل، اصمَع، یَهدُمُهَا بِمِسحَاتِه**)[۱۹۵]

تا می‌توانید خانه‌ی کعبه را بسیار طواف کنید پیش از آنکه میان شما و **او حائل شوند،** گویا که من او را می‌بینم، مردی با کله‌ای کوچک و گوشهایی کوچک با **کلنگش آن را** ویران می‌نماید.

---

۱۹۴. بخاری مع الفتح ۲۶۳/۳.

۱۹۵. تاریخ مکة المکرمه ص ۶۳ ـ فتح الباری ۲۶۳/۳.



زائر گرامی!

به ضعفا و ناتوانان کاروانت حتماً کمک کن.

بخش ششم

حج

﴿ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٧ ﴾(آل‌عمران: ۹۷)

و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی(مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس(حج خانه خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد(به خود زیان رساننده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

حج یکی از ارکان پنجگانه اسلام و بزرگترین و نمادین‌ترین اجلاس و اجتماع مسلمین و کنگره‌ی جهانی سالانه‌ی مسلمانان عالم است و بر مسلمانان توانگر واجب است که در طول عمر یکبار در آن مراسم باشکوه شرکت کنند.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿ وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٩٦ ﴾ (بقره: ۱۹۶)

«و حج و عمره را به تمام و کمال خالصانه برای خدا انجام دهید و اگر بازداشته شدید هر آنچه از قربانی فراهم شود و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به قربانگاه خود برسد

و اگر کسی از شما بیمار شد، یا ناراحتی در سر داشت فدیه بدهد، از قبیل روزه یا صدقه و یا گوسفندی و وقتی که در امان بودید کسی از عمره بهره‌مند گردد سپس حج را آغاز کند، آنچه از قربانی میسر شد و کسی که نباید، سه روز در حج و هفت روز هنگامی که بازگشت این ده روز کاملی است این از آن کسی است که خانواده او اهل مسجدالحرام نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خدا دارای کیفر سختی است.»

معنای لغوی حج: حج در لغت عبارت است از: آهنگ‌نمودن و قصدکردن چیزی بزرگ (باارزش)[۱۹۶].

و حج در اصطلاح شرع مقدس و دین مبین اسلام، عبارت است از: زیارت‌کردن مکانهای مخصوص، در روزهای ویژه‌ای و با افعال بخصوصی.[۱۹۷]

مراد از مکان‌های مخصوص: بیت‌الله الحرام، مسعی، عرفات، منی و جمرات و...

مراد از روزهای ویژه: روزهای پنجگانه ذیحجه یعنی از هشتم تا سیزدهم.

مراد از اعمال بخصوص: احرام، رَمَل، اضطباع، رمی جمرات و...

پرواضح است که حج بغیر از مکه مکرمه و اماکن ویژه‌ی آن در جایی دیگر و یا در روزهای دیگر سال و بدون رعایت اعمال ویژه حج انجام نمی‌پذیرد و قابل قبول نیست.

تاریخ فرضیت حج

جمهور را نظر بر این است که حج در سال ششم (هجری هنگامی که رسول‌الله ﷺ برای ادای عمره تشریف برده بودند و از وی ممانعت بعمل آمد و صلح حدیبیه صورت گرفت)؛ در پی نزول آیه‌ی ﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِ﴾... فرض شده است.[۱۹۸]

ولی صحیحترین قول این است که حج در سال نهم هجری پس از نزول آیه‌ی «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا» فرض شده است.[۱۹۹]

فضیلت عمره

قال الله تعالی: ﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِ﴾... (بقره: ۱۹۷)

---

۱۹۶. در المختار ۴۵۴/۲ ـ تحفةالاحوذی ۹۳۲/۳.

۱۹۷. ردالمحتار ۴۵۴/۲.

۱۹۸. القری ص ۳۶ نیل الاوطار ۳۱۳/۴.

۱۹۹. مجموعه فتاوی ابن‌تیمیه تفسر المنار ۰۲۲/۲ زادالمعاد.

الله تبارک و تعالی امر کرده است که حج و عمره را فقط برای او به اتمام رسانید.

رسول الله ﷺ فرمودند: (العُمرَةِ الیَ العُمرَةِ کفّارَةٌ لِمَا بَینَهُمَا، وَالحَجُّ المَبرُور لَیسَ لَهُ جَزَاءٌ الّا الجَنَّة)[۲۰۰]

از عمره تا عمره‌ای دیگر، کفّاره‌ی گناهانی است که میان آندو انجام می‌گیرد و حج پذیرفته شده پاداشی جز بهشت ندارد.

باز رسول الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (تَابِعُوا بَینَ الحَجِّ وَالعُمرَةِ فَانَّهُمَا یُنفیَانِ الفَقرَ وَالذُّنُوبَ، کَمَا یُنفِی الکِیرُ خَبَثَ الحَدِیدِ وَالذَّهَبِ وَ الفِضَّةِ وَلَیسَ لِلحجَّة المَبرُورَة ثَوَابٌ الّا الجَنَّةَ)[۲۰۱]

حج و عمره را پشت سرهم انجام دهید زیرا که آندو فقر و گناهان را می‌زدایند آنگونه که کوره‌ی (ذوب فلزات) زنگار و غش را از آن و طلا و نقره می‌زداید و حج مقبول ثوابی جز بهشت ندارد.

در روایت دیگری که حضرت عمر رضی الله عنه آن را روایت کرده است چنین آمده است: (... فَانّ المُتَابِعَةَ مَا بَینَهُمَا تَزِیدُ فِی العُمرِ وَالرِّزقِ وَ تُنفِی الذُّنُوبَ...)[۲۰۲]

قطعاً پشت سرهم انجام‌دادن حج و عمره عُمر و رزق را افزایش می‌دهد و گناهان را از بین می‌برد.

(عن ابن عمر رضی الله عنه ان عمر استَأذَنَ النَّبِیَّ فِی العُمرَةِ، فَاذِنَ لَهُ وَ قَالَ: لاتَنسَنَا مِن دُعَائِکَ أَو اَشرِکنَا فِی دُعَائِکَ)[۲۰۳]

حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که حضرت عمر رضی الله عنه از رسول الله ﷺ اجازه‌ی انجام عمره خواستند و آنحضرت در ضمن موافقت فرمودند:

ما را از دعاهایت فراموش مکن یا (راوی تردید دارد) ما را در دعاهایت شریک بگردان.

به هر تقدیر عمره فضایل بیشماری دارد که ذکر همه‌ی آن روایات از حوصله‌ی این کتاب مختصر خارج است و به ذکر موارد مذکور اکتفاء نمودیم که اهل خرد و ارباب بصیرت را اشاره‌ای کافی است.

بنابراین می‌طلبد که عزیزان در ادای حج و عمره درنگ نکنند و با بجاآوردن آنها هم از ثواب و اجر دنیوی بهره‌مند شوند و هم اندوخته‌ای قابل ملاحظه و باارزش برای فردای قیامت داشته باشند چون دنیا برای کسی ماندگار نبوده و برای ما هم جاودانه نخواهد بود.

---

۲۰۰. بخاری حدیث شماره ۳۷۷۱.

۲۰۱. ترمذی حدیث شماره ۸۱۰.

۲۰۲. القری ص ۴۰.

۲۰۳. مصدر فوق.

ای دوست از محبت دنـــیا کنار شو / وزین گذر به درگه پروردگـــار شو
عمرت کثر نیست تو غافل چرا شدی / که ناگه اجل درآید و گوید سوار شو

سعدی «ره» فرمود :

جهان ای برادر نماند بکس / دل اندر جهان آفرین بند و بس
مکن تکیه بر ملک و دنیا و پشت / که بسیار کس چون تو پرورد و کشت
چو آهنگ رفتن کند جان پاک / چه، بر تخت مردن چه، بر روی خاک

فضیلت عمره در ماه مبارک رمضان

فضیلت ماه مبارک رمضان بر همه‌ی مسلمانان شناخته شده است و آن را همین فضیلت بس که قرآن در آن ماه نازل شده و رسول‌الله در آن به پیامبری مبعوث شده و یک شب قدر آن افضل از هزار ماه است.

بنابراین در چنین ایام گرانسنگی همه‌ی عبادات شکل ویژه می‌گیرند و ارج بی‌حد پیدا می‌کنند.

رسول‌الله ﷺ فرمودند: "عُمرَةٌ فِی رَمَضَانَ تَعدِلُ حَجَّةً"[۲۰۴]

ثواب یک عمره در رمضان برابر با یک حج است و در روایت دیگری آمده است ثواب یک عمره در رمضان برابر با حجی است که با همراهی من (رسول‌الله) انجام شده باشد[۲۰۵] می‌طلبد که تلاش کنیم در زندگی خود چنین فرصتی را برای خویش فراهم آوریم و از اجر بیشمار آن بهره‌مند گردیم.

فضیلت حج

برای فضیلت حج همین بس که یکی از اساسی ترین ارکان دین مبین اسلام می‌باشد و دیگر اینکه حج در مقدسترین مکان روی زمین انجام می‌گیرد و بزرگترین کنگره‌ی جهانی مسلمانان عالم است.

الله تبارک و تعالی در جاودان کتاب خویش سوره‌ای را بنام حج نامگذاری کرده است تا مسلمانان به هنگام تلاوت آن دایم با نام حج آشنا بوده و در فکر آن باشند.

---

۲۰۴ . سنن ترمذی حدیث شماره ۹۳۹.

۲۰۵. اخرجه ابن عدی فی‌الکامل و فی اسناده متعال/ تحفۀالاحوذی ۴۷۳/۳.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِ..﴾ (بقره: ۱۹۶)

«حج و عمره را فقط برای الله عزوجل انجام دهید.»

رسول‌الله ﷺ فرمودند: (... اَنّ الحَجَّ يَهدِمُ مَا كَانَ قَبلَهُ)[۲۰۶]

«حج تمام گناهان پیشین را از بین می‌برد.»

رسول‌الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (مَن حَجَّ هَذَا البَيتَ فَلَم يَرفُث وَ لَم يَفسُق رَجَعَ كَيَومِ وَلَدَتهُ اُمُّهُ)[۲۰۷]

کسیکه حج بیت‌الله را بجا آورد درحالیکه ـ در حال احرام ـ با همسرش آمیزش نکند و مرتکب گناه نشود ـ از حج ـ چنان بازمی‌گردد که از مادر متولد شده است، یعنی آنگونه که آدمی پاک و بی‌گناه از مادر متولد می‌شود، این چنین آمرزیده شده و پاک می‌گردد.

رسول‌الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (الحَجُّ المَبرُورُ لَيسَ لَهُ جَزاءٌ اِلَّا الجَنَّة)[۲۰۸] «حج مقبول و پذیرفته شده‌ی بارگاه الهی پاداشی جز بهشت ندارد.»

تعجیل در بجا آوردن حج

تعجیل در بجاآوردن امور دینی و انجام کارهای خیر امری مطلوب و پسندیده است و آدمی باید در انجام کار خیر شتاب کند و از دیگران سبقت بگیرد.

رسول الله ﷺ فرمودند: (تَعَجَّلُوا اِلَى الحَجِّ فَاِنَّ اَحَدَكُم لَايَدرِى مَا يَعرِضُ لَهُ)[۲۰۹]

«در بجا آوردن فریضه‌ی حج بشتابید و عجله کنید زیرا که شما نمی‌دانید چه ـ حوادثی ـ برایتان پیش خواهد آمد.»

حداقل تعجیل در کشور ایران که هزاران نفر در نوبت هستند این است که فرد به محض اینکه حج بر او فرض می‌شود بی‌درنگ در یکی از بانکها برای حج ثبت‌نام نماید. و به انتظار بنشیند، اگر قبل از مرگ نوبتش فرارسید به حرمین مشرف شده و فریضه‌ی حج را بجاآورد و اگر چنانچه خدای ناکرده اجل پیشدستی کرد و او را راهی دیار آخرت نمود، حداقلش آن است که در بارگاه الهی حرفی برای گفتن دارد که پروردگارا! توان من همین مقدار بود که ثبت‌نام کنم و در انتظار (یکی از دو اجل یعنی مرگ یا حج) بنشینم

---

۲۰۶. مسلم ۱۲۱.

۲۰۷. بخاری ۱۸۲۰.

۲۰۸. بخاری ۱۷۷۳ مسلم ۱۳۴۹.

۲۰۹. رواه احمد ۳۱۴/۱.

که متأسفانه اجل سبقت گرفت و زودتر از حج به سراغم آمد و از مسیری دیگر برایم میسر نبود که به حج بروم.

تذکر: بسیاری از آژانسهای زیارتی هستند که افراد را خارج از نوبت به حج می‌برند اما با این تفاوت که مبلغ بیشتری دریافت می‌دارند و خدمات بهتری هم ارائه می‌دهند. و در مقابل آدمی را از سالها انتظار جانکاه بدر می کنند می‌رهانند.

بنابراین عزیزانی که توان مالی خوبی دارند و می‌توانند از عهده‌ی مخارج و هزینه‌ی این آژانسها برآیند، (مثلا در حال حاضر بین پنج تا هفت میلیون تومان می‌باشد) درنگ نکنند و واهمه نداشته باشند، بلافاصله با اینها رفته و فریضه‌ی حج را بجا بیاورند و یقین بدانند که الله تبارک و تعالی عوض هزینه‌های آنان را در این دنیا هم خواهد داد.

رسول‌الله ﷺ فرمودند: (الحُجَّاج وَالعُمَّارُ وَفدُالله، ان سَألوُا أعطُوا، وَ اِن دَعَوا اُجِیبُوا، وَ اِن انفَقُوا اُخلِفَ عَلیهِم...)[۲۱۰]

«حج‌کنندگان و عمره‌کنندگان میهمانان خداوند هستند و اگر از او بخواهند به آنان عطا کرده می‌شود و اگر دعا کنند دعاهایشان اجابت کرده می‌شود و اگر ـ در این راه ـ انفاق کنند عوضشان به آنها داده خواهد شد و جایگزین خواهد شد.»

باز رسول الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (النَّفَقَةُ فِی الحَجِّ کالنَّفَقَةِ فِی سَبِیلِ الله، الدِّرهَمُ بِسبعِ مِائَةِ ضِعفٍ)[۲۱۱]

«هزینه کردن در حج همچون هزینه‌کردن در راه الله تبارک و تعالی است یک درهم ـ در این راه ـ برابر با هفتصد درهم می‌باشد.»

بنابراین ثروتمندان عزیز! از هزینه‌کردن در این راه و سایر راهها و کارهای دینی هراس نداشته باشید و به وسوسه‌های شیطان گوش فرا ندهید که (الشَّیطَانُ یَعِدُکُمُ الفَقرَ وَ یَامُرُکُم بِالفَحشَاءِ وَ انَّ الشَّیطَانَ لَکُم عَدُوٌّ مُبِینٌ).

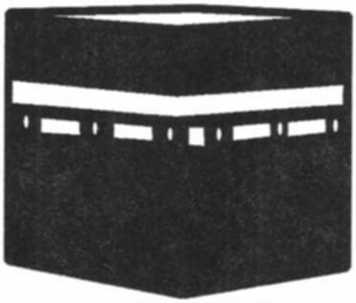
تذکر :۲ گروهی گرفتار وسوسه‌های شیطان شده و می‌گویند که ما قادر نیستیم حج را نگاهداریم.

برادر عزیز! حج نیازی به نگاه داشتن تو ندارد، اگر با مالی حلال و نیتی درست و خالص و با شرایط کامل حج، حج را بجا بیاوری، حج خودش تو را نگاه می‌دارد. بنابراین از این توهم غلط بدر آیند و به بارگاه خداوند بشتابید.

---

۲۱۰. القری ص ۹۳.

۲۱۱. رواه احمد و ابن ابی شیبه، القری ص ۳۴.



زائر عزیز!

حتماً به نیازمندان و فقراء کمک کن، و تا می‌توانی صدقه بده



اقسام سه‌گانه‌ی حج

علمای اسلامی حج بیت‌الله‌الحرام را به اعتبار نیت و کیفیت ادای اعمال بر سه نوع تقسیم کرده‌اند. و همه بر جواز انواع سه‌گانه‌ی آن اجماع دارند[۲۱۲]، اما در اینکه کدامیک از انواع سه‌گانه افضل است؟ اختلاف‌نظر وجود دارد.

۱ ـ قران : عبارت است از اینکه: زائر هنگام احرام از میقات یا قبل از میقات نیت حج و عمره را باهم جمع نماید. مثلا هنگام نیت بگوید: (لَبَّیکَ بِحَجَّةٍ وَ عُمرَةٍ) و یا بگوید (اللّٰهُمَّ اِنیّ اُرِیدُ الحَجَّ وَالعُمرَةَ فَیَسِّرهُمَا لِي وَ تَقَبَّلهُمَا مِنِّی)[۲۱۳] و کسیکه قصد حج قران دارد به او «قارن» گفته می‌شود.

۲ ـ تمتع : عبارت است از اینکه: زائر در ماههای حج یعنی شوال، ذیقعده و ذیحجه از میقات احرام عمره ببندد و عمره‌ی خویش را بجا بیاورد و از احرام خارج شود و به شهر و دیار خود بازنگردد و همچنان باقی می‌ماند تا آنکه هشتم ذیحجه فرا برسد و آنگاه از حرم (مکه‌ی مکرمه) احرام حج بندد و حج خویش را در همان سال انجام دهد.

هنگامی که قصد عمره دارد چنین نیت کند (اللّٰهُمَّ انّی اُریدُالعُمرَةَ فَیَسّرهَا لِی وَ تَقَبّلهَا منی)[۲۱۴]
و هنگام احرام حج چنین نیت کند (اللّٰهُمَّ انّی اُریدُ الحَجَّ فَیَسّرهُ لِی وَ تَقَبَّلهُ مِنّی)
متمتع : به کسیکه قصد انجام حج تمتع را دارد «متمتع» گفته می‌شود.

---

۲۱۲ . فقه السنة ۵۶۴/۱.

۲۱۳ . قدوری ص ۵۴۱.

۲۱۴ . نورالایضاح ص ۳۸۱.

۳- افراد : عبارت است از اینکه زائر از میقات یا قبل از میقات فقط قصد حج دارد و احرام حج را منعقد می‌نماید و تا زمانیکه اعمال حج را انجام نداده و به اتمام نرسانده همچون قارن در احرام خود باقی است و اجازه ندارد از احرام خارج شود با این تفاوت که قارن عمره بجا می‌آورد ولی در حج افراد عمره نیست و بر قارن دم‌هدی است ولی بر مفرد دم‌هدی هم لازم نیست.

(اللهم انی ارید الحج فیسره‌لی و تقبله منی)

مفرِد : و کسیکه قصد حج افراد را دارد به او «مُفرِد» می‌گویند.

کدامیک افضل است؟

نزد احناف ترتیب بدین‌گونه است: اول قران بعد تمتع بعد افراد[۲۱۵]

نزد شوافع ترتیب بدین‌گونه است: اول افراد بعد تمتع بعد قران[۲۱۶]

نزد مالکیه ترتیب بدین‌گونه است: اول افراد بعد قران بعد تمتع

نزد حنابله ترتیب بدین‌گونه است: اول تمتع بعد قران بعد افراد[۲۱۷]

آیا بجا آوردن حج بلافاصله فرض است؟

امام مالک و امام احمد و بعضی از شوافع و احناف بر این نظریه‌اند که به محض اینکه حج بر کسی فرض شد باید برای ادای آن بلافاصله اقدام شود.[۲۱۸]

رسول‌الله ﷺ فرمودند: (من اراد الحج فلیستعجل)[۲۱۹] «کسی که قصد حج نمود پس باید بشتابد.»

باز رسول‌الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (مَن اَرادَالحَجَّ فَلیَتَعَجَّل فَانَّهُ قَدیَمرُضُ المَرِیضُ وَ تَضِلُّ الرَّاحِلَةُ وَ تَکُونُ الحَاجَةُ)[۲۲۰]

---

۲۱۵. اللباب فی شرح الکتاب ۷۷۱/۱.

۲۱۶. تحفةالاحوذی ۴۵۲/۳.

۲۱۷. فقة السنه ۶۶۴/۱.

۲۱۸. نیل الاوطار ۸۱۳/۴ ـ فتح القدیر ۲۳۲/۲ ـ الفقه الحنفی وادلنه ۵۰۴/۲.

۲۱۹. رواه الدارمی ۵۴/۲ ابوداود.

۲۲۰. ابن ماجه احمد بیهقی طحاوی نیل‌الاوطار ۷۱۳/۴.

«کسیکه قصد حج دارد باید بشتابد زیرا که ـ امکان دارد ـ مریض شود و سواری از دست برود و نیاز پیش آید درنتیجه از حج بماند.»

و امام شافعی و اوزاعی و ابویوسف و امام محمد بر این باورند که حج با تراخی (سر فرصت) فرض است.[۲۲۱]

حج بر چه کسی فرض است؟

حج بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، سالم و توانگر فرض می‌باشد و مراد از توانگر کسی است که ثروتمند باشد به‌گونه‌ای که بتوند هزینه‌ی سفر خویش و هزینه‌ی خانواده‌اش را تا زمان بازگشت داشته باشد. و برای فرضیت حج میلیونربودن شرط نیست.

اگر چنانچه زائر یک زن است وجود محرم از شرایط است که اگر چنانچه این شرط و هرکدام از شرایط فوق‌الذکر فوت شود حج بر وی فرض نمی‌گردد.[۲۲۲]

---

۲۲۱. نیل‌الاوطار ۸۱۳/۴.

۲۲۲ . قدوری کتاب الحج ص ۵۳۱.



زائر گرامی!

حتـماً چند روز را در این سفر روزه بگیـر.

وعید بر توانگران تارک حج

در مورد کسانیکه واجد شرایط حج هستند و از ادای آن غفلت می‌ورزند و نسبت به آن بی‌اعتنا می‌باشند وعیدها و تهدیدهای بسیار زیادی وارد شده است که ما فقط به ذکر چند مورد اکتفا می‌نماییم چون قصد ما بر اختصار است.

رسول‌الله ﷺ فرمودند: (من ملک زاداً و راحلة تبلغه الی بیت الله و لم یحج فلا علیه ان یموت یهودیاً او نصرانیاً و ان الله تبارک و تعالی یقول و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا)[۲۲۳]

«کسی که به مقدار تأمین غذا و مایحتاج خود و تأمین امکانات سفر به اندازه‌ای که او را به بیت‌الله برسانند، دارا باشد، حج نکند فرقی نمی‌کند که یهودی بمیرد یا نصرانی، و سپس آیه قرآن کریم را که حج بر افراد مستطیع فرض است تلاوت فرمودند.»

رسول‌الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (من لم یمنعه من الحج حاجة ظاهرة او سلطان جائر او مرض جابس فمات ولم یحج، فلیمت ان شاء یهودیاً و ان شاءَ نصرانیا)[۲۲۴]

«کسی که او را از ادای فریضه‌ی حج مانعی از نیاز و مشکلی آشکار (مثلا زنی که محرم ندارد) یا پادشاهی ستمگر و یا مرضی بازدارنده و سخت او را باز ندارد و او حج نکرده بمیرد، پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.»

روایات فوق بیانگر این واقعیت هستند که مرگ اینچنین مسلمانی که به ارکان و فرایض دین پایبند نباشد و اعتنا نکند و عمل ننماید فرقی با مرگ یک یهودی و مسیحی ندارد.

---

۲۲۳ . ترمذی.

۲۲۴ . سنن دارمی ۵۴/۲.

بنابراین می‌طلبد که مسلمانان معاصر که سرتاپا غرق در دنیا و مظاهر و ظواهر فریبنده آن می‌باشند و به بهانه‌های واهی که شیطان در دلهایشان القاء می‌کند از انجام فرایض و به‌ویژه فریضه‌ی حج بازمی‌مانند و در ادای آن کوتاهی و سهل‌انگاری می‌نمایند آگاه باشند که سلامت و ثروت هر دو ناپایدارند و آدمی باید رها کند و رخت سفر بربندد و در محضر یکتای بی‌همتا حاضر شود و جواب کوتاهیهای خود را بیان دارد که در آن روز شیطان از وی تبری جسته و خود را بیگناه می‌خواند (فَلاَ تَلوُمُونِي وَ لوُمُوا اَنفُسَكُم) مرا ملامت نکنید ـ بلکه ـ خویشتن را ملامت و سرزنش نمایید که فریب گفته‌های مرا خورده‌اید.

بنابراین تا فرصت است اقدامی باید نمود و برای فردای خود اندوخته‌ای و ذخیره‌ای فراهم آورد. که پس از مرگ من و تو احدی در حق من و تو کاری نخواهد کرد و همه‌ی وارثان بر سر تقسیم میراث به شور خواهند نشست و یا اگر اختلاف کردند نفرینمان خواهند کرد.

به هوش باشیم افسوس و حسرت جاودانه را به لذت و شادمانی زودگذر دنیا نخریم.

(یقول یا حسرتا علی ما فرّطتُّ فی جنب الله) حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: «کسیکه توانایی حج‌کردن داشته باشد و در دارایی او زکات واجب گردد و به حج نرود، هنگام مرگ و جان‌کندن آرزوی بازگشتن می‌کند[۲۲۵] (قَالَ رَبِّ ارجِعُونِ لَعَلِّی أعمَلُ صَالِحاً فِیمَا تَرَكتُ،كَلاَّ) (أَخِّرنِي اِلَى اَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ).

پروردگارا! مرا بازگردان، فرصتم ده، مهلتم ده عمل صالح انجام می‌دهم، حج بجا می‌آورم، صدقه میدهم و انفاق می‌کنم و از نیکوکاران و صالحان خواهم بود.

اما دیر است! دیگر بازگشتی در کار نیست، چرا وقتیکه فرصت و ثروت داشتی اقدامی نکردی؟! اینک بازگشتی نیست فرصتی نیست؟ لحظه‌ی حساب پس‌دادن است!

به هر تقدیر پیش از آنکه فرصت از آدمی گرفته شود، فرصت را غنیمت شمارد و به دستورات دین پایبند باشد تا در روز قیامت همراه صالحان و نیکوکاران محشور گردد و تا ابد در بهشت برین در رفاه و آسایش تمام روزگار گذراند.

---

۲۲۵. فضایل ح حج ترجمه مولانا محبی ص ۹۲.



آداب سفر حج

زائر عزیز! اینک که آهنگ حج داری و می‌خواهی راهی سرزمین وحی شوی باید آدابی را رعایت کنی. تا هرچه بیشتر و بهتر بتوانی از این سفر توشه برگیری و از الطاف و فیوضات رحمان بهره‌مند شوی.

آداب سفر حج را به اختصار بیان می‌داریم که عبارتند از:

۱ ـ اینک که قصد سفر داری نماز استخاره بخوان که مستحب است.

۲ ـ بدهی‌ها و قرضهایت را بپرداز و حقوق مردم را اداکن.

۳ ـ حتماً پدر و مادر خود را راضی گردان.

۴ ـ با تمامی وجود سعی کن مالی که در سفر حج همراه می‌بری حلال و پاک باشد.

۵ ـ در صورت امکان اموال بیشتری با خود ببر تا به بینوایان کمک کنی که یک درهم در آن‌جا برابر با صد هزار درهم در جاهای دیگر است.

۶ ـ تلاش کن که قبل از سفر، احکام و مسایل حج و کیفیت ادای آن را فراگیری، در این امر سهل‌انگاری و کوتاهی مکن که سهل‌انگاری تاوانی بس سنگین دارد.

۷ ـ نیت خویش را قطعاً خالص گردان، که اندکی ریاء تمام اعمالت را بر باد فنا خواهد داد، چه بسا که ایمانت را هم در معرض خطر قرار دهد.

۸ ـ قبل از سفر حتماً مقداری صدقه در راه خدا بده.

۹ ـ قبل از خروج از منزل دو رکعت نماز بخوان در رکعت اول بعد از سوره فاتحه؛ سوره‌ی «کافرون» و در رکعت دوم بعد از فاتحه «اخلاص» بعد از نماز اگر «آیةالکرسی»، «سوره اخلاص» و «معوذتین» را یادداری بخوان و از آن پس دعاکن.

۱۱ ـ هنگامی که قصد خروج از منزل را داری دعای زیر را بخوان (اللّهُمَّ اِلیکَ تَوَجَّهتُ وَ بِکَ اعتَصَمتُ، اللّهُمَّ اکفِنِی مَا اهمَّنِی وَ مَالَم اَهتَمَّ بِهِ، اللّهُمَّ زَوِّدنِی التَّقوَی وَاغفِرلِی ذَنبِی)[۲۲۶]

«پروردگارا به سوی تو روکردم و به تو چنگ زدم، پروردگارا آنچه را که مرا بخود مشغول داشته و آنچه که بدان توجهی ندارم تو مرا کافی باش، پروردگارا تقوی را توشه‌ی را هم قرارده و گناهم را بیامرز.»

۱۲ ـ هنگامی که با خویشاوندانت خداحافظی می‌کنی دعای زیر را بخوان: (اَستَودِعُکُم اللهَ الّذِي لَا تَضِیعُ وَ دَائِعُهُ)[۲۲۷]

شما را به خداوندی می‌سپارم که امانتهایش نابود نمی‌گردند.

۱۳ ـ و اعضای خانواده در جواب او گویند (استَودعُ اللهَ دِینَکَ وَ اَمَانَتَکَ وَ خَوَاتِیمِ عَمَلِکَ، زَوَّدَکَ اللهُ التَّقوَی وَ غَفَر ذَنبَکَ وَ یَسَّرَ لَکَ الخَیر حَیثُ کُنتَ)[۲۲۸]

دین و امانت و سرانجام اعمالت را به خداوند می‌سپارم. خداوند تقوی را توشه‌ی راهت قرار دهد و گناهانت را بیامرزد و هر کجا که باشی خیر و راحتی را برایت آسان و فراهم گرداند.

۱۴ ـ وقتی که از منزل خارج شدی دعای زیر را بخوان (اللّهُمَّ انِّی اعُوذُبِکَ أَن اَضِلَّ او اُضَلَّ أَو اَزِلَّ أَو اُزَل او اَظلِمَ أَو اُظلَمَ أَو اَجهَلَ أَو یُجهَل عَلَیَّ)[۲۲۹]

«پروردگارا از اینکه گمراه شوم یا گمراه کرده شوم، و یا بلغزم و یا لغزانده شوم و یا ستم کنم و یا بر من ستم کرده شود و یا جهالت کنم و یا بر من جهالت کرده شود به تو پناه می‌برم.»

۱۵ ـ آنگاه که سوار ماشین یا هواپیما شدی دعای زیر را بخوان (سُبحَانَ الَّذِي سَخَّرَلَنَا هَذَا وَ مَاکُنَّا لَهُ مُقرِنِینَ وَ انَّا الَی رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ).

---

۲۲۶ . الفقه الاسلامی ۹۴۳/۳.

۲۲۷ . مسایل و راهنمای حج ص ۴۳.

۲۲۸ . الفقه الاسلامی و ادلته ۹۴۳/۳.

۲۲۹ . الفقه الاسلامی و ادلته ۹۴۳/۳.

۱۶ ـ اینک در طول مسیر به ذکر و تلاوت مشغول باش و آنگاه که به آن سرزمین مقدس، سرزمین آرزوهایت قدم گذاشتی سعی کن تمام وقتت را در حرم و در عبادت به سرکنی، و از هدردادن وقت و پرسه زدن در بازار سخت بپرهیز.

فرایض حج

مراد از فرایض اعمالی است که با ترک هرکدام از آنها حج باطل می‌گردد و با هیچ چیز دیگر جبران نمی‌شود.

فرایض حج عبارتند از :

۱ ـ احرام: مراد از احرام نیّت حج است که فرض است نه آن دو تکه پارچه که پوشیده می‌شوند چون رسول‌الله ﷺ فرمودند: (انَّمَا الأَعمَالُ بِالنِّیاتِ).

۲ ـ وقوف عرفه: بعد از زوال روز نهم تا فجر روز دهم اندکی توقف در صحرای عرفات فرض است. چون رسول الله ﷺ فرمودند: (الحج عرفة)

۳ ـ طواف زیارت: که بعد از اتمام رجم، ذبح و حلق انجام می‌پذیرد فرض است ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝٢٩﴾(حج۲۹:)

۴ ـ سعی میان صفا و مروه: (أَنَّ الصَّفَا وَ المَروَةَ مِن شَعَائِرالله فَمَن حَجَّ البَيتَ اَو اعتَمَرَ فَلَاجُنَاحَ عَلَيه أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا فَمَن تَطَوَّعَ خَيراً فَانَّ الله شَاكِرٌ عَلِيمٌ)

و رسول‌الله ﷺ فرمودند: (اسعَوا فَانَّ اللهَ كَتَبَ عَلَيكُمُ السَّعيَ)[۲۳۰]

لازم به یادآوری است نزد ائمه ثلاثه یعنی امام شافعی و مالک و احمدبن حنبل «ره» ارکان حج چهارتایی هستند که ذکر شدند اما نزد امام ابوحنیفه رحمةالله علیه حج دارای دو رکن می‌باشد که عبارتند از :

۱ ـ وقوف عرفه؛

۲ ـ اکثر طواف زیارت یعنی چهار شوط آن رکن و الباقی سه شوط دیگر واجب می‌باشند.[۲۳۱]

ناگفته نماند که امام شافعی هرچند که در ارکان چهارگانه‌ی فوق با دو امام دیگر هم عقیده است ولی دو رکن دیگر را نیز اضافه می‌کند که به شرح زیرند :

---

۲۳۰. بخاری ۹۰۷۱ و مسلم ۷۷۲۱.

۲۳۱. الفقه علی مذاهب الاربعة ۴۱۵/۱ ـ ارشادالساری ص ۳۷ ردالمحتار علی الدرالمختار ۷۶۴/۲.

۱ ـ ازاله‌ی موی سر؛ ۲ ـ رعایت ترتیب میان ارکان پنجگانه[۲۳۲] بایسته‌ی یادآوری است که متناسب با دیدگاه هر مذهب با فوت‌شدن یک رکن حج باطل می‌شود.[۲۳۳]

مدینه قبل، یا مدینه بعد

زائر عزیز! این اصطلاحات را زیاد خواهی شنید پس، قبل از شنیدن آنها می‌خواهم آنها را معرفی کنیم.

قبل از پرداختن به تعریف آنها تذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه: زیارت مدینه منوره با حج هیچ ارتباطی ندارد و حتی اگر زائر به زیارت مدینه منوره مشرف نشد و حجش را انجام داد، حج او صحیح خواهد بود.

اما چون زیارت مدینه منوره آرزوی هر مسلمانی است و هرکس مستقلا قادر به زیارت آن نیست، آن را در سفر حج گنجانده‌اند تا زائران از این خیر بی‌نصیب نمانند.

حال بخاطر کثرت جمعیت زائرین و قلت و محدودبودن وقت، زائران را به دو بخش تقسیم کرده‌اند.

۱ ـ گروهی را قبل از انجام حج ابتدا به مدینه منوره می‌برند که اینها هشت روز یا کمتر یا بیشتر در مدینه می‌مانند که اینها را "مدینه قبل" می‌گویند معمولا اینها جزء اولین پروازها هستند.

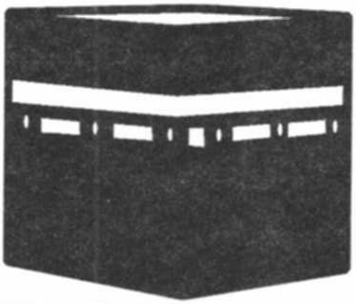
۲ ـ گروهی را نزدیک به زمان حج یعنی آخرین پروازها به عربستان می‌برند آنها را مستقیماً به مکه مکرمه می‌برند که این گروه بعد از بجاآوردن اعمال حج به مدینه منوره مشرف می‌شوند و اینها را "مدینه بعد" می‌گویند.

حال بیشترین روی سخن ما با زائران "مدینه بعد" است و همچنین چون اکثر زائران این سامان حج تمتع را بجا می‌آورند کیفیت ادای حج تمتع اساس بحث ماست (و به حج افراد و قران نخواهیم پرداخت).

---

۲۳۲ . الفته علی مذاهب الاربعة ۴۱۵/۱.

۲۳۳ . مصدر فوق.



زائر گرامی!

همیشه سعی کن در صف اول نماز جماعت حاضر باشی.

بخش هفتم

حج تمتع

﴿فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾(بقره/۱۹۶)

زائر عزیز! اینک که از کشور ایران و مثلا از زاهدان به مقصد عربستان حرکت می‌کنی و قصد انجام حج را داری به موارد زیر توجه کن.

از آنجائیکه بستن احرام از میقات واجب است و عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و اغلب زائران ایرانی که عموماً با هواپیما سفر می‌کنند و هواپیمایشان از فراز میقات یا محاذی آن می‌گذرد، می‌طلبد که زوار قبل از رسیدن به میقات احرام ببندند.

بهترین راه این است که زائر از مبدأ پرواز که زاهدان را در نظر گرفته بودیم و آنهم در منازلشان لباس احرام بپوشند و از آنجا لبیک گفته و محرم شوند ـ که مفصلا پیرامون آن صحبت خواهیم کرد ـ و یا اینکه می‌توانند داخل فرودگاه یا داخل هواپیما لباس احرام بپوشند که این کار سخت دشوار است. و راه نخست از همه آسانتر و در فرودگاه و یا داخل هواپیما نیت احرام کنند.

زائر محترم! برای بجاآوردن حج تمتع نخست باید عمره را بجا بیاوری و پس از اتمام عمره در روز هشتم از مکه مکرمه احرام حج می‌بندی و حج را بجا می‌آوری، پس به مطالب زیر دقت کن.

احرام چیست؟

احرام عبارت است از پوشیدن دو پارچه یا دو حوله‌ی سفید که یکی را به کمر می‌بندی و دیگری را روی شانه‌های خود می‌اندازی و بدن را می‌پوشانی.

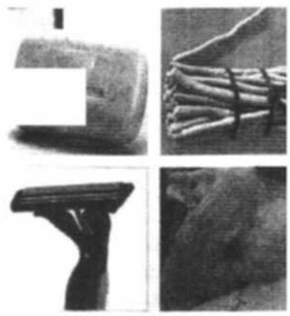
تذکر :۱ البته مرد باید تمام لباسهای دوخته حتی لباس زیر را بیرون بیاورد و اجازه‌ی

پوشیدن لباس دوخته را ندارد.

زن باید در لباسهای عادی و معمولی خود محرم شود.

تذکر :۲ به محض پوشیدن لباس احرام فرد محرم نمی‌شود بلکه باید بعد از پوشیدن لباس احرام و بجاآوردن دو رکعت نماز احرام و نیت‌کردن و لبیک‌گفتن تازه محرم می‌شود.

عمره



زائر عزیز! اینک تو در منزلت هستی و چند ساعتی بیشتر برای پرواز باقی نمانده است. و تو باید خودت را به فرودگاه برسانی و هواپیمایت از فرودگاه به مقصد «جده» پرواز می‌کند و ان‌شاءالله بعد از سه ساعت و اندی در جده به زمین می‌نشیند و از آنجا تو را به مکه خواهند برد پس :



۱ ـ برو حمام و غسل کن و موهای زائد بدنت را اصلاح کن.

۲ ـ از حمام که بیرون آمدی و هیچ لباس دوخته‌ای هم به تن نداری،. یک حوله‌ی بزرگ سفید را به دور کمرت ببند.

۳ ـ کمربند را هم دور آن ببند.

۴ ـ حوله‌ی دوم را روی شانه‌هایت بینداز.

۵ ـ جانماز را پهن کن و رو به قبله بایست.

۶ ـ به‌جاآوردن دو رکعت نماز احرام نیت کن اگر می‌توانی بعد از فاتحه‌ی رکعت اول «سوره‌ی قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم بعد از سوره فاتحه «سوره‌ی قل هو الله احد = اخلاص» را بخوان.

۷ ـ نماز که تمام شد چنین بگو (اللَّهُمَّ انّی اُرِیدُ العُمَرةَ فَیَسّرهُ لِی وَ تَقَبَّلها مِنّی) پروردگارا! من نیت عمره دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.

در اینجا هرگز اسم حج را به زبان نیاور.

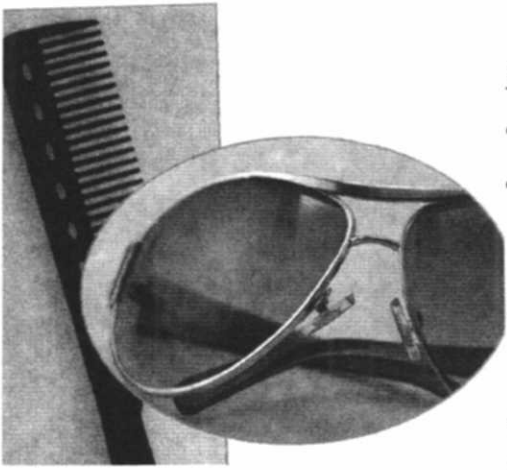
۸ ـ اینک جملات زیر را که اصطلاحاً به آنها «لبیک» می‌گویند بر زبان جاری ساز (= بخوان).

(لبیک اللهم لبیک، لبیک لاشریک لک لبیک انّ الحمد والنعمة لک والملک، لا شریک لک)

حالا محرم شده‌ای و از انجام کارهای زیر به شدت پرهیز کن که به آنها محرّمات احرام گفته می‌شود که ارتکاب آنها مجازات مالی در پی دارد و باعث می‌شود که عمره‌ات خراب شود و از اجر و ثواب آن کم گردد.

۱ ـ پوشیدن هر نوع لباس دوخته‌ای برای مردان جایز نیست، پس اصلا نپوش.

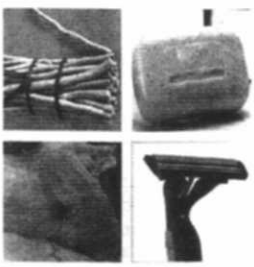
۲ ـ پوشاندن سر و صورت برای مردان جایز نیست، پس سر و صورتت را نپوشان هرچند که هوا سرد باشد.



۳ ـ استفاده کردن عطر، ادکلن، شامپو و هر چیز خوشبوی دیگر برای مردان و زنان جایز نیست، حتی بوییدن میوه‌ی خوشبو عمداً هم مکروه است، پس پرهیز کن.

تذکر: اما اگر چنانچه بوی خوش بدون قصد و اراده به مشام آدمی رسد ایرادی ندارد.

۴ ـ کوتاه‌کردن یا تراشیدن موهای بدن (سر، زیربغل، زیر ناف و...) جایز نیست، پس گرد تیغ و قیچی مگرد.



۵ ـ گرفتن ناخنها جایز نیست، پس ناخنگیر را کنار بگذار، تا وسوسه نشوی.

تذکر: البته گرفتن ناخن شکسته که موجب اذیبت است، ایرادی ندارد.

۶ ـ آمیزش و مقاربت با همسر و مقدمات آن جایز نیست، پس زمانیکه در احرام هستی چنین فکری نکن.

۷ ـ به زبان آوردن مسایل جنسی به ویژه در حضور همسرت اصلا جایز نیست، پس سعی کن شوخیهای آنچنانی و خودمانی را کنار بگذاری.

۸ ـ از درگیری و نزاع به شدت پرهیزکن.

۹ ـ هرگز شکار نکن و به شکارچی هم کمک ننما.

۱۰ ـ پوشیدن کفشی که پشت پا را بپوشاند جایز نیست پس از پوشیدنش چند روزی چشم‌پوشی کن و دمپایی ویژه‌ی احرام را بپوش.

احرام بانوان

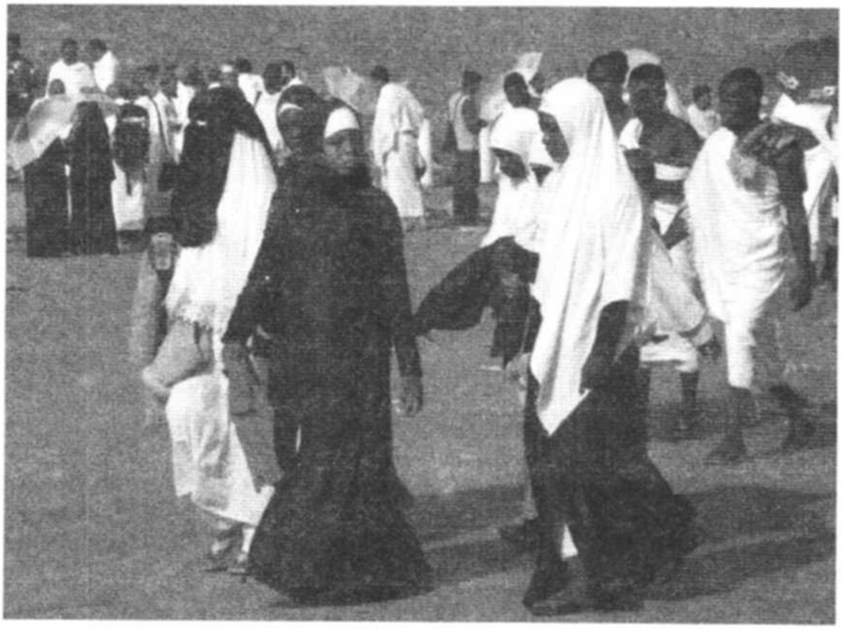
انجام کلیه کارهای فوق بر زنان نیز ضروری است فقط با این تفاوت

۱ ـ زن در لباس معمولی خود محرم می‌شود یعنی لباسهای دوخته معمولی خودش.

۲ ـ زن باید سرش را بپوشاند امّا صورتش را نه یعنی اجازه‌ی پوشاندن صورت را ندارد.

۳ ـ زن می‌تواند کفش بپوشد.

تذکر: اگر خانمی می‌خواهد صورتش را بپوشاند، باید کلاهی سایه‌دار سرش بگذارد و از روی آن برقعه را رویش بیندازد تا با صورتش تماس نداشته باشد.



زائر عزیز! انجام کارهای زیر برای تو جایز است

۱ ـ استحمام‌کردن و دوش‌گرفتن البته بدون استفاده از شامپو و صابون خوشبودار.

۲ ـ پوشیدن ساعت، انگشتر و عینک.

۳ ـ نشستن در سایه و همچنین استفاده‌کردن از چتر اگر هوا گرم است.

۴ ـ مسواک‌زدن با چوب مخصوص مسواک که رسول‌الله ﷺ و اصحاب کرام رضی الله عنهم آن را استفاده می‌کردند.

تذکر: استفاده از خمیردندان جایز نیست.

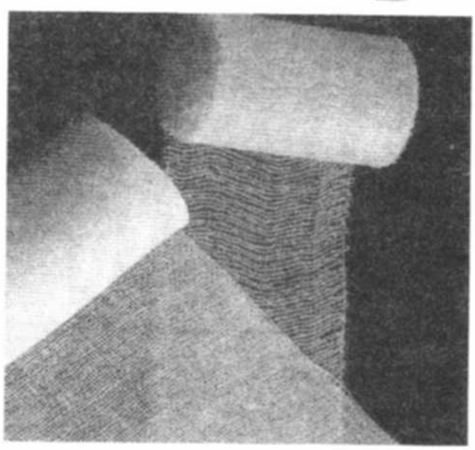
۵ ـ نگاه کردن در آینه.

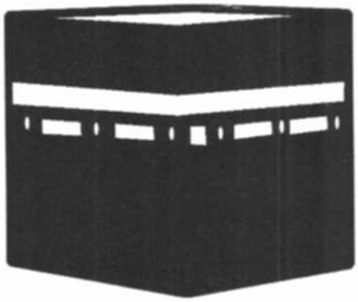
۶ ـ پانسمان کردن زخم هرچند که منجر به بستن سر، صورت و یا هر عضو دیگری باشد.

۷ ـ گرفتن ناخن شکسته.

تذکر: در طول مسیر و یا در اتوبوس تا می‌توانی «لبیک» بگو که ثوابی بس فراوان دارد. تا همه‌ی موجوات و اشیاء از چپ و راستت با تو هم‌نوا شوند و به لبیک تو در روز بازپسین گواهی دهند. پس دم را غنیمت شمار.

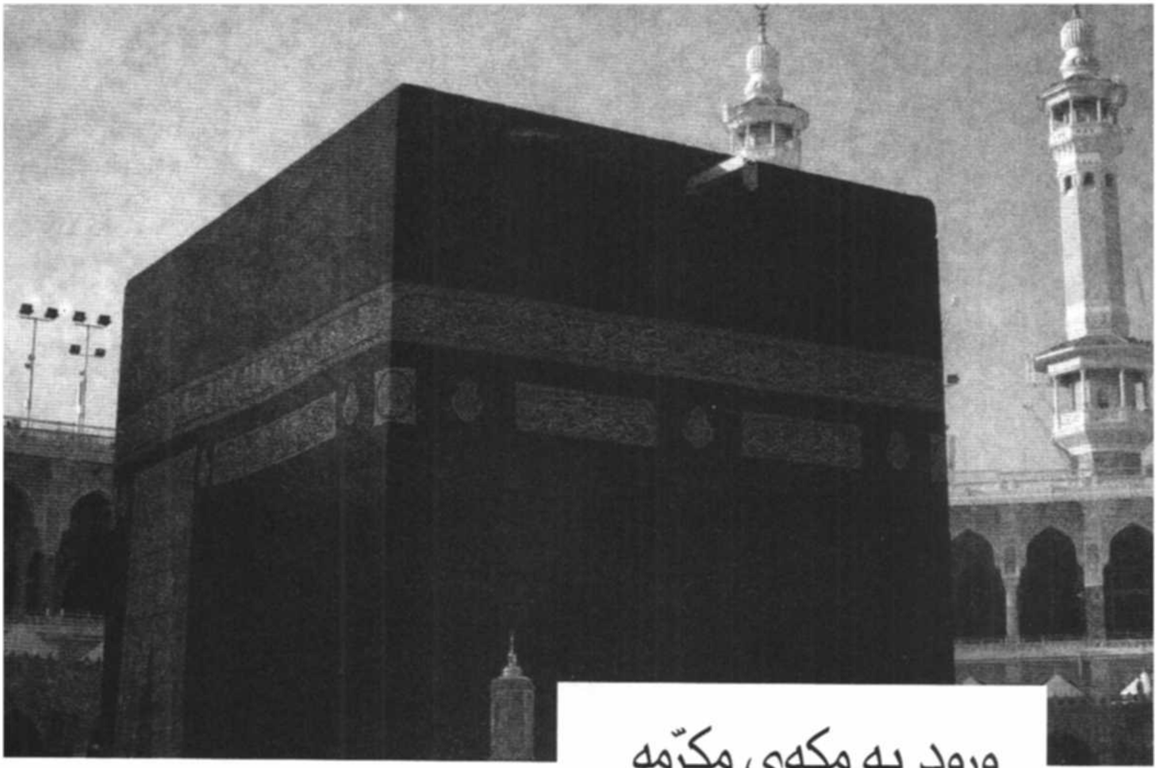






زائر گرامی!

هرگز نماز جماعت مسجدالحرام و مسجد النبی را از دست مده.



ورود به مکه‌ی مکرّمه

زائر عزیز! اینک هواپیمای تو در جده فرود آمده و پس از تشریفات اداری تو را با اتوبوس به حرم امن الهی خواهند برد، پس به نکات زیر توجه کن.

نخست اینکه به دستورات و توصیه‌های مدیر و روحانی کاروان به دقت توجه کن و پس از آن‌که در هتل اسکان یافتی به همراه روحانی به حرم خواهی رفت و عمره را بجا خواهی آورد.

از رفتن با هم‌کاروانیهایی که مدعی‌اند خیلی وارد هستند و چندین بار به سفر عمره و حج مشرّف شده‌اند جداً پرهیز کن.

۱ ـ اگر امکان دارد غسل کن.

۲ ـ سر موعد مقرر که از طرف روحانی تعیین شده حاضر شو.

۳ ـ سوار بر مینی‌بوسها شده و یا پیاده به طرف حرم راه خواهی افتاد.

۴ ـ از هر دری که ممکن است وارد خواهی شد.

۵ ـ و قبل از ورود دعای زیر را بخوان «بِسمِ‌اللهِ الصَّلوةُ وَالسَّلاَمُ عَلیَ رَسُولِ اللهِ، اللَّهُمَّ افتَح لِي اَبوَابَ رَحمَتِکَ» و اگر توانستی در دل نیت کن تا وقتی که در مسجد هستم «قصد اعتکاف دارم» (نویت الاعتکاف مادمت فی المسجد).

۶ ـ و با پای راست به مسجد وارد شو.

اولین نگاه به بیت‌الله

همیشه اولین‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند بنابراین اولین نگاه به بیت‌الله نیز ارزشی افزون دارد، زیرا هنگامیکه برای نخستین بار نگاه انسان به بیت‌الله شریف می‌افتد این لحظه از لحظاتی است که خداوند متعال دعای بنده خود را قبول می‌فرماید.[۲۳۴]

(عن ابن جریح: کَانَ النَّبیُّ ﷺ اِذا نَظَرَ الیَ البَیت، رَفَعَ یَدَیه وَ قَالَ: اللَّهُمَّ زد هَذَا البَیتَ تَشریفاً وَ تَعظیماً وَ تَکریماً وَ مَهابَةً وَ زِد مَن شَرفَهُ وَ کَرَّمَهُ مِمَّن حَجَّهُ اَو اعتَمَرَهُ، تَشریفاً و تَکریماً وَ تَعظِیماً وَ بَرّاً)[۲۳۵]

هرگاه رسول‌الله ﷺ به سوی بیت‌الله نظر می‌کرد دستهایش را بلند می‌نمود و دعای زیر را می‌خواند :

«پروردگارا! عظمت و شرافت، و کرامت و هیبت این خانه را بیش از پیش افزون بگردان. بارالها! عظمت، شرافت و کرامت کسانی را که حج یا عمره‌ی آن را بجا می‌آورند و آن را تکریم می‌نمایند و بزرگ می‌دارند، افزون بگردان.»

از آن پس برای خود و نیازهایت و سایر مسلمین دعاکن. هرگز دعای بد نکن و دعای قطع رحم ننما. و دعای خیرکن.

لازم به یادآوری است که هنگام نگاه به بیت الله با خشوع، خضوع، تضرع و زاری دعا کنی.

زائر عزیز! وقتی که وارد مسجدالحرام شدی و روبروی بیت‌الله قرار گرفتی از هر دری که وارد شده‌ای مهم نیست، اینک باید رکن حجرالاسود را پیدا کنی، پس خوب بنگر. تقریباً به موازات زاویه‌های خانه‌ی کعبه در دیوارهای مسجد تابلوهایی با رنگهای مختلف نصب است.

و بر روی هرکدام نامی نوشته شده است بگرد تا، تابلویی را پیداکنی که بر روی آن «باب‌الصفاء» نوشته شده و در کنار آن یک چراغ سبز وجود دارد که مکان آغاز طواف است. بیا اینجا که درست روبروی حجرالاسود است. و طواف را از اینجا آغاز کن و هر دوری که زدی و به اینجا رسیدی یک دور کامل شد تا هفت دور، که می‌شود یک طواف.

۶ ـ هرگاه میان رکن یمانی و رکن حجرالاسود رسیدی این دعا را بخوان (رَبَّنا آتِنَا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَ فِیالآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ).

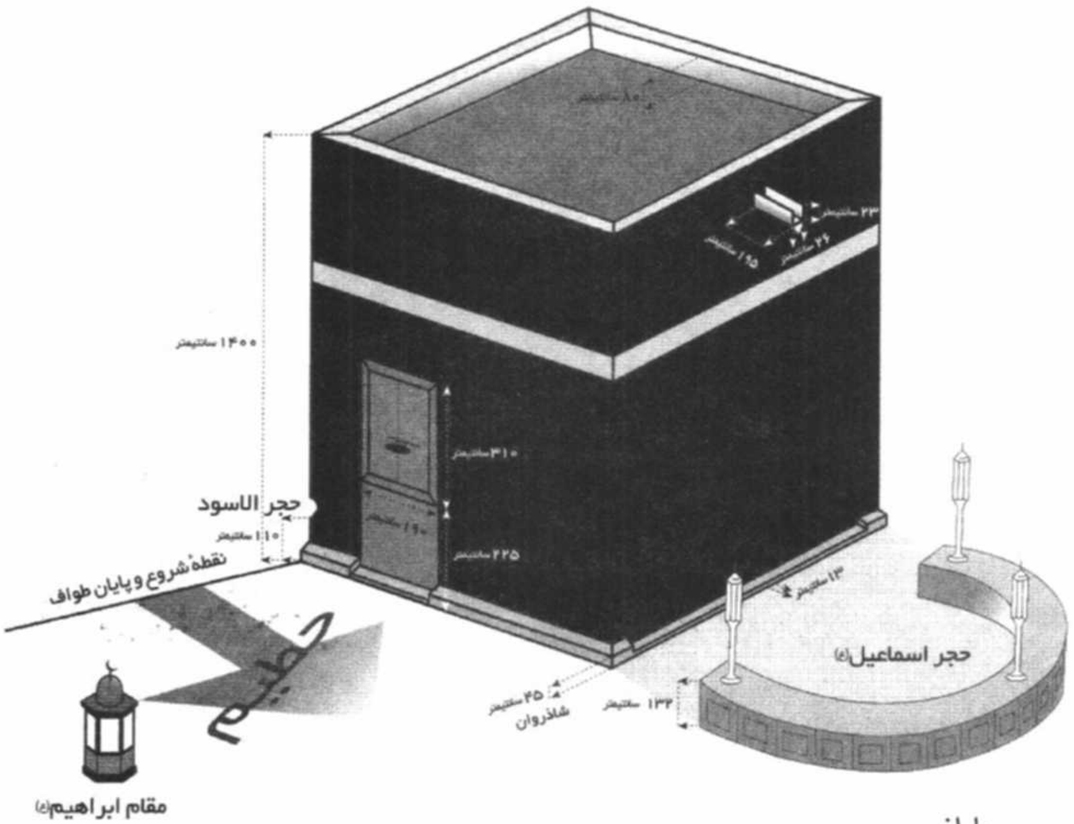
تذکر :۳ ایستادن کنار رکن یمانی در ازدحام و بوسیدن آن در هیچ حال جایز نیست.

---

۲۳۴ . همراه با کاروان عمره ص ۴۴.

۲۳۵ . القری لقاصد امالقری ص ۵۵۲ ـ الامّ ۴۸۱/۲.

ابعاد کعبه شریفه و محدوده مطاف



طواف

زائر عزیز! برای طواف اقدامات زیر را انجام بده :

۱ ـ روبروی حجرالاسود بایست.

۲ ـ شانه‌ی راست خود را از زیر احرام بیرون بیاور، بدینگونه که یک سر حوله‌ی احرام را بر روی شانه‌ی چپ بگذار و سر دیگر را از زیربغل دست راست گذرانده بر روی شانه‌ی چپ بینداز، (این عمل را اضطباع می‌نامند).

۳ ـ نیّت طوافِ کن، «پروردگارا! من اراده‌ی طواف دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.»

۴ ـ حال اگر امکان بوسیدن حجرالاسود هست برو و بر روی آن دستت را بگذار و آن را ببوس. مواظب باش که حجرالاسود معطر نباشد.

اما اگر امکان نیست و معمولا هم بخاطر ازدحام جمعیت این فرصت برای آدمی میسر نمی‌شود. از همین‌جا دستهایت را به طرف حجرالاسود بالاببر و بگو «بسم‌الله الله اکبر» و

سپس دستهایت را ببوس و طواف را شروع کن.[۲۳۶]

۵ ـ در سه دور اول با اندکی سرعت و قهرمانانه راه برو که به این عمل «رَمَل» گویند.

تذکر :۱ اگر حجرالاسود معطر است و تو محرم هستی، حتی اگر فرصت دست‌زدن آن هم باشد، این کار را انجام نده، چون در حال احرام استفاده از عطریجات جایز نیست و جریمه دارد.

تذکر :۲ لازم نیست که زنان رَمَل کنند یعنی قهرمانانه راه‌رفتن برای آنان ضرورتی ندارد و آنها با حالت معمولی خود طواف کنند.[۲۳۷]

تذکر :۳ هربار که در مقابل حجرالاسود رسیدی دستهایت را بالاببر و «بسم‌الله و الله‌اکبر» بگو و دستهایت را ببوس.

تذکر :۴ اضطباع در هر هفت شوط لازم است ولی پس از اتمام طواف بلافاصله شانه‌ات را بپوشان.

تذکر :۵ هنگام طواف پشت حجراسماعیل دور بزن.

رکن یمانی

در حین طواف در هر دور، استلام رکن یمانی سنت است.

دعا در طواف

بسیاری از عزیزان در حال طواف یک نفر با صدای بلند دعا می‌خواند و سایرین با وی تکرار می‌کنند و یا بعضاً هر فرد یک کتاب در دست دارد و از روی آن دعا می‌خواند که این عمل صحیح نیست زیرا که :

اولا: از رسول‌الله ﷺ در هر شوطی (دوری) دعایی مستقل و مختص آن شوط روایت نشده است.

ثانیاً: این عمل موجب اخلال در افکار، اذکار و ادعیه دیگران می‌شود.

ثالثاً: هرکسی با زبان و لهجه‌ی خود دعا کند و هر آنچه را که نیاز دارد از خداوند متعال

---

۲۳۶. از رسول‌الله ﷺ سؤال شد که هنگام استلام حجرالاسود چه بگوئیم؟ فرمودند: بگوئید «بسم‌الله والله‌اکبر، ایماناً بالله و تصدیقاً لاجابهٔ محمدﷺ» اخرجه الشافعی الام ۶۸۱/۲.

۲۳۷. القری لقاصدام القری ص ۹۹۲.

بطلبد و آهسته و آرام دعا کند زیرا که الله تبارک زبان و لهجه‌ی همه‌ی آدمیان می‌داند.

رابعاً: باعث کندشدن آهنگ طواف می‌شود.

تنها دعایی که از رسول‌الله ﷺ در حین طواف روایت شده است دعای (ربنا آتنا فی‌الدنیا حسنهٔ و فی‌الآخرهٔ حسنهٔ و قنا عذاب النار) می‌باشد که آن حضرت ﷺ در میان رکن یمانی و رکن حجرالاسود آن را قرائت می‌کردند پس سعی کنیم بر سنتهای رسول‌الله ﷺ عمل نمائیم که رستگاری و موفقیت در آن است.[۲۳۸]

عن ابی هریرهٔ رضی الله عنه سمع النبی ﷺ یقول: (مَن طَافَ بالبَیت سَبعاً لَا یَتکلّمُ الاّ سُبحَانَ الله، وَالحَمدُلله وَ لَا الَهَ الّا الله وَ اللهاکبَرُ وَ لَاحَولَ وَ لاقُوهَ الّا بالله) محیت عنه عشر سئیات و کتبت له عشر حسناتٍ و رفع له عشر درجاتٍ[۲۳۹]

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که شنیدم رسول‌الله می‌گوید: «کسی که هفت دور طواف را انجام دهد و هیچ سختی نگوید بجز سبحان‌الله و الحمدلله و لا اله الّا الله والله اکبر و لاحول و لاقوهٔ الّا بالله» ده گناه ـ از نامه‌ی اعمالش پاک و ده نیکی در نامه‌ی اعمالش ثبت و در بهشت ـ ده درجه برایش افزوده می‌شود.

نماز طواف

پس از اتمام هفت شَوط طواف زائر عزیز! اینک باید دو رکعت نماز طواف را بخوانی.

۱- اگر پشت مقام ابراهیم ازدحام نیست و نماز تو در طواف دیگران اخلال ایجاد نمی‌کند، پشت مقام ابراهیم یعنی بگونه‌ای که مقام ابراهیم میان تو و بیت‌الله قرار بگیرد، افضل است در غیر اینصورت در هر جای مسجد که امکان باشد دو رکعت طواف را بخوان. در رکعت اول بعد از حمد «کافرون» و در رکعت دوم بعد از حمد «قل هو الله احد»[۲۴۰] را بخوان.

۲ ـ بنگر که وقت مکروه نباشد یعنی الف) هنگام نیم‌روز که هیچ چیزی سایه ندارد. ب) بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب ج) بعد از نماز فجر تا طلوع آفتاب[۲۴۱].

۲۳۸. همراه با کاروان عمره ص ۵۰.

۲۳۹. رواه ابن ماجه القری ص ۵۰۳.

۲۴۰. اخرجاه الترمذی النسایی القری ص ۱۴۳.

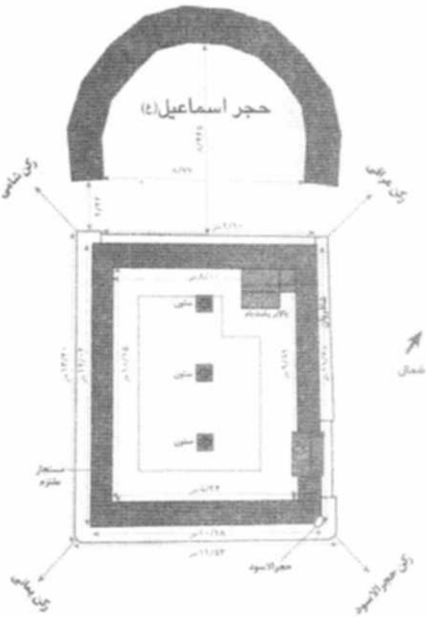
۲۴۱. عن جبیربن مطعم یبلغ به النبی ﷺ قال: یا بنی عبد مناف لاتمنعوا احداً یطوف بهذاالبیت ویصلی ایهٔ ساعهٔ شاءَ من لیل اونهارِ، ابوداود و نسایی و ترمذی قال عبدالعزیز رایت عبدالله‌بن زبیر یصلی‌رکعتین بعدالعصر و یخبر انّ عایشهٔ حدثته انّ النبی ﷺ لم یدخل بیتها الّا صلاهما. رواه البخاری‌عن ابی ذرّ انه قام فاَخذ بحلقهٔ باب الکعبه ثم قال من عرفتی فقد عرفنی و من لم یعرفنی

۳ ـ بعد از نماز طواف دعاکن و بعد برو کنار شیرهای آب زمزم تا می‌توانی از آب زمزم خود را سیراب ساز و سپس دست به دعا بردار و دعاکن.

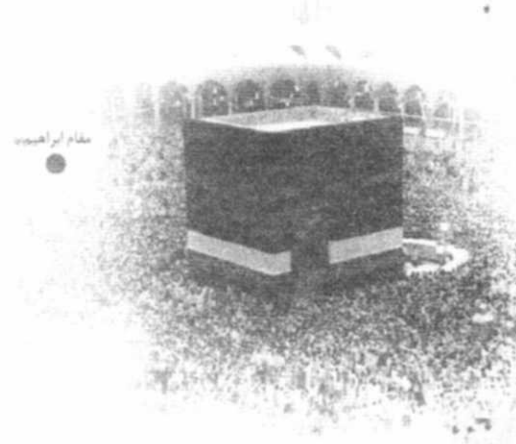
۴ ـ بعد از نوشیدن آب زمزم مجدداً برگرد و روبروی حجرالاسود بایست و آن را استلام کن یعنی آنگونه که در طواف در مقابل حجرالاسود انجام می‌دادی.

۵ ـ بعد از آن از پله‌های باب‌الصفا به طرف کوه صفا برای بجاآوردن سعی بالا برو.

برش افقی کعبه شریفه







فانا جُندَبصاحب رسول‌اللهﷺ سمعت رسول‌اللهﷺ یقول: لاصلاة بعد العصر حتی تغرب الشمس، لا صلاةبعدالفجر حتی تطلع الآ بمکه. اخرجه الشافعی والبیهقی القری ص ۱۳۲. قال ابن المنذر: رخص فی‌الصلوة بعدالطواف فی کل وقت جمهور الصحابة و من بعدهم فتح الباری ۳۸۳/۳.

آب زمزم

زائر عزیز! اینک که طواف خویش را بجاآوردی و نماز طواف را خواندی. سعی کن از مکانی که ویژه‌ی نوشیدن آب زمزم است، تا سیر آب زمزم بنوش.

و سپس حجرالاسود را استلام کن و بعد از آن از باب‌الصفا به طرف کوه صفا حرکت کن.

سعی بین صفا و مروه

۱ ـ بالای کوه صفا بایست و درحالیکه رویت به طرف بیت‌الله است دعای زیر را بخوان:

(اللهَاکبَرُ، الله‌اکبر، الله‌اکبر، لَا الهَ اِلّاالله وَحدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَ هُوَ عَلیَ کُلِّ شیءٍ قَدِیرٌ)[۲۴۲]

از آن پس مقداری دعاکن، سعی کن زیاد معطل نشوی.

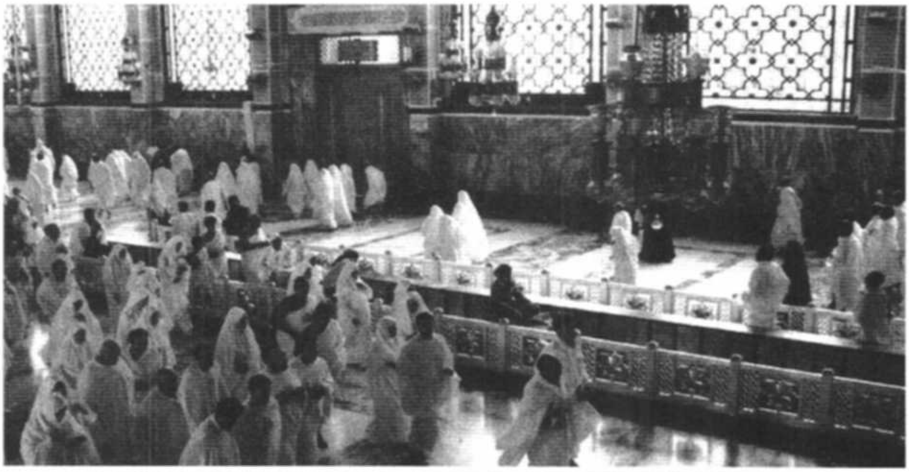
۲ ـ نیت سعی کن: پروردگارا! من نیت سعی دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.

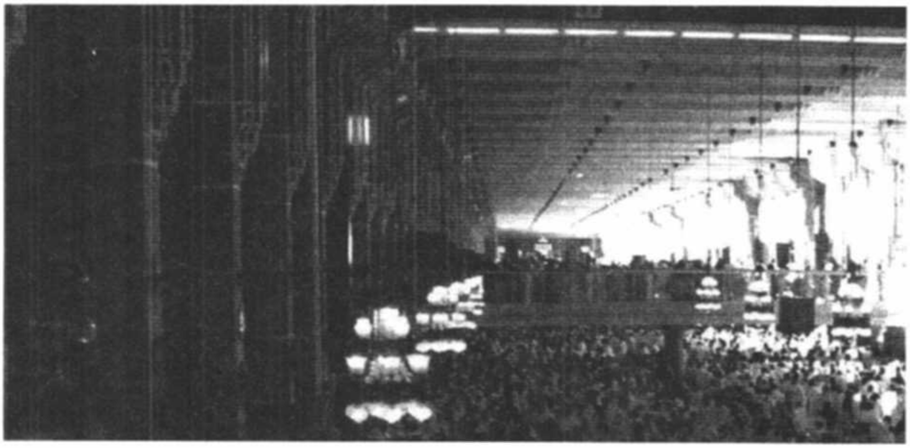
۳ ـ به طرف کوه مروه حرکت کن وقتی که به اولین چراغ سبز رسیدی تا چراغ سبز بعدی کاملا بدو.

تذکر: زنان همچنان آرام و طبیعی به حرکت خود ادامه دهند و نیازی ندارد که آنان بدوند.

---

۲۴۲ . رواه النسایی.





دعای سعی

۴ ـ هنگام سعی خواندن دعای زیر سنت است:

(عن ام سلمة رضی الله عنها قالت: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه وسلم یَقُوْلُ فِی سَعیِهِ رَبِّ اغفِر وَارحَم وَاهدِنِی السَّبِیلَ الأَقوَمَ)[۲۴۳]

و در روایت دیگری چنین آمده است: (رَبِّ اغفِر وَارحَم انَّکَ أَنتَ الأَعزُّ الاَکرَمُ)[۲۴۴]

۵ ـ وقتیکه به مروه رسیدی، دعایی را که بر کوه صفا خواندی اینجا هم تکرار کن. و سپس به طرف کوه صفا حرکت کن.

۶ ـ دقت کن وقتی که از صفا حرکت کردی و به مروه رسیدی یک دور سعی تمام شد و دوباره از مروه که حرکت کردی و به صفا رسیدی دور دوم نیز تمام شد تا آنکه دور هفتم به کوه مروه ختم می‌شود. مانند تصویر صفحه بعد:

۱. از صفا به مروه ۲. از مروه به صفا ۳. از صفا به مروه ۴. از مروه به صفا ۵. از صفا به

۲۴۳. پروردگارا بیامرز و رحم کن و به درستترین راه هدایتم نما.

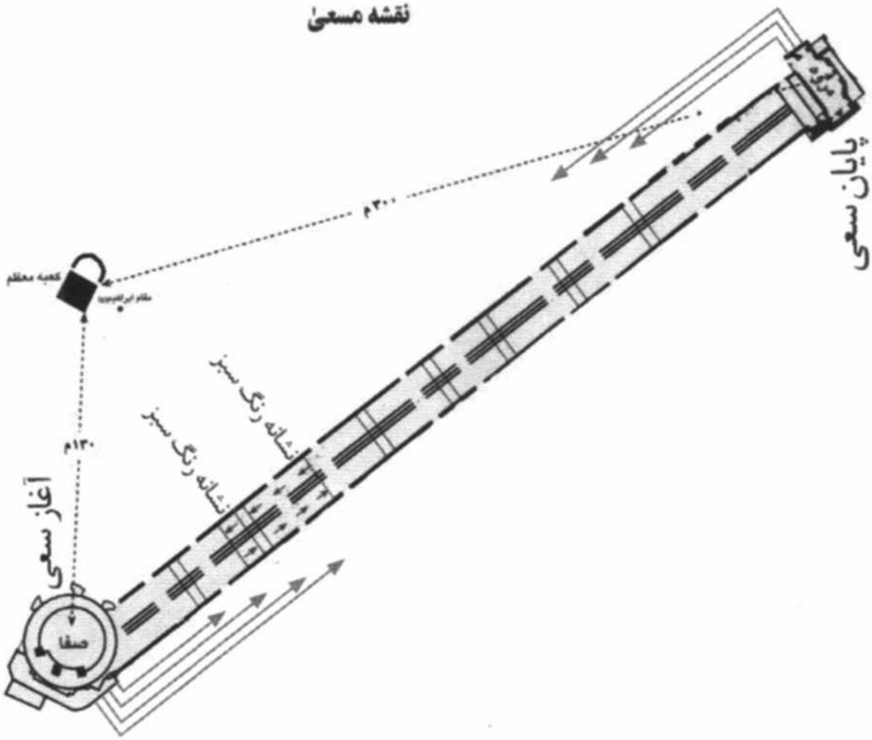
۲۴۴. القری ص ۸۶۳ پروردگارا بیامرز و رحم کن قطعاً که تو شکست‌ناپذیر و کریم و بزرگواری.

مروه ۶. از مروه به صفا ۷. از صفا به مروه و پایان سعی

دور هفتم به مروه ختم می‌شود. در کل چهار دور از صفا به مروه و سه دور از مروه به صفا.

اخطار: مراقب باشید که هر رفت و برگشت(صفا به مروه) را یک دور محاسبه نکنید.

نقشه مسعیٰ



تذکر :۱ دعا و ایستادن بر کوه صفا و مروه سنت است و در صورت ازدحام شدید می‌توان در حال حرکت و بدون ایستادن دعا کرد و رد شد و نیازی به ایستادن نیست.

تذکر :۲ هنگامیکه سعی را تمام کردی و خواستی از مسجدالحرام بیرون بروی پای چپ خود را جلو بگذار و بگو (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ، اللّهُمَّ انّی اَسئَلُکَ مِن فَضلِکَ).

حلق (تراشیدن) سر و یا کوتاه کردن مو

اینک برای خروج از احرام فقط یک عمل باقی مانده است و آن کوتاه‌کردن یا تراشیدن موی سر است.

تراشیدن سر برای مردان افضل است امّا چون شما به زودی رهسپار مناسک حج می‌شوی، در این زمان موها را کوتاه کن و هنگام حج سر را بتراش.

اگر خواستی کوتاه کنی از تمام موهای سر به اندازه یک بندانگشت موهایت را کوتاه کن.

تذکر :۱ زنان نیز باید به اندازه‌ی یک بندانگشت از موهایشان را کوتاه کنند.

پس از آنکه موها را کوتاه کردی از احرام خارج شدی هرچند هنوز لباس احرام را به تن داری. ولی دیگر انجام محرمات احرام از قبیل استفاده از ادکلن و... جایز است.

تذکر :۲ در این هنگام که می‌خواهی سرت را بتراشی یا کوتاه کنی، هر زائر می‌تواند سر زائر دیگر را بتراشد یا کوتاه کند و هیچ مشکلی ندارد.[۲۴۵] به شرطی که همه به این مرحله رسیده باشند.

امّا اگر هنوز به این مرحله نرسیده‌ای اجازه نداری سر خود یا دیگران را بتراشی چون در احرام هستی و با ارتکاب اینکار جریمه می‌شوی.

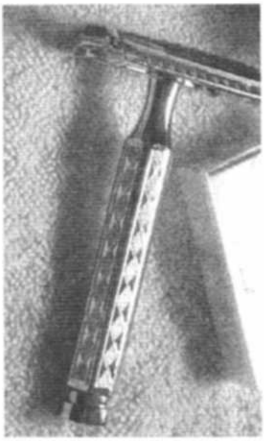
زائر گرامی: اینک عمره‌ات پایان یافته و با آسودگی خاطر در مکه‌ی مکرمه بمان و سعی کن وقت خویش را در حرم و به عبادت بگذرانی.

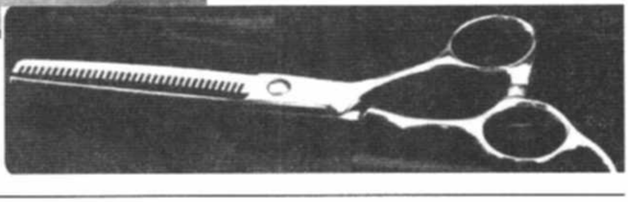
شاعر گوید :

غافل مباش ار عاقلی   دریاب اگر صاحب دلی
باشد که نتوان یافتن   دیگر چنـــــین ایام را

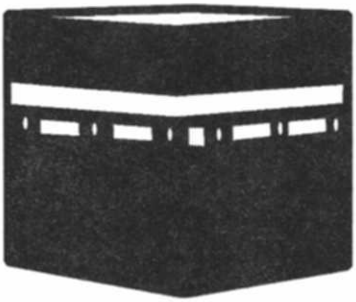
و منتظر بمان تا روز هشتم ذیحجه فرا برسد.







۲۴۵. احسن الفتاوی.



زائر عزیز!

از پیـــاده‌روی زیـــاد و بی‌مورد زیر آفتـــاب پرهیز کـــن چون امکان دارد دچار گرمازدگی شوی.

باب دوم

نگاهی اجمالی به اعمال حجّ

بخش اول

نگاهی اجمالی به اعمال حج

۱ ـ احرام حج در روز هشتم؛

۲ ـ رفتن به منی در روز هشتم؛

۳ ـ رفتن به میدان عرفات روز نهم؛

۴ ـ ماندن در میدان مزدلفه در شب دهم؛

۵ ـ سنگ‌زدن به شیطان بزرگ در روز دهم؛

۶ ـ ذبح‌کردن گوسفند بعد از آن؛

۷ ـ تراشیدن سر بعد از آن؛

۸ ـ بجاآوردن طواف زیارت و سعی بعد از آن؛

۹ ـ ماندن شبهای یازدهم و دوازدهم در منی؛

۱۰ ـ سنگ‌زدن به شیطانهای سه‌گانه در روز یازدهم و دوازدهم بعد از زوال؛

۱۱ - و در پایان طواف وداع هنگام خروج از مکه.

هفتم ذیحجه

زائر عزیز! امروز هفتم ذیحجه است یعنی فردا مراسم حج تمتع آغاز می‌گردد و شما باید از شهر مکه‌ی مکرمه بیرون بروید و تقریباً پنج روز را خارج از مکه‌ی مکرمه بگذرانید. بنابراین چیزهای زیر را از امروز آماده کن تا فردا هنگام حرکت دچار مشکل نشوی.

۱ ـ یک کیف دستی که معمولا از قبل آن را به شما داده‌اند.

۲ ـ اگر دارو مصرف می‌کنی همین حالا مقداری از داروهای موردنیاز خود را در داخل کیف دستی قرار بده.

۳ ـ یک ماشین تراش و تیغ و قیچی نیز داخل کیف دستی بگذار.

۴ ـ یک عدد صابون و یک عدد شامپوی کوچک هم بردار و تا نگفتم از آنها استفاده نکن.

۵ ـ چوب مسواک را هم داخل کیف بگذار، چون در لباس احرام جیب نداری.

۶ ـ دستبند حج را به دستت ببند و کارت حج را به گردنت بیاویز، اینها فقط برای این است که اگر خدای ناکرده اندکی سرگردان شدی پلیس راهنما بهتر بتواند تو را به چادرت راهنمایی کند.

۷ ـ اگر می‌خواهی موبایل خود را همراه داشته باشی پس یک عدد بند موبایل خریداری کن تا آن را به گردن آویزان کنی، چون قبلا متذکر شدم که شما در لباس احرام فاقد جیب هستید.

۸ ـ مبلغی پول را هم در جیب کوچک کمربند خود بگذار شاید لازم شد.

۹ ـ دمپایی و حوله‌های احرام خود را هم آماده‌کن که فردا باید بپوشی.

۱۰ ـ و یک عدد صابون بدون بو بردار، از صابونهای برگه‌ای بهتر است.

۱۱ ـ یک کیسه‌ی کوچک یا یک لاستیک برای سنگ‌ها هم با خود بردار.

۱۲ - یک عدد حصیر تک نفره که در مزدلفه به آن نیاز پیدا خواهی کرد.

۱۳ - یک دست لباس که بعد از خارج شدن از احرام می‌پوشی.

تذکر :۱ از کثرت جمعیت و ازدحام آنها هیچ واهمه‌ای نداشته باش، جمعیت درست مثل آب دریا یا آب استخر می‌ماند، که قبل از واردشدن به آن اندکی آدم ترسناک است می‌ترسد، ولی وقتیکه وارد شدی احساس می‌کنی که نه، آب هیچ مانعی برای شناکردنت نیست بلکه او را در شناکردن کمک هم می‌کند پس به محض اینکه وارد جمعیت شدی احساس آرامش خواهی کرد و مشاهده می‌کنی که مردم درست مثل آب استخر تو را در انجام کارهایت ناخواسته یاری می‌رسانند.

تذکر :۲ به توصیه‌های مدیر و روحانی کاروان به دقت گوش کن و تا می‌توانی پایبند دستورات آنان باش که به نفع تو است اگر چه ممکن است چندین بار به سفر مبارک حج مشرف شده‌ای امّا بازهم خود را بی‌نیاز از ارشادات و توصیه‌های روحانی و مدیر کاروان مپندار.

هشتم ذیحجه (یوم الترویه)[۲٤٦]

امروز هشتم ذیحجه است، و نخستین روز آغاز اعمال و مناسک حج تمتع. به محض اینکه نماز فجر را در مسجدالحرام بجاآوردی، به هتل برگرد و خود را برای حرکت کردن و رفتن به منی آماده‌کن و دقت‌کن ساعتی را که مدیر برای حرکت اعلام کرده حتماً در آن زمان در آنجا حاضر و آماده باشی. جهت آماده‌شدن کارهای زیر را انجام بده :

۱ ـ غسل کن و یک دوش بگیر.(برای احرام)

۲ ـ بعد از آنکه از حمام بیرون‌آمدی و استحمام کردی، لباس احرام خود را بپوش. البته تمام لباسهای دوخته را از تن بیرون بیاور، و مقداری عطر و خوشبو به بدن بمال و استفاده کن.

۳ ـ یک حوله به کمر ببند و کمربند را هم روی آن ببند و یک حوله دیگر را روی شانه‌های خود بینداز درست آنگونه که برای عمره انجام دادی.

تذکر: خواهران همچون قبل در لباس معمولی خود محرم می‌شوند.

۴ ـ حالا دو رکعت نماز احرام بخوان، سعی کن اگر یاد داری در رکعت اول بعد از سوره‌ی فاتحه سوره‌ی «کافرون» و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره‌ی «اخلاص» را بخوان وگرنه هر سوره‌ای که دوست داری بخوان.

۵ ـ بعد از آنکه نماز را بجاآوردی حالا نیت حج کن و بگو (اللَّهُمَّ انیِّ اُریدُ الحَجَّ فَیَسِّرهُ لِي و تَقَبَّلهُ مِنّی) پروردگارا! من نیت حج دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر. چه به عربی و چه به فارسی و یا به زبان خودت مفهوم همین جملات را بگو.

اگر توانستی این جمله را هم بگو (اللَّهُمَّ حَجَّةً لاَرِیاءَ فِیهَا وَ لاَسُمعَةَ)[۲۴۷]

پروردگارا! من قصد حج دارم ـ حجی که در آن نه ریا است و نه به قصد شهرت انجام می‌پذیرد.

۶ ـ حالا لبیک را بگو ـ فکر کنم هنگام احرام عمره آن را بخاطر سپرده و حفظ کرده‌ای ـ ولی باز آن را اینجا برایت تکرار می کنم :

(لَبّیکَ اللَّهُمَّ لَبّیکَ، لَبّیکَ لاَشَرِیکَ لَکَ لَبّیکَ انَّ الحَمدَ وَالنِّعمَةَ لَکَ وُالمُلکَ لاَشَرِیکَ لَکَ)

۲۴۶.بخاطر اینکه در این روز حجاج آب در مشکها می‌کردند (و با خود به منی و عرفات) می‌بردند و یا اینکه قریش آب می‌بردند تا به حجاج بدهند، «یوم الترویه» نامگذاری شده است. کذا فی الرزقانی علی المؤطا به نقل از معجم المناسک صفحه ۴۵.

۲۴۷ . صحیح رواه البیهقی.

۷ ـ حالا تو محرم شده‌ای اعمال حج خود را آغاز کرده‌ای، پس از ارتکاب محرمات احرام جداً پرهیز کن.

محرمات احرام را هنگام عمره به شما آموزش دادم ولی بازهم اینجا تکرار می‌کنم تا بهتر در ذهنتان بمانند.

محرّمات احرام(در حال احرام از انجام کارهای زیر جداً دوری کن)

۱ ـ پوشیدن لباس دوخته و کلاه و لباس زیر برای مردان.

تذکر: بستن کمربند به کمر ولواینکه دوخته هم باشد ایرادی ندارد.

۲ ـ پوشاندن سر و صورت آقایان با کلاه یا چفیه.

۳ ـ پوشاندن صورت خانمها با برقعه‌ای که با صورت بچسبد. اما اگر به گونه‌ای صورتش را پوشاند که پارچه به صورت نچسبد مثل کلاه‌هایی[۲۴۸] هست که به همین منظور درست شده، ایرادی ندارد.

۴ ـ استفاده‌کردن از هر نوع عطر، ادکلن، صابون معطر و خمیردندان معطر، شامپو و...

۵ ـ تراشیدن و کوتاه‌کردن مو از هر جای بدن که باشد.

۶ ـ کوتاه‌کردن ناخن ـ اما اگر ناخن شکسته و باعث اذیت است ایرادی ندارد که آن را کوتاه کنی.

۷ ـ جماع و مقاربت با همسر و مقدمات آن.

۸ ـ بحث و گفتگوی جماع و مسایل جنسی در حضور همسران و زنان و یا در هر جای دیگر.

۹ ـ مشاجره، منازعه و جدال در هر شکلی که باشد چه در گفتار و چه در کردار.

۱۰ ـ شکارکردن و یا همکاری با شکارچی.

۱۱ ـ کشتن حیوانات و حشرات.

۱۲ ـ شکستن و یا قطع‌کردن شاخه‌ی درختان.

۱۳ ـ پوشیدن کفش که پشت پا را بپوشاند.

۱۴ ـ از بوئیدن خوشبوجات و گلهای معطر.

---

۲۴۸. کلاه‌هایی مثل کلاه‌های نظامیان که در جلو سایه‌بان دارند.

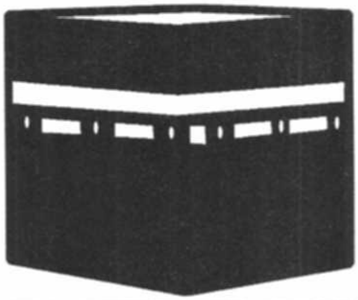
تذکر: زائر عزیز! در طول مدت احرام باید از انجام کارهای فوق یعنی ۱۴ موردی که ذکر شد اکیداً پرهیز نما.

تذکر :۲ باید توجه داشته باشی که اینک تو همچون یک سرباز آماده‌باش هستی پس اگر در هر حال مرتکب یکی از اعمال فوق شدی علاوه بر جریمه مالی امکان خراب‌شدن حج و کاسته‌شدن از ثواب آن وجود دارد پس با تمام وجود از آنها دوری کن.

بعد از آماده‌شدن طبق ساعت تعیین‌شده توسط مدیر بر اتوبوسها سوار می‌شوی و به طرف منی حرکت می‌کنی و ان شاءالله قبل از ظهر به منی می‌رسی و در چادرهایتان اسکان داده خواهی شد.

تا فردا صبح نمازهای خود را همین‌جا داخل چادرها به‌صورت قصر و با امامت روحانی یا کسی دیگر بجماعت می‌خوانی.

و شب را هم با آرامش کامل در چادرهایتان سپری خواهی کرد. پس راحت و آرام بخواب.



زائر عزیز!

همیشه سعی کن سهمیه میوه‌ی خود را حتماً بخوری، چون برای سلامتیت بسیار مفید است.





روز نهم (یوم عرفه)

زائر عزیز! امروز نهم ذیحجه است که به آن «روز عرفه» هم می‌گویند بعد از طلوع خورشید شما را با اتوبوس به صحرای عرفات می‌برند بخاطر داشته باش که وقوف در عرفات مهمترین رکن حج می‌باشد که بعداز زوال آفتاب آغاز می‌گردد و تا قبل از فجر روز دهم وقت آن ادامه دارد البته شما تا غروب آفتاب در آنجا خواهی ماند.

نماز ظهر و عصر را در صحرای عرفات می‌خوانی، سعی کن وقت خود را صرف دعا و نیایش کنی.[۲۴۹]

بهترین دعای روز عرفه:

(قال رسول الله ﷺ: خَیرُ الدُّعَاء یَومَ عَرَفَةَ وَ خَیرُ مَا قُلتُ اَنَا وَالنَّبِیُّونَ مِن قَبلِی: لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَ هُوَ عَلَیَ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ)[۲۵۰]

«بهترین دعای روز عرفه (و همچنین) بهترین چیزی که من و پیامبران قبل از من گفته‌اند این دعا می‌باشد «لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَ هُوَ عَلَیَ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ.»

و در روایات دیگری فرمودند: (أَحَبُّ الکَلَامِ اِلَیَ اللهِ أَربَعٌ، سُبحَانَ‌اللهِ وَالحَمدُلِلهِ وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ

---

۲۴۹. حدیث جمع با ترجمه.فلو صلی بهم رجلاً بغیر اذن الامام ای و جمع بینهما لم یجیز العصر عند ابی حنیفه و جاز عندهما،/و عند ابی یوسف و محمد یجوز ذالک فیجمع بینهاما (ای الظهر و العصر) المنفرد انضاً، ارشاد الساری الی مناسک الملا علی قاری صفحه ۲۱۹.

۲۵۰. رواه الترمذی و قال حدیث حسن رقم ۵۸۵۳.

وَاللّٰهُ اَکبَرُ) رواه مسلم و این‌ها محبوترین جملات نزد الله تبارک و تعالی هستند. پس این اذکار را زیاد بخوانید و بعد از آن برای خود و مسلمین دعا کنید.

زائر عزیز! در این روز مبارک و این سرزمین مقدس تا غروب آفتاب و هنگام حرکت وقت خویش را صرف دعا، نیایش و استغفار نما.

بعد از اینکه آفتاب غروب کرد معمولا شما را با اتوبوس به مزدلفه می‌برند و شما نماز مغرب را نمی‌خوانی مگر بعد از رسیدن به مزدلفه، هرچند که بظاهر وقت آن بگذرد، هر ساعتی از شب که به مزدلفه رسیدی، در آن‌جا با یک اذان و دو اقامه یعنی بعد از اذان، اقامه می‌کنی و نماز مغرب را با جماعت می‌خوانی و بلافاصله اقامه کرده نماز عشاء را دو رکعت با جماعت می‌خوانی که به این عمل «جمع قصر» می‌گویند.[۲۵۱]

حال بعد از اتمام نماز، غذای مختصری صرف می‌نمایی و آرام آرام برای استراحت کردن مهیا می‌شوی. البته قبل از استراحت به نکته‌ی زیر توجه کنی، و آن را انجام بده و بعد با خیالی آسوده بخواب. در دوربرت سنگریزه فراوان یافت می‌شود پس حداقل ۴۹ عدد سنگریزه جمع کن و آنها را در یک کیسه اگر از قبل همراه داری و یا یک پلاستیک بریز و نزد خود نگهدار که فردا در میدان نبرد با شیطان به آنها نیاز پیدا خواهی کرد.

حالا که آنها را جمع کردی نیازی به شستن آنها نیست، بگیر بخواب. سعی کن صبح خیلی زود از خواب بیدار شوی چون در این روز نمازصبح خیلی زود و در تاریکی خوانده می‌شود.[۲۵۲]

بعد از آن‌که نماز صبح را بجاآوردی تا روشن شدن هوا در آن‌جا توقف می‌کنی که به آن «وقوف مزدلفه» می‌گویند و بعد از آنکه هوا روشن شد به سوی جمرات (محل سنگ‌زدن شیطانها) راه می‌افتی.[۲۵۳]

---

۲۵۱ . عن ابن عمرؓ قال: جمع النبیﷺ بین المغرب والعشاء بجمع کل واحدةٍ منهما باقامةٍ ولمیسبّح بینهما و لا علی اثر کلّ واحدةٍ منهما صحیح البخاری حدیث شماره ۳۷۶۱. قال الشافعی: باذان واقامتین ترمذی ۶۳۲/۳.

۲۵۲ . بخاری حدیث شماره ۲۸۶۱ ـ فتح الباری ۳۱۴/۳ ردالمحتار ۱۱۵/۲.

۲۵۳ . البته کسانیکه زن یا افراد پیر و ضعیف همراه دارند می‌توانند بعد از نصف شب از مزدلفه به طرفجمرات حرکت کنند، اما بعد از اینکه به آنجا رسیدند تا طلوع خورشید صبر کنند و به شیطان سنگ نزنندوقتیکه خورشید طلوع کرد آنگاه شیطان را سنگ بزنند و برگردند. البته اگر بعد از طلوع فجر و قبل ازطلوع خورشید شیطان را سنگ زدند ایرادی ندارد و جایز است. فتح الباری ۳۱۴/۳ ـ الام ۴۳۲/۳.عن ابن عباسؓ قال: انا ممن قَدَّم النبیﷺ لیلة المزدلفة فی ضعفة اهله ـ بخاری حدیث شماره ۸۷۶۱عن عبدالله مولی عن اسماء انها نَزَلت لیلة جمع عندالمزدلفة فقامت تصلی فصلّت ساعة ثم قالت یا بنیَّ هل غاب القمر؟ قلت: لا فصلّت ساعةً ثمّ قالت: هل غاب القمر؟ قلت نعم، قالت، فارتحلو

عن ابن عباس رضی الله عنه: (انّ النبی صلی الله علیه وسلم افاض قبل طلوع الشمس)[۲۵۴].

(عن عمروبن میمون یقول: شَهدتُ عُمَرَ رضی الله عنه صَلّی بجمع الصبح، ثُمَّ وَقَفَ فقال: انَّ المُشرکینَ کَانُو لَا یُفیضُونَ حَتَّی تَطلُعَ الشَّمسُ وَ یَقُولُونَ اشرَقَ ثَبیرُ وَ انَّ النَّبیَّ صلی الله علیه وسلم خَالفَهُم ثُمَّ اَفاضَ قَبلَ اَن تَطلُعَ الشَّمسُ).[۲۵۵]



فارتحلنا ومضینا، حتی رمت الجمرة، ثم رجعت فصلّت الصبح فی منزلها فقلت لها یا هنْتاه، ما اُرانا الّا قد غلّسنا،قالت: یا بنی انّ رسول الله صلی الله علیه وسلم اذن لظعن. بخاری حدیث شماره ۹۷۶۱.علامه ابن عابدین ره چنین فرموده است: «و صلی الفجر بغلس لاجل الوقوف، ثم وقف بمزدلفه، و وقتهمن طلوع الفجر الی طلوع الشمس و لوماراً کما فی عرفه، لکن لوترکه بعذرکزحمة بمزدلفه لا شیء علیه،ردالمحتار ۱۱۵/۲.رقوله کزحمة، عبارة اللباب الّا اذا کان لعلةٍ او ضعفٍ او یکون امراة تخاف الزحام فلاشیء علیه، لکن قالفی العبر و لم یقید فی المحیط خوف الزحام بالمراة بل اطلقه فشمل الرجل.قلتُ: و هو شامل لخوف الزحمة عندالرمی فمقتضاه انه لو دفع لیلا لیرمی قبل دفع الناس و زحمتهم لاشیء علیه، لکن لا شک ان الزحمة عندالرمی و فی الطریق قبل الوصول الیه امر محقق فی زماننا فیلزممنه سقوط واجب الوقوف بمزدلفه فالاولی تقیید خوف الزحمة بالمراة و یحمل اطلاق المحیط علیهلکون ذالک عذراً ظاهراً فی حقها یسقط به الواجب بخلاف الرجل، او یحمل علی ما اذا خاف الزحمةلنحو مرض... علی انه یمکنه الاحتراز عن الزحمة بالوقوف بعدالفجر لحظة فیحصل الواجب و یدفع قبل دفع الناس وفیه ترک مدّ الوقوف المسنون لخوف الزحمة و هو اسهل من ترک الواجب الذی قیل بانه رکن، ردالمحتار۲۱۵/۲ و ۱۱۵ و قال صاحب البحر الرائق: و قد قدمنا ان المراة لو ترکت الوقوف بالمزدلفة لاجل الزحاملا یلزمها شیءٌ، فینبغی لها لو ترکت الرمی له لا یلزمها شیءٌ... بل نص بعضهم علی ان ذالک لا یختصالمراة بل یشمل الرجل اذا خاف الزحام لم یقید فی المحیط خوف الزحام بالمراة بل اطلقه فشمل الرجلالبحر الرائق ۶۷۳/۲.(فینبغی ان یعلم) واجب الحج اذا ترکه بعذر لا شیء علیه حتی لو ترک الوقوف بمزدلفة خوف الزحام لاشیء علیه کما لا شی علی الحائض بترک طواف الصدر البحر الرائق ۰۶/۳، شرح معانی الاثار ۰۱۲/۲ وکذاکل واجب اذا ترکه بعذر لا شیء علیه ردالمحتار ۲۱۵/۲. لو ترک الوقوف بالمزدلفة بلاعذر لزمه دم وان ترکه بعذر بان کانت به علة او ضعف (فی بیته او مشیه) او کانت امراةً الزحام فلا شیء علیه ـارشادالساری ص ۴۹۳.

۲۵۴ . ترمذی شماره ۵۹۸.

۲۵۵ . بخاری رقم ۴۸۶۱.

زائر عزیز! امروز دهم ذیحجه یعنی روز عیدقربان است و بر شما در اینجا بخاطر مسافربودن نماز عید و همچنین قربانی واجب نیست، در این روز انجام کارهای زیر لازم است :

تذکر: تا وقتیکه به شیطان سنگ نزده‌ای سعی کن مرتب «لبیک» بگویی.

۱ ـ در مزدلفه وقتیکه نماز فجر را خوندی گفتیم اندکی مکث می‌کنی، پس از مکث و توقف کوتاه به طرف جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) حرکت می‌کنی.

۲ ـ بعد از آنکه به جمرات رسیدی سر راه شما سه صفحه‌ی بزرگ سنگی یکی بعد از دیگری نمایان می‌شود که نماد شیطان محسوب می‌شوند و به آنها سنگ زده می‌شود، اولی[۲۵۶] را سنگ نمی‌زنی و رد می‌شوی در کنار دومی هم همینطور بدون سنگ‌زدن رد می‌شوی و وقتیکه به سومی رسیدی که به آن «جمره‌ی عقبه» می‌گویند. هفت عدد سنگریزه یکی‌یکی به آن می‌زنی که به این کار «رمی جمره» گویند.

۳ ـ به هنگام زدن هر سنگ بگو «الله‌اکبر»[۲۵۷].

البته از حضرت عبدالله‌بن عمرو عبدالله‌بن مسعود رضی الله عنهم روایت شده که آنان به هنگام سنگ‌زدن دعای زیر را هم می‌خواندند (اللهُمَّ اجعَلهُ حَجّاً مَبرُوراً وَ ذَنباً مَغفُوراً)[۲۵۸] «پروردگارا! حج ما را قبول بفرما و گناهانمان را بیامرز.»

تذکر: اگر چنانچه کسی پیرزن یا پیرمرد و یا افراد مریضی همراه دارد، می‌تواند به نیابت از آنها، از طرف آنها سنگ‌های آنها را هم بزند.[۲۵۹] (البته بعد از آنکه سنگهای خودش را زد).

۴ ـ بعد از آنکه شیطان را سنگ‌زدی به چادرهایت در منی برگرد.

---

۲۵۶. به اولی «جمره‌ی اولی» و به دومی که در وسط است «جمره‌ی وسطی» گفته می‌شود.

۲۵۷. تحفةالاحوذی ۵۳۳/۳ حدیث رقم ۱۰۹ ـ بخاری رقم ۰۵۷۱.

۲۵۸. القری لقاصدام القری ص ۱۴۴.

۲۵۹. البحرالرائق ۶۷۳/۲. اصلی در نیابت در رمی روایت زیر است: «عن جابر قال حججنا مع رسول‌الله ﷺ و معنا النساءَ و الصبیان فلبینا عن الصبیان و رمینا عنهم» (سنن الترمذی حدیث شماره۷۲۹، سنن ابن ماجه ۸۳۰۳)همراه رسول‌الله‌ﷺ حج گذاردیم درحالیکه زنان و کودکان با ما بودند پس از طرف کودکان لبیک گفتیم و از جانب آنان رمی نمودیم = شیطان را سنگ زدیم.«فالقول بجواز النیابة عن العاجز بنحو مرض هو قول اکثر اهل العلم» (بدائع الصنائع ۷۳۱/۲)و قال ابن نجیم«ره» «و قد قدمنا ان المراة لو ترکت الوقوف بالمزدلفة لاجل الزحام، لا یلزمها شیء،فینبغی لها لو ترکت الرمی له لا یلزمها شیء ثم قال بعد ذالک ـ و لم یقید فی (لمحیط خوف الزحامبالمراة بل اطلقه فشمل الرجل» (البحر الرائق ۶۷۳/۲)فلا تجوز النیابة عندالقدرة و تجوز عندالعذر فلورمی عن مریض بامره او مغمی علیه ولو بغیر امرهاوصبی او مجنون جاز ـ ارشادالساری ص ۴۷۲.

۵ ـ نماینده‌ی کاروان که برای ذبح گوسفندها رفته گوسفندهای شما را به نیابت از شما ذبح می‌کند و تا ذبح گوسفندها، شما همچنان در حال احرام منتظر می‌مانی.

۶ ـ پس از آنکه نماینده‌ی کاروان ذبح گوسفندها را اعلام کرد، حالا شما باید سر خود را بتراشید.

۷ ـ اگر کسی خواست موهای سرش را کوتاه کند موظف است از تمام موهای سر به مقدار یک بندانگشت کوتاه نماید. البته تراشیدن خیلی افضل است.[۲۶۰]

۸ ـ زنان نیز از سر موهای خود به اندازه‌ی یک بندانگشت کوتاه می‌کنند و اجازه ندارند موهای خود را بتراشند.

۹ ـ پس از اصلاح سر، دوش می‌گیری و از لباس احرام بیرون می‌آیی و لباس معمولی خود را می‌پوشی.

۱۰ ـ حال کلیه‌ی آنچه که در حال احرام بر شما حرام بود اکنون جایز است. الّا همسر

۱۱ ـ علیرغم اینکه از احرام بیرون آمده‌ای و سایر محرمات احرام برداشته شده‌اند اما هنوز نمی‌توانی با همسرت مقاربت نمایی چون این حرمت هنوز باقی است. که بعد از طواف زیارت این حرمت هم برداشته می‌شود.

۱۲ ـ بعد از آن به مکه‌ی مکرمه رفتی طواف زیارت را انجام می‌دهی و این طواف یکی از ارکان حج است و بعد از آن همسرت نیز برایت حلال می‌شود.

۱۳ ـ بعد از اتمام طواف باید میان صفا و مروه هم سعی کن.

پس از آنکه سعی را انجام دادی، دوباره به منی و به چادرهایت بازمی‌گردی.

تذکر: دقت کن که اعمال این روز را پشت سرهم و به ترتیب انجام بدهی.[۲۶۱]

---

۲۶۰ . لازم به یادآوری است کسیکه قصد کوتاه‌کردن مو دارد باید موهای او از یک بندانگشت بلندترباشند، چون حداقل باید اندازه‌ی یک بندانگشت از موهایش را کوتاه کند.و اما التقصیر فاقله قدرانملهٔ ارشادالساری ص ۳۵۲ و اما کوتاه‌کردن مو کمترین مقدار آن به اندازه‌ی یکبندانگشت است که از تمام موهای سر کوتاه کرده شود.بعد از ذبح سر را بتراشد و یا موها را کوتاه نماید مقدار کوتاه‌کردن مو به اندازه‌ی یک بندانگشت مقدارواجبش هست اما بهتر آن است که از اندازه‌ی یک بندانگشت بیشتر باشد.زبدةالمناسک علامه رشیداحمد گنگوهی ص ۳۹۱

۲۶۱ . در انجام اعمال فوق‌الذکر اگر چنانچه ترتیب به‌هم خورد یعنی قبل از ذبح گوسنفد سر خود را تراشیدنزد احناف بر او ذبح یک گوسفند واجب است ونزد سایر ائمه خیر.۱) عن ابن‌عباس ۲ قال: سئل النبی عمن حلق قبل ان یذبح و نحوه، فقال: لاحرج، لاحرج بخاری/۱۲۷۱.ر۲) عن ابن عباس: قال رجل للنبیﷺ زرتُ قبل ان ارمی، قال: لاحرج، قال حلقت قبل ان اذبح، قاللاحرج، قال ذبحت

یعنی اول: سنگ‌زدن به شیطان؛
دوم: ذبح گوسفند؛
سوم: تراشیدن یا کوتاه‌کردن موی سر؛
چهارم: طواف زیارت؛
پنجم: سعی.

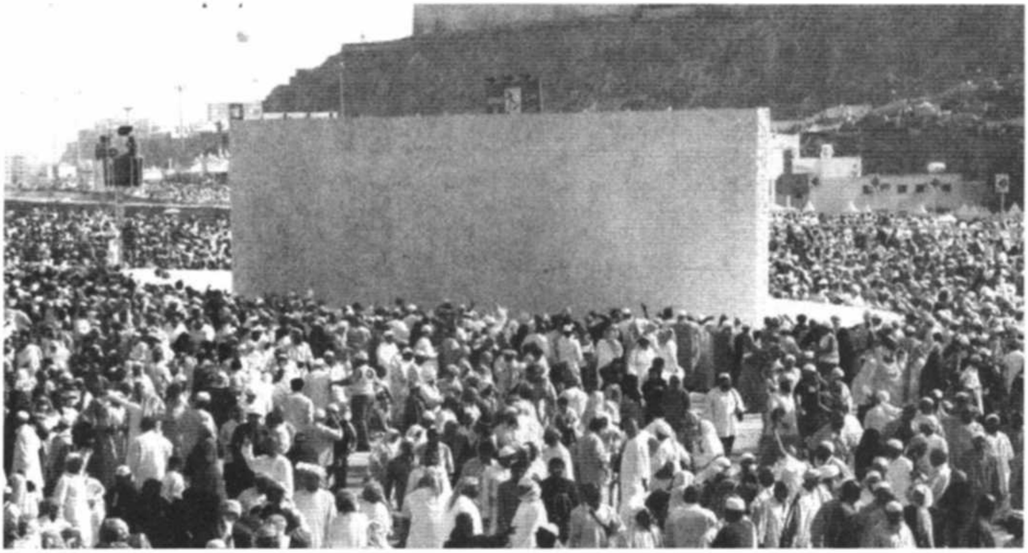
تذکر: برای طواف زیارت تا آخر ایام حج وقت هست اگر امروز نشد امشب یا فردا یا پس‌فردا و... می‌توانی آن را انجام دهی.[۲۶۲]

یازدهم ذیحجه

زائر عزیز! امروز یازدهم ذیحجه هست و مهمترین عمل امروز سنگ‌زدن به شیطانهای

قبل ان ارمی قال: لاحرج. بخاری/ ۳.۲۲۷۱) عن ابن عباس قال: سئل النبیﷺ فقال رمیت بعد ما امسیتُ فقال: لاحرج. قال حلقت قبل ان انحرقال: لاحرج ـ بخاری ۴.۳۲۷۱) عن عبدالله‌بن عمروبن العاص: ان رسول الله وقف فی حجهٔ الوداع فجعلوا یسئلونه، فقال: رجل لماشعر، فحلقت قبل ان اذبح، قال: اذبح ولاحرج و جاء آخر، فقال لم اشعر فنحرت قبل ان ارمی، قال ارم ولاحرج، فماسئل یومئذٍ عن شیءٍ قُدّم و لا اُخّر الّا قال: افعل و لا حرج قال محمد: و بالحدیث الذی روی‌عن النبیﷺ ناخذ، انه لاحرج فی شیءٍ من ذالک.قال ابوحنیفه«ره»: لاحرج فی شیءٍ من ذالک، و لم یَرفی شیءٍ من ذالک کفارهً الّا فی خصلهٔ واحدهٍالمتمتع والقارن اذا حلق قبل ان یذبح قال: علیه دم و اما نحن فلا نری علیه شیئاً، مؤطا امام محمد ۹۰۱/۲.عن ابن عباسؓ قال: من قدّم شیئاً من حجهٔ او اخّره فلیهرق لذالک دماً. اعلاءالسنن رقم ۲۵۷۲. عنابراهیم قال من حلق قبل ان یذبح اهرق دماً، فقرأ (و لا تحلقوا رؤوسکم حتی یبلغ الهدی محلّه)اعلاءالسنن رقم الحدیث ۳۵۷۲.

۲۶۲ . در مورد تقدیم و یا تاخیر رمی، ذبح و حَلق، امام محمد«ره» نظریه خود و امام ابوحنیفه و ابویوسف را چنین بیان می‌دارد :قال محمد: و بالحدیث الذی روی عن النبیﷺ ناخذ انه قال: لا حرج فی شیءٍ من ذالک و قالابوحنیفه لاحرج فی شیءٍ من ذالک و لم یَرَ فی شیءٍ من ذالک کفارهً الّا فی خصلهٍ واحدهٍ، المتمع والقارن اذا حلق قبل ان یذبح قال علیه دمّ و اما نحن فلا نری علیه شیئاً(. مؤطا امام محمد باب من قدم نسکاً قبل نسک.).و به حدیثی که از رسول‌اللهﷺ روایت شده، عمل می‌نمائیم، و آن حدیث عبارت از این است که (درتقدیم و تأخیر) هیچ چیزی مشکلی نیست و ابوحنیفه نیز در هیچ موردی قایل به کفاره نیست مگر دریک مورد و آن اینکه متمتع و قارن اگر قبل از ذبح گوسفند سر خود را بتراشند (باید دم بدهند) و امّا ما یعنی‌امام محمد و ابویوسف در این مورد نیز جریمه‌ای را بر وی نمی‌بینیم و قایل نیستیم که جریمه شود یعنی‌کفاره = گوسفند، ندهد. مفتی محمد تقی مدّ ظله العالی می‌نویسد: امام محمد در کتاب «الحجة علی اهل المدینة» مذهب امام ابوحنیفه را چنین بیان می‌دارد «عن ابی حنیفه فی الرجل یجهل و هو حاج فیحلق راسه قبل ان یرمی انه لاشیء علیه».«اگر چنانچه زائر ندانسته و از روی بی‌علمی قبل از آنکه رمی کند (شیطان را سنگ بزند)، سرش راتراشید. هیچ جریمه‌ای بر او نیست.»مفتی می‌افزاید: از این معلوم می‌شود که نزد امام ابوحنیفه«ره» اگر جاهلا سهواً ترتیب فاسد شود هیچ چیزی ازقبیل دم (گوسنفد) و غیره واجب نمی‌گردد.»(. درس ترمذی ۱۵۱/۳.)ائمه ثلاثه به استناد به روایت صحیح مذکور در صحیحین «افعل و لاحرج» قایل به وجوب ترتیب نیستند (چه تعمداً چه جاهلاً)(درس ترمذی ۹۴۱/۳. (چه عمداً چه سهواً)



سه‌گانه و کارهای زیر متعلق به امروز است پس سعی کن آنها را به دقت انجام دهی.

۱ ـ اگر چنانچه دیروز و یا دیشب موفق به انجام طواف زیارت و سعی پس از آن نشده‌ای، امروز برو به مکه‌ی مکرمه و طواف زیارت را انجام بده و بعد از آن سعی کن و دوباره به منی برگرد.

تذکر :۱ قبلا متذکر شدم که طواف زیارت در لباس معمولی انجام می‌گیرد و همچون طوافهای دیگری است که قبلا انجام داده‌ای، و سعی پس از آن هم در لباس عادی و معمولی یعنی بدون احرام انجام می‌گیرد، و تشریفات خاصی لازم ندارند نه طواف و نه سعی.

تذکر :۲ قبلا به شما یادآوری کردم که هنگام طواف حتماً سعی کنید با وضو باشید، در این طواف هم حتماً صددرصد باید باوضو باشید.

۲ ـ اگر چنانچه طواف زیارت را دیروز و یا دیشب بجا آورده‌ای، امروز صبح هیچ کاری نداری با خیالی آسوده در چادرت بمان و سعی کن وقت خود را به عبادت، تلاوت، ذکر و دعا بگذرانی.

۳ ـ تا نمازظهر به عبادت و نیایش مشغول باش، پس از آنکه نمازظهر را اداکردی با هماهنگی مدیر کاروان به طرف جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) می‌روی.

وقتی که به آنجا رسیدی اول به شیطان کوچک که به آن «جمره‌ی اولی» می‌گویند طبق روال دیروز هفت عدد سنگریزه که همراه داری یکی‌یکی می‌زنی و با زدن هرکدام «الله‌اکبر» سر می‌دهی. بعد از سنگ‌زدن به شیطان کوچک در صورت امکان اندکی

می‌ایستی و دعا می‌کنی.[۲۶۳]

بعد از آن به طرف شیطان دوم که به آن «جمره‌ی» وسطی می‌گویند می‌روی و آنجا نیز همچون شیطان کوچک، هفت سنگ می‌زنی و با زدن هرکدام الله‌اکبر می‌گویی و پس از اتمام آنها، دعا می‌کنی اگر امکان داشت و میسر بود.

بعد از آن به طرف شیطان بزرگ که به آن «جمره‌ی عقبه» هم می‌گویند می‌روی و به این شیطان هم همچون شیطانهای قبل هفت سنگ می‌زنی و با زدن هر سنگی الله‌اکبر می‌گویی.

پس از اتمام سنگها دیگر دعا نمی‌کنی و به طرف چادرهایت حرکت می‌نمایی.

تذکر :۱ وقت سنگ‌زدن این شیطانها بعدازظهر (زوال) شروع می‌شود و تا فجر روز دوازدهم ادامه دارد. پس نگران نباش وقت زیاد است.

تذکر :۲ اگر چنانچه زن و بچه و یا آدم ناتوان همراه داری بهتر آن است که شب بروی و به شیطانها سنگ بزنی چون شب خلوت‌تر است.

تذکر :۳ اگر چنانچه کسی بخاطر بیماری و یا کهولت سن (پیری) ضعیف است و نمی‌تواند تا جمرات برود و برگردد می‌تواند کس دیگری را نایب خود یعنی وکیل خود قرار دهد تا از طرف او سنگها را بزنند.

دوازدهم ذیحجه

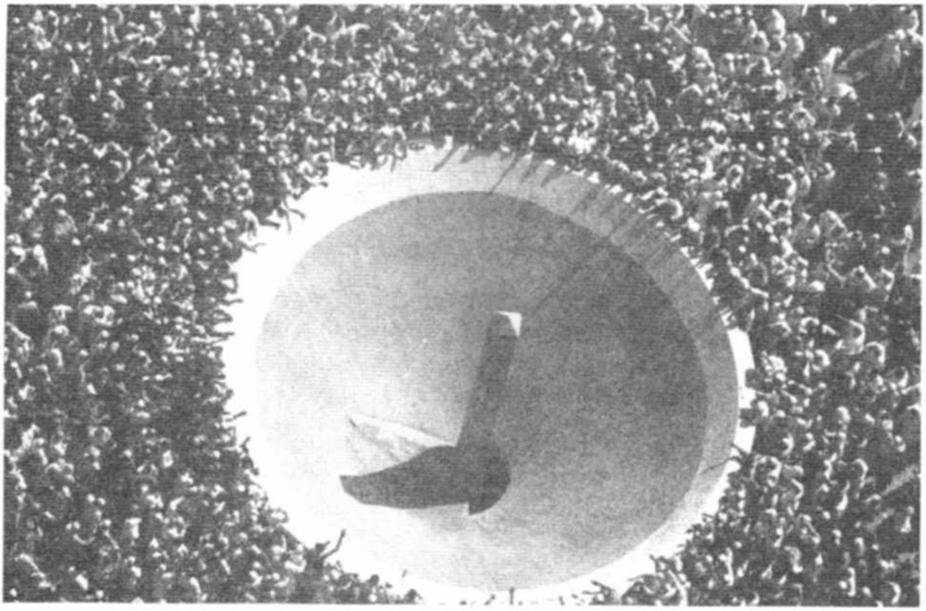
زائر عزیز! امروز دوازدهم ذیحجه و آخرین روز حج است و اعمال امروز هم همچون دیروز فقط سنگ‌زدن به شیطانهای سه‌گانه است و بس ولی با همه‌ی این تفاصیل دقت گوش‌کن.

۱ ـ اگر تا امروز هم موفق به طواف زیارت و سعی نشده‌ای برو به مکه مکرمه و طواف زیارت و سعی را انجام بده و به منی برگرد.

۲ ـ اگر طواف زیارت را انجام داده‌ای که انشاءالله همین طور است، قبل از آغاز زمان

---

۲۶۳ . عن‌الزهری ان رسول‌الله ﷺ کان اذا رمیَ الجمرهٔ التی تلی مسجد منی یرمیها بسبع حصیات یکبّر کلّما رمی بحصاهٔ ثم تقدّم امامها فوقف مستقبل القبلهٔ رافعاً یدیه یدعو و کان یطیل الوقوف ثمّ یاتی‌الجمرهٔ الثانیه فیرمیها بسبعِ حصیاتٍ یکبر کلما رمی بحصاهٔ ثم ینحدر ذات الیسار ممّایلی الوادیَ فیقفمستقبل القبلهٔ رافعاً یدیه یدعو، ثم یاتی الجمرهٔ التی عندالعقبهٔ فیرمیها بسبع حصیات یکبر عند کلحصاهٔ ثمّ ینصرف و لا یقف عندها، بخاری باب الدعاء عند الجمرتین باالدعاء عند باب الذعاء الجمرتینفتح الباری ۲/۶۴۰.



سنگ‌زدن به شیطانها یعنی قبل از ظهر وسایلت را جمع کن و با هماهنگی مدیر، آرام‌آرام در اتوبوس بگذار.

۳ ـ بعد از زوال (ظهر) همچون دیروز برای سنگ‌زدن به شیطانهای سه‌گانه می‌روی و همچون دیروز به هرکدام از آنها هفت سنگ می‌زنی و با زدن هر سنگ «الله‌اکبر» می‌گویی و بعد از اتمام سنگهای شیطان اول و دوم دعا می‌کنی و بعد از شیطان سوم دعا نمی‌کنی.

۴ ـ حال که سنگ‌زدن شیطانهای سه‌گانه تمام شد، حج تو به پایان رسیده و ان شاءالله خداوند آن را بپذیرد. آمین

و فقط طواف وداع (خداحافظی) مانده است که بعداً آنرا توضیح می‌دهم.

۵ ـ پس از اتمام سنگ‌زدنها، اگر با مدیر هماهنگی کرده‌ای و دوست داری با اتوبوس به مکه‌ی مکرمه برگردی، پس همراه گروه به طرف اتوبوس حرکت کن و با اتوبوس به مکه‌ی مکرمه برگرد.

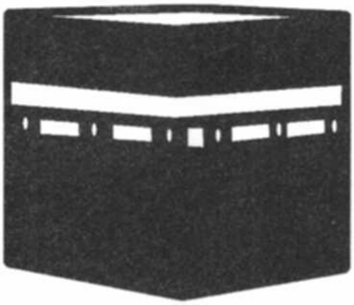
۶ ـ اما اگر با مدیر هماهنگی نشده و یا امکان رفتن با اتوبوس نیست (بخاطر ازدحام) یا اتوبوسها خیلی دور پارک شده‌اند و می‌توانی پیاده به مکه‌ی مکرمه برگردی پس پیاده به مکه مکرمه برگرد. و اگر وقت نماز نزدیک نیست برو به هتل و استراحت کن.

تذکر مهم: زائر عزیز! اگر چنانچه در انجام هر عملی دچار تردید شدی سعی کن قبل از اقدام آن با روحانی کاروان مشورت کنی و از او بپرسی.

اما اگر بعد از انجام یک عمل دچار شک و تردید شدی، بازهم آن را با روحانی درمیان بگذار هرچند که احتمال بدهی که جریمه مالی هم خواهی شد. چون پرداخت این

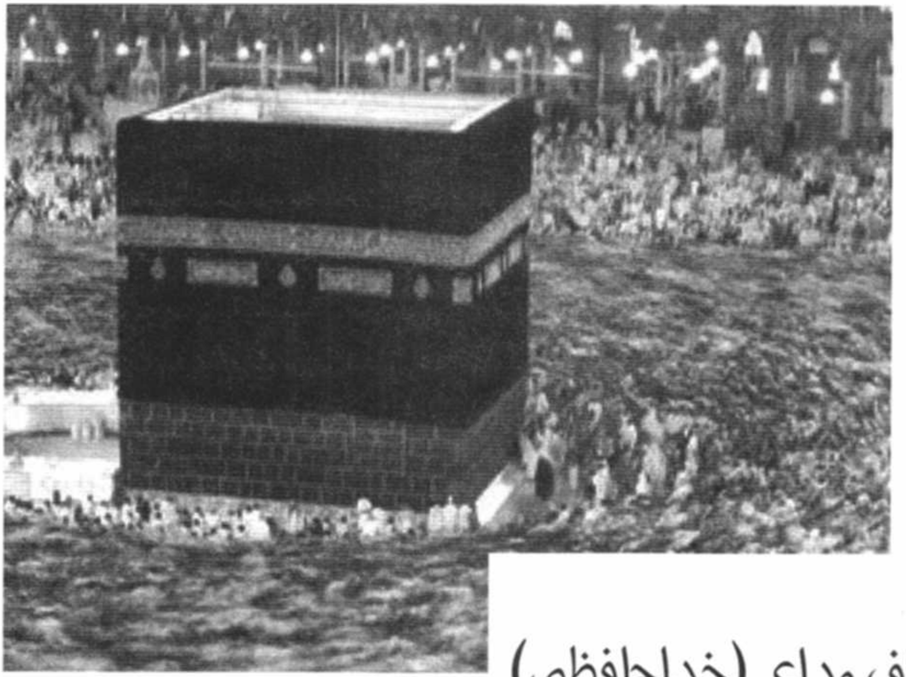
جریمه بهتر و آسانتر از آن است که حج تو مخدوش شود.

تذکر: اگر چنانچه طبق این دستورالعمل، عمل کنی ـ ان شاءالله هیچ مشکلی برایت پیش نخواهد آمد.



زائر عزیز!

هیچگاه بعد از طواف و سعی بلافاصله آب خنک ننوش، ولو آب زمزم باشد، بلکه اندکی صبر کن تا عرق بدنت خشک شود، آنگاه بنوش.



طواف وداع (خداحافظی)

زائر گرامی! اعمال حج به پایان رسید، و از خداوند عاجزانه مسألت کن و بخواه که حج تو را در بارگاه خود قبول کند و بپذیرد.

۱ ـ اکنون که در مکه‌ی مکرمه هستی هیچ عملی افضل از طواف نیست پس سعی کن تقریباً تمام وقت خود را صرف طواف کنی و از گشت و گذار بیهوده در بازار و یا خوابیدن و استراحت کردن در هتل جداً بپرهیز. بنابراین تا آخرین روز حرکت هیچ عملی از حج بر شما لازم نیست چون همه تمام شده‌اند. بجز طواف وداع.

۲ ـ حالا که آخرین روز حرکت است با هماهنگی روحانی کاروان تقریباً همه به صورت دسته‌جمعی می‌روید و همچون طوافهای قبل یک طواف انجام می‌دهید که به آن طواف وداع (= خداحافظی) می گویند.

۳ ـ بعد از طواف مدتی دعا می کنی[۲۶۴] و از خداوند میخواهی که هر سال تو را به زیارت حرمین شریفین مشرف نماید و پایبندی بر حج را قسمتت کند.

۴ ـ بعد از دعا از مسجد بیرون می‌یایی ولی سعی کن بعد از هر چند قدم بایستی

۲۶۴. قال الشافعی: احب اذا ودّع البیت ان یقف فی الملتزم و هو مابین الرکن والباب فیقول: اللهم البیتبیتک والعبد عبدک و ابن عبدک وابن امتک، حَمَلتنی علی ما سخرت لی من خلقک، حتّی سیّر تنی فی‌بلادکَ و بلّغتنی بنعمتک حتی اعنَتنی علی قضاء مناسکک، فان کنتَ رضیتَ عنی فازددعنی رضاً و الّافمن الآن قبل ان تنأی عن بیتک داری، هذا اوان انصرافی ان اذنت لی، غیرمستبدل بک و لا بیتک و لاراغب عنک و لا عن بیتک، اللهم فأصحِبنی العافیهٔ فی بدنی والعِصمهٔ فی دینی و احسنِ منقلبی وارزقنی طاعتک ما ابقیتنی، اخرجه البیهقی، القری ص ۷۵۵.

بیت‌الله را نگاه کنی به همین کیفیت می‌روی تا از مسجدالحرام بیرون بیایی.

تذکر: اگر چنانچه بعد از انجام اعمال حج زنی دچار قاعدگی شد طواف وداع از گردن او ساقط می‌گردد و هیچ چیزی بر او لازم نیست یعنی جریمه‌ای ندارد.[۲۶۵]

دعای بازگشت از حج

زائر عزیز! بعد از آنکه طواف وداع را بجا آوردی و در حدّ توان دعا کردی و اینک که قصد داری به سوی شهر و دیار خود حرکت کنی دعای زیر را بخوان.

(اللهُاکبَرُ اللهاُکبَرُ اللهاکبَرُ، لَا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لَاشَریکَ لَهُ لَهُالمُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ، یُحیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ آیبُونَ، تَائبُونَ، عَابِدُونَ، سَاجِدُونَ لِرَبِّنا حَامِدُونَ صَدَقَ اللهُ وَعدَهُ وَ نَصرَ عَبدَهُ وَ هَزَمَ الاَحزَابَ وَحدَهُ)[۲۶۶]

(و عن ابن عمرﷺ انَّ النَّبیَّﷺ کَانَ اِذَا استَوَی عَلَی بَعیرِهِ خَارِجاً اِلیَ سَفَرٍ کَبَّرَ ثَلَاثاً ثُمَّ قَالَ : سُبحَانَ الَّذي سَخَّرَلَنا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقرِنینَ وَ انّا الیَ رَبّنا لَمُنقَلِبُونَ)

(اللَّهُمَّ نَسأَلُکَ فی سَفَرِنَا هَذَا البِرّوَالتَّقوَی وَ مِنَ العَمَلِ مَا تَرضَی، اللَّهُمَّ هوِّن عَلَینا سَفَرَنَا وَ اطوِعَنَّا بُعدَهُ اللَّهُمَّ اَنتَ الصَّاحِبُ فی السَّفَرِ وَالخَلیفَةُ فی الاَهل، اللّهم انّی اَعُوذُبِکَ مِن وَعثَاءِالسَّفَر وَ کَآبةِ المَنظَرِ وَ سُوءِ المُنقَلَبِ فِی الاَهلِ) (وَ اذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَ زَادَ: ایبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبّنا حَامِدُونَ.[۲۶۷]

دعا برای زائر بیت‌الله الحرام هنگام بازگشت به خانه

هنگامیکه زائر از بیت‌الله‌الحرام برمی‌گردد افرادی که با وی ملاقات می‌کنند، دعای زیر را برایش بخوانند :

---

۲۶۵ . بخاری ک، الحج باب اذا حاضت المرأة بعد ما افاضت، فتح الباری ۲۶۴/۲ ـ ان عمرابن الخطاب قال :لایصدّرنَّ احد من الحاج حتی یطوف بالبیت فان آخرالنسک، الطواف، بالبیت.قال محمد: و بهذاناخذ طواف الصدر (الوداع) واجب علی الحاج و من ترکه فعیله دم، الّا الحائضوالنفساء فانها تنفرو لا تطوف ان شاءَت و هو قول ابی حنیفه والعامهٔ من فقهائنا مؤطا ص ۲۰۱ حدیثرقم ۷۱۵.

۲۶۶ . بخاری فتح الباری ۸۸۴/۳ ـ مؤطا امام محمد ۲۱/۲ ۰ حدیث شماره ۵۱۵ ـ ترمذی حدیث رقم۹۵۰ (و قال بدل ساجدون سائحون ای سائرون لمطلوبنا و دائرون لمحبوبنا تحفهٔ الاحوذی ۵۸۳/۳.

۲۶۷ . اخرجه مسلم القری ص ۸۵۵).

(عن ابن عمر رضی الله عنه انَّهُ کَانَ یَقُوُل اذَا قَدِمَ الحَاجُّ: تَقَبَّلَ اللهُ نُسُکَکَ وَ أَعظَمَ اَجرَکَ وَ اخلَفَ نَفَقَتَکَ).[۲۶۸]

خداوند حجت را قبول کند و پاداشت را بزرگ بگرداند و هر آنچه را که هزینه کرده‌ای، عوضش را بتو بدهد.



درخواست دعا از زائر بیت‌الله الحرام

وقتیکه زائر ازبیت الله برگشت خویشاوندان و دوستان می‌توانند از وی خواهش کنند که برایشان دعا کند، البته اینکه فراخوان داده شود که آقای... فلان روز از مکه برمی‌گردد و خلایق کار و کاسبی را رها کنند و خارج از شهر ساعتها در گرما و سرما به انتظار بایستند، این عمل نامشروع است و از رسول‌الله ﷺ و از هیچ احدی از صحابه ثابت نیست.[۲۶۹]

عن‌ابن عمر رضی الله عنه قال رسول‌الله ﷺ : (اذَا لَقِیتَ الحَاجَّ فَسَلِّم عَلَیهِ وَ صَافِحه وَ مُرّه ان یَستَغفِرلَکَ قَبلَ اَن یَدخُلَ بَیتَهُ فَاِنَّهُ مَغفُورلَهُ).[۲۷۰]

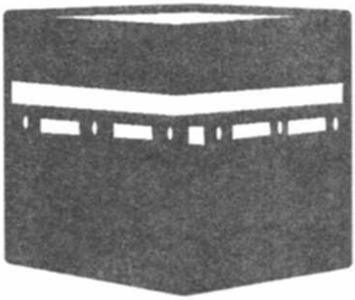
وقتی که زائر بیت‌الله را ملاقات کردی، بر او سلام کن و مصافحه نما، به او بگو برایت ـ از خداوند ـ آمرزش بطلبد (البته) پیش از اینکه وارد خانه‌اش شود چون او آمرزیده شده است.

---

۲۶۸ . اخرجه سعیدبن منصور، القری لقاصدام القری ص ۸۵۵.

۲۶۹ . این بحث با تفصیلات بیشتر در فصل «آسیب‌شناسی حج» ذکر خواهد شد.

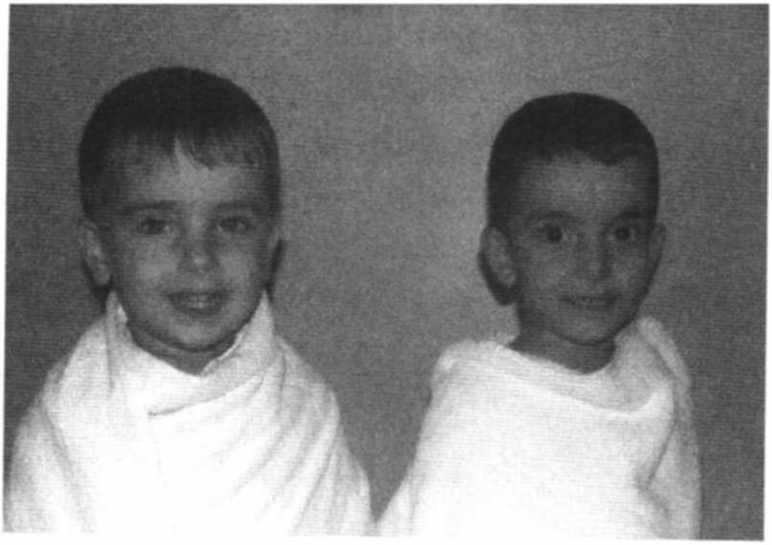
۲۷۰ . اخرجه احمد، القری ص ۸۵۵.



زائر عزیز!

وقتی که بدنت خیس عرق است هرگز در مقابل باد مستقیم کولر و یا پنکه قرار نگیر، چون به سلامتیت آسیب می‌رساند.

بخش دوم



حج اطفال و احرام آنان

زائر عزیز! اگر چنانچه الله تبارک و تعالی به شما توفیق داده و فرزندانت را نیز به حج آورده‌ای، سپاسگزار الله عزوجل باش و شکر این نعمت را بجا بیاور و حال به تذکرات زیر توجه کن.

اگر بچه در سنی هست که خود قادر است با راهنمایی و کمک شما اعمال را انجام دهد، پس عالی است و او را یاری کنید اما اگر چنانچه بچه خردسال است یا شیرخواره و قادر به انجام اعمال و مناسک نیست پس شما از طرف او کارهایش را انجام دهید به شرح زیر :

۱ ـ او را حمام کنید/ پدر یا مادر.

۲ ـ اگر دختر است لباسهای معمولی و عادی او را به وی بپوشان.

۳ ـ اگر پسر است لباسهای دوخته او را که قبلا بیرون آورده‌ای (برای استحمام).

به وی مپوشان و احرام را همچون احرام آدم بزرگها به وی بپوشان یعنی یک حوله به کمر او ببند و دیگری را بر روی شانه‌های او بگذار.

تذکر: اگر شیرخواره‌است پوشک بستن به وی هیچ ایرادی ندارد.

۴ ـ بعد از آنکه خودت نماز احرام خواندی و برای خودت نیت حج یا عمره کردی، حال از طرف بچه نیت حج یا عمره کن.

تذکر: لازم نیست از طرف بچه نماز احرام بخوانی.[۲۷۱]

---

۲۷۱ . امام شافعی«ره» معتقد است که نماز احرام و نماز طواف از طرف بچه خوانده شود. الآم ۱۲۱/۲.

بدینصورت: (اللَّهُمَّ انّي نَويتُ الحَجَّ / العُمرَةَ عَن وَلَدي فُلاَنٍ فَيَسِّرهُ لَنَا وَ تَقَبَّلهُ مِنَّا)

پروردگارا! من از طرف فرزندم فلانی نیت حج یا عمره می‌کنم پس آن را بر ما آسان بگردان و از ما بپذیر.

تذکر: اگر بچه خود قادر است که صحبت کند نیت را به او تلقین کن تا او خود به زبان بیاورد.

۵ ـ حال از طرف او لبیک بگو (لبیک اللهم لبیک عن فلانٍ (اسم بچه را بگو)، لبیک لاشریک لک لبیک ان الحمد و النعمهٔ لک والملک لا شریک لک).

۶ ـ حال بچه محرم است در حدّ توان او را از محرمات احرام دور بدار، اما اگر مرتکب محظوری از محرمات احرام شد هیچ جریمه‌ای بر او و بر شما نیست، پس نگران نباش.

۷ ـ وقتی که وارد مسجدالحرام شدی، اول طواف خودت را انجام بده و نماز طواف را بخوان و بعد از آن بچه را بغل کن و از طرف او نیت طواف کن، «پروردگارا! من می‌خواهم از طرف فرزندم (اسم اورا به زبان بیاور) طواف را انجام دهم، طواف را بر ما آسان بگردان و از طرف او بپذیر.»

و حالا طواف را از طرف او انجام بده، و پس از اتمام طواف، نیازی نیست که از طرف بچه نماز طواف بخوانی.[۲۷۲]

تذکر: اگر چنانچه قبل از نماز طواف خودت طواف بچه را انجام دادی و بعد از آن نماز طواف خودت را خواندی ایرادی ندارد و جایز است.

۸ ـ بعد از آنکه طواف هر دوی شما به پایان رسید، آب زمزم می‌نوشید تا سیر، بعد از نوشیدن آب زمزم، حجرالاسود را استلام می‌نمایی یعنی بر آن دست می‌کشی و آن را می‌بوسی، اگر امکانش نیست روبروی آن می‌ایستی و به طرفش اشاره می‌کنی و دستت را می‌بوسی.

۹ ـ بعد از آن از «باب‌الصفا» به طرف کوه صفا حرکت می‌کنی و هنگامیکه بالای آن رسیدی، رو به خانه‌ی کعبه دعا می‌کنی و پس از آن نیت سعی می‌نمایی «پروردگارا! من اراده‌ی سعی دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.»

بعد از آنکه هفت دور سعی را برای خودت انجام دادی، حال نوبت، بچه است که باید از

---

۲۷۲ . البته امام شافعی می‌گوید که باید از طرف بچه نماز طواف نیز خوانده شود. پس اگر شافعی مذهبهستی، نماز طواف را بخوان، الام ۱۲۱/۲.

طرف او نیت سعی کنی و از طرف او سعی را انجام دهی.[۲۷۳]

تذکر ۱: اگر چنانچه هنگام طواف و یا سعی خودت بچه بغلت بود بازهم باید از طرف او جداگانه طواف و سعی انجام گیرد چون آن طواف فقط مال خودت بوده و برای هر دو مشترک نبوده است.

تذکر ۲: اگر همچون طواف بچه در کالسکه است، می‌توانی همین ابتدا از طرف خود نیت کنی و هم از طرف بچه، و شما فقط هنگام سعی کالسکه بچه را می‌بری و پس از اتمام سعی، سعی هر دو به پایان می‌رسد.

۱۰ ـ بعد از آنکه سعی تو و بچه تمام شد سر خود و سپس بچه را بتراش و یا ماشین کن.

حال عمره هر دوی شما به لطف الله تبارک و تعالی به پایان رسید و بمانید تا هشتم ذیحجه فرا برسد و آنگاه احرام حج ببندید و حج خود را بجا آورید.

۱۱ ـ امروز هشتم ذیحجه است، همچون نوبت اول او را حمام کن و لباس احرام را به او بپوشان و از طرف او نیت حج کن و سپس از طرف او «لبیک» بگو.

نیت: (اللهم انی اریدالحج عن ابنی/ ابنتی فلان فیسره لنا و تقبله منا) پروردگارا! من از طرف فرزندم فلانی نیت حج دارم، آن را بر ما آسان بگردان و از ما بپذیر. و بعد از طرف او لبیک می‌گویی. (لبیک: لبیک، اللهم لبیک عن فلان...)

تذکر: لازم است که باز یادآوری کنم این کارها را پس از انجام کارهای خودت انجام بده یعنی اول خودت حمام کن و لباس احرام بپوش و برای خودت نیت کن و لبیک بگو، سپس برای بچه.

۱۲ ـ پس از احرام، اتوبوسها شما را به منی می‌برند، پس در منی، عرفات و مزدلفه لازم نیست از طرف بچه کار خاصی انجام بدهی، همین که بچه همراه شماست کفایت می‌کند و هیچ مشکلی نیست. فقط در مزدلفه از طرف او هم سنگ جمع می‌کنی اما وقتیکه می‌خواهی شیطان را سنگ بزنی، از طرف او و به نیابت از او شیطان را سنگ بزن.

۱۳ ـ لازم نیست که از طرف بچه «دم هدی» (گوسفند شکرانه حج) ذبح کنی چون بر

---

۲۷۳. بحث تفصیلی طواف و سعی قبلا گذشته می‌توانی آنجا مراجعه کنی.

او واجب نیست[۲۷۴]، امّا اگر اینکار را کردی بهتر است.

۱۴ ـ پس از سنگ‌زدن به شیطان و ذبح گوسفند، هر دو سر خود را بتراشید و از احرام بیرون بیائید. اگر دختر بچه است همچون زنان یک بند انگشت از موهایش کوتاه کن.

۱۵ ـ هر وقت که برای انجام طواف زیارت رفتی او را با خود ببر و آنگونه که قبلا در شماره / بند ۵ توضیح دادم طواف بچه را انجام بده و بعد از آن هم سعی او را انجام بده و به منی برگرد.

۱۶ ـ و در روز یازدهم و دوازدهم هنگامیکه برای خودت به شیطان سنگ می‌زنی از طرف بچه هم اینکار را انجام بده، البته لازم نیست که بچه را با خودت به محل سنگ‌زدن شیطان ببری، اگر او را همراه خود بدانجا بردی، مشکلی نیست.

تذکر :۱ اگر چنانچه از فرزند عملی از محرمات احرام سر بزند بر خود وی و بر والدین او هیچ جزاء و یا صدقه‌ای لازم نمی‌آید حتی اگر بچه ممیز هم باشد[۲۷۵] یعنی ده، دوازده ساله باشد باز هم هیچ جریمه‌ای بر او و یا بر والدینش نیست.

تذکر :۲ البته اگر بچه بزرگ شد و حج بر او فرض شد باید فریضه‌ی حج را بجا بیاورد و با آن حجی که در زمان کودکی انجام داده است فریضه‌ی حج از گردنش ساقط نشده است.

(عن ابن‌عباس رضی الله عنه ان النبی ﷺ قال: ایّما صبی حج ثمّ بلغ، فعلیه حجهٔ اخری...)[۲۷۶]

رسول‌الله ﷺ فرمودند: «هر کودکی که حج بجا آورد و سپس بالغ شد (و مستطیع گردید) حج دیگری بر او لازم است.»

عن‌ابن عباس رضی الله عنه: اَنَّهُ لَقِی بالرَّوحَا رَکباً فَقَالَ: مَن القَوُم؟ فَقَالوُا المُسلمَونَ، فَقَالُوا: مَن اَنتَ؟ فَقَالَ: رَسُولُ‌الله ﷺ، فَرَفَعَت الَیهِ امرأةٌ صَبیّاً، فَقَالَت: الَهذَا حَجٌّ؟ قَالَ: نَعَم، وَ لَکَ أجرٌ متفق‌علیه)

در مکان روحاء کاروانی با رسول‌الله ﷺ ملاقات کرد، پرسیدند چه گروهی هستید؟ گفتند: مسلمان هستیم، آنها گفتند: شما کیستید؟ فرمودند: من رسول‌الله ﷺ هستم، زنی بچه‌ای را روی دست بلند کرد و گفت: آیا برای این بچه حجی است؟ فرموند: آری و برای تو مزد و ثواب است.

پرواضح است که برای والدین بزرگوار اجر و ثواب فراوانی وجود خواهد داشت.

---

۲۷۴. ردالمحتار ۲۳۵/۲.

۲۷۵. زبدةالمناسک ص ۷۳ ـ ارشاد الساری ص ۵۲۱، زبده مع عمده ۶۱.

۲۷۶. أخرجه الشافعی و الطیالسی، القری لقاصد امالقری ص ۸۷.

بخاطر داشته باشیم، پدر و مادرانی که خداوند به آنان مال و ثروت عنایت کرده است به یقین می‌دانند که این ثروت از آن فرزندان هست. پس سعی کنیم از هم‌اکنون فرزندانمان را با دین آشنا سازیم و به‌ویژه آنان را به حج و عمره ببریم تا با حضور در این اماکن مقدسه و میان صالحان بیش از پیش به دین و اهل دین وابسته شوند و راه درست را در پیش گیرند که سعادت ما و شما در آنصورت تضمین خواهد شد.

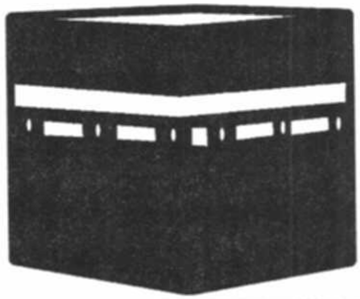
سفر زن برای حج بدون محرم

سفر زن چه برای حج باشد یا عمره و یا هر سفر دیگری بدون محرم جایز نیست برابر است که در کاروان زنانی باشند یا نباشند.

(عن ابن عباس قال: سَمعتُ رَسُولَ‌الله ﷺ یَقُول: لَا یَخلُوَنَّ رَجُلٌ بِامرَاةٍ الَّا وَ مَعَهَا ذُو مَحرَمٍ وَ لَا تُسَافِر امرَاةٌ الَّا مَعَ ذِیَ مَحرمٍ) متفق علیه

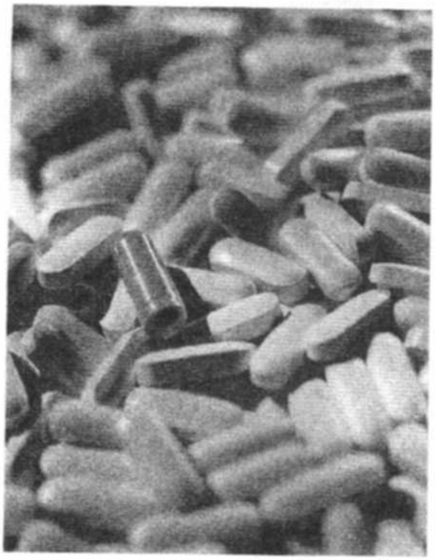
ابن‌عباس فرمود: شنیدم که رسول‌الله ﷺ می‌گوید: هیچ مردی با زنیکه محرمی نزد او نیست خلوت نکند و هیچ زنی بدون محرم به مسافرت نرود.

خواهر عزیز! بیقین بدان که رستگاری و سعادت دنیا و آخرت در فرمانبرداری از دستورات خدا و پیامبرش هست وقتی که آنها اعلام کرده‌اند که بدون محرم حج بر تو فرض نیست پس فریب وسوسه‌های شیطان را نخور و بدون محرم به حج نرو که عاقبتی نیکو ندارد.



زائر عزیز!

سعی کن همیشه قبل از ورود به مسجدالحرام و مسجدالنبی موبایل خود را خاموش کنی.



استفاده‌ی داروی ضدّقاعدگی برای زنان

خواهر عزیز! نیک می‌دانی که هر ماه دچار مشکل می‌شوی و مدتی را مجبوری که نماز نخوانی، در حج نیز این احتمال وجود دارد که بیمار شوی و در صورت بیماری در آنجا دچار مشکل خواهی شد.

بنابراین از هم‌اکنون با یک پزشک مشورت کن و بعضی از داروها هستند که جلوی عادت ماهیانه را می‌گیرند، با هماهنگی پزشک از آنها استفاده کن تا خدای ناکرده در آنجا دچار مشکل نشوی.

(عن ابن‌عمر و سئل عن المرأة تشرب الدواء لیرتفع حیضها لتنفر، فلم یر به بأساً و نعتَ بهم ماءَ الاراک[۲۷۷] ، خرجه سعیدبن منصور)

از حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه پرسیده شد؟ آیا زن می‌تواند دارو مصرف کند تا حیضش مرتفع گردد و بتواند مناسک و اعمال حج را بجا آورد، فرمودند اشکالی ندارد و خود آب اراک را برای این منظور تجویز نمود.

طواف زنان حائض

خواهر عزیز! علیرغم تدابیری که اندیشیده بودی، اگر خدای ناکرده در حین احرام و یا انجام اعمال حج دچار عادت ماهیانه شدی، حال تکلیف چیست؟

نگران نباش، هیچ مشکلی وجود ندارد، می‌توانی همچون سایر زائران به اعمال حج خود

---

۲۷۷ . القری لقاصدام القری ص ۵۶۴.

از قبیل رفتن به منی، عرفات، مزدلفه و رمی جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) بپردازی با این تفاوت تا پایان یافتن ایام قاعدگی کما فی السابق نماز نمی‌خوانی و وارد مسجدالحرام نمی‌شوی و طوّاف نمی‌کنی.

باز این احتمال وجود دارد که قبل از آنکه ایام قاعدگی به اتمام برسد و شما هنوز طواف زیارت را انجام نداده‌ای کاروان قصد پرواز به ایران را داشته باشد، حال تکلیف چیست؟ طبیعی است که حرکت و پرواز کاروانها قبلا برنامه‌ریزی شده و امکان تغییر در آنها وجود ندارد، و از طرفی زیارت یکی از ارکان حج است که اگر زائر آن را انجام ندهد حج او ناقص است و مادامی که آن را انجام نداده همسرش برایش حلال نخواهد بود یعنی زن و شوهر قبل از انجام طواف زیارت اجازه‌ی همبستری ندارند، بازهم نگران نباش، خداوند دینش را خیلی آسان و راحت کرده و بر مسلمانان سختگیری نکرده است، مفتی محمد تقی عثمانی مدظله راه‌حل را چنین بیان می‌دارد: «زن در این حالت (حیض) طواف را انجام دهد و مطابق با مذهب احناف برای جبران آن یک دم (گوسفند) بدهد.»[۲۷۸]

تذکر: امّا اگر چنانچه زن بعد از طواف زیارت و قبل از طواف وداع (که واجب است) دچار مشکل قاعدگی شد، حال تکلیف چیست؟ در اینصورت زن می‌تواند بدون طواف وداع مکه را ترک کند و هیچ جریمه‌ای برای ترک وداع بر وی لازم نیست.

(عن ابن عمر رضی الله عنه قال: من حج البیت فلیکن آخر عهده بالبیت الّا الحُیّض و رخص لهن رسول‌الله صلی الله علیه وسلم)[۲۷۹]

حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه فرمودند: «کسی که حج بیت‌الله را بجا می‌آورد، آخرین عمل او (طواف وداع) بیت‌الله باشد مگر زنان حائض که به آنان اجازه داده است. (بدون طواف وداع مکه را ترک کنند)

آیا بعد از بجاآوردن عمره مفرده حج واجب می‌شود؟

بعضی را تصور بر این است که اگر عمره مفرده بجا بیاوریم، حج بر ما به صرف بجاآوردن عمره هرچند که واجد شرایطش نباشیم فرض می‌شود و بخاطر همین پندار غلط از رفتن

---

۲۷۸ . درس ترمذی ۸۱۲/۳.

۲۷۹ . ترمذی حدیث شماره ۴۴۹.

به عمره مفرده، سرباز می‌زنند درصورتیکه این تصوری بیش نیست و از نظر شرعی چنین چیزی وجود ندارد.

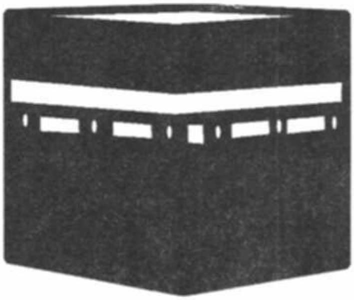
یعنی با بجاآوردن عمره مفرده بر کسی حج فرض نمی‌شود.[280]

اما اگر چنانچه فردی در ایام حج به مکه‌ی مکرمه رفت و عمره بجا آورد در این صورت حج بر وی فرض می‌گردد و باید در آنجا بماند و حج بجا بیاورد و سپس برگردد.[281]

---

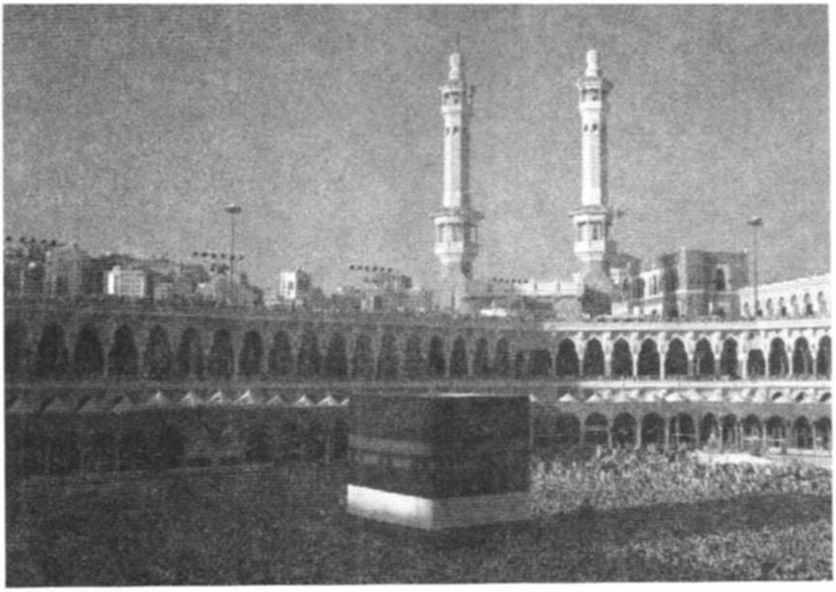
۲۸۰ . فتاوی عثمانی ۵۰۲/۲.

۲۸۱ . مصدر فوق ص ۷۰۲ زبدةالمناسک مع عمده ص ۱۲.



زائر عزیز!

هرگاه در انجام عملی دچار شک و تردید شدی، قبل از انجام آن از روحانی کاروان سئوال کن.



در مکه‌ی مکرمه تکرار عمره افضل است یا کثرت طواف؟

بسیاری از مردم عوام هنگامیکه به حج یا عمره می‌روند، دوست دارند تا وقتی که آنجا یعنی در مکه‌ی مکرمه هستند مرتب و همه‌روزه بروند به مسجد تنعیم[۲۸۲] و از آنجا محرم شده

و عمره انجام دهند، حال سؤال این است، که تکرار عمره افضل است یا کثرت طواف؟!

تردیدی نیست که اصلیترین هدف از انجام عمره طواف خانه‌ی خداست و از آنجاییکه حضرت عایشه رضی الله عنها از آنجا (مسجد تنعیم) محرم شده‌اند، بستن احرام از آنجا جایز است.[۲۸۳]

اما این عمل یعنی تکرار عمره از مکه از رسول‌الله صلی الله علیه و سلم و صحابه‌ی کرام رضی الله عنهم ثابت نیست.

«از رسول‌الله روایت نشده که در طول مدت اقامتش در مکه‌ی مکرمه چه قبل از هجرت و چه بعد از هجرت هنگامیکه به مکه‌ی مکرمه آمده‌اند، از حرم خارج شوند و از حل احرام بسته وارد شوند و عمره بجا آورند و فقط هنگامی که رسول‌الله وارد شهر مکه‌ی مکرمه شده‌اند با احرام بوده‌اند و عمره بجا آورده‌اند، اما آنچه را که مردم امروزه انجام می‌دهند نه رسول‌الله صلی الله علیه و سلم انجام داده و نه هیچ احدی از صحابه، در طول در زندگیشان چینن کاری کرده‌اند.»[۲۸۴]

---

۲۸۲ . مسجد تنعیم یا مسجد عایشه رضی الله عنها مسجدی است که در آن مکان ام‌المؤمنین عایشه ۲ برای ادای‌عمره به همراه برادرش محرم شد و نزدیکترین مکان حل است و قبلا ۷/۵ کیلومتر با حرم فاصله داشتهاما امروزه جزء شهر محسوب می‌شود.

۲۸۳ . فتح الباری ۸۷۴/۲.

۲۸۴ . مجموعه فتاوی ۱۴/۶۲.

و خداوند اعلام کرده است (لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوةٌ حسنةً) و کفی به اسوةً و باصحابه.

نکته‌ی قابل تأمل و درنگ اینجاست که صحابه‌ی کرام حریصترین مردم برای کسب ثواب و پیشقدمترین امت برای انجام کارهای خیر بوده‌اند و از طرفی برای رسیدن به مکه‌ی مکرمه ده‌ها روز و یا ماه‌ها رنج سفر را متحمل می‌شده‌اند، و فرصت رسیدن به حرم سخت دشوار بوده اما با همه‌ی این تفاصیل هرگز آنان اقدام به چنین کاری نکردند.

اگر چنانچه کثرت عمره افضل می‌بود آنان تا زمانی که آنجا بودند فرصت را غنیمت شمرده و آن را از دست نمی‌دادند و همه روزه عمره بجا می‌آورند؟ اما چنین نکرده‌اند.

اغلب کسانیکه اینکار را انجام می‌دهند برای توجیه کارشان از روایت ام‌المؤمنین عایشه ﵂ استدلال می‌کنند. درصورتیکه استناد به این روایت برای اثبات آنچه که امروزه عوام‌الناس انجام می‌دهند جای تأمل دارد چون بنا به اعتقاد بسیاری از علماء ام‌المؤمنین عایشه﵂ عمره را فسخ کردند و مفرد شدند. پس عمره‌ای که ام‌المؤمنین بجا آوردند، تکرار عمره نبود بلکه یک عمره‌ی مستقل بود.

ثانیاً؛ اگر تکرار عمره افضل می‌بود لااقل عبدالرحمن بن ابی‌بکر﵄ که همراه او بود، و خواه‌ناخواه تا پایان مراسم عمره مجبور بود صبر کند، می‌طلبید که خودش هم محرم شود و این فرصت را از دست ندهد، اما در تمام منابعی که در دسترس بوده چنین مطلبی از ایشان نقل نشده است.

ثالثاً؛ کاروان صحابه‌ی کرام که همراه رسول‌الله بودند خواه ناخواه تا بازگشت ام‌المؤمنین ﵂ ناچار بود که توقف کند و فرصت انجام عمره برایشان فراهم بود اما هیچکدام از صحابه که حقیقتاً برای کسب ثواب و سبقت در کارهای خیر پیشقدم بودند، از رسول‌الله ﷺ اجازه نگرفتند که همراه ام‌المؤمنین عایشه و برادرش عبدالرحمن به تنعیم بروند و عمره‌ی دیگری انجام دهند.

رابعاً؛ امامانی چون امام مالک در طول سال بیشتر از یک عمره را که از شهر خود زائر انجام شود و از میقات محرم گردد مکروه می‌شمارند.[۲۸۵] اما هیچ احدی کثرت طواف را مکروه نگفته بلکه بر استحباب آن اجماع دارند.[۲۸۶]

علاوه از امام مالک«ره»، ائمه بزرگوار دیگری هم قایل به این نظر بودند که در طول سال

---

۲۸۵ . فتح الباری ۸۷۴/۲ ـ القری ص ۴۳۳.

۲۸۶ . القری لقاصدام القری ص ۴۳۳.

بیش از یک عمره مکروه است.

(عن محمد: «کَانَ لَا یَرىَ العُمرَةَ الَّا فيِ السَّنَةِ مَرَّةً»)[287] امام محمد در سال قایل به بیش از یک عمره نبود.

(عن ابراهیم قال: مَاکَانُوا یَعتَمِرُونَ فیُ السَّنَةِ الَّامَرَّةً واحِدَةً)

ابراهیم می‌گوید ـ سلف صالح ـ در سال بیش از یک بار عمره بجا نمی‌آوردند.

(عن عمرو قال: کان الحسن لا یری العمرة الّا فی کل سنةٍ)

حسن ـ بصری ـ در سال به بیش از یک بار عمره بجا آردن معتقد نبود.

خامساً؛ بسیار مشاهده شده که زائر بزرگوار در آخرین روزهای سفر به قصد عمره رفته و ندانسته مرتکب محظوری شده که بر او دم واجب گردیده درحالیکه هیچ پولی برای خرید دم همراه نداشته و همسفرها نیز همینطور، و این زائر با کوله‌باری از اندوه و نگرانی از وجوب دم بر گردنش بازگشته واگر توفیق یارش شده بعدها با یکی از خویشاوندان مبلغی را فرستاده تا در حرم آن گوسفند خریداری شده و در آنجا ذبح گردد و یا بعضاً آن را به طاق نسیان نهاده و هیچ کاری را انجام نداده و یا بعضاً همان خویشاوند هم که به زیارت رفته فراموش کرده است.

سادساً؛ بعضاً مشاهده می‌شود که زائر به عمره رفته و پس از بازگشت یک‌چهارم سرش را امروز تراشیده و با همین حالت به هتل آمده که بله قصد دارم هر روز عمره‌ای انجام دهم و هر روز یک‌چهارم سرم را بتراشم درصورتیکه رسول‌اللهﷺ از اینکار نهی فرموده‌اند (نَهی رَسُولُ‌اللهﷺ عَنِ القَزَعِ)[288].

قزع این است که بخشی از سر را بتراشی و بخشی دیگر را بگذاری که این زائران مرتکب چنین عملی می‌شوند.

علامه محب‌الدین طبری[289] می‌نویسد «که این تکرار عمره خطاست و نادرست، و دلیل بر نادرستیش مخالفت با سلف صالح است چون تکرار و اکثار عمره نه از رسول‌اللهﷺ

---

۲۸۷ و ۴ و ۵. مصنف ابن ابی‌شیبه ۲/۴-۰.

۲۸۸ .بخاری حدیث شماره ۱۲۹۵.علامه ابن قیم ره می‌گوید: شیخ ما فرمود «و این بیانگر کمال محبت‌الله تبارک و تعالی و رسولش بهعدالت است که به انسان حتی در مورد خودش هم بدان امر نموده و او را از اینکه بخشی از سرش رابتراشد و بخشی را رها کند نهی کرده است زیرا که این عمل در حق سر نوعی ظلم و ستم است که ـ گویا ـبخشی از آن لباس پوشیده و بخش دیگر عریان است. تحفةالودود فی احکام المولود ص ۳۸.

۲۸۹ . ایشان در این موضوع کتاب مستقلی دارند بنام «عواطف النصرة فی تفضیل الطواف علی العمره» شفاءالغرام ۹۳۳/۱.

ثابت است، نه از صحابه، نه از تابعین و نه از تبع تابعین و رسول‌اللهﷺ در طول عمرشان چهار عمره انجام داده‌اند و در هیچ سفری بیشتر از یک عمره انجام نداده‌اند.»[۲۹۰]

انس‌بن مالک به مدینه منوره آمد و عمربن عبدالعزیز نزد وی رفت و از او پرسید که آیا برای غرباء (آنانکه از دوردست می‌آیند) ـ تکرار ـ عمره افضل است یا طواف؟ فرمودند: طواف.

و از ابن‌عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمودند: (یا اهل مکة ماعلیکم الا تعتمروا، انما عمرتکم طوافکم بالبیت)[۲۹۱]

ای اهل مکه حرجی بر شما نیست که عمره نکنید، همانا عمره‌ی شما طواف شماست که کنار بیت‌الله انجام می‌دهید. اشاره به این دارد که اشتغال شما به طواف از اشتغال به عمره افضل است.

و طاووس که یکی از بزرگترین ائمه است می‌گوید: کسانیکه از تنعیم عمره انجام می‌دهند نمی‌دانم که بر انجام اینکار پاداش و اجری هم داده می‌شوند یا معذَّب می‌شوند، گفته شد چگونه معذّب می‌شوند. گفت: چون طواف بیت‌الله را ترک می‌کنند و تا قریب به چهار میل میروند و برمی‌گردند ـ یعنی این رفت و برگشت تعذیب خویشتن است.

سابعاً؛ رسول‌اللهﷺ پس از سالها اشتیاق و بعد از مشاهده‌ی یک خواب با جمعی از اصحاب کرام قریب به ۱۴۰۰ نفر در سال ششم هجری به قصد عمره آمدند و کفار از ورودشان به مکه، مکرمه ممانعت نمودند و سرانجام صلح حدیبیه پیش آمد و از جمله بندهای پیمان‌نامه یکی این بود که از سال بعد برای عمره بیایند و این بار هرچند که محرم هم بودند بایستی برگردند و رسول‌اللهﷺ پذیرفت.

نکته‌ی قابل تأمل و درنگ این است سال بعد وقتی که رسول‌اللهﷺ و یارانش به عمره تشریف آوردند هیچکدام از آنها نگفتند چون عمره‌ی پارسال را از دست داده‌ایم پس امسال علاوه بر این عمره، عمره‌ی دیگری را هم انجام می‌دهیم. بلکه همه به همان یک عمره اکتفا کردند.

قبلا متذکر شدیم که هدف غایی و نهایی انجام عمره طواف بیت‌الله الحرام هست. و این امر میسر است و ممکن؛ و هیچ احدی از علماء کثرت طواف را مکروه نگفته بلکه به آن تشویق هم کرده‌اند و این عمل از رسول‌اللهﷺ و اصحاب کرام بدون هیچ تردیدی ثابت است.

---

۲۹۰. القری لقاصدام القری ص ۲۳۳.

۲۹۱. مصدر فوق ص ۳۳۳.

اما در مقابل تکرار عمره از مکه‌ی مکرمه از هیچ احدی نه از رسول‌اللهﷺ و نه از اصحاب کرام و نه از تابعین و یا حتی از اتباع تابعین هم ثابت نیست، گذشته از همه بسیاری کثرت عمره را در سال ـ بویژه از مکه‌ی مکرمه ـ مکروه می‌دانند و فضایل طواف را در مباحث متعلق به آن بیان کردیم ولی باز در اینجا به ذکر چند روایت می‌پردازیم.

عن ابن عمرؓ قال: (سمعت رسول‌اللهﷺ یقول: من طاف بالبیت لم یرفع قدماً و لم یقع له اخری الّا کتبت له حسنة و حطت عنه خطیئة و رفعت له بها درجة و سمعته یقول: من احصی اسبوعاً کان کعدل رقبة)[۲۹۲]

حضرت عبدالله‌بن عمرؓ گفت شنیدم که رسول‌اللهﷺ می گوید: کسیکه طواف خانه‌ی کعبه را انجام دهد هیچ قدمی برنمی‌دارد مگر اینکه در مقابل آن برایش یک نیکی (ثواب) نوشته شده و یک گناه از او برداشته شده و یک درجه برایش افزوده می‌شود. و کسیکه هفت دور یک طواف را انجام دهد گویا یک برده ـ در راه خدا ـ آزاد کرده است.

عن‌ابن عباسؓ قال: (من طاف بالبیت خمسین اسبوعاً خرج من الذنوب و کیوم ولدته امه)[۲۹۳]

کسی که پنجاه تا هفت دور، گرد خانه‌ی خدا بگردد یعنی پنجاه طواف انجام دهد از گناهان ـخارج می‌شود یعنی گناهانش آمرزیده می‌شوند ـ همچون روزی که مادرش او را بدنیا آورده است یعنی آنچنان که روز تولد پاک بیگناه بوده، اینک نیز با این ۵۰ طواف چنین می‌شود.

آیا تکرار حج و عمره افضل است یا انفاق بر فقراء؟

آنان که لذّت حضور را در محضر یار مزّه کرده‌اند، اینک که دیگر بار به دعوت یار به این ضیافت ملکوتی و پربار فراخوانده شده‌اند، چسان می‌توانند، سرباز زنند و فرصت از دست بدهند، نه تنها که نمی‌توانند فرصت از دست دهند بلکه به سر خواهند دوید، چه که از دیرباز گفته‌اند، «از تو به یک اشاره، از ما به سر دویدن».

اما آنانکه به بارگاه حضرتش بار نیافته‌اند و حلاوت حضور را نچشیده‌اند، هرگز قادر به درک آن نخواهند بود، چون با «حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود» به همین خاطر بر آن عاشقان شیفته که دوست دارند در محضر یار حضور یابند و جبین به زمین

---

۲۹۲ و ۲. مصنف ابن ابی‌شیبه ۲۹۱/۴.
۲۹۳

بسایند و بسان پرنده‌ای سبکبال در آسمان بیکران نور و رحمتش به پرواز درآیند، خورده می‌گیرند و زبان به طعن می‌گشایند که چرا اینها اینهمه به مکه و مدینه و به حج و عمره می‌روند؟!

چرا این پول را صرف فقراء و مساکین نمی‌کنند؟... خداوند به اغنیا دستور داده است که حال فقرا را مراعات کنید و در اموال اغنیاء زکات یک چهلم (دو و نیم درصد) را فرض کرده که بطور حتم و وجوب باید به فقراء و نیازمندان داده شود.

بازهم اغنیاء و ثروتمندانی را که علاوه از مقدار واجب بر فقراء صدقه می‌کنند مورد ستایش قرار داده است تا دیگر اغنیاء به آنان تاسی جویند و انفاق کنند (وَ فِي اَموَالِهِم حَقّ لِلسَّائِلِ وَالمَحرُوم).

و از دیگر سو بر اغنیا حج را فرض کرده که آن را بجا آورند نه اینکه هزینه‌اش را صرف فقراء نمایند.

و رسول مکرم اسلام ﷺ فرمودند: (تَابِعُوا بَينَ الحَجَّ وَ العُمرَةِ فَاَنَّهُمَا يَنفِيَانِ الفَقرَ وَ الذُّنُوبَ لِمَا تَنفِي الكِيرُ خُبُثَ الحَدِيدِ وَ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ)[۲۹۴]

حج و عمره را پشت سرهم انجام دهید زیرا که آندو فقر و گناهان را می‌زدایند آنگونه که آتش زنگار را از آهن و طلا و نقره می‌زداید.

باز فرمودند: (العمرة الى العمرة كفّارة لما بينهما و الحج المبرور ليس له جزاءٌ الّا الجنة)[۲۹۵]

از عمره تا عمره‌ی دیگر کفّاره‌ی گناهانی است که میان دو عمره واقع می‌شود و حج مقبول را پاداشی جز بهشت نیست.[۲۹۶]

چه کسی چنین فرصت گرانبهایی را از دست می‌دهد؟ وانگهی یک نماز در مسجدالحرام برابر با یکصدهزار نماز در جاهای دیگر است و یک نماز در مسجد نبوی افضل از هزار نماز در جاهای دیگر است.

کوتاه سخن اینکه تکرار حج و عمره از انفاق بر فقراء و مساکین افضل و بهتر است.[۲۹۷]

گویند که امام ابوحنیفه«ره» قبل از آنکه به حج مشرّف شوند می‌گفتند که صدقه از حج

---

۲۹۴ . رواه الترمذی.

۲۹۵ . بخاری حدیث شماره ۳۷۷۱.

۲۹۶ . و باز فرمودند: "الحج یهدم ماکان قبله" حج گناهان پیشین را منهدم می‌گرداند.

۲۹۷ . ارشادالساری الی مناسک الملاعلی قاری ص ۶۲۵ ـ مجموعه فتاوی ابن تیمیه ـ ردالمحتار ۱۲۶/۲.

(و عمره) نفلی افضل است. امّا پس از آنکه توفیق یارشان شد و به حج تشریف بردند و مشقتها (و حلاوتش) را احساس کردند، از نظر خویش برگشتند و اعلام کردند که حج (و عمره) نفلی از صدقه افضل است.[۲۹۸]

و از طرفی خود رسول‌اللهﷺ چهار عمره انجام دادند و نفرمودند که این فقط به من اختصاص دارد و دیگران عمره را تکرار ننمایند و صحابه‌ی کرام(رض) اغلب به کرات و مرات به سفر حج و عمره می‌رفتند و هیچ کدام نفرمودند که نیازی به تکرار حج / عمره نیست و باید مبلغ آن صرف فقرا شود. اما اگر یک زائر فقیری را دید که واقعاً مستحق است و نیازمند و قصد نمود که بجای رفتن به حج یا عمره نفلی هزینه‌اش را بدان فقیر بدهد و چنین کرد بی‌هیچ تردیدی نزد خداوند ماجور است و کسی او را ممانعت نمی‌کند.

حج مبرور چیست؟

رسول‌اللهﷺ فرمودند: (الحج المبرور لیس له جزاءً الّا الجنة).[۲۹۹]

حج مبرور (مقبول) پاداشی جز بهشت ندارد.

اغلب شارحان حدیث حج مبرور را به حج مقبول ترجمه کرده‌اند.[۳۰۰]

حال سؤال این است که حج مبرور چیست؟ و یا اگر مبرور به معنی مقبول است علائم حج مقبول کدامند؟ در توضیح این مسئله نظریات گوناگونی بیان شده است که به ذکر بعضی از آنها بسنده می‌نماییم.

۱ ـ (عن جابر قیل یا رسول‌الله ما بِرُّ الحَجِّ؟ قَالَ اطعَامُ الطَّعَامِ وَ افشَاءُ السَّلَامِ)[۳۰۱]

از رسول‌اللهﷺ پرسیده شد، حج مبرور چیست؟ فرمودند... این است که زائر ـ فقرا و نیازمندان ـ را اطعام کند و سلام را میان مردم گسترده بگرداند یعنی هرکس را که دید سلام کند.

---

۲۹۸ . ارشادالساری الی مناسک الملاعلی قاری ص ۶۲۵ درالمحتار ۱۲۶/۲.

۲۹۹ . بخاری/۳۷۷۱ مسلم ۹۴۳۱.

۳۰۰ . فتح الباری ۷۹۲/۳.

۳۰۱ . رواه احمد والحاکم و فی اسناده ضعف قال الحافظ فی الفتح لو ثبت لکان هوالمتقین المتقین لا غیرهفتح الباری ۸۹۲/۳.

۲ ـ در روایت دیگری چنین وارد شده است: (انَّ بِرَّهُ اِطعَامُ الطَّعَامِ وَ لِینُ الکَلاَمِ)[۳۰۲]
علامت مقبولیت حج این است که زائر نیازمندان را اطعام کند و با مردم به نرمی و ملایمت برخورد کند و سخن گوید.

۳ ـ قال الحسن: (ان یَرجِعَ زَاهِداً فِي الدُّنیَا رَاغِباً فِی الآخِرَة)[۳۰۳]
حسن«ره» (بصری) گفته علامت مقبولیت حج این است که زائر در حالی از سفر حج باز بگردد که از دنیا روی برتافته و به آخرت روی آورده باشد یعنی بعد از حج دلبستگی‌اش از دنیا کاسته شده و علاقه‌اش به آخرت و امور اخروی افزوده شده باشد.

۴ ـ (الحج المبرور هوالحج الذی لا یخالطه اثم)[۳۰۴]
حج مبرور حجی است که هیچ گناهی در آن انجام نپذیرد و یا به دیگر سخن هیچ گناهی با آن در نیامیزد.

۵ ـ (فان رجع خیراً مما کان، عرف انه مبرور)[۳۰۵]
اگر چنانچه زائر از حج در حالی بازگشت که از قبل بهتر شده بود اخلاقش، رفتارش، کردارش، معامله‌اش و... فهمیده می‌شود که حج او مقبول و در بارگاه حق پذیرفته شده است.

و نویسنده سبل السلام نیز همین مطلب را با تعبیری دیگر بیان داشته و در واقع با نظر فوق موافق است.[۳۰۶]

۶ ـ (قِیلَ الَّذِی لَا رِیَاءَ فِیه وَ لَا سُمعَة وَ لَا رَفَثَ وَ لَافُسُوقَ)[۳۰۷]
گفته شده که حج مبرور آن است که در آن ریاء نباشد و به قصد شهرت‌طلبی انجام نگرفته و در آن هیچ گناهی انجام نشده باشد.

۷ ـ (قیل علامهٔ برّ الحج ان یزداد بعده خیراً و لا یعاودالمعاصی بعد رجوعه)[۳۰۸]
گفته شده که علامت مقبولیت حج این است که زائر بعد از بجاآوردن حج بهتر شده

---

۳۰۲. فقه السنة ۵۵/۱.
۳۰۳. مصدر فوق الجامع لاحکام القرآن ۲۳/۲.
۳۰۴. فتح الباری /۷۹۲ ـ تحفهٔ‌الاحوذی ۳۴۲/۳ ـ القری ص ۴۲.
۳۰۵. فتح الباری ۸۹۲/۳.
۳۰۶. سبل السلام ۲۹۶/۲.
۳۰۷. القری لقاصدام القری ص ۴۲.
۳۰۸. القری لقاصدام القری ص ۴۲.

باشد و بعد از بازگشت مجدداً مرتکب گناه نگردد.

۸ ـ (قال القرطبی: الاقوال التی ذکر فی تفسیرالحج المبرور متقاربهٔ المعنی و هی انه الحج الذی وفیّت احکامه، فوقع موقعالما طلب من المکلف علی الوجه الاکمل)[۳۰۹]

علامه قرطبی «ره» فرموده اقوالی که در تفسیر و تشریح حج مبرور ذکر شده‌اند همه از نظر معنی به هم نزدیکند و حج مبرور عبارت است از حجی که تمام احکام آن کاملا انجام شده باشند.

۹ ـ در جایی دیگر فرمودند: «آن است که در حین ادای آن نافرمانی خدا نشود و بعد از آن هم همینطور»[۳۱۰].

و فرد مکلف (زائر) آن را در کاملترین صورتی که از او مطالبه و خواسته شده بجا بیاورد.

زائر عزیز اگر می‌خواهی بدانی که حج تو مقبول بارگاه احدیت شده موارد مذکور را به دقت در زندگی خود زیر ذره‌بین قرار بده.

۱ ـ در هنگام حج مرتکب هیچ گناهی نشو؛

۲ ـ نیتت را خالص بگردان بگونه‌ای که در آن ریاء و شهرت‌طلبی نباشد؛

۳ ـ آن را در کاملترین شکل و صورت و با رعایت کلیه دستوراتش انجام بده؛

۴ ـ به فقراء و نیازمندان کمک کن و بویژه بسیار اطعام کن؛

۵ ـ سعی کن بسیار به مردم سلام کنی؛

۶ ـ سعی کن با مردم با نرمی رفتار کنی نه با درشتخویی؛

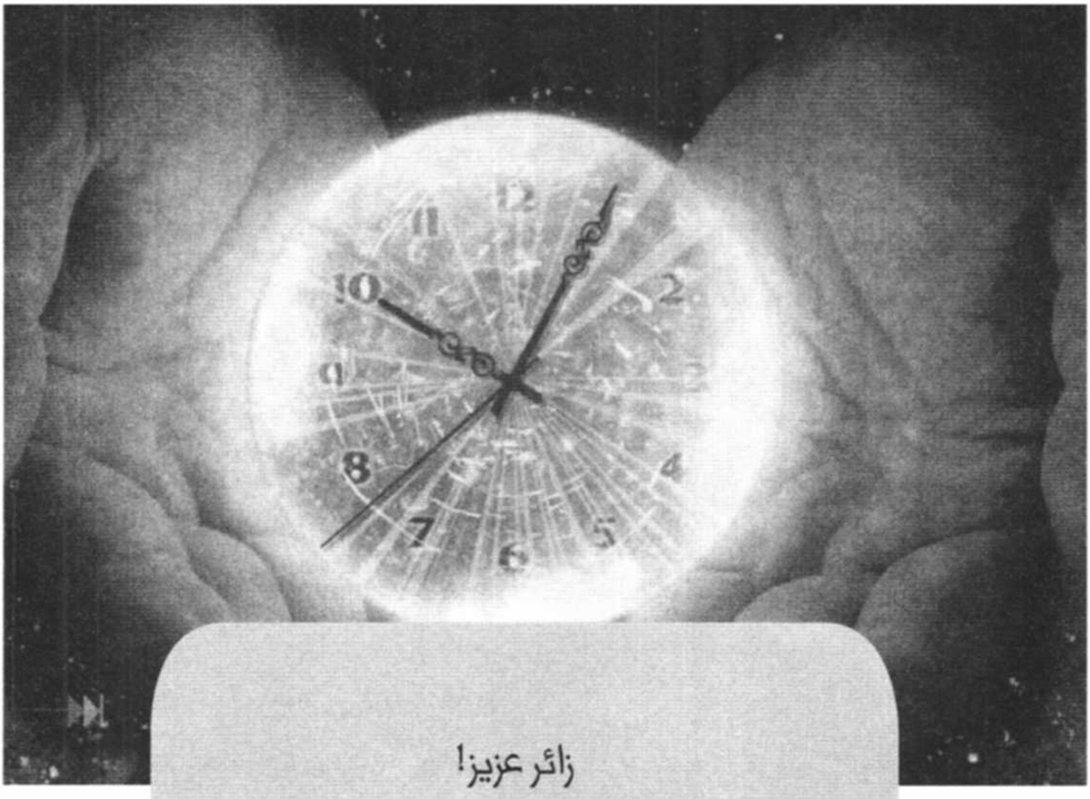
۷ ـ سعی کن بعد از بازگشت از حج حالت به مراتب بهتر از قبل باشد؛

۸ ـ بعد از بازگشت از حج گرد گناهان مگرد.

---

۳۰۹. فتح الباری ۸۹۲/۳، تحفهٔ‌الاحوذی ۲۴۲/۳ و نیل الاوطار ۶۱۳/۴.

۳۱۰. الجامع لاحکام القرآن = تفسیر قرطبی ۰۲۳/۲.



زائر عزیز!

هیچ سفری خالی از مشکلات نیست، پس بخاطر مشکلات سفر از حضور در طواف و نماز جماعت، غافل مشو چون فرصت خیلی اندک است!

حج اکبر چیست؟

عموم مردم را تصور بر این است که هرگاه روز عرفه با روز جمعه مصادف شود، حج آن سال، حج اکبر است.

حال این تصور صحیح است یا خیر؟ خیر چنین تصوری صحیح نیست.[۳۱۱]

(عن علی رضی الله عنه قَالَ سَأَلتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و سلم عَن یَومِ الحَجِّ الاَکبَرِ فَقَالَ «یَومُ النَّحرِ»)[۳۱۲]

حضرت علی رضی الله عنه گوید از رسول‌الله صلی الله علیه و سلم در مورد «یوم الحج الاکبر» پرسیدم ـ که حج اکبر چه روزی است؟ ـ فرمودند یوم النحر (روز عیدقربان) بسیاری از علما بر این باورند که به عمره حج اصغر و به حج، حج اکبر می‌گویند و بعضی دیگر قران را حج اکبر و افراد را حج اصغر گویند.[۳۱۳]

---

۳۱۱ . تحفة‌الاحوذی ۴۹۳/۳.

۳۱۲ . ترمذی حدیث شماره ۷۵۹.

۳۱۳ . ارشادالساری الی مناسک الملاعلی القاری ص ۶۲۵ ـ لازم به یادآوری است که ملاعلی قاری«ره» دراین موضوع رساله‌ای دارند بنام «الحظ الاوفر فی الحج الکبر» و این رساله در ضمن ارشادالساری بچاپرسیده است.و در آنجا متذکر شده‌اند که در مورد «یوم الحج الاکبر» چهار نظریه وجود دارد :۱ ـ یوم الحج الاکبر روز عرفه است.۲ ـ یوم الحج الاکبر روز عیدقربان است.۳ ـ یوم‌الحج الاکبر طواف افاضه است.۴ ـ یوم الحج الاکبر تمامی ایام حج مراد می‌باشند. (الحظ الاوفر فی الحج الاکبر، ضمیمه‌ی ارشادالساری‌ص ۸۲۵.)عن ابن عمر رضی الله عنه وقف النبی صلی الله علیه و سلم یوم النحر بین الجمرات فی الحجة التی حج بهذا و قال هذا یوم الحجالاکبر. (فتح‌الباری ۵۵۴/۳)

ثواب نماز حرم با نماز مسجدالحرام برابر است

از آنجایی که در ایام حج بخاطر بعد مسافت هتل‌ها، ازدحام جمعیت، ترافیک و کهولت سن زائران رفتن به مسجدالحرام و شرکت در نماز جماعت سخت دشوار می‌باشد و بسیاری از زائران بیت‌الله الحرام ناچاراً در هتل‌ها و یا مساجد کنار هتل‌ها نمازهای پنجگانه را می‌خوانند و بخاطر نرسیدن به نماز مسجدالحرام سخت اندوهناک و غمگین می‌شوند و بعضی سعی دارند به هر وسیله‌ی ممکن خود را به نماز مسجدالحرام برسانند و اگر چنانچه به زنی یا پیرمردی بگویی که در هتل و یا مسجد کنار هتل نماز بخوان رنجیده‌خاطر می‌شود.

حال می‌خواهیم بدانیم که فضیلت یکصد هزار برابر نماز مختص نماز خواندن در مسجدالحرام هست یا خیر تمام حرم را شامل می‌شود؟

تردیدی نیست که نماز در مسجدالحرام و روبروی بیت‌الله از هر جای دیگر افضل و بهتر است و رسول مکرم اسلام فرمودند: «یک نماز در مسجدالحرام برتر از یکصدهزار نماز در جاهای دیگر است.»

حال سؤال این است که این فضیلت مختص نماز در مسجدالحرام هست؟ یا در تمام حرم؟

چون در ایام حج بخاطر بعد مسافت هتل‌ها، ازدحام جمعیت و اغلب کهولت سن زائران، رفتن به مسجدالحرام کاملا میسر نیست، و بسیاری از زوار بیت‌الله در هتل‌ها و یا در مساجد کنار هتلها نمازهای روزانه را بجا می‌آورند، و بسیار مشاهده شده است که بخاطر نرسیدن به نماز مسجدالحرام سخت اندوهگین شده‌اند، و بسیاری با هزار مکافات سعی می‌کنند خود را به حرم برسانند تردیدی نیست که خواندن نماز در مسجدالحرام و مقابل بیت‌الله الحرام حلاوتی وصف‌ناشدنی دارد و آرزوی هر زائر که چه عرض کنم، آرزوی هر مسلمانی است.

امّا از آنجاییکه اسلام دین رحمت و آسانی است از دیرباز بسیاری از علمای اسلام راجع به این موضوع اظهارنظر کرده‌اند که برخی از نظرات آن بزرگواران از نظرتان خواهد گذشت. بعضی از علماء آن را مختص مسجدالحرام دانسته‌اند و گروهی آن را به تمام حرم تعمیم داده‌اند که افراد زیر از آن جمله‌اند ربیع‌بن ضبیح از عطاءبن ابی رباح پرسید: ای ابا محمد آیا این فضیلت که درباره‌ی نماز گفته می‌شود فقط در مسجدالحرام است یا

در همه‌ی حرم؟ گفت: بلکه در تمام حرم.[۳۱۴]

و ابن‌قیم جوزی نیز فضیلت نماز را به تمام حرم ترجیح داده است.[۳۱۵] و در این باره بحث ارزشمندی دارد. و از میان علمای معاصر مرحوم عبدالعزیزبن باز نیز این نظریه را ترجیح داده است.[۳۱۶]

به هر تقدیر اگر چنانچه زائری نتوانست برای نماز مسجدالحرام شرکت نماید نمازش در حرم ان شاءالله همان ثواب را خواهد داشت. پس زنان، پیران و ناتوانان که قادر به شرکت در نماز مسجدالحرام نیستند بدون دغدغه‌ی خاطر در مسجد کنار هتلشان نماز بخوانند و نگران نباشند.

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه فرمودند: «الحرم کلّه هو المسجدالحرام»[۳۱۷] حرم تماماً مسجدالحرام است.

حج از طرف میّت

(عن ابن عباس رضی الله عنه اَنّ امرَاةً من جُهَینَه جَائَت الیَ النَّبیِّ صلی الله علیه وسلم: فَقَالَت: اَنّ اُمِّی نَذَرَت أَن تَحُجَّ، وَ لَم تَحُجَّ حَتَّی مَاتَت، أَفَأَحُجُّ عَنها؟ قَالَ: حُجِّی عَنهَا، اَرَأیتِ لَو کَانَ علی أمِّکِ دَینٌ اَکُنتِ قَاضِیته، اقضُوا حَقَّ الله، فَهُوَ أَحَقُّ بالوَفَاء)[۳۱۸]

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند: «که زنی از قبیله‌ی جهینه نزد رسول‌الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: مادرم نذر کرده بود که حج کند ولی حج نکرد تا آنکه از دنیا رفت، آیا من از طرف او حج بجا بیاورم؟

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آری از طرف او حج کن، چه می‌گویی؟ اگر بر ذمّه‌ی مادرت قرضی باشد، آیا قرض او را پرداخت می‌کنی؟ پس قرض خدا را ادا کنید، زیرا خداوند سزاوارتر است که به حق او وفا شود.

(عن ابن عباس قال: اتی رسول‌الله رجل فقال له انّ ابی مات و علیه حجة الاسلام، افاحج عنه؟ قال: ارایت لو ان اباک ترک دیناً علیه اقضیته عنه؟ قال: نعم قال فاحجج عن ابیک)[۳۱۹]

اگر چنانچه فرد برای حج کردن از طرفش وصیت نکرد و از دنیا رفت، اما ورثاش تبرعاً

---

۳۱۴. زادالمعاد ۳۰۳/۳.

۳۱۵. فضایل و احکام مکه ص ۱۶.

۳۱۶. مجموع فتاوی ابن باز ۰۳۱/۴.

۳۱۷. القری ص :۷۵۶ و آیاتی چون والمسجدالحرام الذی جعلناه للناس سواءً... و سبحان الذی اسری‌بعبده لیلا من المسجدالحرام... این نظریه را تأیید می‌نمایند. مصدر فوق.

۳۱۸. بخاری شماره ۲۵۸۱.

۳۱۹. سنن الدار قطنی ۰۶۲/۲ حدیث شماره ۱۱۱.

از طرف او حج بجا آوردند و یا یکی را از طرف او به حج فرستادند، جایز است و این از حج فرض او ـ متوفی ـ محسوب می‌شود ان شاءالله.[۳۲۰]

ثواب / حج از طرف میّت

(عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: من حج عن میّت کتب للمیت حجة، و للحاج سبعة حجاتٍ و فی روایة: و للحاج براءَة من النار)[۳۲۱] أخرجه ابوذر

حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنهما گفت: کسیکه از جانب یک میّت حجی بجا بیاورد، برای میّت یک حج و برای زائر ـ ثواب ـ هفت حج نوشته می‌شود و در روایت دیگری چنین آمده است که برای زائر برائت از آتش جهنم نوشته می‌شود.

فضیلت و ثواب حج از طرف پدر و مادر

در اینکه پدر ومادر بر گردن فرزندان حقوق فراوانی دارند تردیدی وجود ندارد. نزد قاطبه‌ی بشریت والدین از جایگاه بسیار والایی برخوردار بوده و هستند.

خداوند متعال در آیات بیشماری پس از بیان توحید بلافاصله فرزندان را مخاطب قرار می‌دهد و به آنان امر می‌کند که برای پدر و مادر خود احسان و نیکی کنند. از جمله

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَـٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾﴾ (اسرا: ۲۳)

(وَ اِذاَخَذنَا مِیثَاقَ بَنیِ اِسرَائِیلَ لَا تَعبُدوُا الَّا الله وَ بِالوَالِدَینِ احسَاناً...)[۳۲۲]

اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری بر اهمیّت والدین و احترام گذاشتن به آنان تأکید کرده است تا آنجا که رسول‌الله ﷺ نافرمانی والدین را از گناهان کبیره شمرده و رضای و خشم پروردگار را به رضایت و خشم والدین منوط کرده است و با صدای بلند اعلام داشته است که بهشت زیر پای مادران هست.

بنابراین فرزندان باید در راستای خدمت به آنان سعی بلیغ نمایند و از هیچ کوشش و خدمتی فروگذار ننمایند و از جمله بهترین این خدمتها به حج فرستادن والدین است اگر در قید حیات باشند و اگر چنانچه از این دیار فانی رخت سفر بربسته‌اند و به دیار

۳۲۰. ردالمحتار علی‌الدرالمختار ۹۹۵/۲.

۳۲۱. القری لقاصدام القری ص ۱۸.

۳۲۲. (بقره: ۳۸).

باقی شتافته‌اند، بهترین خدمت فرزندان نسبت به آنان یکی این است که از طرف آنان حج بجای بیاورند، باشد تا اندکی از آن زحمتهای بیکران والدین را جبران کرده باشند.

(عن ابن عباس رضی الله عنه قال رسول‌الله صلی الله علیه وسلم من حج عن ابویه او قضی عنهما مغرماً، بعث یوم القیامة مع الابرار)[۳۲۳]

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسیکه از طرف پدر و مادر خویش حج بجا بیاورد و یا بدهی یکی از آن دو را پرداخت نماید در روز قیامت همراه ابرار محشور خواهد شد.»

و خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ﴿١٣﴾﴾ (انفطار: ۱۳)

﴿رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَـٰنِ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ فَـَٔامَنَّا ۚ رَبَّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾﴾[۳۲۴] (آل -عمران: ۱۹۳).

این است سرنوشت خوش و درخشان ابرار در بهشت جاودان و خوشا به سعادت آنانکه همراه ابرار محشور خواهند شد.

(عن جابر قال: قال رسول‌الله صلی الله علیه وسلم من حج عن ابیه او عن امه، فقد قضی عنه حجته و کان له فضل عشر حجج)[۳۲۵]

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه از طرف پدر و مادرش حج گذارد، بدرستیکه حج او را بجا آورده است و برای خودش فضیلت (و ثواب) ده حج هست.

(عن زید بن ارقم قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا حج الرجل عن والدیه تُقبّل منه و منهما، و استبشرت ارواحهما و کتب عندالله برّآ)[۳۲۶]

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که از طرف پدر و مادرش حج گذارد و از او و آن دو پذیرفته می‌شود ـ یعنی همه از ثواب آن بهره‌مند خواهند شد ـ و ارواح آنان خوشحال خواهند شد و او نزد خداوند از نیکوکاران نوشته خواهد شد.

حج بدل

بسیاری از مردم بنا به دلایلی خود قادر نیستند که به سفر حج/عمره بروند و یا پس از ثبت نام حج، بجای لبیک حج پیک حق را لبیک گفته و به دیار ابدی شتافته‌اند، حال تکلیف حج آنان چیست؟

---

۳۲۳. سنن الدار قطنی ۰۶۲/۲ حدیث شماره ۰۱۱.

۳۲۴. (انسان: ۵).

۳۲۵. سنن الدار قطنی ۰۶۲/۲ حدیث شماره ۲۱۱.

۳۲۶. مصدر فوق ۹۵۲/۲ حدیث شماره ۹۰۱

اگر چنانچه خود در قید حیات هستند و به خاطر کهولت سن و یا بیماری مزمن قادر نیستند به حج/عمره بروند می‌توانند هر کس را که دوست دارند و برای ادای حج صالح می‌دانند به نیابت از خود به حج بفرستند.

و اگر چنانچه از دنیا رخت بربسته و چهره در نقاب خاک کشیده و فیش حجش باقی‌است ورّاث می‌توانند، یکی از خودشان و یا فرد دیگری را به نیابت از متوفّی به حج بفرستند.

تذکر : اصل این است که نایب، نیت حج افراد نماید اما امروزه فقها اجازه داده‌اند که با اجازه‌ی آمر(کسانیکه او را به حج می‌فرستند) حج تمتع یا حج قرآن را نیت کند. حتی اگر آمر اجازه‌ی رسمی نداده باشد باز هم می‌تواند حج تمتع نیت کند ولی اجازه گرفتن بهتر است.[۳۲۷]

. اصل این است که اگر نایب حج تمتع نیت کرد، قیمت گوسفند شکرانه بر عهده‌ی خودش و از مال خود او می‌باشد، اما باز هم فقها براساس عرف اجازه داده‌اند که عرفاً گویا آمر اجازه داده است که قیمت گوسفند را از پول او بپردازد ولی باز هم صراحةً اجازه گرفتن بهتر است.[۳۲۸]

نایب باید هنگام نیت کردن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أُرِیدُ الحَجَّ عَن فُلَانٍ (و اسم او را بگوید) فَیَسِّرهُ لِی وَ تَقَبَّلهُ عَنهُ».

و به هنگام لبیک بگوید: «اللَّهُمَّ لَبَّیکَ عَن فُلَانٍ (و اسم آن شخص را بگوید)» و بعد لبیک را کامل بگوید.

کدامیک از فرزندان به نیابت از طرف پدر یا مادر حج یا عمره کند؟

گاهی از اوقات پدر یا مادر برای حج یا عمره ثبت نام کرده است و قبل از اینکه به این زیارت ملکوتی نایل آید، دار فانی را وداع گفته و چهره در نقاب خاک می‌کشد و روحش به ملکوت اعلی می‌پیوندد. حال فرزندان قصد می‌نمایند که به نیابت از آنها به حج عمره روند، اولویت با کدامیک از آنان می‌باشد؟

در پاسخ این سؤال متاسفانه از علمای کبار اظهار نظری به دست نیاوردم اما ظاهراً از قرائن چنین بر می‌آید که اولویت با کسی است که واجد شرایط زیر باشد :

اولا: متقی‌تر و پرهیزگارتر باشد چون: انما یتقبل الله من المتقین.

---

۳۲۷. احسن الفتاوی ۴/ ۳۲۵

۳۲۸. احسن الفتاوی ۴/ ۳۲۵

ثانیاً: نسبت به احکام حج / عمره آگاهتر باشد تا عبادتش بطور کامل ادا شود.

ثالثاً: برای زیارت حرمین شریفین و بجاآوردن حج / عمره مشتاقتر باشد.

رابعا: از قدرت و توان بدنی بیشتری برخوردار باشد تا بتواند راحت‌تر اعمال را بجا آورد.

اما اینکه بسیاری را تصور بر این است که حتماً باید فرزند ارشد یعنی بزرگتر برود تصوری نادرست است چون امکان دارد فرزند ارشد یک آدم ناصالح باشد و...

ان اصبت فمن الله و ان احطات فمن نفس و من الشیطان اعاذنا الله منهما.

البته ناگفته نماند اگر چنانچه بنا باشد برای والدین حج / عمره نفلی بجا آورند هر کدام از فرزندان که دوست دارد و توانایی انجام حج / عمره را داشته باشد، اقدام نماید.

آیا می‌توان در ادای یک حج یا عمره نفلی پدر و مادر هر دو را نیت کرد؟

اگر چنانچه فردی می‌خواهد برای والدین خود حج یا عمره انجام دهد اگر حج و عمره بر آنها واجب بوده است باید برای هر کدام علیحده نیّت کند و جداگانه حج / عمره بجا بیاورد و یا اگر بر یکی از آندو واجب بوده او را نیت نماید. اما اگر بر هیچکدام واجب نبوده ولی فرزند از استطاعت مالی خوبی برخوردار است باز هم بهتر و اولتر آن است که برای هر کدام جداگانه سفر حج / عمره انجام دهد (اما اگر چنانچه فرزند از استطاعت مالی چندانی برخوردار نیست و فقط قادر است یک سفر حج / عمره انجام دهد. بهتر آن است که آن را برای خود نیت کند و بعد از بجا آوردن حج یا عمره نیت ایصال ثواب را برای هر دو یعنی هم پدر و مادر بنماید.)[۳۲۹]

---

۳۲۹ . زبدة المناسک مع عمرة المناسک ص ۴۵۴.

بخش سوم

آسیب‌شناسی سفر مبارک حج و عمره[۳۳۰]

از آنجائیکه زندگی مادی و مادیات تمام زوایای زندگی بشر را فراگرفته و حتی فکر و روح او را به خود مشغول داشته است، در سفر معنوی و مبارک حج نیز، اغلب، بسیاری از عزیزان بجای بهره گرفتن از فرصت پیش آمده و اندوختن آذوقه و توشه‌ای برای فردای قیامت فکر و ذهنشان را به مسایل مادی و بی‌ارزش معطوف می‌دارند و به کارهایی می‌پردازند که از یک زائر بیت‌الله الحرام زائری که پس از یک عمر انتظار و آرزو، به ضیافت بارگاه الهی فراخوانده شده سخت بعید به نظر می‌آید، اما باید بخاطر داشته باشیم که (ان الشیطان لکم عدوّ فاتخذوه عدوّا) شیطان دشمن دیرینه‌ی بنی نوع بشر است و از آسیب‌رساندن به بشر عموماً و مسلمانان و نیکوکاران خصوصاً تمامی تلاش خویش را بکار خواهد بست تا این فرصت را از آنان بگیرد و آنها را از این فیض بزرگ از این و عبادت والایی که پاداشش بهشت هست، عبادتی که تمام اندوخته و رشته‌های شیطان را که برای این فرد فراهم کرده نابود کرده و پنبه می‌نماید به سادگی آرام نخواهد نشست چون رسول مکرم اسلام فرمودند: (الحج یهدم ما کان قبله) حج تمامی گناهان پیشین را منهدم کرده و نابود می‌سازد چسان می‌توان تصور کرد، شیطان که عمری آدمی را به

---

۳۳۰ . لازم به ذکر است که آسیب‌شناسی سفر حج مستلزم یک بحث مفصل می‌باشد و می‌تواند عنوان کتابی دیگر قرار گیرد اما، در اینجا بصورت گذرا به آن پرداخته شده است.

گناه و کارهای ناروا کشانده و اندوخته فراوانی را بقدری که بتواند با آنها هزینه‌ی سفر رنج‌آور جهنم را تدارک دید، تهیه دیده و اندوخته است و اینک این فرد به حج آمده و با یک عبادت مخلصانه، صادقانه، بی‌ریا و بی‌آلایش همه‌ی آنها را نابود می‌کند گویی که حج همچون چوب کبریتی که به باروت انبار گناه زده می‌شود که پس از آن چیزی از آنها باقی نخواهد ماند. آرام بنشیند و این فرد را فردی که شیطان با فریبهایش همسفر خویش در سفر طولانی جهنم آماده کرده و او را تا دروازه‌های جهنم رسانده است، حال می‌بینید که با بجاآوردن حج همسفرش از دست خواهد رفت، بلیط جهنمش باطل خواهد شد. آری حقیقتاً سخت است؟! می‌توان تصور کرد که شیطان به هنگام حج یک مسلمان چه زجری را تحمل می‌کند؟!

به همین خاطر شیطان تمام قوایش، کلیه‌ی لشکریان پیاده‌نظام و سواره‌نظام‌اش را فرامی‌خواند تا این فرد را از دست ندهد بنابراین با لطایف الحیل و ترفندهای جورواجور و حیله‌های گوناگون درصدد فریب او برمی آید و به کارهایی مشغولش می‌سازد که از این سفر معنوی جواز بهشت را دریافت ندارد از جمله‌ی این آسیبها می‌توان موارد زیر را برشمرد.

ریــا

ریاء عبارت است از اینکه عبادتی را که مختص خداوند متعال است به قصد خودنمایی و شهرت‌طلبی انجام دهی، یعنی می‌روی حج نه اینکه فقط الله تبارک و تعالی را با بجاآوردن دستورش و انجام دادن حج خوشنودسازی بلکه در کنار آن قصد و نیت تو آن باشد که مردم بگویند فلانی به حج رفته و حاجی شده است و هرجا سخن از حج رفتن و حاجی بودن تو باشد، و یا مردم بگویند فلانی چه آدم خوبی است هر ساله به حج و یا عمره می‌رود! و تاکنون پانزده بار به حج مشرف شده و بیست بار به عمره تشریف برده است.

بدانکه هر عبادتی که به ریاء آلوده شد در بارگاه الله تبارک و تعالی به پشیزی نمی‌ارزد. چون ریاء شرک است و خداوند شرک را هرگز نمی‌بخشد.

و بدینسان شیطان سعی وصف‌ناپذیری را انجام می‌دهد تا با سَم ریا این عبادت باارزش را آلوده سازد تا تو نه تنها از این سفر معنوی طرفی برنبندی و بهره‌ای نگیری که به شیطان نزدیکتر شوی و به اندوخته‌های گناهت بیفزایی، پس با تمامی وجود سعی کن که از ریاء دور باشی.

دروغ

زائر عزیز! همواره از دروغگویی سخت پرهیز کن بویژه که اکنون قصد حج داری و یا در سرزمین مقدس آمده‌ای.

تکــبر

زائر عزیز! از تکبر دور باش و هرگز دیگران را کوچکتر و حقیرتر از خود مپندار، و خود را هرگز برتر از دیگران تصور نکن، که تکبر گناهی است سخت بزرگ و مجازاتش جهنم.

دعوا و درگیری

سفر هرچند که با هواپیما هم باشد و در بهترین هتلها اسکان داده شوی بازهم خالی از رنج و مشقت نیست، چون در سفر تو مجبور هستی خویشتن را با شرایط جدیدی منطبق سازی و برنامه‌هایت از قبیل خوابیدن، غذاخوردن، بیرون رفتن و... با دیگران هماهنگ‌سازی و این خود نوعی رنج و عذاب است.

بعضاً پیش می‌آید که غذا مطابق میل تو نیست اتاق خواب به دلخواه تو نیست و... اینجاست که شیطان جرقه‌ای را در وجود تو می‌زند و سعی می‌کند تا آتشی را در وجودت شعله‌ور سازد، سیل وسواس و بدبینیها را به سوی افکارت سرازیر می‌نماید، حق تو را خورده‌اند؟! بر تو ظلم شده است؟! چرا بقیه در طبقه‌ی اولند و تو در طبقه‌ی سوم؟! چرا؟ چرا؟ چرا؟ کم‌کم وجودت پر از خشم می‌شود و دیری نمی‌گذرد که جنگ و دعوا راه می‌اندازی غافل از اینکه خداوند همیشه تو را از این کار نهی کرده است و بویژه در این سفر او خود اعلام داشته است (الحَجُّ اَشهُرٌ مَعلوُمَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِیهِنَّ الحَجَّ فَلاَرَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَاجِدَال فیِ الحَجِّ)

کسیکه در ماههای حج قصد حج نمود پس باید از آمیزش با همسر ـ در حال احرام ـ و ارتکاب گناه و جدال جداً دوری گزینند که در حج نباید از این چیزها وجود داشته باشد و به دیگر سخن اینها حج را از بین می‌برند، پس زائر عزیز صبور باش و بردبار، توکل بر خداوند کن و شیطان را از خود برهان، و به یقین بدان که او در هر لحظه‌ای منتظر فرصت است تا تو را دیگر بار شکار کند و بر گناهانت بیفزاید و حجت را باطل سازد، حجی که پس از سالها امید و انتظار نصیبت شده اینک با اندک مشکلی با جنگ و جدال آن را

از دست مده. کسی چه می‌داند که آیا دیگر بار این توفیق نصیب تو شود که به زیارت حرمین شریفین بیایی یا خیر؟!

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم | سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور
ملول از همرهان بودن طریق کاردانی نیست | بکش دشواری منزل به یاد عهده آسانی

غیبت و عیبجویی

زائر عزیز! نیک می‌دانی که غیبت و عیبجویی هر دو حرام هستند و خداوند برای مرتکبین آنها عذابهای سختی را آماده کرده است (ویل لکل همزه لمزه).

این را نیک بدان که در حرم یعنی در سرزمین وحی، مکه‌ی مکرمه قصد گناه هم جرم هست همین‌که به دل نیت گناهی بکنی به سختی مجازات می‌شوی شاید تو این مجازات را ندانی و زود آن را احساس نکنی ولی بیقین بدان که ارتکاب گناه در حرم جای خود دارد حتی قصد گناه، نیز از گناهان بزرگ است.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید (و من یردفیه بالحارٍ بظلم نذقة من عذاب الیم)

و در گناه بودن غیبت، عیبجوی و تمسخر دیگران تردیدی نیست از امام احمد«ره» پرسیده شد آیا گناه بیش از یکی در نامه‌ی اعمال آدمی ثبت می‌شود؟ فرمود: خیر. مگر در مکه‌ی مکره و آن بخاطر عظمت آن سرزمین مقدس است.[۳۳۱]

حضرت عبدالله بن مسعودﷺ فرمودند: «اگر کسی در حرم قصد کشتن کسی را کند که آن شخص در عَدَن / یمن و یا دورتر از آن باشد خداوند متعال به آن فرد که نیت کشتن را داشته، در دنیا به عذابی سخت و دردناک گرفتار خواهد نمود.»

زائر عزیز! پس ششدانگ حواس خود را جمع کن و مواظب باش تا دست از پا خطا نکنی وگرنه...

صحابه‌ی کرام بقدری احتیاط می‌کردند که بعضی چون عبدالله بن عمرو عبدالله‌بن عمروبن العاص دو چادر می‌زدند یکی در حرم و دیگری در «حلّ» خارج از حرم هرگاه می‌خواستند یکی از افراد خانواده را ملامت کنند و یا سرزنش نمایند از حرم بیرون می‌رفتند و در چادر خارج از حرم به اینکار اقدام می‌نمودند از ترس اینکه مبادا بخاطر

---

۳۳۱ و ۲. القری لقاصدام القری ص ۹۵۶ تفسیر قرطبی ۷۲/۳۱.

حرمت‌شکنی حرم مجازات شوند و آنهم فقط به ملامت کردن اعضای خانواده‌ی خود.[۳۳۲]

بـــازار

مشکل دیگری که این سفر معنوی و باارزش را تهدید می‌کند بازار است بسیاری از زائران اکثر وقت خود را صرف بازار و دید و بازدید از این مغازه و آن پاساژ می‌کنند و به اصطلاح بعضی بازاریابی و قیمت‌یابی می‌کنند.

زائر عزیز! بازار همه‌جا وجود دارد و این اجناس چینی و ژاپنی در هر گوشه‌ای حتی در کشورمان بهتر از آنها یافت می‌شود ولی مسجدالحرام در جایی دیگر نیست، خانه‌ی کعبه در هیچ کجای دنیا بجز مکه یافت نمی‌شود. مسجد نبوی همچون مسجدالحرام و خانه‌ی کعبه در تمام عالم یکی است و آنهم فقط در مدینه منوره هست پس اینها را از دست نده.

زائر عزیز! اگر می‌خواهی برای خانواده‌ات هدیه‌ای خریداری نمایی در آخرین روز این کار را انجام بده و باقی اوقات خود را صرف عبادت و نیایش در حرمین شریفین کن از کجا معلوم که بار دیگری وجود داشته باشد.

SMSبازی

بسیاری را می‌بینی که حتی در حرم در کنار خانه‌ی کعبه مشغول رد و بدل کردن پیامک یا همان اس ام اس بازی هستند.

زائر عزیز! اندکی بیندیش و از این کارها دوری کن و این لحظات گرانبها و با ارزش را به عبادت، نیایش و پرستش سپری کن.

فیلمبرداری

مشکل دیگری که سفر پرخیر و برکت حج را تهدید می‌کند و از معنویت آن می‌کاهد، فیلمبرداری با دوربین و یا موبایل است.

بسیاری از زائران را می‌بینی که دوربین بدست بدنبال مناظر زیبا و دیدنی می‌گردند تا به اصطلاح لحظه‌ها را ثبت و ضبط نمایند برایشان مهم نیست اگر به نماز جماعت حرم نرسیدند بلکه مهم آن است که منظره‌ای را بیابند و فیلمی بگیرند و هنگام بازگشت به دیگران نشان دهند.

بسیاری را مشاهده می‌کنی که چنان غرق در این مسئله شده‌اند که گویی برای تهیه فیلم مستند و یا فیلمبرداری آمده‌اند نه برای حج نه برای زیارت نه برای کسب ثواب و

---

۳۳۲. تفسیر قرطبی ۶۲/۲۱.

گروهی را می‌بینی که گویی برای ماه‌عسل آمده‌اند نه زیارت بیت‌الله الحرام و بجاآوردن فریضه‌ی حج.

زائر عزیز! اگر حج تو در بارگاه الله تبارک و تعالی مورد قبول واقع شد بدان که تمام لحظاتش بهشت شده‌اند و بیشترین سود را از آن برده‌ای و این زمانی است که فقط با تعهد آمده باشی و هم و غمی بجز حج نداشته باشی و خویشتن را وقف عبادت کنی.

و اگر درصدد شکار لحظه‌ها و ثبت منظره‌ها ضبط و ثبت خاطرات خود باشی بدانکه از حج طرفی برنخواهی بست و از آن بهره‌ای نخواهی برد چون الله عزوجل دستور داد : (فاعبدالله مخلصین له الدین)

پس برادر عزیز! و خواهر گرامی! از انجام اینگونه کارها سخت برحذر باش. تا از این سفر دست خالی برنگردی.

استقبال از زائران

یکی از مسائلی که از دایره‌ی اصلی خود خارج شده و رنگ و روی بدعت بخود گرفته مسأله‌ی استقبال از زائران بیت‌الله‌الحرام هست که این نوع استقبال نه از رسول الله ﷺ صورت گرفته و نه برای احدی از صحابه‌ی کرام!

رسول‌الله ﷺ فرمودند که مادامیکه زائر بیت‌الله‌الحرام وارد خانه‌اش نشده از او تقاضای دعا کنید که دعای او مستجاب می‌شود. عن ابن عمر رضی الله عنه قال: اذا لقیت الحاج فسلّم علیه و صافحه رمُره ان یستغفر لک قبل ان یدخل بیته، فانه مغفور له. فرجه‌الامام احمد فی المسند

اما امروزه اگر بناست که در فلان روز زائری از بیت‌الله‌الحرام بازگردد، گروهی بزرگ از خویشاوندان و نزدیکان به فرودگاه می‌روند و بعضاً با دسته گلهای آنچنانی، آنچنان هجومی می‌آورند که آدمی در حیرت می‌ماند.

درست است زائری که از خانه خدا برگشته نیاز به مساعدت و کمک دارد و برای کمک او دو نفر و یک ماشین کافی است نه اینکه یک گردان مردم و با دهها ماشین به پیشوازش بروند و نظم فرودگاه را مختل نمایند.

خلاصه زائر محترم با هزار امید و آرزو از فرودگاه بیرون می‌آید و در اینجا در شهر او بسیاری از خویشاوندان و نزدیکان فراخوان می‌دهند بویژه اگر زائر دارای اسم و رسم، مال و ثروت و یا پست و مقام باشد که فلان زائر از بیت‌الله برگشته ما میخواهیم به استقبال او برویم لطفاً حضور بهم رسانید، حال در این میان بسیاری بخاطر رودربایستی و ناچاری و با دلی ناخواسته حاضر می‌شوند و کاروان استقبالیان راه می‌افتد و بیرون از شهر در سرما

و گرما ساعتها به انتظار ایستاده‌اند که حاج‌آقا تشریف می‌آورند و زائر که خستگی فراوان او را تقریباً عاجز کرده است اینجا با خیل جمعیت مواجه می‌شود و ناچاراً باید با همه معانقه و مصافحه کند که این عمل او را خسته‌تر می‌کند ناگفته نماند اگر زائر خودش چنین خواسته‌ای را داشته باشد این عمل او نشان از ریاء دارد و خدا نکند که چنین باشد اگر چنین شود بیم آن می‌رود که حج این زائر...

بنابراین سعی شود از اینگونه اعمال پرهیز شود تا بخاطر احتمال وجود ریاء و اذیت و آزار دیگران ثواب حج را از دست ندهیم.

ذبح گوسفند یا گاو پیش پای زائر

زائر عزیز! بدان که تمامی اعمال دین بر دو اصل استوارند؛

۱ ـ جز خداوند هیچ احدی پرستش نشود؛

۲ ـ خداوند بگونه‌ای پرستش شود که او خود و پیامبرش به ما دستور داده‌اند.

بنابراین ذبح گوسفند فقط باید برای خداوند باشد نه برای کسی دیگر... کشتن گوسفند پیش پای زائر اصلا جایز نیست و الله و رسولش ما را بدان امر نکرده‌اند و هرگز در پیش پای رسول‌الله و هیچ احدی از صحابه‌ی کرام چنین کاری صورت نگرفته است پس باید با تمامی وجود از این عمل خودداری کرد... (حرمت علیکم المیته والدم و لحم الحنزیر و ما اهل به لغیرالله)[۳۳۳]

پارچه نوشته‌ها

این روزها رسم بر این است که اقوام و آشنایان زائر، بویژه اگر زائر دارای مال و ثروت و یا پست و مقام باشد، برای نوشتن پارچه‌های آنچنانی و جملات اغراق‌آمیز از یکدیگر سبقت می‌گیرند و تا زائر به خانه برسد دهها و بعضاً صدها پارچه بر در و دیوار حاج‌آقا نصب کرده‌اند که از جوراجور و رنگارنگ بودن آنها آدمی حیرت می‌کند.

اولا این عمل خلاف شرع است و ناجایز؛

---

۳۳۳. (ذُبح لقدوم الامیر) و نحوه کواحد من العظماء (یحرم) لانّه اهلّ به لغیر الله و لو ذکر اسم الله تعالی) رد المحتار کتاب الذبائح/ احسن الفتاوی ۱/۰۵. اگر چنانچه برای تشریف‌فرمایی امیر و یا فردی دیگر ازبزرگان (گوسفند یا گاو) ذبح کرده شود حرام می‌گردد هر چند که نام الله را هم به زبان بیاورد چون برای غیر خداذبح شده است.

ثانیاً: اسراف محض است که الله تبارک و تعالی از اسراف نهی نموده است؛

ثالثاً: نشان از ریاء، و تملق دارد که این اعمال از یک مؤمن بعید است و...؛

رابعاً: و...

بنابراین باید از اینگونه اعمال دوری جست.

بسیاری از زائران گویند که ما راضی به اینکار نبوده‌ایم، این آقایان خود این کارها را انجام داده‌اند؟!

زائر عزیز! اگر حضرتعالی راضی نیستی، جلوگیری از این عمل کار چندان مشکل و سختی نیست.

اولا: هنگام سفر به تمام خویشاوندان و آشنایان و همکارانی که از آنها خداحافظی می‌کنی توصیه کن که هنگام بازگشت هرگز مرتکب چنین عملی نشوند.

ثانیاً: به افراد خانواده‌ات بسپار که هرکسی برای نصب پارچه‌ای آمد از او ممانعت بعمل آورید و اجازه‌ی چنین کاری را به وی ندهید.

ثالثاً: اگر بازهم این تدابیر کارساز نشد به محض اینکه تشریف آوردی قبل از ورود به خانه به یکی دستور بده که همه‌ی این پارچه نوشته‌ها از دیوار به زیر بیاورند مطمئن باش اگر قصد تو رضای الله تبارک و تعالی باشد هیچ‌کس گله نخواهد کرد. و تازه اگر گله هم کردند مهم نیست چون تو کار درستی انجام داده‌ای.

هدیه مشکل‌ساز شده است

اغلب افراد را تصور بر این است که اگر به سفر حج و عمره رفتیم باید برای کلیه‌ی اعضای خانواده، خویشاوندان و آشنایان هدیه‌ای شایسته و درخور تهیه و تقدیم کرد.

زائر عزیز! سفر حج و عمره یک سفر معنوی است نه سفر تجاری، بنابراین این تصور را از ذهن بدر کن وانگهی برای این همه آدم مهم از کجا می‌توانی هدیه‌ای شایسته و مناسب‌شان آنان تهیه کنی، هیچ میدانی که باید چقدر هزینه کنی و چقدر وقت صرف کنی و چه نمازهایی را از حرم از دست بدهی تا به این مقصود برسی!!؟

پس از همین حالا خیال خود را راحت کن و فقط به بهترین هدایای آن سرزمین بسنده کن که عبارتند از :

۱ ـ آب زمزم

۲ ـ خرمای مدینه‌ی منوره و بویژه عجوه؛

۳ ـ چوب مسواکی که رسول‌الله ﷺ و اصحاب کرام از آن استفاده می‌کردند.

چه بسیارند کسانی که هزینه‌ی سفر حج و عمره را دارند اما بخاطر همین هدایا از رفتن به این سفرها ابا دارند، اینها بدانند که اگر چنانچه بخاطر خرید هدایا از رفتن به سفر حج و عمره امتناع کنند و درحالیکه حج بر آنان فرض شده آن را انجام ندهند، گناهی سنگین را مرتکب شده‌اند که خداوند بحالشان رحم کند.

تا مدتها نشستن در خانه

بعضی از زائران پس از بازگشت از زیارت حرمین شریفین تا مدتها در منزل می‌نشینند تا مردم و دوستان برای زیارتشان بروند این عمل از نظر شرعی صحیح نیست.

اگر کسی بخاطر ضرورتی که دارد چند روزی در منزل می‌ماند بحث دیگری است اما به این قصد که به زیارتش بروند جایز نیست بلکه پس از آمدن و رفع خستگی به کار خود بشتابد و مشغول شود.

اصطلاح «حاجی»

برادر عزیز! اینک که به زیارت حرمین شریفین مشرف شده‌ای و توفیق حقّ یارت گشته تا حج به جای آوری و هم اکنون که بازگشته‌ای منتظر مباش که هر فردی که تو را ملاقات نمود ترا «حاجی» خطاب کند و اگر نکرد از دست او عصبانی گردی، یا این عمل او را نسبت به خود بی حرمتی محسوب نمایی. و اگر خدای ناکرده چنین کردی بدان که حج تو خالص برای خدا و بدون ریا نبوده است! چون این عمل تو نشان از آن دارد که شیطان به عناوین مختلف درصدد آن است که حجّت را با سمّ کشنده‌ی ریا مسموم نماید و ثواب آن را از بین ببرد.

و نیک بدان که فریضه‌ی حج همچون سایر فرایض (نماز - روزه - زکات) می‌باشد آیا شنیده‌ای به کسی که این فرایض را انجام می‌دهد (آقای نمازی - آقای روزه‌ای - آقای زکاتی) بگویند.

وانگهی رسول الله ﷺ و صحابه‌ی کرام و ائمه‌ی دین قطعاً حج به جای آورده‌اند؛ آیا تا

بحال در کتابی دیده‌ای و یا از عالمی شنیده‌ای که بگویند: حاجی حضرت محمدﷺ یا حاجی حضرت ابوبکرؓ یا حاجی حضرت عمرؓ و یا حاجی امام زین العابدین و یا حاجی امام ابوحنیفه و یا حاجی امام شافعی و...!!!

پس اگر چنانچه به تو حاجی نگفتند رویت را ترش نکن و اعصابت را به هم نریز و درگیر هم نشو زیرا این کلمه نه چیزی را به تو اضافه می‌کند و نه چیزی را از تو می‌کاهد.

لطیفه

یکی از دوستان که روحانی کاروان بود تعریف می‌کرد که روزی خطاب به زوّار گفتم: اصطلاح «حاجی» جایگاهی ندارد. بنابراین انتظار نداشته باشید و شرعاً هم اجازه ندارید به مردم بگویید به شما حاجی بگویند. در همین اثنا یکی از زائرین خوش ذوق و کم سواد در حالی که قیافه‌ی جدی بخود گرفته بود رو به من کرد و گفت: شما چگونه چنین حرفی می‌زنید در حالی که اصطلاح حاجی در قرآن بکار رفته و خداوند حضرت ابراهیم(ع) را «حاج ابراهیم» گفته است؟!

در پاسخ به وی گفتم: من تاکنون هرگز ندیده‌ام که خداوند در قرآن به حضرت ابراهیم(ع) را «حاج ابراهیم» گفته باشد!!

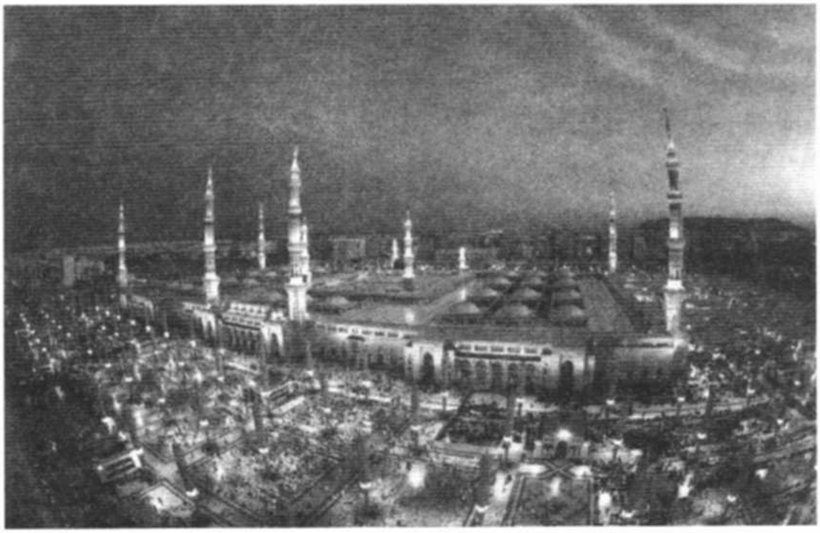
زائر گفتک من همین الان در خود قرآن به شما نشان می‌دهم. گفتم: بسم‌الله! و آن بنده‌ی خدا آیه‌ی ۲۵۸ سوره‌ی بقره را چنین تلاوت کرد: ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِى حَآجَّ إِبْرَٰهِـۧمَ فِى رَبِّهِۦٓ...) ببین خداوند گفته: «حاج ابراهیم»!!

در حالی که از قیافه‌ی جدی وی شگفت‌زده شده بودم گفتم: سبحان‌الله! و سپس در توضیح این مطلب خطاب به وی گفتم: بنده‌ی خدا!! مفهوم این آیه آنگونه که تو تصور می‌کنی نیست. کلمه‌ی «حاجّ» در این آیه هیچ ربطی به موضوع حجّ و حاجی ندارد و این کلمه در این آیه به معنی حاجی من و شما نیست. معنی آن چیز دیگری است. این فقط یک تشابه لفظی است و لاغیر...

باب سوم

دانستنی‌های مدینه‌ی منوره

بخش اول



فضایل مدینه‌ی منوره

مدینه‌ی منوره دارای فضایلی است که از حدّ شمار بیرونند، و مدینه‌ی منوره مرکز تششع انوار اسلام بود، از مدینه‌ی منوره آفتاب عالمتاب اسلام به جاهای دیگر تابیدن گرفت.

مدینه‌ی منوره شهر کسانی است که نفس نفیس خود را در راه اسلام فداکردند، و برای ابلاغ دین از همه چیز خود گذشتند.

مدینه‌ی منوره را فضیلت همین بس که آرامگاه رسول مکرم اسلام و در جوارش آرامگاه و آرامشگاه بیش از ده هزار نفر از یاران رسول‌الله ﷺ در آن قرار دارد.

مدینه‌ی منوره را فضیلت همین بس که باارزشترین و مکرمترین قطعه‌ی زمین در آن قرار دارد، به اتفاق علمای اسلامی باارزشترین قطعه‌ی زمین همان است که جسد مبارک رسول‌الله را در خود جای داده است.[۳۳۴]

درباره‌ی مدینه‌ی منوره روایات بیشماری وارد شده است که فقط به ذکر چند مورد بسنده نماییم.

(عن انس بن مالک رضی الله عنه انه سمع رسول‌الله ﷺ یقول: اللَّهُمَّ اجعَل بِالمَدِينَة ضِعفَى مَا جَعَلتَ بِمَكَّةَ من البَرَكَةِ)[۳۳۵]

---

۳۳۴ . الدرالثمین ص ۴۲ القری لقاصدام القری ص ۷۷۶.

۳۳۵ . بخاری ۵۸۸۱.

«پروردگارا! دو برابر برکتی را که در مکه‌ی مکرمه قرار داده‌ای در مدینه‌ی منوره قرار بده.»

رسول‌الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (ان الایمان لیأرز الی المدینة کما تأرز الحیّة الی جُحرها)[۳۳۶]

«قطعاً ایمان به مدینه بازمی‌گردد آنگونه که مار به سوراخش بازمی‌گردد.»

رسول‌الله ﷺ در روایت دیگری چنین می‌فرمایند: (المدینة کالکیر تنفی خبثها و ینفع طیبّها)[۳۳۷]

«مدینه‌ی منوره همچون کوره‌ی آهنگر است که بدکارش را دور می‌کند و نیکوکارش را خالص می‌گرداند.»

رسول مکرم اسلام ﷺ در مورد مدینه‌ی منوره می‌فرماید: (لایکید اهل المدینة احدٌ الّا انماع کما ینماع الملح فی الماءِ)[۳۳۸]

«کسی که مردم مدینه را فریب دهد در آب متلاشی می‌شود آنگونه که نمک در آب متلاشی می‌شود.»

از همه مهمتر اینکه دجال و طاعون را یارای ورود به آن شهر مقدس نیست.

رسول الله ﷺ فرمودند: (من استطاع ان یموت بالمدینهٔ فلیمتُ بها فانّی اشفع لمن یموت بها)[۳۳۹]

«کسی که بتواند در مدینه‌ی منوره از دنیا برود ـ سعی کند ـ که در آنجا بمیرد قطعاً من برای کسانیکه در آنجا از دنیا می‌روند شفاعت خواهم نمود.»

فضیلت روزه در مدینه‌ی منوره

(عن ابن عمر رضی الله عنه قال: قال رسول‌الله ﷺ: صیام شهر رمضان بالمدینه کصیام الف شهر فیما سواه)[۳۴۰]

---

۳۳۶. بخاری ۶۷۸۱.

۳۳۷. بخاری ۶۸۸۱.

۳۳۸ و ۶. بخاری ۷۷۸۱ و ۰۸۸۱.

۳۳۹. ترمذی ۷۱۹۳.

۳۴۰ و ۲. القری لقاصدام القری ص ۹۷۶.

حضرت عبدالله‌بن عمرﷺ روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمودند: «روزه ماه مبارک رمضان در مدینه‌ی منوره همانند روزه‌ی هزار ماه در جاهای دیگر می‌باشد.»

این روایت دلالت بر آن دارد که روزه هر روز به غیر از ماه مبارک رمضان در مدینه‌ی منوره برابر یا افضل از روزه‌ی هزار روز در جاهای دیگر می‌باشد.

پس زائر عزیز سعی کن چند روزی را که در مدینه سپری می‌کنی، روزه بگیری و این فرصت را از دست ندهی، از کجا معلوم که دیگر فرصتی دست دهد یا خیر.

فضیلت نماز جمعه در مسجد نبوی (در مدینه‌ی منوره)

(عن ابن عمرﷺ: قال رسول‌الله: صلاة‌الجمعة بالمدينة کالف صلاة فيما سواه)

حضرت عبدالله‌بن عمرﷺ روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ فرمودند: یک نماز جمعه در مسجد نبوی شریف (در مدینه‌ی) منوره همانند هزار نماز جمعه در جاهای دیگر می‌باشد.

و این روایت دلالت بر آن دارد که کلیه‌ی حسنات در مدینه‌ی منوره برابر یا افضل از هزار نیکی در جاهای دیگر می‌باشند آنگونه که حسنات مکه‌ی مکرمه برابر یا افضل از یکصدهزار می‌باشد.

فضیلت نماز در مسجد نبوی

آنگاه که رسول اللهﷺ ناچار به هجرت از مکه به مدینه‌ی منوره شدند، پس از قدوم و تشریف‌فرمایی به مدینه‌ی منوره نخستین اقدامشان بنای مسجد که محل نماز مؤمنین، مرکز تجمع مجاهدین، و در یک کلام پادگان مسلمانان برعلیه کفر، بشمار می‌رفت.

مکان مسجد نبوی را برگزیدند و از مالکان آن جویا شدند تا آن را خریداری نمایند. به آن حضرتﷺ خبر داده شد که زمین مسجد (که قبلا محل خشک‌کردن خرما بود) از آن دو کودک یتیم است بنام‌های سهل‌بن عمرو و سهیل‌بن عمرو، آن دو در محضر رسول اللهﷺ حاضر شدند و رسول‌اللهﷺ قیمت زمین را از آنان جویا شدند، آنها اعلام داشتند که زمین را بدون دریافت قیمت به رسول‌اللهﷺ واگذار خواهند نمود اما رسول‌الله ﷺ نپذیرفت و زمین را بنابر اقوال صحیح به قیمت ده دینار خریداری نمود که ابوبکر



صدیق‌رضی‌الله‌عنه بهای آن را پرداخت.[۳۴۱]

بدینسان ابوبکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه برای همیشه این امت را مدیون خویش ساخت و هر نمازگذاری که تا قیامت در این مسجد نماز می‌گذارد به نحوی حقی از ابوبکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه به گردن اوست که لااقل با دعایی و سلامی آن را بایستی بجا آورد.

از آن پس رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم درصدد بنای مسجد برآمدند و خود شخصاً وارد عمل شدند.

نخستین سنگ بنای مسجد را رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم با دستان مبارک خویش نهاد و سنگ دوم به دستور رسول‌الله توسط ابوبکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه و سنگ سوم به امر رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم توسط حضرت عمر و سنگ سوم توسط حضرت عثمان و سنگ چهارم توسط حضرت علی نهاده شده و مسجد بنا گردید.

در گذر زمان مسجد رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم بارها نیاز به توسعه و تعمیر پیدا کرده که بزرگترین توسعه‌ی آن در زمان آل‌سعود انجام گرفته است.[۳۴۲]

رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: (صلاة فی مسجدی هذا افضل من الف صلاة فیما سواه الّا المسجد الحرام)[۳۴۳]

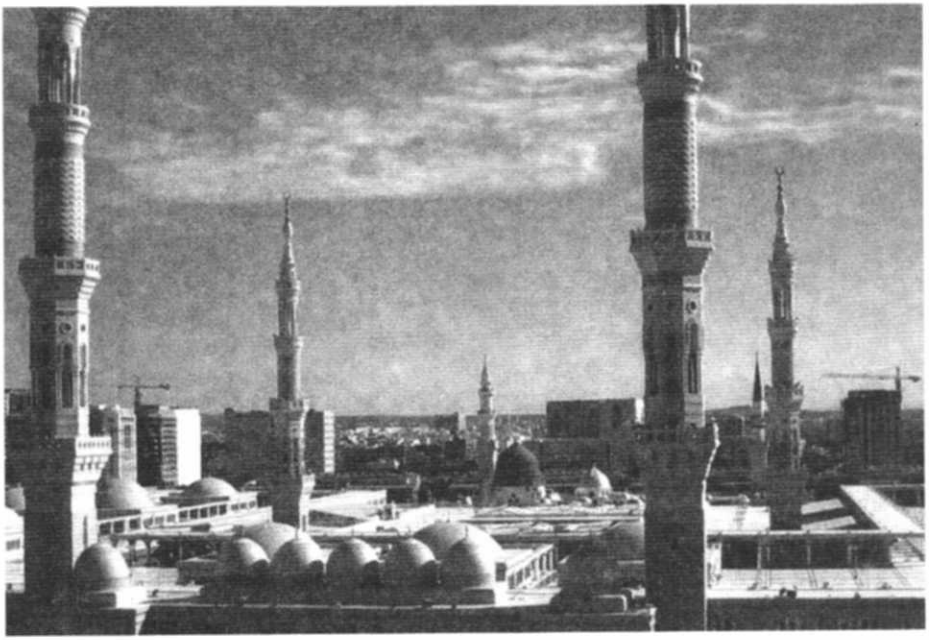
یک نماز در این مسجد من افضل از هزار نماز در سایر مساجد است به جز مسجدالحرام.

---

۳۴۱ . الطیقات الکبری ۹۳۲/۱، عمارهٔ و توسعهٔ المسجد النبوی شریف عبرالتاریخ ص ۱۴.

۳۴۲ . وفاءالوفاء ۲۳۳/۱ عمارهٔ و توسعهٔ المسجد النبوی الشریف عبرالتاریخ ص ۱۵.

۳۴۳ . تاریخ المسجد النبوی شریف، تألیف دکتر الیاس عبدالغنی با اجازه‌ی کتبی جناب دکتر الیاستوسط نگارنده ترجمه شده و ان شاءالله به زودی در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

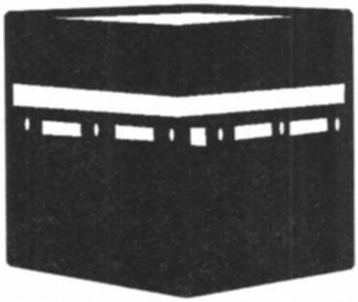


فضیلت چهل نماز در مسجد نبوی شریف

(عن انس رضی‌الله‌عنه ان النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم قال: من صلّی فی مسجدی اربعین صلاةً کتبت له براءَة من النار و براءة من العذاب و براءة من النفاق)

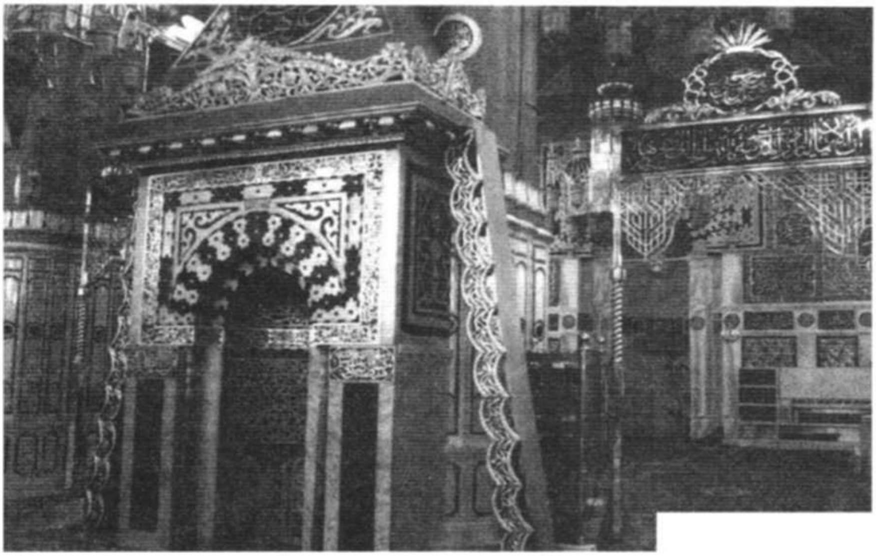
حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «کسی که چهل نماز در مسجد من ادا کند برای او برائت از آتش و برائت از عذاب ثبت می‌گردد و او از نفاق بری است.»

البته لازم به یادآوری است که اداء این نمازهای چهل‌گانه مستحب است و واجب و ضروری نیست اگر کسی فرصت نیافت که هشت روز در آنجا بماند و این نصاب را تکمیل کند، نگران نباشد خداوند بخشنده و مهربان است و هیچگونه خللی در زیارت مدینه‌ی منوره وی وارد نمی‌شود.



زائر گرامی!

در مسجد نبوی هرگز صدایت را بلندمکن.



ریاض الجنة

الله عزوجل با فضل و کرم و لطف بی‌پایان خویش به بسیاری از زمانها و مکانها ویژگیها و فضایلی را عطا می‌کند که باعث افزایش ارزش و اهمیت آنها می‌گردد، و از آن جمله است مسجد نبوی شریف و در داخل مسجد نبوی شریف قسمتی وجود دارد که به آن «ریاض‌الجنة» (باغ بهشت) نامیده می‌شود و این نام برگرفته از این روایت رسول‌الله است که فرمودند: (مابین بیتی و منبری روضة من ریاض الجنة و زادالبخاری و منبری علی حوضی)متفق‌علیه.

میان خانه‌ی من و منبر من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر روی حوض من است.

مشخص است که مراد از حوض «حوض کوثر» است که الله تبارک و تعالی در روز قیامت آن را به رسول‌الله عطا می‌کند و آنحضرت به پیروانش از آب آن حوض می‌نوشاند و کسیکه از آب آن نوشید دیگر هرگز تشنه نمی‌شود «اللهم اشربنا منه». آمین

تذکر: ریاض الجنۀ با فرشهایی پوشانده شده که با سایر فرشهای مسجد نبوی شریف متفاوت می‌باشند و تقریباً سبزرنگ می‌باشند و سایر فرشها قرمزرنگ می‌باشند.

منبر رسول‌الله ﷺ

منبر رسول‌الله ﷺ در سال هشتم هجری ساخته شد که دارای سه پله بود. و در سال ۶۵۴ ه .ق/ ۱۲۵۶ م. در آتش‌سوزی طعمه‌ی حریق شد و در جای آن منبری که پادشاه یمن «ملک مظفر» فرستاده بود گذاشته شد و منبر چندین مرتبه عوض شده است و

یکی از آنها منبری بود که توسط سلطان مراد سوم (پادشاه عثمانی) در سال ۹۹۸ ه.ق فرستاده شد نصب گردید و منبر موجود در مسجد نبوی شریف همان منبری است که سلطان مراد سوم آن را فرستاده است.[۳۴۴]

امّا در مورد فضیلت منبر رسول‌الله روایات متعددی وارد شده است که به ذکر چند مورد اکتفامی‌نماییم.

رسول‌اللهﷺ فرمودند: (مابین بیتی و منبری روضة من ریاض الجنة و منبری علی حوض)[۳۴۵]

«میان خانه‌ی من و منبر من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر روی حوض من]= حوض کوثر[است.»

علو شأن منبر را در این روایت می‌توان مشاهده نمود که رسول‌اللهﷺ فرمودند: (لا یحلف احدٌ عند منبری هذا علی یمین آثمة، ولو علی سواک اخضر الّا تبوأ مقعده من النار، او وجبت له النّار)[۳۴۶]

«هیچ احدی کنار این منبر من سوگند دروغین یاد نمی‌کند حتی اگر بر چوب سبز مسواکی (هم) باشد مگر اینکه جایگاهش را از جهنم آمده نماید یا جهنم بر او واجب می‌شود.»

---

۳۴۴. تاریخ المدینه المنوره ص ۲۷.

۳۴۵. بخاری ۸۸۸۱.

۳۴۶. ابوداود ۶۴۲۳.

ستونهای مشهور مسجد نبوی شریف

مسجد النبی[۳۴۷] در مدینه‌ی منوره در حال حاضر دارای چندین هزار ستون می‌باشد که ستونهای مسجد زمان رسول الله ﷺ از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که در طول تاریخ و در همه‌ی توسعه و گسترشهای مسجد مکان آنها همچنان تا به امروز ثابت و لا یتغیر باقی مانده است که به مهمترین آنها بصورت گذرا اشاره خواهیم کرد.

۱ - ستون مخلقه

این ستون در مکان درخت خرمایی که رسول الله ﷺ کنار آن نمار می‌خواندند و به خاطر آنکه که معطر کرده شد به آن مخلقه گویند.

۲ - ستون عائشه رضی الله عنها

این سومین ستون از منبر و از قبر و از قبله می‌باشد به آن ستون «قرعه» و ستون «مهاجرین» و ستون «مخلقه» نیز می گویند.

رسول الله ﷺ فرمودند در این مسجد مکانی هست که اگر مردم آن را می‌دانستند (برای نماز خواندن آنچنان هجوم می‌آوردند) که مجبور می‌شدند قرعه کشی کنند.

و ام‌المومنین عائشه رضی الله عنها آن مکان را که کنار همین ستون باشد برای مردم اعلام داشتند.

---

۳۴۷. مولوی می‌گوید:

بنواخت نور مصطفی آن ستون حنانه را　　　کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو

۳ - ستون ابولبابه رضی الله عنه

این چهارمین ستون از منبر و دومین از قبر و سومین از قبله می‌باشد.

چون حضرت ابولبابه (رفاعة بن منذر) خود را با آن بست و در آنجا توبه‌اش قبول شد، آن را ستون ابولبابه گویند و همینطور به آن ستون توبه نیز می گویند.

۴ - ستون سریر

این ستون چسبیده به دیوار روضه‌ی اطهر و در قسمت شرق ستون توبه واقع شده است. و رسول الله صلی الله علیه و سلم به هنگام اعتکاف در این مکان معتکف می‌شدند.

۵ - ستون محرس (نگهبانی) (علی ابن ابیطالب)

این ستون نیز چسبیده به شبکه‌های دیواره‌ی روضه‌ی اطهر و در سمت شمال بعد از ستون سریر قرارا دارد.

چون حضرت علی رضی الله عنه کنار آن می‌نشست و از رسول الله صلی الله علیه و سلم محافظت می‌نمود به این نام مشهور شده است.

۶ - ستون وفود

این ستون نیز چسبیده به شبکه‌های دیواره‌ی روضه‌ی اطهر و از سمت شمال پشت ستون محرس واقع شده است.

و رسول الله در این مکان با هیتهای اعراب ملاقات می کرد.

۷ - ستون مربعة القبر

در داخل دیوارهای روضه‌ی شریف واقع شده و کنار آن دروازه‌ی خانه‌ی حضرت فاطمه ۲ قرار دارد.[۳۴۸]

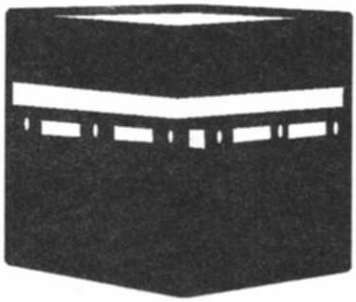
۸ - ستون تهجد

پشت سرخانه‌ی فاطمه رضی الله عنها قرار دارد و مکان تهجد رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده است.[۳۴۹]

---

۳۴۸ . تمام این مطالب برگرفته از کتاب «تاریخ المسجد النبوی شریف تالیف دکتر الیاس عبدالغنی می‌باشدکه کتباً به نگارنده اجازه ترجمه‌ی آن را داده است و به زودی در دسترس علاقه‌مندان قرار می گیرد.

۳۴۹ . عمارة و توسعة المسجد النبوی الشریف عبدالتاریخ - ص ۳۷.



زائر گرامی!

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند :

سنگین‌ترین چیز در ترازوی ـ اعمال ـ مومن اخلاق نیکو است.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

﴿ وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ۝٩ وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ۝١٠ ﴾ (حشر: ١٠-٩)

«و نیز آنان راست که جای گرفتند به دارالسلام و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران؛ دوست می‌دارند هر که را هجرت می کند به سوی ایشان و نمی‌یابند در خاطر خود دغدغه‌ای از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را اختیار می کنند بر خویشتن و اگرچه باشد ایشان را احتیاج و هر که نگاه داشته شد از حرص نفس خودش پس آن جماعت، ایشان رستگاران. و نیز آنان راست که آمدند بعد از مهاجران و انصار می گویند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما به ایمان آوردن و پیدا مکن در دلِ ما هیچ کینه به نسبت آنان که ایمان آوردند. ای پروردگار ما! هر آئینه تو بخشاینده‌ی.»

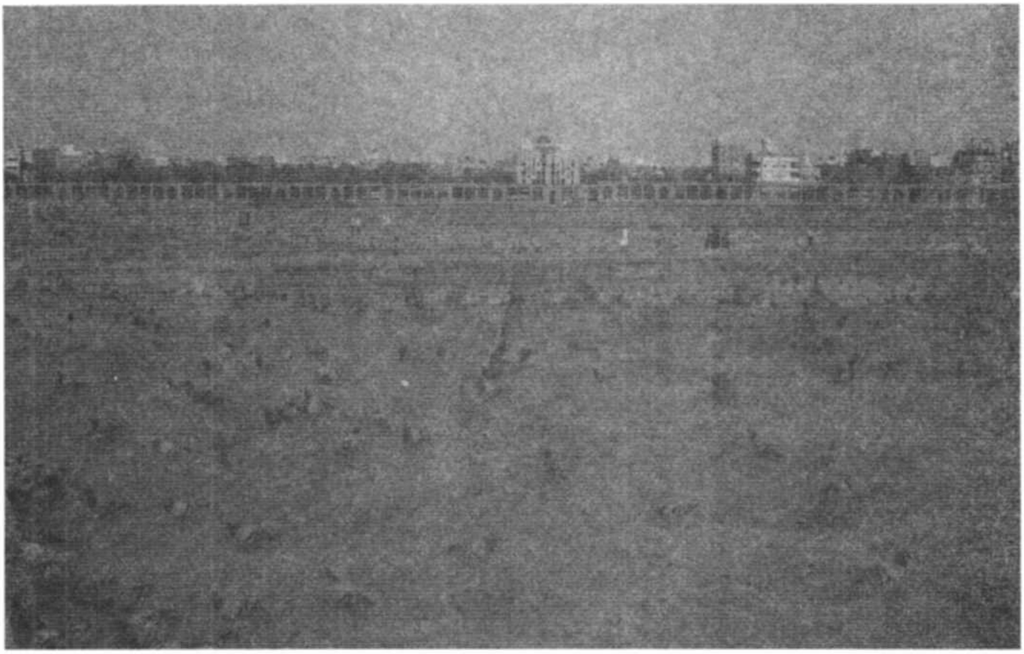


فضایل بقیع الغرقد

قبرستان بقیع برای عاشقان و آشنایان حرم و حریم شاهفرد فرزندان آدم، گل سرسبد هستی، اَبَر پیامبر عالم، حضرت محمد مصطفی ﷺ بقدری نام آشناست که نیازی به تعریف آن نیست، قبرستان بقیع، قبرستانی است که بیش از ده هزار[۳۵۰] از ستارگان

---

۳۵۰. بقیع الغرقد ص ۱۵ تاریخ المدینهٔ المنوره ص ۸۰۱ ارشاد الساری ص ۹۶۵.



تابان خورشید رسالت در آن آرمیده‌اند، و آرام‌شدن در آن آرزوی هر مسلمان صادقی است، زیرا که آرمیدن در آن شفاعت بی‌چون و چرای رسول‌الله را در پی خواهد داشت.

(قال النبی ﷺ من استطاع ان یموت فی المدینة فلیمت بها فانّی اشفع لمن یموت بها)[۳۵۱]

«هرکسی که می‌تواند در مدینه بمیرد پس سعی کند در آنجا از دنیا برود زیرا ـ که قطعاً من برای کسانیکه در آنجا از دنیا بروند شفاعت خواهم نمود.»

بقیع آن قبرستانی که بیش از هفتاد هزار نفر همچون ماه شب چهارده از ساکنانش بی‌حساب و کتاب رهسپار بهشت برین خواهند شد.

(قال النبی ﷺ: «اترین هذه المقبره (لبقیع الغرقد)؟ یبعث الله منها سبعین الفاً یوم القیامة علی صورة القمر لیلة البدر یدخلون الجنة بغیر حساب)[۳۵۲]

برای اهل بقیع همین فضیلت بس، که تا قیامت همسایگان رسول‌الله ﷺ هستند و همین بس که رسول‌الله ﷺ در حقشان فرموده: (اللَّهُمَّ اغفِر لِاَهلِ البَقِیعِ الغَرقَدِ)[۳۵۳]

برای اهل بقیع همین بس که رسول‌الله در دل شب از طرف خالق بی‌همتا مأموریت می‌یابد که برایشان دعا کند.[۳۵۴]

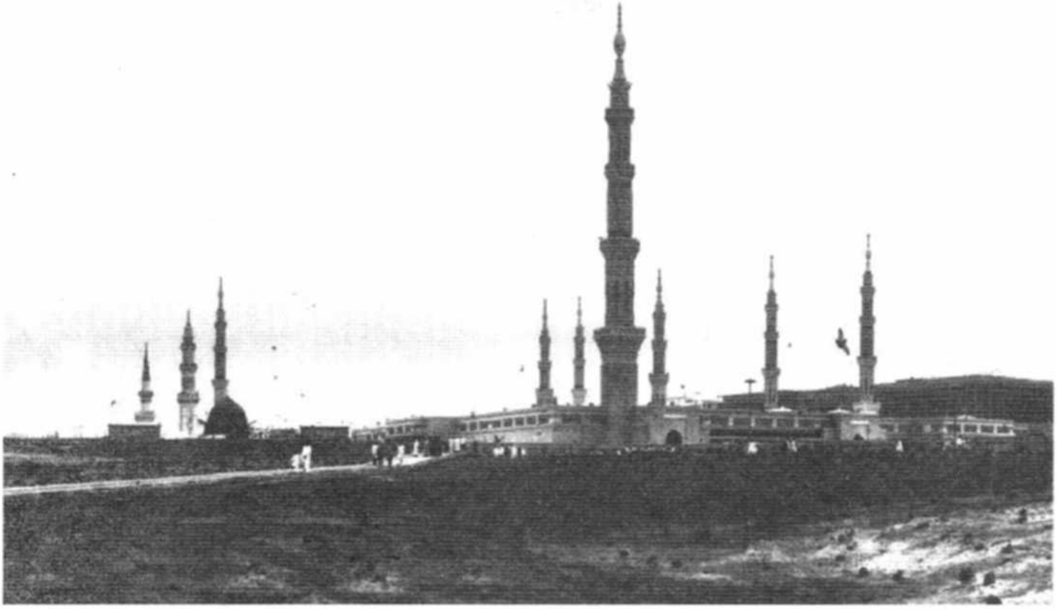
---

۳۵۱ . ترمذی ۹۱۷/۵ ابن ماجه.

۳۵۲ . الثقات ابن حبان ۹۶۲/۱ مستدرک حاکم ۸۶۵/۴.

۳۵۳ . صحیح مسلم ۹۶۶/۲.

۳۵۴ . المؤطا ۲۴۲/۱.



کدام فضیلت بقیع را بیان توانم کرد؟! آنکه رسول‌الله فرمودند: «من نخستین کسی خواهم بود که سر از قبر برخواهم افراشت و از پی من ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه سر از خاک برخواهند آورد و از آن پس اولین کسانیکه سر از خاک برخواهند افراشت اهل بقیع هستند و از پی آنها اهل مکه‌ی مکرمه.»

(عن ابن عمر رضی الله عنه قال: قال رسول‌الله: انا اول من تنشق عنه الارض، ثمّ ابوبکر ثمّ عمر ثم آتی اهل البقیع فیحشرون معی، ثم انتظر اهل مکة فاحشر بین الحرمین)[۳۵۵]

در بقیع اهل بیت رسول‌الله و دخترانش (زینب رقیه، ام کلثوم و فاطمه) رضی الله عنهن و همسرانش بجز از خدیجه و میمونه در آنجا آرمیده‌اند و ساکنانش ایمن از هول قیامت سر از خاک برخواهند داشت.

(عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول‌الله صلی الله علیه و سلم من مات فی احد الحرمین بعث آمنا یوم القیامة)[۳۵۶]

علت نامگذاری

بقیع و بقعه به قطعه‌ای وسیع از زمین که دارای درخت است اطلاق می‌شود که جمع آن «بُقَع و بقاع» می‌آید.

غرقد: به درختهای بزرگ عوسج (خار درخت)[۳۵۷] گفته می‌شود که در این مکان

---

۳۵۵. ترمذی ۲۲۶/۵.

۳۵۶. الدارقطنی ۸۷۲/۲ ـ بیهقی ۵۴۲/۵.

۳۵۷. لاروس ۱۰۵۱/۲.

وجود داشته، به همین خاطر به «بَقیع الغرقد» مشهور شده است.[358]

قبلا خارج از مدینه‌ی منوره و در جهت شرق مسجد نبوی واقع بوده است[359] اما اکنون ملصق به میادین مسجد نبوی و داخل مدینه‌ی منوره است.

علامه شنقیطی می‌گوید: «معنای لغوی بقیع زمین نرم و خالی از سنگ است و معمولا اینگونه زمینها را برای مقبره انتخاب می‌کنند و در مدینه‌ی منوره چندین بقیع از قبیل بقیع الخیل، بقیع الزبیر و... وجود دارد اما اینک این لفظ برای مقبره‌ی مدینه‌ی منوره بصورت اسم خاص درآمده است.»[360]

حکم آن

فقط دعا برای اهل آن

(عن عایشةرضی الله عنها ان النبیﷺ کان یخرج الی البقیع فیدعولهم فسالته عائشة عن ذلک فقال: انّی امرت ان ادعولهم)[361]

ام‌المومنین عایشهرضی الله عنها روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ به بقیع میرفت و برایشان دعا می‌کرد، از آنحضرتﷺ ـ علت ـ را جویا شدم، فرمودند: من دستور داده شده‌ام تا برایشان دعا کنم.

در روایتی از ام‌المومنین دعای زیر وارد شده است (السَّلاَمُ عَلَیکُم دَارَ قَوم مُؤمِنِینَ، وَ اَتَاکُم مَا تُوعَدُونَ غَداً مُؤَجَّلوُنَ وَ انَّا اِن شَاءَالله بِکُم لاَحِقُون اللَّهُمَّ اغفِر لِاَهلِ البَقِیعِ الغَرقَدِ)[362]

برای دعای قبرستان روایات متعدد با دعاهایی که اندکی تفاوت دارند ذکر شده است، حال هرکس هر دعایی از آنها را بخواند کفایت می‌کند.

اولین مهاجری که در بقیع دفن شد

ابورافعرضی الله عنه روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ مقبره‌ای را در مدینه‌ی منوره جستجو می‌کرد ـ و به این منظور این طرف و آن طرف می‌رفت تا مکان مورد نظرش را بیابد ـ تا اصحاب کرام را در آنجا دفن کند و اولین مهاجری که در آن دفن کرده شد حضرت

---

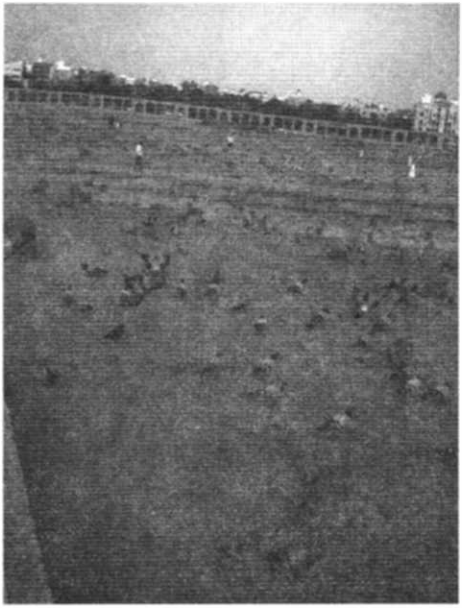
۳۵۸. بقیع الغرقه ص ۷۱.

۳۵۹. بقیع الغرقه ص ۱۲.

۳۶۰. الدارلیمثن ص ۰۱۱.

۳۶۱. مسند احمد ۲۵۲/۶، صحیح ابن حبان ۵۴/۶۱.

۳۶۲. صحیح مسلم ۹۶۶/۲.



«عثمان بن مظعون»رضي‌الله‌عنه بود[۳۶۳] ...

اولین انصاریی که در بقیع دفن شد

اولین کسی که از انصار در بقیع به خاک سپرده شد ابوامامه اسعدبن زراره‌ی انصاری است که به او «اسعدالخیر» نیز می‌گفتند. یکی از بزرگان انصار بود و او اولین کسی بود که با رسول‌الله بیعت نمود و در هر سه بیعت انصار که قبل از هجرت در مکه‌ی مکرمه انجام گرفتند، حضور داشت.[۳۶۴]

چرا اهل بقیع این همه عزیزند؟!

زائر عزیز! قبل از پرداختن به پاسخ سؤال فوق توجه شما را به چند نکته جلب می‌نمایم:

نخست اینکه نیک بدانیم تنها راه سعادت دنیا و آخرت پیروی‌کردن از دستورات دین و سنتّهای رسول مکرّم اسلام است. چون الله تبارک و تعالی فرموده است: ﴿قُل اِن کُنتُم تُحِبُّونَ‌اللهَ فَاتَّبِعُونیِ یُحبِبکُمُ‌اللهُ﴾

«بگو اگر الله را دوست دارید پس از من ـ رسول‌الله ـ پیروی کنید ـ تا ـ الله تبارک وتعالی شما را دوست بدارد.»

﴿مَن یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَد اَطَاعَ اللهَ﴾

«کسی که از رسول‌الله پیروی کند قطعاً او از الله تبارک وتعالی پیروی کرده است.»

پس برادر عزیز! رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای زیارت قبور آدابی را بیان داشته و خود نیز عمل کرده است. پس من و شما نیز بر آنان عامل باشیم تا رستگار شویم.

بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید

۱ ـ (عن جابر قال: نهی النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم ان تجصص القبور و ان یکتب علیها او ان یبنی علیها وان توطأ)[۳۶۵]

---

۳۶۳. خجنبه درختی است که در این مکان وجود داشت.

۳۶۴. بقیع الغرقه ص ۲۵ ـ الاصابة ۴۳/۱.

۳۶۵. ترمذی حدیث شماره ۲۵۰۱.

رسول‌الله ﷺ از محکم‌کردن قبرها با گچ و سیمان و از اینکه بر روی آنها نوشته شود ویا بر آنها بنا ساخته شود و یا اینکه زیر پا گذاشته شوند نهی کرده است.

۲ ـ فرد زائر بر قبرستان وارد شود و ایستاده دعاکند و برگردد.[۳۶۶]

دوم اینکه بخوبی می‌دانیم و باید بدانیم چون روح از بدن آدمی خارج شد دیگر از آن فرد هیچ کاری ساخته نیست، هرکس که می‌خواهد باشد چون رسول‌الله ﷺ فرمودند : (اذا مات الانسان انقطع عمله الّا من ثلاثة: من صدقة جارية، او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له)[۳۶۷]

«وقتیکه انسان از دنیا برود عملش از دنیا منقطع می‌شود = دیگر قادر نخواهد بود که در دنیا کاری انجام دهد حتی قادر نخواهد بود که به خودش سودی برساند و یا از خویشتن ضرری را دفع نماید، پس چه رسد به نفع و ضرر رساندن به دیگران مگر از سه چیز: ۱- صدقه جاریه، ۲- علمی که بدان نفع حاصل شود ۳- و فرزند صالحی که برایش دعا کند.»

زائر عزیز! پس ما فقط به قبرستان بقیع می‌رویم تا برایشان دعا کنیم آنگونه که رسول‌الله ﷺ برایشان دعا کرده است. (انی امرتُ ان ادعولهم ای اهل البقیع)[۳۶۸]

همانا من دستور داده شدم تا برای اهل بقیع دعا کنم پس ما هم دعا می‌کنیم و سعی خواهیم کرد تا از آنان پیروی کنیم.

امروز ما که به زیارت مسجد نبوی شریف در مدینه‌ی منوره مشرف می‌شویم پس از عرض سلام به نبی مکرم ﷺ اسلام و ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه که در جوار آنحضرت آرمیده‌اند، دلمان می‌خواهد به آنانکه در بقیع آرمیده‌اند و همسایگان رسول‌الله هستند، و برای رساندن دین اسلام به اکناف عالم از نفس و نفیس خود گذشتند و به برکت جانفشانیهای آنهاست که امروز ما از نعمت والای اسلام که هیچ نعمتی با آن برابری نمی‌کند برخورداریم، ادای دَین کنیم و سلامی عرض نماییم پیش از عرض سلام و خواندن دعای اموات درصدد آن هستیم که کسی را پیدا کنیم تا به ما بگوید این قبر فلانی است و این قبر از آنِ فلان کس دیگر است؟! غافل از اینکه از خودمان بپرسیم که اینها چکار کردند، که این همه عزیز شده‌اند که تا قیام قیامت میلیونها انسان برایشان دعا می‌کنند و به این قبرستان می‌آیند؟! و سلام عرض می‌کنند! بی‌آنکه از خویشتن سؤال کنیم که اینها چه چیزی داشته‌اند که اینهمه عزت و شرافت نصیبشان شده است؟ که بعد از رسول‌الله ﷺ و ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه سر از خاک برخواهند افراشت؟! و بیش از

---

۳۶۶. ردالمحتار ۱۵۱/۳.

۳۶۷. صحیح مسلم ۵۵۲۱/۳.

۳۶۸. مسند احمد ۲۵۲/۶. سنن الکبری بیهقی ۸۸۲/۵.

هفتاد هزار نفر از آنان ایمن از هول قیامت، فارغ از بازخواست و حساب و کتاب، همچون ماه شب چهارده نورانی و درخشان وارد بهشت برین خواهند شد؟!

آیا اینها در دنیا مُلک و پادشاهی داشته‌اند؟ آیا اینها پُست و مقام داشته‌اند؟ آیا آنها از مال و ثروت فراوان برخوردار بوده‌اند؟! و... که بخاطر آن، اینهمه عزیز و محبوب و مکرم شده‌اند؟

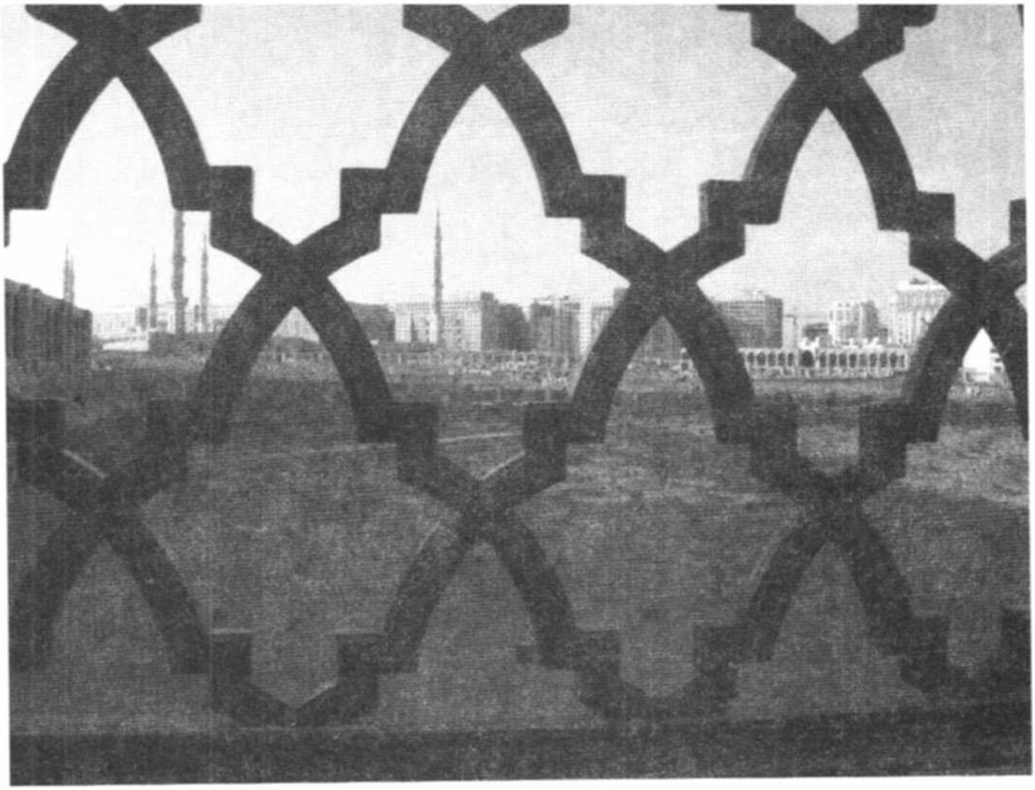
هرگز این قبیل سؤالات را از خود نمی‌پرسیم تا به جوابی برسیم و آن‌چه را که باعث عزت و شوکت آنان شده که پس از گذر صدها سال همچنان عزیز و مکرم باقیمانده‌اند، سرمشق خویش قرار دهیم و این بهترین ارمغانی باشد که از آن سرزمین مقدس به دیار خویش بیاوریم و به آنان تآسی جسته و به اعمالشان اقتدا کنیم تا باشد که ما نیز اینچنین راحت و فارغ از دنیا رخت بربندیم و نزد خالق بی‌همتا عزیز شویم و مکرّم.

آری! آنچه که آنان را اینچنین گرامی کرده است، حکومت و سلطنت نیست، مال و ثروت نمی‌باشد، جاه و جلال نیست بلکه ایمان راسخی است که به الله تبارک و تعالی داشته‌اند، به رسولش ایمان آورده‌اند و به دستوراتش گردن نهاده‌اند، به دنیا دل نبسته‌اند شیفته‌ی خدمت بوده‌اند نه تشنه‌ی قدرت، و نه شهرت و نه ثروت، در یک کلام آنان به معنای واقعی کلمه مسلمان بوده‌اند، تجسم عینی اسلام و تربیت‌یافتگان مکتب رسول‌الله ﷺ بوده‌اند و تا آخرین لحظه‌ی زندگی از آموزه‌های پیامبرشان دست‌بردار نبوده‌اند و به دنیا، قدرت، شهرت و ثروت فریفته نشده و دل نباخته‌اند.

به همین خاطر است که خداوند اینهمه عزیزشان داشته است و گرامی، خودت اندکی سر به جیب تفکر فرو ببر و راجع به این راز بیندیش تا خدای یکتا این رمز را به رویت بگشاید چه که او خود فرموده است: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهدِيَنَّهُم سُبُلَنَا) و پس از آن تو نیز عمل کن تا سعادت دارین دنیا و آخرت نصیبت گردد. (وَ مَا ذَلِکَ عَلَى‌اللهِ بِعَزِيزٍ) که این کار بر خداوند گران نیست.

نیک می‌دانیم که بیش از ده هزار نفر از یاران صدیق و اصحاب گرانقدر رسول‌الله ﷺ اصحابی که خداوند در این دنیا قبل از رحلتشان رضایتش را از آنان اعلام داشته است، (رَضِيَ‌اللهُ عَنهُم وَ رَضُوا عَنهُ). در این قبرستان آرمیده‌اند و در خلال این چهارده قرن هزاران نفر دیگر در آن‌جا به خاک سپرده شده‌اند، کسی چه می‌داند که این قبر از آن کیست و آن دیگر از آن چه کسی است؟

تازه کسی بداند، دانستن آن‌چه سودی برای من و تو دارد؟! مگر نه این است که من و



تو مؤظف شده‌ایم که به آنجا رفته و دعایی بخوانیم، همین و بس.

از آنان درس عبرت بگیریم و توشه‌ای برای این مکان تنگ و تاریک، مکان تنهایی و وحشت بر گیریم.

(قال النبی ﷺ الا انی قدکنت نهتیکم عن زیارة القبور الا فزوروها فانه یرق القلب و تدمع العین و تذکر الآخرة و لا تقولوا هجراً)[369]

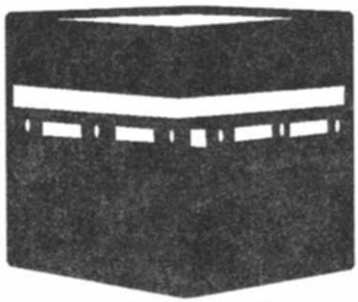
خلاصه تنها قبری که در بقیع صددرصد یقنیی است قبر حضرت عثمان‌بن عفان رضی الله عنه است و سایرین را گویند این محدوده‌ی قبر بنات النبی است این محدوده‌ی قبر زوجات‌النبی است، این محدوده‌ی قبر حضرت حسن و زین‌العابدین، و حضرت عباس است و.. درست است و تردیدی نیست که زوجات پیامبر و دخترانش زینب و رقیه و ام‌کلثوم و فاطمه در آنجا آرمیده‌اند، و ما نیز محدوده‌ی قبور آنان را می‌دانیم.

اما بهتر آن نیست که بجای صرف‌کردن وقت برای شناسایی قبور این و آن به تفکر مشغول شویم و کارنامه‌های آنان را مرور نماییم و به ذکر، دعا مشغول شویم، و به آنچه که مأمور شده‌ایم عمل کنیم، قطعاً که این عمل ثوابش برایمان بیشتر خواهد بود.

بیندیشیم که چسان و چگونه آنان به این شرف نایل شده‌اند؟! و ما نیز راه آنان را دنبال کنیم تا در آخرت همنشین و همراه آنان شویم.

---

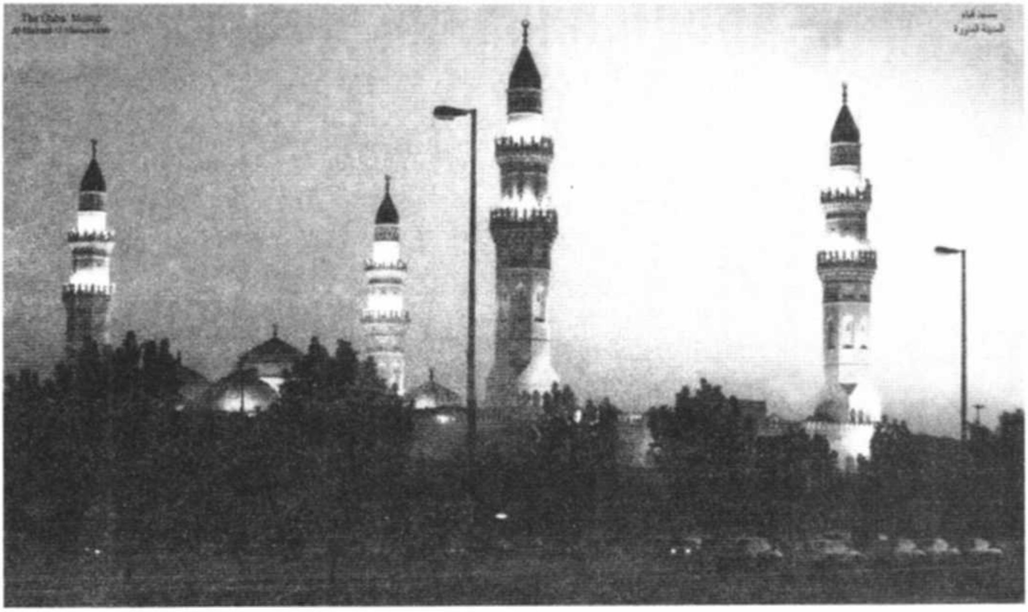
۳۶۹. مستدرک حاکم ۲۳۵/۱.



زائر عزیز!

رسول الله ﷺ فرمودند:

بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده‌اش بهتر باشد و من از این نظر از همه‌ی شما بهترینم.



مسجد قبا

﴿ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾ ﴾ (توبه: ١٠٨)

«هنگام هجرت رسول‌الله ﷺ وارد منطقه قبا شد و در منزل کلثوم بن هِدم رحل اقامت افکند و معمولا برای ملاقات مردم به منزل سعدبن خیثمه که مجرد بود تشریف می‌بردند.[٣٧٠]

اولین مسجد را در مکان مسجد فعلی (قبا) بنا نهاد و حضرت جبرئیل قبله را به آنحضرت ﷺ نشان دادند و رسول‌الله شخصاً در بنای آن شرکت نمودند و سنگ می‌آوردند و آن را می‌ساختند.

خداوند متعال در آیه‌ی فوق مسجد قبا را ستوده است. و پس از وی خلفا در تعمیر و تجدید آن سعی بلیغ نموده‌اند.

علت نامگذاری

و بخاطر چاهی که در آن جا قرار داشته «قبا» نام گرفته است.

فضایل مسجد قبا

قبلا گذشت که خداوند متعال در قرآن کریم آنرا مورد ستایش قرار داده است.

---

٣٧٠. الدرالثمین ص ٩١١، تاریخ المدینةالمنوره ص ۶٨.

(عن ابن عمر رضي الله عنه قال: کان النبی ﷺ یاتی مسجد قباء کل سبتٍ ماشیاً و راکباً)[۳۷۱]

حضرت عبدالله‌بن عمر رضي الله عنه فرمودند: رسول‌الله ﷺ هر شنبه پیاده و سواره به مسجد قبا تشریف می‌بردند. و او خود نیز هر شنبه بدانجا می‌رفت.

علامه ابن حجر «ره» می‌فرماید: «که رسول‌الله ﷺ در روزهای شنبه بدانجا تشریف می‌برد تا از حال انصاری که روز جمعه شرکت نداشتند جویا شوند.»[۳۷۲]

در روایت دیگری رسول‌الله ﷺ فرمودند: (الصلوة فی مسجد قبا کعمرةٍ)[۳۷۳]

«نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است.»

علاوه از اوقات مکروهه نماز در مسجد قبا جایز است. و حضرت عبدالله‌بن عمر رضي الله عنه فرمودند: «هیچ‌کس را از نمازخواندن در هر زمان از شب و روز منع نمی‌کنم مگر آنکه باید به هنگام طلوع و غروب آفتاب قصد نمازخواندن ننماید.»[۳۷۴]

درباره‌ی مسجد قبا روایات بیشماری وارد شده است و ما بخاطر آنکه قصد ما اختصار است به ذکر همین چند مورد بسنده نمودیم.

تذکر : معمولا زائران مناطق ما، همیشه سعی دارند بعد از ادای نماز فجر در مسجد نبوی شریف، بلافاصله راه بیفتند و خود را برای ادای نماز اشراق به مسجد قبا برسانند. تا ثواب عمره را کسب کنند.

این مطلب در هیچ کتابی حدیث نشده است، بلکه آنچه که در روایات صحیحه وارد شده این است که هر وقت از روز بدانجا رسید دو رکعت نماز تحیۀ المسجد و یا نفل بخواند خداوند ثواب یک عمره را بدان‌ها عطا خواهد نمود. اما اینکه حتماً آن نماز باید نماز اشراق باشد چنین روایتی وجود ندارد.

زائر محترم! ثواب نماز اشراق را در مسجد نبوی شریف که یک نماز در آن برابر با هزار نماز است از دست نده.

در طول روز این فرصت را داری که به مسجد قبا بروی و با خواندن دو رکعت ثواب عمره را نیز کسب کنی.

در روایت صحیح بخاری است که «عبدالله‌بن عمر رضي الله عنه» نماز ضحی[۳۷۵] (چاشت)

---

۳۷۱. بخاری حدیث شماره ۳۹۱۱.

۳۷۲. فتح الباری ۴۵/۳.

۳۷۳. رواه الترمذی احمد القری ص ۸۸۶.

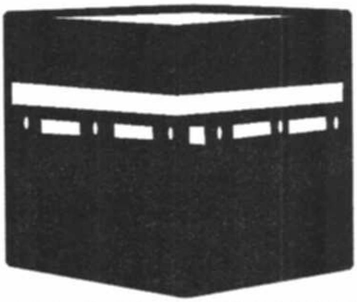
۳۷۴. صحیح البخاری حدیث شماره ۲۹۱۱.

۳۷۵. ضحی: چاشتگاه، پیش از ظهر فرهنگ لاروس ۲۵۳۱/۲.

نمی‌خواند مگر در دو روز، روزی به مکه می‌رسید که معمولا به وقت ضحی بدانجا می‌رسید و پس از طواف دو رکعت در پشت مقام ابراهیم بجا می‌آورد و روزی که به مسجد قبا می‌آمد...»[۳۷۶]

مسلم است که وقت چاشت وقت اشراق نیست. بعضاً مشاهده شده است که زائر بعد از نماز فجر در هوای سرد پای پیاده راه افتاده تا به مسجد قبا برسد و در این اثنا دچار سرماخوردگی شده و بعداً به زور قادر بوده که خود را به نماز جماعت مسجد نبوی برساند.

۳۷۶. بخاری حدیث شماره ۱۹۱۱.



زائر عزیز!

هرگز از رسول الله شفای بیماریت و یا حلّ مشکلت را طلب مکن، چون شفادهنده الله هست و حل کننده‌ی مشکلات نیز فقط اوست.

بخش دوم



ورود به مدینه‌ی منوره

مدینه‌ی منوره (مدینةالرسول) شهری است که آرامگاه رسول‌الله ﷺ در آن قرار دارد و بیش از ده هزار از اصحاب کرام در آن بخاک سپرده شده‌اند، شهری است که دجال و طاعون را یارای ورود به آن نیست.

اینک که قصد داری به سوی آن حرکت کنی بهترین لباس خود را بپوش و سعی کن که زبانت درود شریف را ترنم نماید و ادب و احترام آن سرزمین را در ذهن و دلت مجسم کن و جانفشانی رسول‌الله ﷺ و فداکاری یارانش را مقابل دیدگانت تجسّم کن و ذهن و دلت را معطوف آن حضرت و آن سرزمین مقدس بنما و هنگامیکه درختان مدینه‌ی منوره به نظرت رسیدند درحالیکه درود شریف می‌خوانی دعای زیرا را بخوان «اللهم هذا حرم نبیّک، فاجعله وقایة لی من النار و اماناً من العذاب و سوءالحساب»[۳۷۷]

و هنگام ورود به مدینه‌ی منوره این دعا را بخوان «رَبِّ اَدخِلنِي مُدخَلَ صِدقٍ وَأَخرِجنِي مُخرَجَ صِدقٍ وَاجعَل لِي مِن لَدُنكَ سُلطَاناً نَصِيراً...»[۳۷۸]

یا هر دعای دیگری که دوست داری به زبان خودت با آن زبانت راتر و تازه کن.

۳۷۷و ۲ اکام حج ص ۸۵۱.

۳۷۸

روضة النبی ﷺ قبه خضراء

(حجره ام المؤمنین[۳۷۹] عائشة رضی الله عنها آرامگاه رسول ﷺ و ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه)

رسول الله ﷺ در واپسین روزهای حیات گهربار خویش به شدت مریض شده و در حجره‌ی ام‌المؤمنین حضرت عایشه رضی‌الله عنها بستری شدند و ام‌المؤمنین عایشه رضی‌الله عنها با تمامی وجود از آنحضرت مراقبت و پرستاری می‌نمودند.

هنگامیکه پیک حق برای انتقال روح والای آنحضرت ﷺ به حجره آمد و روح مبارک را در حالی از بدن مبارک حضرت رسول ﷺ بیرون آورد که سر مبارکش بر سینه‌ی مبارک همسر عزیزش حضرت عایشه رضی‌الله عنها قرارداشت؛ و بدین‌سان پیک حق را لبیک گفته و به ملکوت اعلی پیوستند و برای همیشه ارتباط آسمان و زمین به وسیله‌ی وحی منقطع گردید. رسول الله ﷺ در حجره‌ی ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها برای همیشه به‌خاک سپرده شدند و حجره‌ی ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آرامگاه ابدی آنحضرت ﷺ قرار گرفت.

بعد از وفات رسول الله ﷺ اصحاب بزرگوارش حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه را بعنوان خلیفه و جانشین آنحضرت انتخاب نمودند و حضرت ابوبکر پدرزن و یار غار رسول‌الله و اولین خلیفه‌ی او در تاریخ ۲۲ جمادی‌الآخر سال ۱۳ ه.ق دار فانی را وداع گفتند و در کنار رسول الله ﷺ و در همان حجره اندکی پایین‌تر از رسول الله ﷺ بخاک سپرده شدند.[۳۸۰]

بعد از ابوبکر صدیق حضرت عمر رضی الله عنه پدرزن رسول الله ﷺ به خلافت برگزیده شدند و ایشان نیز همچون دو مقتدایش زندگی گهربار خویش را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نمودند و همانند آندو از دنیا طرفی برنبستند و به آن دل ندادند و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگی خویش را با فتوحات بیشمار و فتح امپراطوریهای ایران و روم و... ادامه دادند تا آنکه در سحرگاه ۲۲ ذیحجه‌ی سال ۲۳ ه.ق درحالیکه مشغول امامت نماز فجر در مسجد و محراب رسول الله ﷺ بودند توسط مجوسی ملعون فیروز ابولؤلؤ به شهادت رسیدند[۳۸۱] والحق که او اولین شهید محراب در اسلام است.

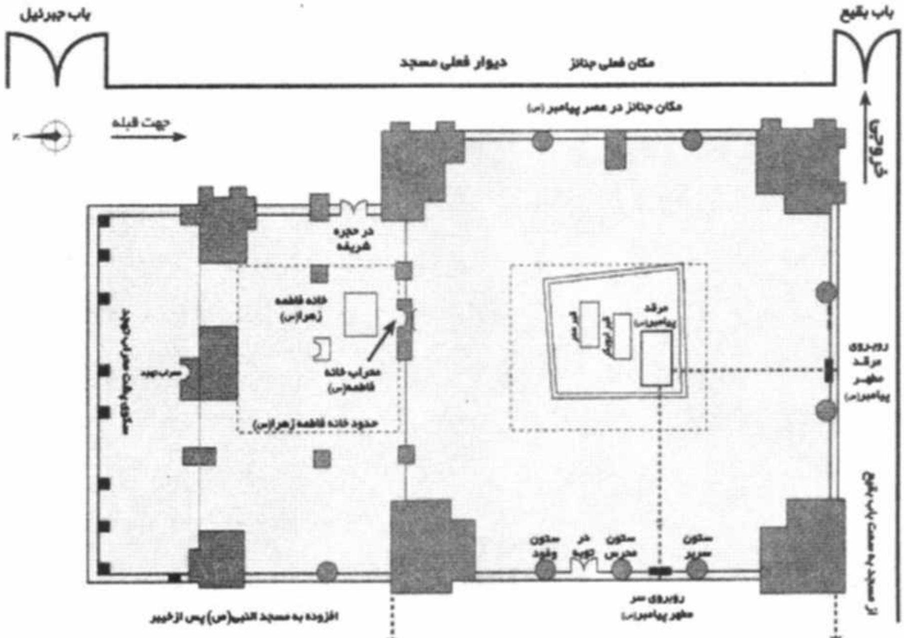
خلیفه‌ی دوم عمر فاروق پس از شهادت با اجازه‌ی ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها در کنار دو مقتدایش به خاک سپرده شد.

---

۳۷۹. ام‌المؤمنین لقبی است که الله تبارک و تعالی به همسران رسول الله ﷺ در قرآن کریم عطا کردند«النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم» احزاب ۶.

۳۸۰. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۷۶.

۳۸۱. همان ص ۶۰۱.



کوتاه سخن اینکه در حجره‌ی ام‌المؤمنین عایشه‌رضی‌الله‌عنها که اینک روضۀالنبی‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم و قبه خضراء نامیده می‌شود رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم و خلیفه اول ابوبکر صدیق و خلیفه‌ی دوم عمر فاروق آرمیده‌اند.

در روایتی رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: (عن ابن عمررضی‌الله‌عنه انّ رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم خرج ذات یوم فدخل المسجد و ابوبکر و عمر احدهما عن یمینه والآخر عن شماله و هو آخذ بایدیهما و قال هکذا نبعث یوم القیامۀ)[۳۸۲]

روزی از روزها رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم از حجره‌ی شریفه ـ خارج و وارد مسجد شد درحالیکه حضرت ابوبکررضی‌الله‌عنه و حضرت عمررضی‌الله‌عنه یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ وی قرار داشت و آنحضرت‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستهای آندو را گرفته بود فرمود: «ما اینچنین در روز قیامت محشور خواهیم شد.»

می‌توان گفت که رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم قبلا و در زمان حیات خود تلویحاً اشاره فرمودند که آن سه نفر در یک مکان به خاک سپرده خواهند شد چون در صورتی می‌توانند اینچنین دست بدست هم داده باشند که در کنارهم باشند و چنین شد.

در روایت دیگری رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: (انا اول من تنشق عنه الارض، ثم ابوبکر ثم عمر

---

۳۸۲. تحفۀالاحوذی شرح ترمذی ۳۵۱/۰۱ ترمذی حدیث شماره ۸۷۶۳.

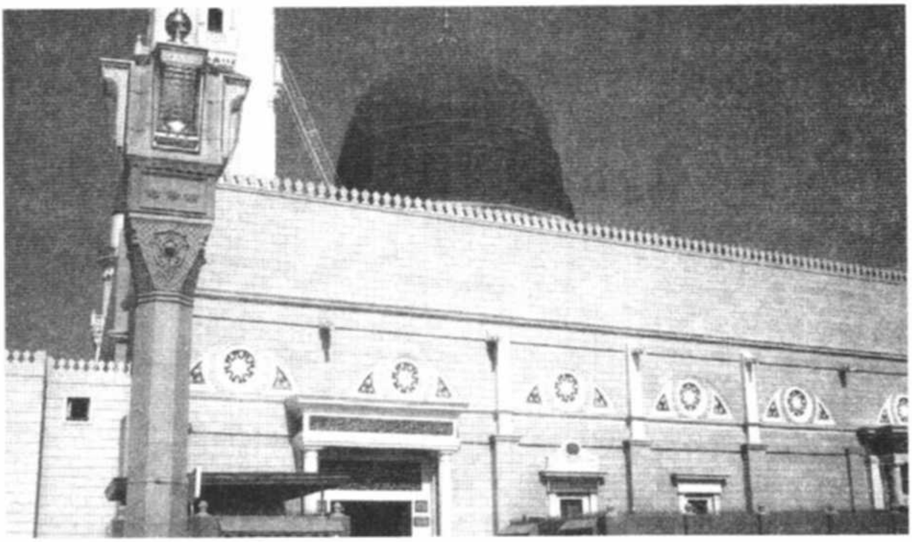
ثمّ آتی اهل البقیع فیحشرون معی ثم انتظر اهل مکه فأحشر بین الحرمین)[۳۸۳]

آداب زیارت مسجد نبوی شریف

زائر عزیز! اینک که به مدینه‌ی منوره آمده‌ای، تنها هدف از آمدن به مدینه منوره زیارت مسجد نبوی شریف و عرض سلام به محضر مبارک رسول‌الله ﷺ و ابوبکر صدیق و عمر فاروق و اهل بقیع، و مشاهده تاریخ اسلام است که در کلیه‌ی زوایای مدینه‌ی منوره بخشی از آن نهفته است.

بدان که زیارت مسجد نبوی شریف و یا عرض سلام بر رسول‌الله ﷺ جزء مراسم حج نیست. بلکه سازمان حج و زیارت این فرصت را برای شما زائران فراهم نموده تا در این سفر مبارک از این فیض بزرگ محروم نمانید.

بنابراین سعی کنید وقت را غنیمت شمارید و نمازهای جماعت را در مسجد نبوی شریف و عرض سلام را بر رسول‌الله ﷺ و دو خلفه‌اش ابوبکر و عمر رضی الله عنهما که در جوارش



آرمیده‌اند از دست ندهید. حال برای رفتن به مسجد نبوی و عرض سلام آداب زیرا را رعایت کن :

۱ ـ سعی کن در هتل غسل کنی و اگر امکان غسل نبود وضو کفایت می‌کند؛

۲ ـ بهترین لباس خود را بپوش و خود را معطر کن؛

۳۸۳. ترمذی ۲۲۶/۵.

۳ ـ اگر میسر است و امکان دارد از باب جبرائیل وارد شو و از هر دری که وارد شدی اشکالی ندارد؛

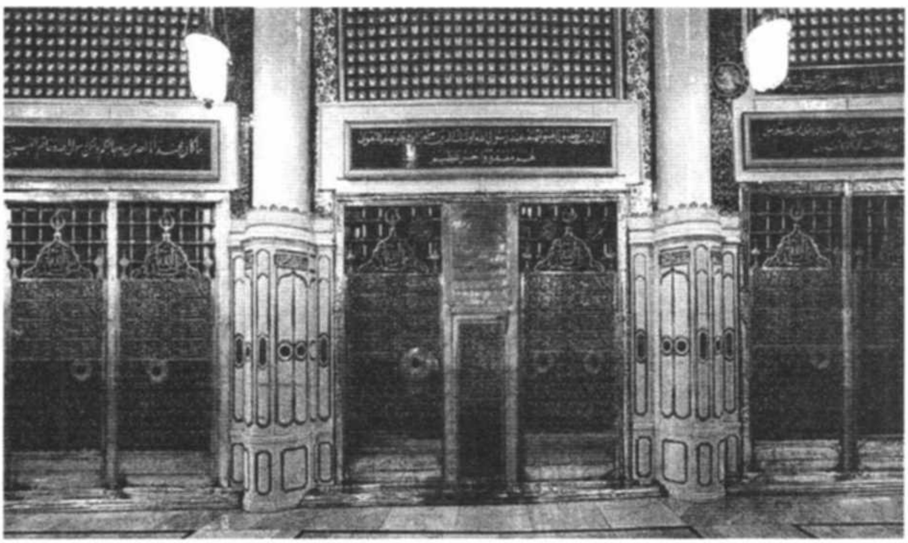
۴ ـ هنگام واردشدن پای راست را مقدم کن؛

۵ ـ و هنگام ورود بگو: (اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّم عَلىَ مُحَمَّد اللَّهِمَّ افتح لي اَبوَابَ رَحمَتِکَ)؛

۶ ـ پس از وارد شدن اگر میسر است و ممکن، تحیةالمسجد را در ریاض الجنة ـ که قبلا توضیح داده شده ـ بخوان و اگر امکانش نیست و ازدحام هست که معمولا هست نماز تحیةالمسجد را در هر گوشه‌ای در بارگاه الله تبارک و تعالی بجا بیاور پس از آن آماده شو برای عرض سلام.

آداب و کیفیت عرض سلام بر رسول‌اللهﷺ و ابوبکر صدیقﷺ و عمر فاروقﷺ

زائر عزیز! قبل از آنکه آداب و کیفیت عرض سلام بر رسول‌اللهﷺ را ذکر کنم می‌خواهم



به چند نکته‌ی مهم و اساسی توجه کنی!

بدانکه به اجماع علمای اسلام با فضیلترین قطعه‌ی کره‌ی زمین آن قطعه‌ای است که جسم مبارک رسول‌اللهﷺ را دربرگرفته است حتی از خانه‌ی کعبه نیز افضل است[۳۸۴].

بدانکه الله تبارک و تعالی آداب زیارت رسول‌اللهﷺ را به مسلمین آموزش داده و اعلام کرده که اگر برخلاف این آموزه‌ها کاری صورت پذیرد نه تنها ثواب و مزدی در کار

۳۸۴. الدّرالثمین فی معالم دارالرسول الامین ص ۲۱.

نخواهد بود که عامل آن گناهکار هم می‌شود. گناهکار که چه عرض کنم، الله تبارک و تعالی فرموده اعمالش بر باد خواهد رفت، پس هوشیار باش و مواظب، تا عمل نادرستی از تو سر نزند.

حال گوش کن که الله تبارک و تعالی چه می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرْفَعُوٓاْ أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُواْ لَهُۥ بِٱلْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۝٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَٰتَهُمْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمْتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝٣﴾ (حجرات: ۲ و ۳)

«ای مسلمانان بلند مکنید صداهایتان بالای صدای رسول‌الله و با او بلند سخن نگویید آنگونه که بعضی از شما با بعضی دیگر سخن می‌گوید. تا آنکه اعمالتان نابود نشود ـ و حالانکه ـ شما خبر ندارید (یعنی اگر نزد او صدایتان را بلند کنید اعمال شما بر باد می‌رود و متأسفانه شما از این موضوع خبر ندارید اما حالا که به شما خبر داده شده دیگر آگاه هستید و هرگز مرتکب چنین عملی نشوید) قطعاً کسانیکه صدایشان را نزدیک رسول‌الله ﷺ پست و پایین می‌کنند، آنها کسانی هستند که الله تبارک و تعالی دلهایشان را برای تقوی آزموده است ـ یعنی آنها متقی هستند ـ برای آنان آمرزش و ثواب و پاداش بزرگ هست.»

زائر عزیز! امیدوارم خسته نشده باشی، چون قصد ما و شما بر این است که بیشترین بهره را از این سفر ببریم، پس به حادثه‌ای که بعد از نزول این آیات در زمان رسول‌الله ﷺ اتفاق افتاده گوش کن تا مطلب بهتر روشن شود.

ثابت بت قیس رضی الله عنه یکی از اصحاب رسول‌الله ﷺ صدایی بس بلند داشت بعد از اینکه این آیات نازل شدند، او پنداشت که این آیات درباره‌ی او نازل شده‌اند چون او هر وقت با رسول‌الله ﷺ صحبت می‌کرد هرچقدر صدایش را پایین می‌آورد باز صدایش از آنحضرت ﷺ بلندتر بود. به همین خاطر چنین تصوری در ذهنش خطور کرد.

بعد از نزول آیات او در خانه‌ی خود نشست و یکریز گریه می‌کرد از ترس اینکه مبادا اعمالش از بین رفته باشد، و هنگام نماز می‌آمد و در آخرین صفهای جماعت نماز می‌خواند و روز به خانه باز می‌گشت، پس از چند روز، رسول‌الله ﷺ که او را ندید از حالش جویا شد که ثابت‌بن قیس کجاست؟ جریان را به عرض رسول‌الله ﷺ رساندند و آنحضرت فرمود او را حاضر کنید. وقتی که حاضر کرده شد، به رسول‌الله ﷺ گفتند که

او می‌پندارد این آیه در مورد او نازل شده است و رسول‌الله ﷺ به او اطمینان داد که او از آن کسانی نیست که بخاطر صدای بلندشان اعمالشان نابود می‌شود و به او دلداری داد و به او مژده داد که او از اهل جنّت است و او از آنهایی است که خداوند دلهایشان را بخاطر تقوی آزموده است.[۳۸۵]

آری برادر! پس ما باید سخت مواظب باشیم، چون این حکم در زندگی رسول‌الله ﷺ همچنان پس از وفات وی کاملا پابرجاست حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمودند: (لا ینبغی رفع صوتٍ علی نبیٍ حیاً و لا متیاً)[۳۸۶]

«شایسته نیست که بر پیامبری صدا بلند کرده شود چه در زمان حیاتش چه در زمان وفاتش.»

و هرگاه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که پس از دفن آن بزرگواران در گوشه حجره زندگی می‌کرد) صدای میخی را می‌شنید که به دیوار کوبیده می‌شد بلافاصله اعلام می‌کرد که با این کارهایتان رسول‌الله ﷺ اذیت نکنید.[۳۸۷]

حضرت علی رضی الله عنه هرگاه می‌خواست چارچوب خانه‌اش را درست کند آن را از آن محدوده بیرون می‌برد و دور از آنجا به درست‌کردن و تعمیر آن می‌پرداخت.[۳۸۸]

پس زائر عزیز! آنچه که امروزه بعضی از جهال انجام می‌دهند و ساعتها در کنار روضه‌ی شریف می‌ایستند و باعث ازدحام می‌شوند و بعضی صدایشان را بلند می‌کنند سخت خطرناک است و باید از آن دوری جست.

آنچه که مسنون است عرض سلام بر رسول‌الله ﷺ و بر ابوبکرصدیق و بر عمر فاروق است و آنهم به صورتی مختصر.

حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه هرگاه برای عرض سلام می‌آمد می‌گفت (السَّلامُ عَلَیکَ یَا رَسُولَ‌الله، السَّلامُ عَلَیکَ یَا اَبَابَکرِ السَّلامُ عَلَیکَ یا اَبَتَاهُ)[۳۸۹]

از امام ابوحنیفه«ره» روایت شده که فرمودند بگوید: (السَّلاَمُ عَلَیکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحمَةُ الله وَ بَرَکَاتُهُ)[۳۹۰].

---

۳۸۵. تفسیر قرطبی تفسیر روح المعانی اسباب النزول.

۳۸۶و ۳. الدارلثمین ص ۲۷.

۳۸۷

۳۸۸. الدرالثمین ص ۲۷.

۳۸۹. القری ص ۸۷۶ ـ اعلاءالسنن ۸۰۵/۰۱ شماره حدیث ۹۵۰۳.

۳۹۰. اعلاءالسنن ۰۱۵/۰۱ / ۰۶۰۳.

و از آنجا می‌رفت پس ما نیز باید به آنان تأسی جوییم که موفقیت ما در اقتداکردن به رسول‌الله و اصحاب کرامش هست حال به کیفیت و آداب عرض سلام دقت کن و با مردمیکه از طرف باب‌السلام به طرف باب بقیع در حرکتند همراه شو.

هنگامیکه در مقابل قبر مبارک رسول‌الله رسیدی معمولا بالا نوشته شده (السلام علی رسول‌الله) در اینجا سلام عرض کن. بهتر است همچون عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه به السلام علیک یا رسول‌الله اکتفا کنی و اگر اندکی اضافه گفتی همچون جملات زیر ایرادی ندارد. (السَّلاَمُ عَلَیکَ یَا نَبِیَّ‌الله، السَّلاَمُ عَلَیکَ یا خیرَةَالله من خَلقه السَّلاَمُ عَلَیکَ یَا سَیِّدالمُرسَلِینَ وَ اِمَامَ المُتَّقِینَ، أَشهَدُ أَنَّکَ قَد بَلَّغتَ الرسالةَ وَ اَدَّیتَ الاَمَانَةَ وَ نَصَحتَ الأُمَّةَ وَ جَاهَدتَ فِی الله حَقَّ جِهَادِه)[۳۹۱]

و سلام[۳۹۲] های دیگری که در بعضی از کتب مذکور است البته باید مواظب بود که ایستادن طولانی ما موجب ازدحام و بلندشدن سروصدا نباشد.

ابلاغ سلام دیگران[۳۹۳]

پس از آن اگر چنانچه کس دیگری با شما سلام فرستاده و گفته که سلام مرا به رسول‌الله صلی الله علیه و سلم برسانید حتماً این کار را بکنید و بگوئید: السَّلاَمُ عَلَیکَ یَا رَسُولَ‌الله مِن فُلاَن بن فُلاَنُ. یا بگو: فُلاَنِ بنُ فُلاَنِ یُسَلِّمُ عَلَیکَ یَا رَسُولَ‌الله یا همانند این عبارات.[۳۹۴] و اگر دعای عربی نمی‌دانید به زبان خودتان دعا کنید و سلام بدهید.

سلام بر سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه

پس از آنکه بر رسول‌الله صلی الله علیه و سلم سلام کردی اندکی به طرف راست یعنی به سمت باب البقیع که روبروی توست برو وقتی که رفتی در مقابل ابوبکر صدیق قرار خواهی گرفت که بالا نوشته شده (السلام علی ابی‌بکر) در اینجا بر ابوبکر صدیق رضی الله عنه سلام می‌کنی، بازهم بهتر آن است که بر حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه اقتدا کرد و گفت السلام‌علیک یا ابابکر.

---

۳۹۱. الایضاح و التحقیق ص ۰۹.

۳۹۲. حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ما من احدِ سلّم علیّ الّا ردّ الله علیّ روحی حتی اردّ علیه السلام» رواهابوداود.

۳۹۳. عن عمربن العزیز ۲ انه کان یبرد البرید من الشام یقول: سلّم لی علی رسول‌الله صلی الله علیه و سلم ذکره عنهاالامام ابوبکربن عمروبن عاصم النبیل فی مناسکه والتزم له الثبوت. اعلاءالسنن ۶۰۵/۰۱.

۳۹۴. القری ص ۹۷۶ ـ اعلاءالسنن ۰۱۵/۰۱.

ولی اگر همچون جملات زیر را گفتی ایرادی ندارد.

(السَّلاَمُ عَلَیکَ یَا اَبَابَکرٍ الصِّدّیق صَاحِبِ رَسُولِ‌الله فِی الغارِ السَّلاَمُ عَلَیکَ یَا رَفیقَ رَسُولِ الله فِی الاَسفَارِ...)

و سلامهای دیگری که در بعضی از کتب مذکور است البته به شرط آنکه توقف ما موجب ازدحام و بلندشدن سروصدا نباشد.

سلام بر سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه

پس از آن باز اندکی به سمت راست می‌آیی و در مقابل عمر فاروق قرار می‌گیری که معمولا بالا نوشته شده (السلام علی‌عمر رضی الله عنه) و در اینجا بر حضرت عمر رضی الله عنه سلام می‌کنی.

البته باز یادآوری می‌شود که اگر بر سلام حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه اکتفا کنیم بهتر است که می‌گفت «السلام علیک یا ابتاه» یعنی سلام بر تو ای پدرم و ما باید بگوئیم «السلام علیک یا عمرالفاروق» و اگر چنانچه جملاتی همچون جملات زیر را افزودیم بازهم بشرط عدم ازدحام و عدم سروصدا ایرادی ندارد.

(السلام علیک یا امیرالمؤمنین عمربن الخطاب، السَّلاَمُ عَلیکَ یَا مُظهِرَ السَّلاَمِ، السَّلاَم عَلَیکَ یَا نَاطِقاً بِالعَدلِ وَ الصَّوَابِ و...)

پس از آنکه عرض سلام به پایان رسید اگر میخواهی دعا کنی رو به قبله بایست و دعا کن و پس از پایان دعا از «باب البقیع» بدینگونه خارج شو که اول پای چپ خود را بیرون مسجد بگذار و سپس بگو (بِسمِ‌الله الصَّلوةُ والسَّلاَمُ عَلیَ رَسُولِ الله اللَّهُمَّ اِنِّی اَسئَلُک مِن فَضلِکَ).

زائر گرامی!

هرگز از رسول‌الله شفاعت طلب مکن، چون شفاعت مختص الله تبارک و تعالی است، «قل لله الشفاعة جمیعاً» زمر: ۴۴

بلکه بگو: پروردگارا! شفاعت رسول‌الله ﷺ را در روز قیامت نصیب من بگردان و شفاعت او را در مورد من بپذیر.

از انجام کارهای زیر اجتناب کن

بدانکه هدف از زیارت قبور، به یاد آوردن قیامت و دعا برای اموات و آمادگی گرفتن برای این مکان است. بنابراین زیارت قبور بقصد نمازخواندن نزد آنان و حاجت خواستن از آنها و یا طلب شفای بیماریها و... جایز نیست چون خود رسول‌اللهﷺ ما را از اینکارها نهی نموده و الله تبارک و تعالی به ما گفته که از من بخواهید که من اجابت می‌کنم (وَ قَالَ رَبُّكُمُ ادعُونِي أَستَجِب لَكُم) (غافر/۶۰) و فرموده که من خیلی به شما نزدیک هستم ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾﴾ (بقره: ۱۸۶)

بنابراین شایسته نیست که از دستور الله و رسول سرپیچی کنیم و آنهم در کنار روضه‌ی رسول‌اللهﷺ بلکه بهتر آن است که نیازهای خود را از الله تبارک و تعالی بطلبیم که او قادر است و قریب و به اجابت دعاهای ما قدیر.

و همچنین از رسول‌الله شفاعت نخواهیم چون شفاعت مختص ذات الله تبارک و تعالی ﴿قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾.... (زمر: ۴۴)

بلکه بگوییم پروردگارا! شفاعت رسول‌اللهﷺ را در روز قیامت نصیب ما بگردان و شفاعت وی را در حق ما قبول بفرما.

قبل از ورود به مسجد حتماً موبایل خود را خاموش کن.

اعمال زیر را زیاد انجام بده

۱ ـ زائر عزیز! اینک که در شهر مقدس مدینه‌ی منور هستی و در کنار مسجد رسول‌الله ﷺ مسجدی که یک نماز در آن افضل از هزار نماز در جاهای دیگر است (بجز مسجدالحرام که یک نماز در آن افضل از یکصد هزار در جاهای دیگر است) دم را غنیمت شمار و سعی کن تحت هیچ شرایطی نماز جماعت مسجد نبوی را از دست ندهی. که در غیراینصورت (خسرت فی‌الدنیا والآخرة).

۲ ـ سعی کن همیشه در صف اول حاضر باشی چون رسول‌الله ﷺ فرمودند اگر مردم می‌دانستند چه ثواب عظیمی در اذان و صف اول وجود دارد چنان هجوم می‌آوردند که مجبور می‌شدند قرعه‌کشی کنند. (متفق‌علیه)

۳ ـ تا می‌توانی نفل بخوان و به ویژه در ریاض الجنة.

۴ ـ حتماً سعی کن قرآن را حداقل یکبار در مدینه‌ی منوره و بویژه در مسجد شریف ختم کنی.

۵ ـ ذکر بسیار بگو (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذکُرُوا اللهَ ذِکراً کَثِیراً وَ سَبِّحُوهُ بُکرَةً وَ اَصِیلاً).

(اَلَا بِذِکرِ اللهِ تَطمَئِنُّ القُلُوبُ)

۶ ـ هر روز درود شریف بسیار بخوان چون رسول‌الله ﷺ فرمودند: «اگر کسی یک بار بر من درود بفرستد الله تبارک و تعالی ده بار بر او درود می‌فرستد.»

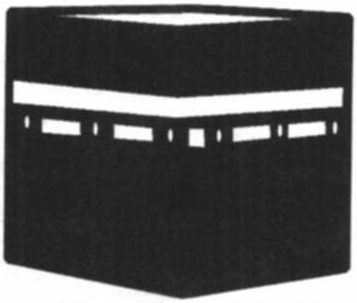
و در روایت دیگری فرمودند: «نزدیکترین مردم به من در روز قیامت کسانی هستند که بیشتر بر من درود می‌فرستند» چه فضیلتی بالاتر از قرب رسول‌الله ﷺ.

۷ ـ سعی کن بر فقرا و نیازمندان کمک کنی و صدقه بسیاربده که فضیلتی بسیار دارد.

۸ ـ و اگر می‌توانی روزه بگیر چون بسیاری از علما را نظر بر این است که هر کار خیری در مدینه‌ی منوره افضل از هزار است.[۳۹۵]

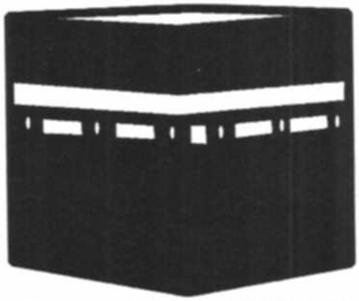
---

۳۹۵. القری ص ۹۷۶.



زائر گرامی!

سخاوت یکی از بارزترین صفات بندگان مؤمن الله تبارک و تعالی است سعی کن خود را بدان متصف نمایی.



زائر گرامی!

استغفار فراوان بگو و از کوتاهیهایی که خدای ناکرده در این سفر، ناخواسته مرتکب شده‌ای، توبه کن.

فهرست منابع

۱ ـ قرآن کریم

۲ ـ الاصابة فی تمییز الصحابة از علامه ابن حجر عسقلانی.

۳ ـ اعلاءالسنن از ظفر احمد عثمانی، ادارةالقرآن و العلوم الاسلامیه، کراچی پاکستان، چاپ سوم ۱۴۱۵.

۴ ـ اسباب النزول علامه جلال‌الدین عبدالرحمن بی‌ابی‌بکر سیوطی. دارانعدادلجدید المنصوره ۲۰۰۲/۱۴۲۳ چاپ اول.

۵ ـ احکام حج از مفتی محمد شفیع ترجمه مولانا غلام محمد سربازی.

۶ ـ احسن الفتاوی از مولانا رشید احمد.

۷ ـ ارشادالساری الی مناسک ملاعلی قاری از حسین بن محمد سعیدعبدالغنی، دارلکتب العلمیه بیروت چاپ اول ۱۹۹۸/۱۴۱۹.

۸ ـ الامّ از محمدبن ادریس الشافعی، دارالفکر بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

۹ ـ بدائع الصنایع از علاءالدین ابوبکربن مسعود کاسانی دارالکتاب العربی بیروت، چاپ دهم ۱۴۰۲.

۱۰ ـ البحرالرائق از شیخ زین‌الدین الشهیر بابن نجیم. مکته رشیدیه کویته پاکستان.

۱۱ ـ بقیع الغرقد از مهندس حاتم عمرطه و دکتر محمد انور بکری. مکتبة الحلبی چاپ اول ۲۰۰۴/۱۴۲۴ مدینه منوره.

۱۲ ـ تاریخ الخلفاء از جلال‌الدین سیوطی.

۱۳ ـ تاریخ مکةالمکرمة قدیماً و حدیثاً از دکتر محمد الیاس عبدالغنی مطابع الرشید المدینه المنوره.

۱۴ ـ تاریخ مکةالمکرمه، اعداد جماعة من العلماء باشراف الشیخ صفی الرحمن المبارکفوری، داراسلام للنشر و التوزیع ریاض ۱۴۲۳.

۱۵ ـ تهذیب الاسماء واللغات از امام نووی.

۱۶ ـ تحفةالاحوذی ـ حافظ محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم مبارکپوری ـ دارالحدیث قاهره چاپ اول ۱۴۲۱.

۱۷ ـ تفسیر ابن کثیر از حافظ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی.

۱۸ ـ تاریخ المدینة المنوره جماعة من العلما باشراف الشیخ صفی الرحمن المبارکفوری، دارالسلام للنشر والتوزیع، ریاض ۱۴۲۳ ه.

۱۹ ـ تفسیر المنار ـ محمد رشید رضا ـ دارالفکر چاپ دوم.

۲۰ ـ تفسیر روح المعانی ـ ابوالفضل شهاب الدین سیدمحمد آلوسی داراحیاء التراث العربی چاپ چهارم ۱۴۰۵.

۲۱ ـ الثقات از ابن حبان.

۲۲ ـ الجامع لاحکام القرآن از محمدبن احمد انصاری قرطبی ـ مکتبة الصفا قاهره چاپ اول ۱۴۲۵/۲۰۰۵.

۲۳ ـ دستورالعلماء از قاضی عبدالنبی بن عبدالرسول مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت چاپ دوم ۱۳۹۵.

۲۴ ـ درس ترمذی از ملانا محمدتقی عثمانی کراچی.

۲۵ ـ الدرالثمین از غالی محمد الامین الشنقیطی، دارالقبلة للثقافة الاسلامیه، جدّه، چاپ سوم ۱۴۱۱-۱۹۹۱.

۲۶ ـ ردالمحتار علی الدرالمختار از محمد امین معروف به ابن‌عابدین ـ دارالفکر.

۲۷ ـ زادالمعاد فی هدی خیرالعباد امام شمس‌الدین محمدبن ابوبکر ابن قیم جوزی، مؤسسةالرسالة للطباعة والنشر.

۲۸ ـ زبدةالمناسک مولانا رشید احمد گنگوهی ــ سیدکپنی کراچی.

۲۹ ـ سبل السلام محمدبن اسماعیل الامیر الصنعانی ـ قاهره.

۳۰ ـ سنن النسایی حافظ ابوعبدالرحمن احمدبن شعیب نسایی مکتب التربیة العربی لدول الخلیج ۱۴۰۸ چاپ اول.

۳۱ ـ سنن الدارمی حافظ عبدالله بن عبدالرحمن داری سمرقندی دارالکتاب العربی بیروت چاپ اول ۱۴۰۷.

۳۲ ـ سنن الترمذی ابوعیس محمدبن عیس ترمذی دارالفکر.

۳۳ ـ سنن ابی‌داود ابا ابوداود سلیمان بن اشعث.

۳۴ ـ سیره ابن کثیر از ابوالغداء حافظ اسماعیل ابن کثیر دمشقی ـ دارالفکر ـ بیروت چاپ اول ۱۹۹۷/۱۴۲۸.

۳۵ ـ سیرةالنبی از اسحاق بن محمد همدانی چاپ اول تهران ۱۳۶۰.

۳۶ ـ سنن ابن ماجه حافظ ابوعبدالله محمدبن یزید قزوینی ـ دارالفکر.

۳۷ ـ سنن الدارقطنی ـ حافظ علی ابن عمر داراحیاء التراث العربی بیروت ۱۴۱۳.

۳۸ ـ شناخت عربستان از علی محمدی آشنایی ـ نشر مشعر چاپ دوم / ۱۳۸۲.

۳۹ ـ شفاءالغرام باخبار البلدالحرام از امام ابوالطیب تقی‌الدین محمدبن احمدبن علی الفاسی المکی المالکی ـ مؤسسة الکتب الثقافیه ـ چاپ دوم ۱۹۹۹.

۴۰ ـ صحیح البخاری از محمدبن اسماعیل بخاری المکتبة العصریه بیروت ۱۴۱۱.

۴۱ ـ صحیح مسلم از امام مسلم دارالدیان للتراث قاهره.

۴۲ ـ صحیح ابن حبان از امیر علاءالدین علی بن بلبان فارسی مؤسسةالرساله چاپ دوم ۱۴۱۸.

۴۳ ـ الفقه الاسلامی و ادلته از دکتر وهبةالزحیلی دارالفکر چاپ سوم ۱۴۰۹.

۴۴ ـ فقه السنه ـ سید سابق ـ دارالکتاب العربی بیروت چاپ هشتم ۱۴۰۷.

۴۵ ـ الفقه علی مذاهب الاربعة از عبدالرحمن الجزیری دارالتقوی للطبع والنشر و التوزیع، مصر.

۴۶ ـ فضایل حج از مولانا محمد زکریا ترجمه مولانا عبدالرحمن محبی.

۴۷ ـ فتاوی عثمانی ـ مفتی تقی عثمانی ـ مکتبة معارف القرآن کراچی.

۴۸ ـ فتح الباری ـ حافظ شهاب‌الدین احمدبن علی بن محمدبن حجر عسقلانی چاپ

چهارم داراحیاء التراث العربی بیروت.

۴۹ـ فتح القدیر شیخ کمال الدین محمدبن عبدالواحد داراحیاء التراث العربی.

۵۰ـ قدوری

۵۱ـ القری لقاصدام القری ـ حافظ ابوالعباس احمدبن عبدالله بن محمدبن ابی بکر محب الدین طبری ـ دارالفکر بیروت چاپ سوم ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

۵۲ـ کعبه و جامه‌ی آن از دکتر محمدالدقن ترجمه دکتر هادی انصاری ـ نشر مشعر، چاپ دوم ۱۳۸۴.

۵۳ـ لبیک اللهم لبیک از سیدمحمدبن علوی مالکی مدینه منوره.

۵۴ـ اللباب فی شرح الکتاب از شیخ عبدالغنی الغنیمی دارالکتاب العربی ـ بیروت ۱۴۲۵ـ ۲۰۰۴.

۵۵ـ مسند احمد از امام احمدبن حنبل «ره».

۵۶ـ معجم المناسک از ابراهیم شعیب مالکی ـ عالم الکتب.

۵۷ـ موسوعةالاعجاز العلمی از یوسف الحاج احمد مکتبه ابن حجر دمشق چاپ اول ۲۰۰۳/۱۴۲۴.

۵۸ـ مستدرک حاکم

۵۹ـ مختصر ابن کثیر ـ هانی الحاج ـ المکتبة التوفیقیه قاهره.

۶۰ـ مصنف ابن ابی‌شیبه از حافظ عبداللهبن محمدبن ابی شیبه دارالفکر بیروت چاپ دوم ۱۴۲۴.

۶۱ـ مؤطا امام مالک از مالک بن انس امام دارالهجر.

۶۲ـ مؤطا امام محمد ـ از امام محمدبن حسن الشیبانی.

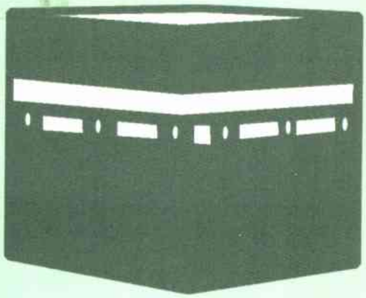
۶۳ـ مسایل و راهنمایی حج از مولانا محمد شفیع، ترجمه حسن بیجارزهی.

۶۴ـ الفقه الحنفی و ادلته از شیخ اسعدمحمد سعید الصاعرجی دارالکلم الطیب بیروت چاپ چهارم ۱۴۲۶/۲۰۰۵.

۶۵ـ همراه با کاروان عمره از عبدالرشید تریز ـ نشر احسان چاپ اول.

۶۶ـ وصف الکعبة المشرفة تاریخها از احمد جاد. دارالغد الجدید المنصوره مصر ـ چاپ اول ۲۰۰۵/۱۴۲۶.

التمـاس دعا



قطعاً نخستین خانه‌ای که برای مردم بنیانگذاری شده، خانه ایست که در مکه قرار دارد با برکت و مایه‌ی هدایت جهانیان است در آن نشانه‌های روشنی است (من جمله) مقام ابراهیم و هر کس که وارد آن شود در امان است و خداوند حج خانه‌ی کعبه را بر کسانی از مردم که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند واجب گردانده است و هر کسی که کفر ورزد پس خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

(آل عمران: ۹۷-۹۶)

نشر احسان

9 789643 567729

فخرالدینی